

صاحب امتیاز: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

مدیرمسئول: سیداحمد رهنمایی

سر دبیر: ابوالفضل ساجدی

دبیر گروه اقتصاد: مهدی خطیبی

مدیر اجرایی: روح‌الله فریس آبادی

ناظر چاپ: حمید خانی

چاپ: زمزم

بر اساس مجوز شماره ۳/۶۷۷۶ مورخ ۱۳۸۶/۸/۱۴ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) این نشریه از شماره ۱۱۸ موفق به دریافت درجه «علمی - ترویجی» گردید.

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبای نام گروه)

حجت‌الاسلام دکتر سیداکبر حسینی (ادیان) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - دانشیار

دکتر محسن خندان «الویری» (تاریخ) - دانشگاه باقرالعلوم - استاد

آیت‌الله استاد محمود رجبی (تفسیر و علوم قرآنی) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - استاد

حجت‌الاسلام دکتر محمد فولادی‌وندا (جامعه‌شناسی) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - دانشیار

دکتر عباسعلی کدخدایی (حقوق) - دانشگاه تهران - استاد

دکتر محمدکریم خداپناهی (روان‌شناسی) - دانشگاه شهید بهشتی - استاد

حجت‌الاسلام دکتر علیرضا کرمانی (عرفان) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - دانشیار

حجت‌الاسلام دکتر عباسعلی شاملی (علوم تربیتی) - جامعه المصطفی العالمیه - دانشیار

دکتر محمد فنائی اشکوری (فلسفه) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - استاد

حجت‌الاسلام دکتر ابوالفضل ساجدی (کلام) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - استاد

مقالات این نشریه در sid.ir; isc.gov.ir; magiran.com; noormags.ir قابل دسترسی می‌باشد.

نشانی: قم - بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، طبقه چهارم - شماره ۳۳

ص. پ: ۱۸۶-۳۷۱۶۵ تلفن: (تحریریه) ۳۲۱۱۳۴۶۸ - (مشترکان) ۳۲۱۱۳۴۸۲ - دورنگار: ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵)

رایانامه: marifat@qabas.net اینترنت: www.nashriyat.ir

وبگاه: nashriyat.ir/SendArticle شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۰-۸۳۸۳

اهداف و چشم‌انداز

نقش حوزه‌های علمیه و عالمان و پژوهشگران حوزه دین در جنبش نرم‌افزاری و حرکت فکری و روند تمدن‌سازی نقشی سترگ است و طرح انظار متفکران اسلامی در حوزه‌های مختلف علوم، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی، ضرورتی انکارناپذیر در عصر حاضر است. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برقراری نظام جمهوری اسلامی، نقش و حضور عالمان و اندیشمندان حوزوی در عرصه تحولات فرهنگی داخلی و خارجی پررنگ‌تر و محسوس‌تر شد. بی‌تردید استمرار و بقای این نظام مقدس نیازمند حضور علمی و عینی محققان و صاحب‌نظران معارف اسلامی در ساحت‌های گوناگون فرهنگی و تمدنی است. انتشار مجله علمی «معرفت» در راستای ارتقای پژوهش و آموزش معارف اسلامی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی است و زمینه‌سازی علمی و فرهنگی برای تحقق مدینه فاضله اسلامی و عینیت یافتن آرمان‌ها و ارزش‌های دینی در جامعه بشری را تعقیب می‌کند.

اهداف

۱. تبیین و نشر معارف دینی در حوزه‌های علوم انسانی و ایجاد زمینه برای اسلامی‌سازی علوم؛
۲. صیانت و پاسداری از مبانی و آموزه‌های دینی؛
۳. ایجاد فضایی مناسب برای تضارب آراء و رشد علمی پژوهشگران حوزه و دانشگاه در زمینه علوم اسلامی و انسانی؛
۴. گسترش و تقویت ارتباط علمی میان حوزه و دانشگاه؛
۵. معرفی و نقد آثار، آراء و نظریات علمی و تحقیقاتی در زمینه علوم انسانی و معارف دینی؛
۶. پاسخ‌گویی به شبهات در زمینه علوم و معارف اسلامی.

ضمن استقبال از دستاورد تفکرات و تأملات دین‌پژوهی، پیشنهادها و انتقادهای شما را در مسیر کمال و بالندگی نشریه پذیراییم. خواهشمندیم مقالات خود را از طریق تارنمای نشریه: <http://nashriyat.ir/SendArticle> ارسال فرمایید. **اشتراک:** قیمت هر شماره مجله، ۷۰۰۰۰ تومان، و اشتراک ۱۲ شماره آن در یک سال، ۸۴۰/۰۰۰ تومان است. در صورت تمایل، وجه اشتراک را به حساب شبای **IR910600520701102933448010** بانک مهر ایران، واریز، اصل فیش بانکی یا تصویر آن را همراه با برگ اشتراک به دفتر مجله ارسال نمایید.

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

الف) شرایط عمومی

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.

۲. مقالات خود را در محیط WORD با پسوند Doc از طریق تارنمای نشریه به <http://nashriyat.ir/SendArticle> ارسال نمایید.

۳. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جداً خودداری شود.

۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.

۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.

۶. از ارسال مقالات ترجمه شده خودداری شود. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشر شده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقتضیات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تألیفی بر این‌گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

ب) نحوه تنظیم مقالات

مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.

۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله (در صورت امکان به همراه چکیده انگلیسی) حداکثر ۱۵۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آن‌ها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خودداری گردد.

۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.

۳. مقدمه: در مقدمه مقاله، مسئله تعریف، به پیشینه پژوهش اشاره، ضرورت و اهمیت پژوهش طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله براساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.

۴. بدنه اصلی: در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، یکی از شرایط زیر لازم است:

الف - ارائه‌کننده نظریه و یافته جدید علمی؛

ب - ارائه‌کننده تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛

ج - ارائه‌کننده استدلال جدید برای یک نظریه؛

د - ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.

۵. نتیجه‌گیری: نتیجه بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.

۶. فهرست منابع: اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق (اعم از فارسی، عربی، و لاتین) در انتهای مقاله براساس شیوه زیر آورده می‌شود:

نام خانوادگی، نام نویسنده، سال نشر، نام کتاب، ترجمه یا تحقیق، نوبت چاپ (بجز چاپ اول)، محل نشر، ناشر.

نام خانوادگی، نام نویسنده، سال نشر، «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.

۷. آدرس‌دهی باید بین متنی باشد (نام خانوادگی نویسنده، سال نشر، شماره جلد، شماره صفحه).

ج). یادآوری

۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.

۲. مجله حداکثر پس از ۴ الی ۶ ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.

۳. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.

۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.

۵. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، ... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.

در این شماره می خوانید

ارکان ایمان (محبت) / ۵

آیت الله علامه محمدتقی مصباح یزدی رحمته الله علیه

ویژه اقتصاد

شهرید صدر بنیان گذار اقتصاد اسلامی؛ بررسی جایگاه شهید سیدمحمدباقر صدر در تاریخ اندیشه اقتصاد اسلامی / ۹

محمدجواد توکلی

مبانی نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی / ۲۱

محمد بیدار برچین علیا / نصرالله انصاری

نقش معنویت و اخلاق در الگوی اسلامی تعلیم و تربیت اقتصادی / ۳۳

محمدجواد توکلی

بررسی علل عدم موفقیت نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران در جلب اعتماد عمومی نسبت به حذف ربا / ۴۹

مهدی خطیبی

بررسی آثار تربیتی فریضه زکات در اخلاق اقتصادی / ۶۱

یعقوب جمالی

دین و ثروت: پارامترهای نظام اقتصاد اسلامی در رفع فقر و توزیع و تولید عادلانه ثروت / ۷۱

سعید محمدیگی

موانع رشد تولید از دیدگاه اسلام / ۸۳

سمیه یوسفی

بررسی مبانی نظری مؤلفه های اقتصاد مقاومتی با تأکید بر کلام امیرمؤمنان علی رضی الله عنه / ۹۳

سیدحامد عنوانی / سیدمحمد مرتضوی / وحیده فخار نوغانی

۱۰۵ / ABSTRACTS

ارکان ایمان (محبت)*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح یزدی رحمته

چکیده

علم و معرفت شرط لازم ایمان است؛ بدون علم، ایمان به دست نمی‌آید. افزون بر علم، ایمان نیازمند محبت و کشش درونی است. از منظر قرآن کریم ایمان امری فطری است و انسان با امور ناسازگار با فطرت خود، نمی‌تواند به خدا ایمان آورد و تسلیم اوامر و نواهی او شود. بنابراین، ایمان بدون محبت حاصل نمی‌شود و لذا مؤمنان بیشترین محبت را به خالق هستی دارند. ایمان دارای مراتبی است. محکم‌ترین دستگیره ایمان این است که حب و بغض‌ها فقط برای خدا باشد نه برای منافع شخصی. این مقاله شرحی است بر ارکان ایمان، به‌ویژه محبت از سوی استاد فقید علامه مصباح یزدی.

کلیدواژه‌ها: ایمان، محبت، مراتب ایمان.

نیازمندی ایمان به محبت

علم و معرفت شرط لازم ایمان است، اما کافی نیست. با این حال، ایمان بدون علم حاصل نمی‌شود؛ زیرا ایمان علاوه بر علم و معرفت، نیازمند رکن دیگری به نام محبت است.

درباره ماجرای حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن، در روایات آمده است که پدر آن حضرت برای نجات از شر نمرودیان، ایشان را به غاری برده بود و تا مدت‌ها در آن غار زندگی می‌کردند. به‌طور طبیعی زمینه‌ای برای مطالعه درباره آسمان و ماه و ستاره‌ها برای حضرت ابراهیم علیه السلام فراهم نبوده است. قرآن می‌فرماید حضرت ابراهیم علیه السلام شبی ستاره‌ای در آسمان دید و گفت: هذا ربی! اما پس از اینکه آن ستاره ناپدید شد، گفت: من غروب‌کنندگان را دوست ندارم: «قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ» (انعام: ۷۶). سپس در ادامه با دیدن ماه و خورشید نیز همین استدلال را بیان کرد: «فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ» (انعام: ۷۷-۷۸). نکته‌ای که در این آیات جلب توجه می‌کند، این است که حضرت ابراهیم علیه السلام با این استدلال که «آنچه زوال‌پذیر و نابودشدنی باشد، پرستیدنی نیست» فرمود: «من غروب‌کنندگان را دوست ندارم»، و در نتیجه ربوبیت را از ستاره، ماه و خورشید نفی کرد.

برخی معتقدند سخنان حضرت ابراهیم علیه السلام برای تعلیم و تربیت دیگران بوده است؛ زیرا ایشان به ربوبیت الهی ایمان داشته‌اند. یکی از وجوهی که می‌توان در این باره گفت، این است که ایمان افزون بر علم، نیازمند کشش (محبت) است. برای اینکه انسان به خدا ایمان پیدا کند و خود را تسلیم او کند و اوامر و نواهی او را گردن نهد، لازم است در درونش کشش و محبتی به خدا ایجاد شود، و چون انسان بی‌جهت کسی را دوست نمی‌دارد، این محبت می‌باید بر مبنای دلیل و برهان شکل گیرد.

خداوند برای دستیابی بندگان به کمال، وسایل مختلفی را در اختیار آنها قرار داده است. بدیهی است انسان با چیزی که با فطرت او سازگار نیست، نمی‌تواند نسبت به خدا شناخت پیدا کند، و به او ایمان بیاورد، تسلیم اوامر و نواهی او شود و یا اینکه خواسته‌های خودش را فدای خواسته‌های او کند. بلکه نیازمند چیزی فراتر از اینها، به نام محبت است. متعلق محبت نایستی مانند ستاره و ماه و خورشید غروب‌کردنی و زایل‌شدنی باشد. لازمه محبت آن است که محبوب وضع ثابت و قابل اعتمادی داشته باشد. به همین جهت انسان به کسانی که هر روز

به رنگی درمی‌آیند یا دم‌دمی مزاج‌اند، دل نمی‌بندد. حاصل آنکه، ایمان بدون محبت محقق نمی‌شود. در آیه ۱۶۵ سوره «بقره»، خداوند از کفار و مشرکانی سخن می‌گوید که بت‌ها و ارباب انواع را می‌پرستیدند و به آنها عشق می‌ورزیدند. سپس می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»؛ مؤمنان شدیدترین محبت را به الله دارند. چنین ایمانی است که موجب اطاعت محض از خداوند خواهد شد؛ یعنی همان عبادتی که انسان برای آن خلق شده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶). این عبادت در صورتی تحقق می‌یابد که انسان مطیع او باشد، و چنین اطاعتی فقط با اعتماد امکان‌پذیر است. بدیهی است که آنچه هر لحظه در حال افول و غروب است، درخور اعتماد نیست. به همین جهت، مؤمنان بیشترین محبت را به خداوند دارند. این حقیقت بر قاعده‌ای عقلانی متکی است؛ زیرا مؤمنان به کسی شناخت و معرفت پیدا می‌کنند که اولاً به لحاظ استدلال عقلی وجودش با برهان قطعی ثابت می‌شود؛ ثانیاً جاذبه او به خاطر کمالات بی‌نهایتی است که دارد، و با هیچ موجودی قابل مقایسه نیست. به همین سبب، شدیدترین محبت مخصوص کسی است که کامل‌ترین کمالات را دارد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «لَوْ أَنَّ الْعِبَادَ وَصَفُوا الْحَقَّ وَعَمِلُوا بِهِ وَلَمْ يَعْقِدْ قُلُوبُهُمْ عَلَى أَنَّهُ الْحَقُّ مَا اتَّفَعُوا» (مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۶۵ ص ۲۸۱)؛ اگر انسان‌ها حق را بیان، و به آن عمل کنند، اما دل‌بستگی (محبت) خاصی به حق نداشته باشند، برای آنها نفعی ندارد.

مراتب محبت

محبت نیز همانند معرفت، مراتبی دارد و هر مرتبه‌اش با مرتبه قبل آن متفاوت است. این تفاوت در دوستی‌های عادی نیز قابل مشاهده است. گاهی علاقه انسان به کسی به‌گونه‌ای است که با یک اشاره او، آنچه را دوست دارد، برایش فراهم می‌کند.

پایین‌ترین مرتبه ایمان از آن کسی است که فقط سعی می‌کند مرتکب گناه نشود. در مرتبه بعد، انسان از شبهات نیز اجتناب می‌کند. بالاتر از آن، مرتبه‌ای است که انسان مؤمن از مکروهات نیز می‌پرهیزد، و این مراتب ادامه دارد تا اینکه به عالی‌ترین مرتبه ایمان می‌رسد. در این مرتبه، انسان منتظر امر، تشویق یا تهدید خدای متعال نیست؛ بلکه به محض اینکه پی می‌برد انجام کاری مطلوب محبوب اوست و خدا آن را دوست دارد، انجامش می‌دهد. با این

پاسخ‌ها فرمودند: «همه آنچه گفتید، مطالب خوبی بود؛ اما پاسخ من اینها نبود. محکم‌ترین دستگیره ایمان آن است که انسان اگر کسی را دوست می‌دارد، به خاطر خدا دوست بدارد و اگر با کسی دشمنی می‌ورزد، دشمنی‌اش به خاطر خدا باشد و حب و بغض‌ها براساس منافع فردی نباشد.

مؤمنان شدیدترین محبت را نسبت به خدا و نیز نسبت به کسانی دارند که خداوند آنها را دوست می‌دارد؛ و در عالم، کسی به اندازه اهل بیت علیهم‌السلام به خداوند قربت و انتساب ندارد و هیچ‌کس به اندازه آنان «ذوب در خدا»، و به تعبیر عرفا، «فانی در خدا» نیست. به همین سبب، مؤمنان که محب راستین خدایند، عاشق اهل بیت علیهم‌السلام نیز هستند و در مقابل آنها، خود را فراموش می‌کنند.

این تعبیرات، حقیقتی را که انسان در نهایت محبت درک می‌کند و به آن می‌رسد را بازگو می‌کند؛ به‌گونه‌ای که گویی در مقابل محبوب، خود را نمی‌بیند و خواسته‌ای ندارد. صبحگاهان پس از برخاستن از بستر، اولین چیزی که ذهنش را مشغول می‌کند، تشکر از خدا به خاطر حیات مجدد است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (طوسی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۲۷؛ طباطبائی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۰، ح ۱۵۶)؛ زیرا به عقیده او، خواب همانند مرگ است که اگر ادامه یابد، با مرگ مساوی است: «اللَّهُ يُتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا» (زمر: ۴۲)؛ و درواقع این بیداری، نعمت جدیدی است که خداوند به ایشان بخشیده است. در نتیجه باید بیش از همه او را دوست داشت و شکر او را به‌جای آورد.

منابع

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۹، *سنن النبی (آداب و سنن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)*، ترجمه حسین استادولی، تهران، پیام آزادی.
 طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۸ق، *مصباح‌المتهجد*، تصحیح و اشراف حسین اعلی، بیروت، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.
 کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 مجلسی، محمدباقر، ۱۴۱۱ق، *بحارالانوار*، تحقیق و تعلیق محمدباقر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حال، آغاز همه این مراتب ایمان، پس از معرفت و علم، کشش (محبت) است که می‌باید نسبت به محبوب پدید آید. سپس هریک از مراتب و درجات ایمان، محبت را تشدید می‌کنند.

محبت به متعلقات محبوب

نکته دیگر اینکه اگر انسان کسی را دوست داشته باشد، متعلقات او را نیز دوست خواهد داشت. هرچه این متعلقات به محبوب نزدیک‌تر و به او شبیه‌تر باشند، محبت به آنها افزون خواهد شد. بنابراین تنها محبت به خود محبوب برای ایمان کافی نیست و محب باید متعلقات محبوب را نیز که به او انتساب دارند، دوست بدارد.

البته جایگاه اصلی محبت، برای خداست و سایر محبت‌ها شعاعی از این محبت‌اند و در غیر این صورت، شرک خواهد بود. محبت فرزند به والدین یا محبت والدین به فرزند به سبب آن است که فرمان خداست؛ زیرا این محبت از سوی خداوند در دل آنها قرار داده شده است تا درست تربیت شوند. حتی محبت خاص بین زن و شوهر برای آن است که در سایه لطف الهی سالم‌تر زندگی کنند و هدف دین و هدف تکامل انسان بهتر محقق شود: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱).

یکی از واژه‌هایی که در روایات در کنار ایمان آمده، واژه «عروه» (دستگیره) است. این تعبیر در ادبیات ما تا حدودی ناآشناست. عروه در قرآن کریم نیز به کار رفته است: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنَ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» (بقره: ۲۵۶). در روایات آمده است که ایمان عروه‌ها و دستگیره‌هایی دارد که بعضی از آنها اطمینان‌بخش‌ترند.

چنین تعبیری این معنا را به‌ذهن می‌آورد که ممکن است بعضی از این دستگیره‌ها سست و قابل شکستن باشند. در روایت آمده است که روزی اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در محضر ایشان نشستند و حضرت پرسیدند: «ای عری‌الایمان اوثق؟ قالوا: الله ورسوله أعلم، وقال بعضهم الصلاة، وقال بعضهم الزكاة، وقال بعضهم الصيام، وقال بعضهم الحج والعمرة، وقال بعضهم الجهاد؛ قال صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: ولكن اوثق عری‌الایمان الحب فی الله والبغض فی الله» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۲۶)؛ کدام‌یک از دستگیره‌های ایمان محکم‌تر و قابل اعتمادترند؟ برخی از اصحاب پاسخ دادند: ما نمی‌دانیم. خدا و رسولش دانان‌ترند. افرادی نیز در پاسخ مواردی را ذکر کردند: برخی نماز راه، عده‌ای زکات راه، بعضی دیگر روزه راه، شماری از آنها حج و عمره راه و سرانجام تعدادی از اصحاب جهاد را قابل اعتمادترین دستگیره دانستند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از شنیدن

نوع مقاله: ترویجی

شهید صدر بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی؛ بررسی جایگاه شهید سیدمحمدباقر صدر در تاریخ اندیشه اقتصاد اسلامی

محمدجواد توکلی / دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

tavakoli@iki.ac.ir  orcid.org/0000-0002-8184-8163

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

چکیده

در دهه‌های اخیر، مباحثی پیرامون پایه‌گذار اقتصاد اسلامی مطرح شده است. برخی اندیشمندان همچون ابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳-۱۹۷۹) را به‌عنوان پدر علم اقتصاد اسلامی معرفی کرده‌اند. مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیلی - تاریخی به بررسی چنین ادعاهایی می‌پردازد. بنابه فرضیه مقاله، شهید سیدمحمدباقر صدر (۱۹۳۵-۱۹۸۰) به‌واسطه طرح نظام‌مند اندیشه اقتصاد اسلامی شایسته دریافت عنوان بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که شهید صدر از جمله اولین متفکرانی بود که به معرفی نظام اقتصادی اسلام در برابر نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری، سوسیالیستی و مختلط پرداخت. ایشان ضمن نقد مبانی فلسفی نظام اقتصادی سوسیالیستی و سرمایه‌داری، اندیشه‌های محوری آنها را نقد کرده و دیدگاه بدیل نظام اقتصادی اسلام را معرفی می‌کند. او از اولین محققانی بود که الگوی عملیاتی بانک‌داری بدون ربا را تدوین کرد. همچنین وی با معرفی روش کشفی، حوزه مطالعاتی فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد اسلامی را بهبود بخشید.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد اسلامی، سیدمحمدباقر صدر، پدر اقتصاد اسلامی.

مقدمه

اسلامی یا حداقل بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی مدون دانست. پیش از ارزیابی فرضیه مطرح‌شده در مورد بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی، نیاز به درکی روشن از ماهیت اقتصاد اسلامی داریم. مسئله اصلی ارائه معیاری است که بتواند اقتصاد اسلامی را از دیگر آموزه‌های اقتصادی رقیب مانند سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اقتصاد مختلط متمایز کند. بر این اساس پس از تبیین مفهوم اقتصاد اسلامی، به بررسی دیدگاه‌های مختلف در مورد بنیان‌گذار آن و سپس ارائه شواهد جهت تأیید فرضیه مطرح‌شده می‌پردازیم.

۱. اقتصاد اسلامی به‌مثابه یک علم

اقتصاددانان مسلمان هنوز تا اجماع بر یک تعریف واحد از اقتصاد اسلامی راهی طولانی دارند. در ادامه به برخی از تعریف‌های ارائه‌شده از اقتصاد اسلامی اشاره می‌کنیم:

— اقتصاد اسلامی به مطالعه رستگاری انسان از طریق سازماندهی منابع زمین بر اساس همکاری و مشارکت می‌پردازد (اکرم‌خان، ۱۹۸۴، ص ۵۱).

— اقتصاد اسلامی «علمی اجتماعی است که مسائل اقتصادی مردم را با الهام از ارزش‌های اسلام مطالعه می‌کند» (منان، ۱۹۸۶، ص ۱۸).

— اقتصاد اسلامی دانش و کاربرد احکام و قوانین شرعی است که موجب جلوگیری از بی‌عدالتی در کسب منابع مادی جهت تأمین رضایت انسان، و تواناساختن وی در انجام تکالیف الهی و اجتماعی است (حسن‌الزمان، ۱۹۸۴، ص ۵۰).

— اقتصاد اسلامی «حاصل تمام مطالعات تاریخی، تجربی و نظری است که نیازهای انسان و جامعه را در پرتو نظامی یک‌پارچه از ارزش‌های اسلامی تجزیه و تحلیل می‌کند» (چودری، ۱۹۸۶، ص ۴).

در تعاریف فوق، عنایت خاصی به نظام اقتصادی اسلام وجود دارد. از ویژگی‌های اصلی این نظام می‌توان به «هدایت افراد در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، با مجموعه‌ای از هنجارهای رفتاری، که از قرآن و سنت گرفته شده، اشاره کرد. وجود زکات و حرمت ربا نیز، دو نکته برجسته و محور اصلی سیاست مالی و پولی اسلامی است. در واقع بسیاری از اقتصاددانان اسلامی سه خصیصه هنجارهای اسلامی، وجود زکات و حرمت ربا را از ارکان نظام اسلامی می‌دانند» (کوران، ۱۹۹۷، ص ۱۳۵).

اقتصاد اسلامی به‌عنوان یک اندیشه دینی، سابقه دیرینه‌ای دارد و ریشه‌های آن به هنگام ظهور اسلام باز می‌گردد. هم‌زمان با ظهور اسلام، اندیشه اقتصاد اسلامی در قرآن، روایات و سیره معصومان[ؑ] ارائه شد. این اندیشه در ادامه توسط علما و محققان اقتصاد اسلامی بسط و گسترش یافت.

اندیشه اقتصاد اسلامی در زمانی ظهور کرد که غرب به قول سومپتر دورانی را پشت سر می‌گذاشت که در قرون وسطا بیش از ۵۰۰ سال اندیشه اقتصادی خاصی ارائه نشده بود. این زمان با دوره اوج تمدن اسلامی و ظهور متفکران برجسته‌ای همچون فارابی (۸۷۲-۹۵۰)، ابن‌سینا (۹۸۰-۱۰۳۷)، ابن‌رشد (۱۱۲۶-۱۱۹۸) و ابن‌خلدون (۱۳۳۲-۱۴۰۶) هم‌زمان است. تأثیرگذاری متفکران مسلمان به قدری است که محققان مسلمان ابن‌خلدون را به‌جای آدم اسمیت شایسته نامیده‌شدن به‌عنوان پدر علم اقتصاد می‌دانند؛ چراکه بسیاری از اندیشه‌های اقتصادی اقتصاددانان کلاسیک، مانند اهمیت تقسیم کار و تجارت آزاد، قبلاً توسط ابن‌خلدون بیان شده است.

در این مقاله به بررسی این سؤال می‌پردازیم که «پدر علم اقتصاد اسلامی کیست؟» هر چند ابن‌خلدون خالق برخی اندیشه‌های ابتدایی اقتصاد است؛ اما به‌سختی می‌توان وی را به‌عنوان پدر اقتصاد اسلامی در نظر گرفت. برخی پژوهشگران افرادی همچون ابوالاعلی مودودی را بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی قلمداد کرده‌اند. ما در این مقاله این فرضیه را مطرح می‌کنیم که اقتصاد اسلامی، یا حداقل اقتصاد اسلامی نوین، تا حد زیادی متأثر از شهید صدر و آثار وی در میانه سده بیستم میلادی است. از این رو ایشان را باید به‌عنوان پدر اقتصاد اسلامی معرفی کرد.

در زمینه تعیین بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی پیشینه‌چندانی در دسترس نیست. برخی از آثار قابل اشاره در این زمینه بدین شرح است: زعتری (۲۰۱۰) در مقاله‌ای کوتاه شهید صدر را به‌عنوان پدر اقتصاد اسلامی معرفی می‌کند؛ در مقاله ایشان دلایل قوی برای این ادعا ارائه شده و نظریات بدیع ایشان در اقتصاد اسلامی تشریح نشده است.

تیمور کوران (۱۹۹۵) در کتابش، ابوالاعلی مودودی را به‌عنوان پدر اقتصاد اسلامی معرفی می‌کند؛ ادعایی که مستند و قابل قبول نیست. نوآوری مقاله حاضر بررسی ادعاهای مطرح‌شده در مورد بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی و استدلال بر این امر است که شهید صدر را باید بنیان‌گذار اقتصاد

حقوق مالکیت، تقسیم کار و تخصص، اهمیت پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در توسعه، نقش عرضه و تقاضا در فرایند تعیین قیمت و عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضا، نقش پول، ارز، و سازوکار بازار، ویژگی‌های پول، جعل، پول تقلبی، و قانون گرشام؛ توسعه چک، اعتبارات اسنادی و بانکی؛ عرضه نیروی کار و جمعیت؛ نقش دولت، عدالت، و صلح و ثبات در توسعه؛ و اصول مالیاتی را دربر می‌گیرد. ایجاد دید جامعی از تمام تلاش‌های دانشمندان مسلمان در اقتصاد مشکل است (چپرا، ۲۰۰۸).

۲-۲. دستاوردهای اقتصادی مسلمین در قرون وسطا

در طول قرون وسطا، دانشمندان مسلمان سهم زیادی در ادبیات اقتصادی داشتند. برخی دانشمندان، بسیار زودتر از اقتصاد متعارف، ضرورت تقسیم کار برای توسعه اقتصادی را متذکر شدند. به‌عنوان مثال، سرخسی (متوفی ۱۰۹۰) می‌گوید: «کشاورز برای لباسش به کار بافنده، و بافنده برای مواد غذایی‌اش و پنبه نساجی‌اش به کار کشاورز نیازمند است... و در نتیجه هریک با کار خود به دیگری کمک می‌کند». دمشقی، حدود یک قرن بعد، این قاعده را توسعه می‌دهد: «هیچ‌کس به‌دلیل محدودیت عمر نمی‌تواند به‌تنهایی در تمام صناعات متخصص شود. صنایع همه به‌هم وابسته هستند. ساخت و ساز به نجار و نجار به آهنگر محتاج است. آهنگر به معدن‌چی نیازمند است؛ و تمام این صنایع به مقدماتی نیازمندند. بنابراین مردم به اقتضای شرایط ناچارند در شهرها گرد آمده، و برای برآوردن نیازهای متقابل به یکدیگر کمک کنند» (چپرا، ۲۰۰۸).

به‌نظر می‌رسد برخی از دانشمندان مسلمان به‌وضوح نقش عرضه و تقاضا را در تعیین قیمت درک کرده‌اند. به‌عنوان مثال جاحظ (متوفی ۸۶۹) می‌نویسد: «هر چیز موجود در بازار با در دسترس بودن [عرضه] ارزان می‌شود، و نیز به‌دلیل در دسترس نبودن، هنگام نیاز [تقاضا] گران خواهد شد؛ و «عرضه هر چیزی افزایش یابد، ارزان شود؛ بجز هوش که هرچه بیشتر شود، مهم‌تر می‌شود» (همان).

توسعه قوانین مالیاتی (برابری، اطمینان، تسهیل در پرداخت، و صرفه‌جویی در جمع‌آوری)، به‌ویژه لزوم نظام مالیاتی عادلانه و به دور از ظلم را می‌توان مدت‌ها پیش از *آدم‌اسمیت* (متوفی ۱۷۹۰) در نوشته‌های دانشمندان مسلمان ردیابی کرد. پیامبر اسلام ﷺ و امام علیؑ (متوفی ۶۶۱) تأکید می‌کنند که مالیات باید با عدالت و ملامت

یکی از نکات مهم در تعاریف فوق این است که اقتصاد اسلامی اصول حاکم بر چگونگی تخصیص منابع به نیازها مطابق با تعالیم اسلام را بیان می‌کند. از این جهت اقتصاد اسلامی با حقوق تجاری اسلامی یا فقه معاملات فرق دارد. فقه معاملات می‌تواند به‌عنوان یکی از منابع کشف نظام اقتصادی اسلام مورد استفاده قرار گیرد.

واضح است که ارائه ایده‌هایی پراکنده در مورد اقتصاد اسلامی برای ساخت اقتصاد اسلامی کافی نیست. اقتصاد اسلامی به‌عنوان یک رشته، باید قادر به پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی نظام‌های اقتصادی باشد؛ از جمله اینکه چه چیزی را تولید کنیم؟ چگونه تولید کنیم؟ و محصول نهایی پس از تولید را چگونه توزیع کنیم؟ همچنین اقتصاد اسلامی عهده‌دار معرفی راه‌حل‌های اسلامی برای مشکلات اقتصادی است.

جهت ارزیابی ادعاها در مورد بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی، باید آنچه اندیشمندان مسلمان به‌عنوان اقتصاد اسلامی ارائه کرده‌اند، بررسی شود. برای بررسی ادعای مطرح‌شده در مورد تأثیرگذاری شهید صدر بر دانش اقتصاد اسلامی، سیر تکامل اندیشه اقتصاد اسلامی را در دو بخش اقتصاد اسلامی پیش از شهید صدر و اقتصاد اسلامی پس از شهید صدر بررسی می‌کنیم.

۲. اقتصاد اسلامی قبل از شهید صدر

با نگاهی به تاریخ اندیشه اقتصاد اسلامی قبل از شهید صدر، ایده‌هایی پراکنده پیرامون آموزه‌های اقتصادی اسلام را می‌یابیم که به دور از یک مجموعه جامع از نظریه‌ها در مورد نظام اقتصاد اسلامی است.

۲-۱. مغالطه نظریه «شکاف بزرگ»

شومپیتر (۱۹۵۴) در کتاب *تاریخ تحلیل اقتصادی* دوران بین یونانیان و اسکولاستیک‌ها را بی‌حاصل و عقیم می‌پندارد. او عبارت «شکاف بزرگ» بیش از ۵۰۰ سال (the 'Great Gap' Theory) در تاریخ اندیشه اقتصادی متعارف را به کار می‌گیرد (شومپیتر، ۱۹۴۵/۱۹۹۷).

اقتصاددانان مسلمان از ادعای شومپیتر با عنوان «سفسطه شکاف بزرگ» یاد کرده‌اند؛ زیرا در دوران مورد اشاره وی، مسلمانان کمک شایانی به گسترش اندیشه اقتصادی کردند. برخی از مفاهیم و نظریاتی که بعد از قرون وسطا در اقتصاد متعارف مطرح شد، پیش از آن در آثار اندیشمندان مسلمان مطرح شده بود. در دوره مورد اشاره شومپیتر، اندیشه اقتصادی در حوزه‌هایی همچون توسعه و پیشرفت،

جمع‌آوری شده و نباید فراتر از توان مردم تحمیل شود. *ابویوسف*، مشاور *هارون الرشید* (۷۸۶-۸۰۹)، استدلال می‌کند که سیستم مالیاتی نه تنها به افزایش درآمد منجر می‌شود؛ بلکه به توسعه کشور نیز می‌انجامد (چپرا، ۲۰۰۸ الف، به نقل از: *ابویوسف*، ۱۹۳۳-۳۴، ص ۱۱۱).

۲-۳. سهم ابن‌خلدون در اقتصاد

در میان دانشمندان مسلمان، *ابن‌خلدون* سهم عظیمی در ادبیات اقتصادی دارد. وی به‌خاطر نظریه توسعه بین‌رشته‌ای که سقوط تمدن اسلامی در اواخر قرن ۱۴ را توضیح می‌دهد، مشهور است. او همچنین به اهمیت تقسیم کار و حتی طرف عرضه و تقاضای اقتصاد توجه کرده است.

یکی از مهم‌ترین کمک‌های *ابن‌خلدون* به ادبیات اقتصادی اتخاذ رویکرد پویای چندرشته‌ای به توسعه اقتصادی بود. براساس این نظریه، توسعه تابع عوامل اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، جمعیتی و تاریخی است. این ایده عمدتاً در کتاب معروف *ابن‌خلدون*، *کتاب‌العبر*، بسط داده شده است. *ابن‌خلدون* در زمانی (۱۳۳۲-۱۴۰۶) که تمدن اسلامی رو به افول بود، زندگی می‌کرد. وی آرزوی دیدن عکس این جریان را داشت و به‌عنوان یک دانشمند علوم اجتماعی به‌خوبی آگاه بود که چنین چرخشی بدون عبرت از تاریخ قابل انتظار نیست؛ درک عواملی که منجر به رشد انفجارگونه تمدن اسلامی از قعر به اوج و سقوط مجدد آن شده بود (چپرا، ۲۰۰۸، ص ۸۳۹).

طبق نظر *ابن‌خلدون*، ظهور و سقوط یک سلسله یا تمدن، ارتباط نزدیکی با رفاه و یا بدبختی مردم دارد. رفاه مردم، برخلاف آنچه اقتصاد متعارف تا همین اواخر بیان می‌کرد، تنها وابسته به متغیرهای اقتصادی نیست؛ بلکه به‌شدت وابسته به عوامل اخلاقی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جمعیتی و تاریخی است. عملکرد نامناسب یکی از این عوامل، مانند مکانیسم ماشه عمل می‌کند، و عوامل دیگر ممکن است در همان جهت یا جهت مخالف واکنش نشان دهند. اگر دیگر عوامل در همان جهت واکنش نشان ندهند، احتمالاً فروپاشی یک بخش به دیگر بخش‌ها منتقل نمی‌شود و یا بخش خراب‌شده ممکن است اصلاح شده و یا سقوط تمدن کندتر شود. اما اگر بخش‌های دیگر، مانند مکانیسم ماشه، در همان جهت واکنش نشان دهند، سقوط تمدن از طریق یک واکنش زنجیره‌ای مرتباً شتاب خواهد گرفت؛ به‌طوری‌که دیگر تشخیص علت از معلول مشکل خواهد بود. بنابراین به‌نظر می‌رسد

ابن‌خلدون تصور روشنی از عملکرد تمامی عوامل مختلف، با رابطه‌ای پویا و متقابل، طی دورانی طولانی، در جهت توسعه یا سقوط یک جامعه داشته است (همان، ص ۸۴۴).
همچنین *ابن‌خلدون* در مقدمه کتاب *العبر* بر اهمیت اصول عدالت و بی‌طرفی در سیستم مالیاتی تأکید کرده است. اثر مالیات بر انگیزه و بهره‌وری به‌وضوح توسط *ابن‌خلدون* تصویر شده؛ به‌نحوی که به‌نظر می‌رسد وی مفهوم نرخ بهینه مالیات را درک کرده است. او در پایان فصل اول نتیجه می‌گیرد: «مهم‌ترین عامل رونق کسب و کار سبک کردن بار مالیاتی تجار تا جای ممکن است؛ تا به‌وسیله تأمین سود بیشتر [پس از پرداخت مالیات] تجارت تشویق گردد» (*ابن‌خلدون*، ۲۰۰۵، ص ۲۸۰). وی بدین شکل توضیح می‌دهد: «اگر مالیات و تعرفه سبک باشند، مردم به فعالیت بیشتر تشویق می‌شوند. بنابراین تجارت گسترش یافته، و مردم به‌خاطر مالیات کمتر رضایت‌مندی بیشتری خواهند داشت و درآمد مالیاتی نیز در مجموع بیشتر خواهد شد» (همان، ص ۲۷۹).

ابن‌خلدون مراحل توسعه‌ای که هر جامعه می‌گذراند را بیان می‌کند؛ گذر از مرحله بادیه‌نشینی بدوی به پیدایش روستا، شهرها و مدنیت با یک دولت مؤثر، توسعه کشاورزی، صنعت و علوم، و تأثیر ارزش‌ها و محیط‌زیست بر توسعه (همان ص ۳۵-۱۷۶). هم‌گام با *ابن‌خلدون*، سایر دانشمندان اسلامی مانند *مقریزی* و *ولی‌الله*، عوامل اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را برای توضیح پدیده‌های اقتصادی و ظهور و سقوط جوامعشان ترکیب کردند (چپرا، ۲۰۰۸، ص ۸۳۹).

هرچند *ابن‌خلدون* سهم بزرگی در ادبیات اقتصادی و اقتصاد اسلامی دارد؛ اما هیچ ایده نظام‌مندی درباره ماهیت و کارکردهای نظام اقتصادی اسلام و راهکاری مشخص برای حل مشکلات اقتصادی براساس آموزه‌های اسلامی ارائه نکرده است. در آثار وی جای خالی اندیشه‌ای نظام‌مند در مورد نظام اقتصادی اسلام احساس می‌شود؛ اندیشه‌ای که بتواند به سؤالات اساسی نظام‌های اقتصادی پاسخ دهد؛ از جمله اینکه چه تولید کنیم، چگونه تولید کنیم و چگونه توزیع کنیم.

دیگر دانشمندان مسلمان نیز با مشکل مشابهی روبه‌رو می‌باشند. آنها در توجه به کل نظام اقتصادی اسلام موفق نبودند، و در عوض اندیشه‌هایی در مورد برخی از نهادهای اسلامی مانند: ربا، زکات، حربه و وقف ارائه کرده‌اند. بیشترین کمک ایشان را باید کمک به جنبه‌های فقه اقتصاد اسلامی در نظر گرفت؛ مثلاً به‌جای اینکه به

بسیاری از اندیشمندان مسلمان به دستاورهای بزرگ شهید صدر در اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، مندر قحف، شهید صدر را یکی از پیش‌گامان نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی می‌داند. به‌گفته‌ی وی، «اولین تلاش جدی برای نظریه‌پردازی اقتصادی با استفاده از قرآن و سنت، توسط شهید صدر در سال ۱۹۶۴ صورت گرفته است» (قحف، ۱۹۷۸، ص ۱۰). علاءالدین زعتری، در مقاله‌ای پیرامون تاریخ اقتصاد اسلامی، استدلال می‌کند که شهید صدر باید به‌عنوان پدر علم اقتصاد اسلامی جدید در نظر گرفته شود.

اندیشه‌های شهید صدر در اقتصاد اسلامی بسیار جامع، تحلیلی و منسجم است. اکثر دستاوردهای اقتصاد اسلامی قبل از او آنچنان تحلیلی نیست و فقط به برخی از نهادهای اسلامی مانند زکات و وقف اشاره دارد؛ بدون اینکه ساختار نظام اقتصادی اسلام و زیرنظام‌های آن را تحلیل کند.

در این میان، مهم‌ترین دستاوردهای اصلی شهید صدر در ادبیات اقتصاد اسلامی به شرح زیر است:

۱. تحلیل تطبیقی نظام‌های اقتصادی؛
۲. ساختار نظام اقتصادی اسلام (ساختار حقوق مالکیت، مکانیزم تخصیص منابع، کارکرد دولت)؛
۳. نظریه عدالت توزیعی (نظریه توزیع قبل از تولید، توزیع پس از تولید، بازتوزیع درآمد و ثروت)؛
۴. الگوی بانک‌داری بدون ربا.
۵. فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد اسلامی (تمایز مکتب و علم اقتصاد؛ روش کشفی)؛

۳-۱. تحلیل تطبیقی نظام‌های اقتصادی

شهید صدر در سال ۱۹۶۱م ایده‌هایش در مورد نظام اقتصادی اسلام را در کتاب معروف *اقتصادنا* منتشر کرد. در این کتاب، او دیدگاهی جامع در مورد نظام اقتصادی اسلام ارائه کرده است. شهید صدر برای معرفی نظام اقتصادی اسلام تلاش می‌کند تا دیدگاه‌های اسلامی درباره چگونگی سازماندهی اقتصاد و حل مشکلات اقتصادی براساس آموزه‌های اقتصادی اسلام را کشف کند. او در مقابل نظام سرمایه‌داری، مارکسیسم و اقتصاد مختلط، نظام اقتصاد اسلامی را مطرح ساخت.

شهید صدر بحث را با تجزیه و تحلیل مبانی فلسفی مارکسیسم

نظریه قیمت در اقتصاد اسلامی بپردازد، فقط به قیمت توجه داشته‌اند و تنها با یک سؤال حقوقی درباره مشروعیت یا عدم مشروعیت قیمت‌گذاری در فقه اسلامی مواجه بودند.

۲-۴. سیدابوالاعلی مودودی

برخی از محققان مانند تیمور کوران (۱۹۹۵ و ۱۹۹۷)، سیدابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳-۱۹۷۹)، بنیان‌گذار جماعت اسلامی (حزب اسلامی) را پدر اقتصاد اسلامی نامیده‌اند. بنا بر نظر کوران، مودودی، ایدئولوگ پاکستانی، اصطلاح «اقتصاد اسلامی» را به‌وسیله آثار گسترده‌اش رواج داد (کوران، ۱۹۹۵، ص ۱۵۶؛ همو، ۱۹۹۷). او عقیده داشت لازم است مسلمین تمام ابعاد زندگی را براساس «اسلام» و اطاعت از اراده الهی بنا نهند. بنابراین حوزه سیاست و اقتصاد نمی‌تواند مستقل از وحی قرآنی و سنت اسلامی باشد.

با بررسی آثار مودودی، به‌سادگی می‌توان دریافت که دستاورد وی در اقتصاد اسلامی افکاری درباره اهمیت برادری در تمدن اسلامی است. او به همراه حسن البنا به‌منظور ترویج برادری میان مسلمانان تلاش کرد؛ باین‌حال او هیچ تجزیه و تحلیل نظام‌مندی از ماهیت و عملکرد نظام اقتصادی اسلامی ارائه نداده است. به‌نظر می‌رسد که کوران (۱۹۹۵) مودودی را به‌دلیل ارائه ایده عملیاتی برای بنا نهادن یک نظام اقتصاد اسلامی، به‌عنوان بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی نامزد می‌کند؛ درحالی‌که مودودی هیچ چارچوب و بسته سیاستی منسجمی در این زمینه ارائه نمی‌کند (کوران، ۱۹۹۵، ص ۱۷۰).

دانشمندان مسلمان پیش از شهید صدر برخی از اندیشه‌ها در مورد توسعه، تجارت، مالیه عمومی و حتی عرضه و تقاضا را بسط داده‌اند. اما این ادعاهای تحلیلی و هنجاری از ارائه یک نظام اقتصاد اسلامی در مقایسه با سایر نظام‌های اقتصادی، مانند سرمایه‌داری، سوسیالیسم، و اقتصاد مختلط، عاجز است.

۳. سهم شهید صدر در پیشبرد اقتصاد اسلامی

در اواسط قرن بیستم، شهید سیدمحمدباقر صدر با بررسی و مقایسه نظام اقتصاد اسلامی با نظام‌های سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اقتصاد مختلط، کمک شایانی به پیشبرد ادبیات اقتصاد اسلامی کرد. وی همچنین مدل اسلامی خاص خود از بانک‌داری بدون بهره را به‌عنوان جایگزینی برای بانک‌های ربوی متعارف معرفی کرد.

این سه نوع مالکیت عبارتند از: الف) مالکیت خصوصی؛ ب) مالکیت عمومی؛ ج) مالکیت دولتی (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۲۹۵).

مالکیت خصوصی محدود به حقوق استفاده از عین و نمائات، اولویت استفاده از آن و حق منع استفاده دیگران است. مالکیت خصوصی را می‌توان با کار به‌دست آورد. تفاوت بین مالکیت عمومی و مالکیت دولتی عمدتاً در استفاده از چنین اموالی است. درحالی‌که اموال عمومی (مانند بیمارستان و مدارس) باید به نفع همه مردم استفاده شود؛ اموال دولتی را علاوه بر اینکه می‌توان به نفع همه استفاده کرد، می‌توان با تصمیم دولت، به نفع بخش خاصی از جامعه به‌کار گرفت. اسلام برای اطمینان از تحقق عدالت، محدودیت‌هایی در کسب درآمد و ثروت وضع کرده است. ممنوعیت ربا و لزوم پرداخت زکات آرایشی خاص در نظام اقتصادی اسلام است.

ب. مکانیزم تخصیص منابع

از نگاه شهید صدر تخصیص منابع در نظام اقتصادی اسلام به‌طور کامل به بازار واگذار نشده؛ بلکه دولت نیز نقش عمده‌ای در این زمینه ایفا می‌کند. دولت عهده‌دار تحقق عدالت در فرایند تخصیص منابع به نیازهاست. در این راستا، سه مسئولیت زیر بر عهده دولت گذاشته شده است:

الف) توزیع منابع طبیعی بین افراد براساس رضایت و استعداد در کار؛

ب) اجرای احکام شرعی و قانونی در زمینه استفاده از منابع؛

ج) حصول اطمینان از توازن اجتماعی (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۶۹۶-۷۱۶).

کارکرد سوم دولت به‌دلیل تعارضاتی است که به علت تفاوت‌های طبیعی در ظرفیت‌های (ذهنی و جسمی) افراد رخ می‌دهد. به‌دلیل این تفاوت‌ها، اختلاف درآمدی و «طبقات اقتصادی» ایجاد می‌شود. دولت (به‌جای برابری درآمد) ملزم به تأمین یک استاندارد متعادل از زندگی برای همه است. همچنین در این رابطه، دولت عهده‌دار تأمین اجتماعی همگانی است. تأمین اجتماعی همگانی را می‌توان با ترویج برادری در میان افراد جامعه (از طریق آموزش) و سیاست‌های مخارج عمومی به‌دست آورد؛ سرمایه‌گذاری‌های خاص بخش دولتی جهت کمک به فقرا و تنظیم فعالیت‌های اقتصادی، برای اطمینان از عدالت و عدم سوء استفاده از افراد، از جمله این اقدامات است (همان، ص ۶۹۶-۷۲۸).

شهید صدر به اهمیت دست نامرئی اخلاق در بهبود تخصیص

و سرمایه‌داری آغاز می‌کند. سپس برنامه‌های این دو مکتب اقتصادی برای حل مشکلات اقتصادی را نقد می‌کند. ایشان در ادامه ضمن بیان مبانی فلسفی نظام اقتصاد اسلامی، با توجه به آموزه‌های قرآن و سنت، برنامه اسلام برای سازماندهی اقتصاد و حل مشکلات اقتصادی را معرفی می‌کند.

شهید صدر در نشان دادن برتری نظام اقتصادی اسلام نسبت به دیگر نظام‌های اقتصادی رقیب موفق بود. بنا به استدلال ایشان، نظام اقتصادی اسلام حتی از اقتصاد مختلط، که ترکیبی از نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیستی است، متفاوت است. او نظرات اسلام در مورد حقوق مالکیت، توزیع منابع، و تعالیم اسلامی در مورد تولید و مصرف را مطرح می‌کند.

شهید صدر ضمن پاسخ دادن به سؤالات اساسی نظام اقتصادی از منظر اسلام، نشان می‌دهد که چگونه این پاسخ‌ها از پاسخ‌های داده شده براساس اندیشه سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اقتصاد مختلط متفاوت است. شهید صدر نظرات و پیشنهادهایی نیز درباره نحوه حل مشکلات اقتصادی کشورهای مسلمان دارد.

۳-۲. ساختار نظام اقتصادی اسلام

چیزی که شهید صدر را سزاوار عنوان «پدر اقتصاد اسلامی» یا «بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی» می‌سازد، دستاورد وی در معرفی ساختار نظام اقتصادی اسلام است. در ادامه به بیان دیدگاه‌های او در این زمینه می‌پردازیم.

به نظر شهید صدر، (۱) در ساختار نظام اقتصادی اسلام سه مؤلفه اساسی مالکیت مختلط، آزادی در کادر محدود و تکافل اجتماعی پذیرفته شده است. پذیرش مالکیت مختلط به مفهوم به‌رسمیت شناختن سه نوع مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی در چارچوب نظام حقوق مالکیت در اقتصاد اسلامی است. (۲) نظام اقتصادی اسلام ضمن پذیرش بازار، دست مرئی دولت و دست نامرئی اخلاق را مکمل دست نامرئی بازار می‌داند (سازوکار تخصیص منابع). (۳) اسلام روش خاصی برای توزیع و بازتوزیع درآمد پیشنهاد می‌دهد که عمدتاً براساس دو معیار کار و نیاز استوار است (عدالت توزیعی).

الف. ساختار حقوق مالکیت (اشکال سه‌گانه مالکیت)

شهید صدر، در کتاب *اقتصادنا*، سه شکل مالکیت مورد پذیرش در اسلام را مطرح می‌کند که هر کدام در محدوده خود عمل می‌کنند.

عدالت توزیعی است. شهید صدر با تجزیه و تحلیل اصول عدالت و تعادل اجتماعی در اقتصاد اسلامی، کار (فعالیت اقتصادی) و نیاز را به عنوان دو معیار اصلی برای توزیع و بازتوزیع درآمد پس از تولید معرفی می کند (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۰۳).

به نظر شهید صدر، کار اقتصادی یکی از عوامل اصلی برای توزیع درآمد پس از تولید است. منظور وی از کار اقتصادی، عملی است که ارزش افزوده‌ای موجه ایجاد کند که با استثمار تفاوت دارد (همان، ص ۵۳۷).

در نظریه عدالت توزیعی شهید صدر، عنصر نیاز نقش مهمی در توزیع و باز توزیع درآمد پس از تولید بازی می کند. از آنجاکه افراد به طور معمول ظرفیت‌ها و قابلیت‌های متفاوتی دارند، ممکن است برخی درآمد کافی به دست نیاورند، یا هیچ درآمدی نداشته باشند. با این حال آنها حق داشتن یک زندگی رضایت‌بخش در حد متعارف را دارند. چنین وضعیتی به ایشان حق توزیعی از محصولات نهایی پس از تولید را می دهد. در نتیجه، دولت اسلامی و مسلمانان ثروتمند هر دو برای کمک به فقرا مسئولند.

رویکرد اسلامی به توزیع مجدد درآمد با تعریف توزیع مجدد درآمد در برخی نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری مادی‌گرا متفاوت است. در چنین نظام‌هایی، توزیع مجدد درآمد تنها به عنوان یک ضرورت، و نه هدف اصلی، پذیرفته شده است. بسیاری از فلاسفه سیاسی سکولار در مورد مسئولیت دولت یا ثروتمندان نسبت به فقرا مرددند. صرفاً در این اواخر برخی از آنها از سیاست توزیع مجدد، آن هم تنها برای بهبود عملکرد مکانیسم بازار، حمایت می کنند. به عبارت دیگر، آنها ضرورت بازتوزیع درآمد را تنها برای جبران شکست بازار در تخصیص منابع، لازم می دانند.

شهید صدر به شکل ویژه، نظریه عدالت توزیعی در اسلام را تبیین می کند. به نظر وی، اسلام برنامه خاصی برای توزیع منابع و محصولات، قبل از تولید (توزیع پیش از تولید) و پس از تولید (توزیع پس از تولید و توزیع مجدد) دارد.

الف. توزیع پیش تولید

روش اسلام در توزیع پیش از تولید با توزیع ثروت‌های اولیه، از جمله زمین و سایر منابع طبیعی، مانند مواد خام اولیه در زمین (منابع طبیعی)، آبهای طبیعی و ثروت‌های دیگر (رودخانه‌ها، غذاهای دریایی، حیوانات، پوشش گیاهی) مرتبط است.

منابع به نیازها نیز توجه دارد. به گفته وی، مشکل اصلی، توزیع کمبود منابع موجود نیست؛ بلکه مشکل واقعی از خود انسان هاست؛ چنانچه خداوند متعال می گوید: «هرچه از او بخواهید، به شما می دهد؛ اگر نعمت‌های خدا را [بخواهید] بشمارید، قادر به این کار نخواهید بود؛ قطعاً انسان بسیار ستمگر و ناسپاس است» (ابراهیم: ۳۴). منشأ مشکل، ظلم انسان در توزیع ثروت و ناسپاسی وی با استفاده ناقص از تمام منابع در رابطه با نعمت‌های الهی است. به عقیده شهید صدر، «با تبیین مشکل بر مبنای انسان و پایان دادن به ظلم و ناسپاسی وی، از طریق ایجاد روابط عادلانه در توزیع و بسیج تمام نیروهای مادی برای بهره‌گیری از طبیعت و کشف تمام گنجینه‌های آن، می توان بر مشکلات فائق آمد» (صدر، ۱۹۸۰، ص ۳۴۶-۳۷۳).

نظر شهید صدر توسط برخی اقتصاددانان مسلمان بسط داده شده است. به عقیده آنها، عملکرد بازار و دولت، در یک نظام اقتصادی اسلامی، توسط دست نامرئی اخلاق تکمیل شده است. اسلام تلاش می کند تا هنجارهای اخلاقی را در کنش‌گران اقتصادی درونی‌سازی کند؛ به طوری که آنها رفتار خود را به طور داوطلبانه تنظیم کنند؛ تا تخصیص و توزیع منابع به رفع نیاز، اشتغال کامل، توزیع عادلانه درآمد و ثروت، و ثبات اقتصادی بیشتر منجر شود (چپرا، ۱۹۹۸، ص ۱۰۸). چپرا/ چنین مکانیسمی را «فیلتر اخلاقی» می نامد. به نظر وی، «بهره‌وری و حقوق صاحبان سهام، بدون توسل به فیلتر اخلاقی که ایمان فراهم می کند، حتی تعریف هم نمی تواند بشود» (همان، ص ۱۰۷). چپرا استدلال می کند، در یک چارچوب اسلامی، مفهوم آخرت به مسلمانان کمک می کند تا برای تعدیل پی‌گیری نفع شخصی‌شان، فیلتر اخلاقی را فعال کنند. بر این اساس، افراد پیش از آنکه تقاضاهای خود را در بازار مطرح کنند، خواسته‌های خود را بر اساس معیارهای اخلاقی تعدیل می کنند. در نتیجه هر مصرف‌کننده قبل از اینکه از طریق قدرت خرید آن را در بازار اظهار کند، تحت یک قید درونی، برای سنجش مطالبه وی از منابع، بر اساس معیارهای اخلاقی خواهد بود (همان، ص ۱۰۴). کارکرد مؤثر فیلتر اخلاقی می تواند با کاهش مصرف کالاهای غیر ضروری، مکمل مکانیسم قیمتی در تعدیل مصرف‌گرایی افراطی باشد (همان).

۳-۳. نظریه عدالت توزیعی

یکی از دستاوردهای بزرگ شهید صدر در اقتصاد اسلامی نظریه

استفاده از آن را دارد. منابع طبیعی منقول مانند پرندگان، حیوانات، گیاهان و موجودات دریایی، با حیازت به مالکیت افراد در می‌آیند. به این ترتیب، مردم، و نه دولت، نسبت به منابعشان از طریق کار خود حق انحصاری خواهند داشت و ممکن است این حق را به‌طور نامحدود و یا باپرداخت عوارض در اختیار گیرند (همان).

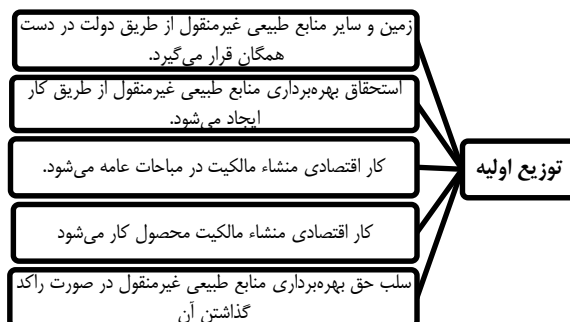
جدول ۲: مالکیت سایر منابع طبیعی

نوع / منابع طبیعی	ظاهر (آشکار) / داری شکل نهایی؛ آماده مصرف	باطن (پنهان) / فاقد شکل نهایی
ثروت‌های طبیعی غیرمنقول (زمین، معادن، نفت، زغال سنگ و...)	مالکیت عمومی یا مالکیت دولتی	الف) نزدیک به سطح: مالکیت عمومی یا دولتی ب) در عمق / نیازمند کار: طبق قاعده مالکیت دولتی اما مالکیت خصوصی در محدوده و زمان استخراج
آب‌های طبیعی	اقیانوس‌ها، رودها؛ مالکیت مشترک	چاه‌ها، چشمه‌ها؛ مالکیت مشترک و خصوصی تنها جهت استفاده
ثروت‌های طبیعی منقول	مالکیت خصوصی از طریق کار مجاز است (شکار پرندگان یا بریدن هیزم)	

منبع: حنیف، ۱۹۹۵، ص ۱۲۹.

ب. توزیع پس از تولید

شهید صدر به صورت مستدل بیان می‌کند که در نظام توزیع پس از تولید (Post-production Distribution) در اسلام، بین کار بر روی منابع طبیعی و کار بر روی «محصول کار» متعلق به دیگری، تفاوت وجود دارد. در مورد اول، محصول متعلق به کارگر است و مالک زمین مجاز به دریافت اجاره ثابت و یا سهمی از محصول است. این قاعده برای سایر عوامل تولید نیز صادق است. به‌عنوان مثال، کسی که زمین موات را احیا کند، حق اولویت برای منع استفاده دیگران از آن را دارد. حال اگر این فرد بخواهد ملک را به شخص دیگری اجاره دهد تا روی آن کار کند، وی هنوز هم به‌سبب کار اولیه‌اش نسبت به احیای زمین، نسبت به بهره‌برداری از زمین اولویت دارد. از طرف دیگر، کارگر به‌سبب کارش، مالک محصولات زمین است و به مالک، غرامت زمین را به اندازه‌ای که کار مالک زمین [احیاء] هنوز موجود است، می‌پردازد. این غرامت می‌تواند به‌شکل اجاره ثابت یا سهمی از تولید (اگر مالک زمین بذر، کود یا ماشین‌آلات را فراهم کند) باشد (همان، ص ۱۲۲).



شکل ۱: توزیع پیش از تولید منابع طبیعی در نظام اقتصادی اسلامی
منبع: حنیف، ۱۹۹۵، ص ۱۲۸.

در نظام توزیع قبل از تولید اسلام، مالکیت دولتی بیشترین سهم را دارد؛ هرچند که می‌توان حق اولویت بهره‌برداری را از دولت اخذ کرد. حق مالکیت خصوصی بر منابع طبیعی منقول و حق اولویت بهره‌برداری در منابع طبیعی غیرمنقول به‌صورت خاص مشروط به انجام کار اقتصادی همچون گرفتن پرند/ جمع‌آوری هیزم و احیای زمین به‌دست می‌آید (حنیف، ۱۹۹۵، ص ۱۱۷).

جدول ۱: مالکیت زمین

نوع / دسته‌بندی زمین	زمین احیاء شده (مزرعه)	زمین موات	زمین آباد طبیعی (جنگل‌ها)
زمین فتح شده	مالکیت مشترک (عمومی)؛ ساکنان مالیات پرداخت می‌کنند تا برای کل جامعه مصرف شود	مالکیت دولتی؛ افراد از طریق کار حق بهره‌برداری دارند، مالیات به دولت پرداخت می‌شود	مالکیت دولتی؛ افراد حق بهره‌برداری دارند
زمین اسلام‌آوردگان	مالکیت خصوصی توسط ساکنان	مالکیت دولتی؛ افراد حق بهره‌برداری دارند	مالکیت دولتی؛ افراد حق بهره‌برداری دارند
زمین‌های به‌دست آمده از بیمن نظامی	بسته بیمن نظامی؛ مالکیت خصوصی یا مشترک (عمومی)	مالکیت دولتی	مالکیت دولتی
زمین‌های دیگر	مالکیت دولتی	مالکیت دولتی	مالکیت دولتی

منبع: حنیف، ۱۹۹۵، ص ۱۱۸.

شهید صدر همچنین نظر اسلام در مورد توزیع آب و مواد اولیه در یک نظام اقتصاد اسلامی را تبیین می‌کند. آب اگر برای استفاده غیراقتصادی حیازت شود، می‌تواند به ملکیت درآید. البته دولت مالک منابع آب‌های طبیعی است؛ ولی مردم می‌توانند به میزان نیازشان از آن بهره‌برداری کنند. تنها استثنا آب‌های زیرزمینی است که فردی که نیروی کار خود را برای بیرون کشیدن آن بکارگیرد و برای آن سرمایه‌گذاری کند، او حق انحصاری

درآمد متفاوت است. اگر بازار آزاد را جهت سازماندهی توزیع درآمد و ثروت رها کنیم، ممکن است اختلاف طبقاتی ایجاد شود.

چنین وضعیتی به فقرا حق توزیعی داده و دولت نقشی عمده در دستیابی به این تعادل اجتماعی ایفا می‌کند. دولت ملزم به ارائه سطحی متعادل از زندگی (به‌جای برابری درآمد) برای همگان است. باین حال دولت در برآورده‌سازی نیازهای جامعه تنها نیست؛ بلکه همهٔ مسلمانان در برابر سرنوشت برادران خود، مسئول هستند. آنها همچنین باید با پرداخت مالیات‌های واجب (زکات و خمس: یک پنجم از درآمد یک مسلمان که سالانه به خزانه پرداخت می‌شود) و کمک‌های مالی داوطلبانه (صدقات) نقش خود را ایفا کنند.

۳-۴. الگوی بانکداری بدون ربا

سهام شهید صدر در اقتصاد اسلامی به نظریات تحلیلی محدود نمی‌شود. او همچنین برنامه‌هایی عملی برای اجرایی کردن آموزه‌های اقتصادی اسلام و ایجاد زیرنظام‌های نظام اقتصادی اسلام از جمله نظام بانکداری بدون ربا ابداع کرده است. ایشان در بدون ربا را نیز معرفی کرده است. ایشان در سال ۱۹۸۱، الگوی خاصی از بانکداری بدون ربا را در کتاب *البنک الاسلامی فی الاسلام* (بانکداری بدون ربا در اسلام) ارائه داد. الگوی بانکداری اسلامی پیشنهادی شهید صدر، تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکی بدون ربا را براساس قرارداد مضاربه بناشده است (صدر، ۱۴۰۱ق). شهید صدر در کتاب *الاسلام یقود الحیة*، بین الگوی بانک در نظام اقتصادی اسلامی و غیراسلامی تفکیک می‌کند؛ از نظر ایشان آنچه در کتاب *البنک الاسلامی فی الاسلام* ارائه شده الگوی بانک بدون ربا در یک نظام اقتصادی و بانکی غیراسلامی است؛ ایشان وعده ارائه الگوی بانکداری اسلامی در یک نظام اقتصادی و بانکی اسلامی را نیز می‌دهند، ولی مجالی برای آن نمی‌یابند (صدر، ۱۳۸۸).

۳-۵. فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد اسلامی

شهید صدر در زمینهٔ فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد اسلامی نیز دستاوردهای قابل‌توجهی دارد. تفکیک مکتب و علم اقتصاد اسلامی و معرفی روش کشفی از مهم‌ترین دستاوردهای او در این زمینه است.

در مورد دوم، زمانی که کارگر روی «محصول کار» که متعلق به شخص دیگری است، کار کند؛ کارگر سزاوار دستمزد و محصول نهایی برای صاحب محصول اولیه است. مثلاً هنگامی که کارگر پشم می‌ریسد، محصول (نخ) متعلق به چوپان و به کارگر دستمزد داده خواهد شد.

شهید صدر معتقد است در نظریه اسلامی توزیع پس از تولید، از عایدی هریک از عوامل تولید به شرح زیر است:

(الف) کار: دستمزد و یا سهمی از سود؛

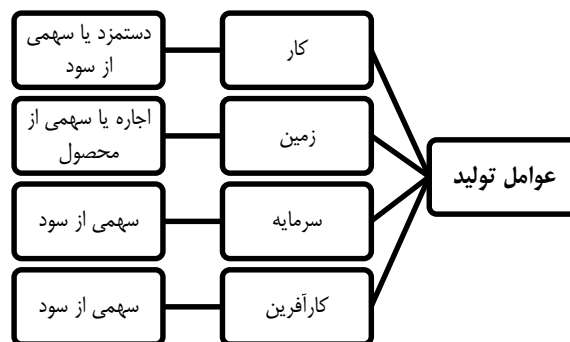
(ب) زمین: اجاره (یا بخشی از محصول)؛

(ج) سرمایهٔ پولی: سهمی از سود؛

(د) ابزار / سرمایهٔ فیزیکی: اجاره / مزد.

کارگر بین درآمد ثابت (دستمزد) یا درآمد متغیر (سهمی از سود) حق انتخاب دارد. اجاره زمین تنها به مالک که در ابتدا برای آن تلاش کرده، مجاز است. اسلام خرید ارزان و فروش گران بدون شراکت/ کار در تولید، یا اجازه زمین و سپس اجاره‌دادن به دیگری با اجارهٔ بالاتر را حرام کرده است (همان).

در قراردادهایی مانند مضاربه، مزارعه (سهم‌بری از محصول)، مساقات و جعاله (اجرت، دستمزد)، به کارگر و سرمایه‌دار سهم از پیش تعیین شده داده خواهد شد.

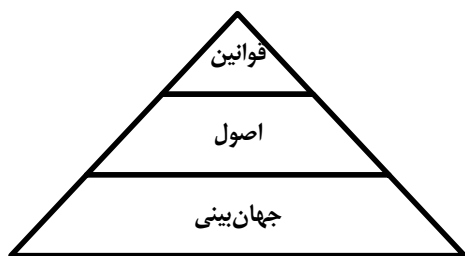


شکل ۲: عایدی عوامل تولید پس از تولید

منبع: حنیف، ۱۹۹۵، ص ۱۲۹

ج. توزیع مجدد درآمد و ثروت

شهید صدر، با به‌رسمیت شناختن نیاز به‌عنوان یکی دیگر از معیارهای استحقاق، سازوکار توزیع مجدد درآمد و ثروت در اسلام را معرفی می‌کند. او استدلال می‌کند که در یک اقتصاد اسلامی، نیازهای اساسی همهٔ افراد، حتی کسانی که نمی‌توانند از طریق کار پول کافی به‌دست آورند، باید برآورده شود. روشن است که ظرفیت افراد در کسب



شکل ۳: روش کشفی

براساس روش کشفی، اگر بخواهیم راه‌حلی اسلامی برای مشکلات اقتصادی بیابیم، باید جست‌وجویی نظام‌مند در قوانین یا فتاوی فقہی انجام دهیم، تا نظر اصلی اسلام نسبت به روش ساماندهی اقتصاد را به دست آوریم. همچنین اصول اقتصادی اسلام با مفاهیم اسلامی نیز مرتبط‌اند. به‌عنوان مثال، هنگامی که کار را به‌عنوان منشأ اصلی حق مالکیت در اقتصاد اسلامی در نظر می‌گیریم، این نظریه مبتنی بر چشم‌انداز ایدئولوژیک پیرامون مالکیت واقعی خداوند بر دارایی‌هاست. از آنجا که خداوند را به‌عنوان مالک واقعی همه موجودات جهان در نظر می‌گیریم، می‌پذیریم که او می‌تواند برای استفاده از دارایی‌ها مقرراتی تنظیم کند. همچنین برخی قوانین فقہی یا فتاوایی پیرامون مالکیت دارایی‌ها وجود دارد. چنین مفاهیم ایدئولوژیک و فتوایی در هماهنگی هستند؛ به‌نحوی که به اصول اسلامی در مورد منابع مالکیت منجر می‌شوند.

با توجه به ساختار سه مرحله‌ای بالا، هنگامی که خواستار کشف رهیافت‌های اقتصاد اسلامی باشیم، باید به مبانی ایدئولوژیک و فتواها در طبقه اول و سوم پرداخت. با توجه به ممنوعیت ربا، قمار و کلاهبرداری در فقه اسلامی و همچنین نظر اسلام در مورد مالک اصلی دارایی‌ها، می‌توان دریافت که چنین قوانینی بر پایه دیدگاه‌های عقیدتی پیرامون مالکیت دارایی‌ها استوار است. براساس این قوانین، یک نفر تنها زمانی می‌تواند مالک چیزی شود که سهمی واقعی در ایجاد یا تغییر آن داشته باشد؛ به‌طوری که کار وی ارزش افزوده‌ای در محصول نهایی ایجاد کرده باشد. یعنی زمانی می‌توانیم از حق مالکیت و یا منفعت دارایی‌ها برخوردار شویم، که به‌عنوان اثری اقتصادی کاری انجام دهیم. از این‌روست که رابطه‌ای نزدیک بین کار اقتصادی و حق مالکیت در محصول وجود دارد.

شهید صدر معتقد است برای کشف یک اصل در اقتصاد اسلامی، باید حداقل هشت گام برداشت؛ گام اول پروبال دادن به یک سؤال مکتبی است. مثلاً یک سؤال مکتبی در مورد منشأ حق مالکیت از منظر

الف. تمایز مذهب و علم اقتصاد

تفکیک شهید صدر بین مذهب (مکتب) و علم اقتصاد، تمایز دقیقی است که باعث تمایز میان نظریه‌های اقتصادی هنجاری و اثباتی در اقتصاد می‌شود. از نظر شهید صدر، علم اقتصاد به تبیین زندگی اقتصادی و پدیده‌های آن و اسباب و عوامل ایجادکننده آن می‌پردازد. در مقابل، مذهب اقتصادی روشی است که جامعه تبعیت از آن در زندگی اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی را می‌پذیرد؛ مذهب اقتصادی روشی است که جامعه برای تولید ثروت و توزیع آن می‌پذیرد. به بیان دیگر، مذهب اقتصادی روش نظم‌بخشی به تولید و توزیع ثروت است. مذهب اقتصادی، از یک جهت، روش تنظیم زندگی اقتصادی و از جهت دیگر، حاکی از اندیشه‌های محوری پذیرفته‌شده در مواردی همچون آزادی و عدالت اقتصادی است (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۲-۴). در نگرش شهید صدر، علم و مذهب اقتصادی تفاوتی ماهوی دارند؛ علم اقتصاد از سنخ تبیین واقعیت‌های اقتصادی و مذهب اقتصادی از سنخ روش تنظیم امور اقتصادی است (صدر، ۱۳۸۸). مذهب اقتصادی بیانگر قواعد اصلی زندگی اقتصادی براساس اصل عدالت اجتماعی است؛ درحالی که علم اقتصاد به تبیین پدیده‌های اقتصادی بدون ارزش‌دوری بر مبنای عدالت می‌پردازد (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۲-۴).

شهید صدر در تعریف مذهب اقتصادی، نگاهی نهادگرایانه دارد؛ زیرا ایشان مذهب اقتصاد اسلامی را مشروط به پذیرش آن در جامعه اسلامی می‌داند (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۲-۴).

ب. روش کشفی

شهید صدر کمک شایانی به پیشبرد روش‌شناسی اقتصاد اسلامی کرده است. او با معرفی روش کشفی، روشی جدیدی برای کشف آموزه‌های اقتصادی اسلام از قرآن و سنت معرفی می‌کند. روش کشفی، راهی برای کشف اصول اقتصاد اسلامی است. وی سه سطح از آموزه‌های اسلامی در قرآن و حدیث مرتبط با اقتصاد اسلامی را معرفی می‌کند. در سطح فوقانی، قوانین اسلامی (فقه: فتاوی علما) در مورد فعالیت‌های اقتصادی و قراردادهاست. در سطح میانی با اصول مکتبی اسلام در مورد اقتصاد مواجه می‌شویم. پس از آن و در سطحی بنیادی‌تر، ایدئولوژی اسلامی قرار دارد (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۷۵-۴۲۹).

مکتبی بیان می‌کند که منشأ حق در اقتصاد اسلامی کار اقتصادی است. این یک اصل مکتبی است که از فتاوی‌ای بالا کشف شده است. برای تأیید اصل مکتبی کشف شده، به مفاهیم اسلامی پیرامون مالکیت می‌پردازیم؛ مانند این دیدگاه که تمام دارایی‌ها واقعاً متعلق به خداست و مالکیت انسان به‌عنوان جانشین یا خلیفه‌الله، مجازی و مشروط به مقررات فقهی اسلامی است. این مفاهیم با اصل اولیة کشف شده، هم‌خوانی دارد. این بدان معناست که دیدگاه هستی‌شناختی ما در مورد خدا، انسان و دارایی‌ها، با اصل «کار اقتصادی که منشأ مالکیت و حق منفعت است»، سازگاری دارد.

۴. اقتصاد اسلامی پس از شهید صدر

ایده‌های شهید صدر در اقتصاد اسلامی به‌دست اقتصاددانان بعدی توسعه یافته است. بررسی استنادات کتاب‌ها و مقالات اقتصاد اسلامی، حاکی از بهره‌مندی اندیشمندان مسلمان از ایده‌های متفاوت شهید صدر درباره سیستم اقتصاد اسلامی، بانک‌داری اسلامی، روش‌شناسی اقتصاد اسلامی و بسیاری از موضوعات دیگر اقتصاد اسلامی است.

در طول ۵ دهه پس از شهید صدر، بسیاری از اقتصاددانان بزرگ اسلامی برای ایجاد دستاوردی در ادبیات اقتصاد اسلامی، تلاش کردند. در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بسیاری از اقتصاددانان اسلامی، از جمله محسن‌خان و عباس میرآخور (۱۹۸۷) با معرفی مدل مشارکت در سود و زیان (PLS)، ایده بانک‌داری اسلامی را بهبود دادند (خان و میرآخور، ۱۹۸۷). به‌علاوه در بیش از ۶۰ کشور، بسیاری از بانک‌های اسلامی تجهیز منابع مالی براساس مدل بانک‌داری اسلامی را آغاز کردند.

همچنین پژوهشگرانی مانند نجات‌الله صدیقی، مندر قحف، مسعود العالم چودری، اسد زمان، رفیق یونس مصری، محمد عمر چیرا، اقبال زیدی، مرفهیم خان، منور اقبال، انس زرقا و بسیاری دیگر از اقتصاددانان اسلامی، دستاوردهایی در بخش نظری ادبیات اقتصاد اسلامی داشته‌اند. در میان ایشان محمد عمر چیرا با معرفی مکانیسم فیلتر اخلاقی که در بخش‌های قبلی معرفی شد، به پیشبرد ادبیات نظام اقتصاد اسلامی کمک کرده است. او همچنین با احیای نظریه مکانیسم ماشه/ابن‌خلدون، به پیشبرد نظریه اسلامی توسعه کمک کرده است.

علاوه بر این دستاوردهایی در زمینه روش‌شناسی اقتصاد اسلامی توسط برخی پژوهشگران مانند انس زرقا، نجات‌الله صدیقی، مندر قحف، مسعود العالم چودری، اسد زمان و زبیر حسین، ایجاد شده است.

اسلامی می‌پرسیم. در مرحله دوم، قوانین مالی و یا فتواهای پیرامون مالکیت دارایی‌ها را جمع‌آوری می‌کنیم. مرحله سوم، انتخاب فتوایی است که با سؤال مکتبی ما مرتبط است. در مرحله چهارم، فتوایی دارای ظرفیت برای کشف اصل مکتبی مورد بحث‌گزنش می‌شوند. مرحله پنجم، تنظیم فتواها در یک سیر منطقی است؛ به‌طوری‌که بتوانیم برخی اصول مکتبی را از آنها استنباط کنیم. در مرحله ششم، این فتواها برای کشف یک دکترین اقتصادی مقدماتی ترکیب می‌شوند. مرحله هفتم، انتخاب مفاهیم مرتبطی است که می‌تواند به‌ما برای کشف اصل مکتبی کمک کند. در نهایت آخرین مرحله، استنباط اصل عقیدتی از قوانین اسلامی (فتواها) و مفاهیم مرتبط است.

اجازه دهید ۸ مرحله روش کشف را در قالب یک مثال توضیح دهیم. مثلاً این سؤال مطرح است که منشأ مالکیت و حقوق مالکیت در نظام اقتصادی اسلامی چیست؟ در نظام اقتصادی اسلام چگونه می‌توانیم مالک دارایی‌ها شویم؟ فتاوا و قوانین متفاوتی در مورد این موضوع وجود دارد که می‌تواند مستمسک یک اصل مکتبی قرار گیرد. بنا بر یک فتوا، پیمان‌کاری با قیمت و یا دستمزد بالاتر مشروع نیست؛ مگر اینکه تغییری در اموال ایجاد شود؛ به‌طوری‌که به‌سبب آن، ارزش افزوده‌ای حاصل شود. به‌عنوان مثال، هنگامی‌که شما خانه‌ای را اجاره می‌کنید، نمی‌توانید آن را به شخص دیگری با کرایه بالاتر اجاره دهید؛ مگر اینکه خانه را با کاری مانند رنگ‌زدن، بهبود دهید. یا شما نمی‌توانید قراردادی برای انجام کاری با دستمزد مشخص منعقد کنید و از کس دیگری بخواهید تا آن را با دستمزد کمتر انجام دهد؛ درحالی‌که بجز عقد قرارداد، شما هیچ سهمی در این پروژه نداشته‌اید. این بدان معناست که اگر شما از طریق پیمان‌کاری طالب تحصیل درآمد هستید باید کاری هم انجام دهید.

همچنین بنا به یک فتوا، اگر یک ماهی از رودخانه در زمین شما بیفتد، شما صاحب آن نمی‌شوید؛ مگر اینکه تلاشی برای گرفتن آن (حیازت) انجام دهید. بنا بر فتوای دیگر، حمی، یعنی تصاحب زمین بدون هیچ‌گونه فعالیت اقتصادی، حق منفعتی ایجاد نمی‌کند. علاوه بر این، ربا و قمار در اسلام ممنوع است. همچنین فتوایی وجود دارد مبنی بر اینکه اگر صاحب سرمایه هیچ ریسکی در پروژه متحمل نشود، هیچ سهمی در سود سرمایه‌گذاری نخواهد داشت.

پس از جمع‌آوری فتواها یا قوانین مالی، آنها را به‌نحوی که ما را قادر به کشف یک اصل مکتبی سازد، ساماندهی می‌کنیم. اصل

نتیجه‌گیری

با نگاهی به تاریخ اندیشه اقتصاد اسلامی، شاهد آن هستیم که ایده‌های اصلی اقتصاد اسلامی در قرآن و سنت معرفی شده‌اند. این ایده‌ها، به تدریج تا پایان قرن سیزدهم، توسط دانشمندان مسلمانی مانند ابن‌خلدون کشف شد. از قرن چهاردهم و بعد از افول تمدن اسلامی، شاهد یک شکاف در تاریخ اندیشه اقتصادی اسلام می‌باشیم. برای بیش از پنج قرن، ادبیات اقتصاد اسلامی بهبود قابل توجهی نداشت.

در اواسط قرن بیستم شهید صدر به شکلی علمی نظام اقتصادی اسلام را در مقایسه با نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری، سوسیالیستی و مختلف معرفی کرد. ایشان در کتاب‌های *اقتصادنا*، *بانک بدون ربا در اسلام* و *الاسلام یقود الحیاه* نه تنها به معرفی نظام اقتصادی اسلام از لحاظ نظری می‌پردازد؛ بلکه دستاوردهایی در جنبه‌های عملی اقتصاد اسلامی، به‌ویژه نظام بانک‌داری بدون ربا نیز داشته است. به‌واسطه دستاوردهای بزرگ شهید صدر در اقتصاد اسلامی، وی صلاحیت نامزدی عنوان پدر علم اقتصاد اسلامی را دارد؛ چراکه وی در پرده‌برداری از طرح کامل نظام اقتصادی اسلام موفق بوده است. او در پرداختن به سه سؤال مبنایی در نظام اسلامی؛ یعنی سؤال در مورد حقوق مالکیت، سازوکار تخصیص و توزیع، و نظام توزیع مجدد موفق بوده است.

پس از شهید صدر، اقتصاددانان مسلمان ایده اولیه وی در مورد نظام اقتصادی اسلام را گسترش دادند. با این حال هنوز هم نظریه‌های اقتصادی صدر در مرکز مباحث اقتصاد اسلامی قرار دارد. پیشرفت‌هایی در ادبیات اقتصاد اسلامی صورت گرفته است. در حال حاضر برخی از دانشگاه‌ها در حال ارائه دوره‌های اقتصاد اسلامی در سطوح مختلف هستند. ادبیات اقتصاد اسلامی به سرعت در حال رشد است. همچنین امکان عملی‌سازی نظریه‌های اقتصاد اسلامی، مخصوصاً بانک‌داری و سرمایه‌گذاری اسلامی فراهم آمده است.

منابع.....

- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۸۸، *الاسلام یقود الحیاه*، قم، دارالصدر.
- ____، ۱۴۰۰ق، *اقتصادنا*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- ____، ۱۴۰۱ق، *البنک الاربوی فی الاسلام*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- Akram Khan, M, 1984, "Islamic Economics: Nature and Need, J. Res", *Islamic Econ*, N. 1(2), p. 51-55.
- Blaug, M, 1997, *Great economists since keynes: An Introduction to the Lives and Works of One Hundred Modern Economists*, Edward Elgar Pub.
- Chapra, M., 2008, "Ibn Khaldun's theory of development: Does it help explain the low performance of the present-day Muslim world?", *Journal of Socio-Economics*, V. 37, N. 2, p. 836-863.
- ____, 1998, *Islam and Economic Challenge*, UK, The Islamic Foundation.
- Choudhury, M. A., 1986, *Contributions to Islamic economic Theory: A Study in Social Economics*, New York, St. Martin's Press.
- Haneef, M., 1995, *Contemporary Islamic Economic Thought: A Selected Comparative Analysis*, Ikraq, S. Abdul Majid & Co.
- Hasanuz Zaman, S, 1984, "Definition of Islamic Economics, J. Res", *Islamic Economics*, N. 1(2), p. 49-50.
- Ibn Khaldun, 2005, *The Muqaddimah: and Introduction to History*, N.J., Oxford, Princeton.
- Khan, M., & Mirakhor, A., 1987, *Theoretical studies in islamic banking and finance*, Texas, The Institute for research and Islamic studies.
- Kuran, T., 1995, "Islamic Economics and the Islamic Subeconomy", *Joumai of Economic Perspectives*, N. 9(4), p. 155-173.
- ____, 1997, "The Genesis of Islamic Economics: A chapter in the Politics of Muslim Identity", *Social Research*, N. 64(2), p. 301-338.
- Mannan, M. A., 1986, *Islamic Economicss: Theory and Paractice*, Kent, Hodder and Stoughton.
- Qahf, M., 1978, *The Islamic Economy: Analytical Study of the Functioning of the Islamic Economic System*, U.S. and Canada, Muslim Students Association of U.S. and Canada.
- Sadr, M., 1980, *Our Economy* (13 ed.), Beyruit, Dar Al-Taarof.
- Schumpeter, Joseph A., 1945 (re.p. 1997), *History of Economic Analysis*, New York, Routledge.
- Zatari, A., 2010, *الشهید السیدمحمدباقر : رائد الاقتصاد الإسلامی الحدیث*
- صدر، Retrieved from <http://www.alzatari.net/research/1041.html>

نوع مقاله: ترویجی

مبانی نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی

محمد بیدار برجین علیا / استادیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Bidar.Mohamad@yahoo.com  orcid.org/0009-0000-7270-4531

nasransari@yahoo.com

نصرتالله انصاری / دکترای علوم اقتصادی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

چکیده

یکی از چالش‌های اساسی در حوزه‌های عمومی که به یک مسئله مهم در اقتصاد سیاسی جدید تبدیل شده، پی‌گیری نفع شخصی مادی از سوی افراد و نادیده گرفتن منافع عمومی است. این موضوع، به پیدایش نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد نئوکلاسیک منجر شده که با مبانی و اهداف اقتصاد اسلامی ناسازگار است. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی، مبانی نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی را به دو دسته نظری و کاربردی تقسیم کرده و با اتکا بر مبانی مزبور، مفهوم و کارکرد نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی را متفاوت از رویکرد نئوکلاسیکی آن می‌داند. مبانی نظری و کاربردی نظریه انتخاب عمومی اسلامی نشان می‌دهد که دایره نفع شخصی به‌عنوان انگیزه اصلی انتخاب انسان، شامل منافع معنوی و اخروی نیز می‌شود که تنها با عقلانیت تکامل یافته، قابل درک و پی‌گیری است. مفهوم اسلامی انتخاب عمومی، چالش اصلی این نظریه را که تعارض منافع شخصی با منافع عمومی و در نهایت نادیده انگاشتن منافع عمومی باشد، از طریق گسترش دایره شمول منافع شخصی برطرف کرده و زمینه را برای دسترسی به اهداف اقتصادی اسلام از جمله عدالت اجتماعی فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مبانی نظری، مبانی کاربردی، نظریه انتخاب عمومی، اقتصاد اسلامی، اقتصاد سیاسی.

مقدمه

بعضی از اقتصاددانان مسلمان در خلال مباحث بخش عمومی روی «شورا» به عنوان مبنای انتخاب عمومی تأکید کرده‌اند که مندر قحف (۱۳۸۴) و نجات‌الله صدیقی (۱۳۸۴) از آن جمله‌اند. از نگاه آنان، شورایی بودن انتخاب، باعث می‌شود که مردم در متن تصمیم‌گیری قرار بگیرند و حاکمان ملزم به رعایت مصالح عمومی شوند. باید توجه داشت که «شورا»، سازوکاری برای رعایت مصالح عمومی است نه مبنای آن.

شهید صدر (۱۴۲۴ق) در کتاب *اقتصادنا* از مصالح اجتماعی انسان نام برده و تحقق آن را به انگیزه ذاتی تکامل یافته، منوط کرده که در پرتو تعالیم دین حاصل می‌شود. دین با توسعه دادن انگیزه ذاتی انسان، مصالح اجتماعی را در راستای مصالح شخصی قرار داده به فرد، انگیزه می‌دهد که برای تأمین منافع شخصی خود، منافع عمومی را نیز در نظر بگیرد. گرچه ایشان به مشکل انتخاب عمومی توجه داشته؛ ولی وارد بحث مبانی آن به عنوان یک نظریه نشده است.

نویسندگان کتاب *مبانی اقتصاد اسلامی* (۱۳۷۴) مجموعه‌ای از مبانی از جمله انسان اقتصادی، تقدم مصالح اجتماعی، عدالت اجتماعی، نقش بخش عمومی در اقتصاد و سیاست‌های دولت در بخش عمومی را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما به ارتباط آنها با انتخاب عمومی نپرداخته‌اند.

هادوی‌نیا (۱۳۸۳، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۸) و *یوسفی* (۱۳۸۶) از مبانی اقتصاد اسلامی به‌ویژه عقلانیت و انسان اقتصادی در اسلام، به عنوان هماهنگ‌کننده منافع فرد و جمع یاد کرده‌اند؛ بدون آنکه به مشکل یا نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی اشاره کنند.

نادران و رضایی (۱۳۹۰) از پنج رکن اساسی شامل «مشورت»، «توجه به امکان وجود انگیزه‌های شخصی در کارگزاران حکومتی»، «اهمیت رضایت افراد جامعه و عدم وجود برتری یک گروه بر دیگر مردم»، «وجود شفافیت و انتقادپذیری در حکومت» و «الزام‌های جایگاه کارگزاری حکومت اسلامی» به عنوان مبانی نظری و کاربردی سازوکار تصمیم‌گیری در بخش عمومی نام برده‌اند که اینها نیز به سازوکار اجرایی شبیه‌ترند تا مبانی.

بیبار (۱۳۹۷) ضمن تبیین ماهیت اقتصاد اسلامی، از انتخاب عمومی به عنوان یک نظریه علمی نام برده و در قسمت مبانی آن، به مواردی همچون «تقدم مصالح اجتماعی بر منافع فردی»، «حق

چالش‌های انتخاب در حوزه‌های عمومی و به صورت مشخص عرصه‌های حکمرانی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های کلان، به‌ویژه از منظر منافع اجتماعی منجر به پیدایش و گسترش نظریه‌ای به نام «نظریه انتخاب عمومی» در اقتصاد نئوکلاسیک شده که براساس آن، فرض دولتمردان خیرخواه و حافظ مصالح اجتماعی، ناسازگار با واقعیت خوانده شده و منطق انتخاب خصوصی که پیگیری نفع شخصی باشد، بر انتخاب عمومی نیز به نحوی تعمیم داده شده است. این نظریه در خاستگاه اصلی خود، بر فردگرایی روش‌شناختی انسان اقتصادی و بازار سیاست مبتنی است که ریشه در مبانی فلسفی اقتصاد متعارف دارند.

در اقتصاد اسلامی، با وجود چالش‌های انتخاب عمومی، نظریه مدونی به این نام وجود ندارد؛ ولی چالش‌های موجود باعث شده که پژوهشگران مسلمان در دهه‌های اخیر به مطالعه اقتصاد سیاسی با رویکرد اسلامی علاقه‌مندی نشان دهند و معیارهای انتخاب عمومی را از منظر عقلانیت در اسلام بررسی کنند. یکی از مباحث اصلی در این موضوع که به آن کمتر توجه شده، مبانی و کارکرد انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی است. بحث از مبانی، ضمن اینکه به روشن شدن مفهوم موردنظر از انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی کمک می‌کند، مسیر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و ایجاد ساختارها و سازوکارهای نهادی مناسب به‌منظور کاستن از چالش‌ها و رسیدن به انتخاب عمومی سازگار با اهداف اقتصادی - اجتماعی اسلام را نیز مشخص می‌کند. در این تحقیق، مبانی نظری انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی و کارکرد آن از منظر منافع اجتماعی بررسی می‌شود و نوآوری آن، تبیینی جدید از نظریه انتخاب عمومی در چارچوب مبانی اقتصاد اسلامی و مرتبط کردن آن با اهداف اقتصادی اسلام است.

پژوهندگان حوزه مطالعاتی اقتصاد اسلامی به مشکل انتخاب عمومی در اقتصاد جوامع اسلامی از جمله اقتصاد ایران توجه کرده و آثار متعددی را در این زمینه به‌ویژه در قسمت توصیه‌های هنجاری تدوین کرده‌اند؛ اما به تبیین آن به عنوان یک نظریه با مبانی و کارکرد خاص خود، کمتر پرداخته‌اند. در بحث مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی که نسبت به نظریه انتخاب عمومی، مبانی عام محسوب می‌شوند، آثار علمی متعددی منتشر شده؛ ولی پژوهش مستقل در خصوص بازتولید نظریه انتخاب عمومی از مبانی اقتصاد اسلامی صورت نگرفته است.

۱. مفهوم نظریه انتخاب عمومی

اصطلاح «انتخاب عمومی» مربوط به «نظریه انتخاب عمومی» (Public Choice Theory) به عنوان شاخه‌ای از علم اقتصاد است که رفتار افراد در محیط‌های غیربازاری، مانند سیاست، حکمرانی و بخش‌های عمومی و غیرخصوصی را با منطق اقتصادی تحلیل می‌کند (مولر، ۲۰۰۳، ص ۱). مفهوم مشترک نظریه انتخاب عمومی در همه رویکردها و زمینه‌های مطالعاتی، حاکمیت منطق واحد بر فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی است. از این رو انتخاب عمومی را رویکرد اقتصادی به سیاست تعریف کرده‌اند (گانینگ، ۱۳۸۵، ص ۳۷). تأکید نظریه انتخاب عمومی، بر پیگیری نفع شخصی در همه حوزه‌هاست، نه لزوماً بیشینه‌سازی آن.

در حوزه اقتصاد اسلامی نیز بعضی از پژوهش‌ها حاکی از آن است که انتخاب عمومی یک مفهوم کلی ثابت دارد که تحلیل رفتارهای سیاسی با ابزارهای تحلیلی علم اقتصاد خرد باشد. اگر این تحلیل با ابزارهای تحلیلی اقتصاد خرد متعارف صورت بگیرد، دستاورد آن، نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد متعارف خواهد بود و اگر با ابزارهای تحلیلی اقتصاد خرد اسلامی صورت بگیرد، انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی را نتیجه خواهد داد (بیدار، ۱۳۹۷، ص ۲۴۷-۲۵۳). از آنجا که رویکرد تحلیل در دو اقتصاد متفاوت است، محتوای انتخاب عمومی هم متفاوت می‌شود.

تفاوت رویکردهای تحلیل ناشی از تفاوت در مبانی، به‌ویژه تعریف «انسان اقتصادی» است که خود ریشه در مبانی فلسفی مانند «معرفت‌شناسی»، «هستی‌شناسی»، «انسان‌شناسی» و «ارزش‌شناسی» دارد. اگر «انسان اقتصادی» مورد نظر اسلام، جایگزین «انسان اقتصادی» متعارف شود، تحلیل تغییر می‌کند؛ چراکه معیار عقلانیت که در کانون تحلیل قرار دارد، متفاوت می‌شود. معیار عقلانیت، منفعت‌گرایی است که بسته به تعریف منفعت، نوع عقلانیت تغییر می‌کند. اگر منفعت، محدود به منافع دنیایی تعریف شود، نوع عقلانیت، عقلانیت ابزاری یا عقلانیت محدود خواهد بود و اگر منفعت به صورت توسعه‌یافته و تعمیم‌داده شده به منافع دنیایی و آخرتی تعریف شود، نوع عقلانیت، عقلانیت تکامل‌یافته خواهد بود که یکی از کارکردهای آن، ایجاد سازگاری بین منافع شخصی و منافع عمومی و برطرف کردن مشکل انتخاب عمومی است. از این رو انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی به مفهوم پی‌گیری نفع شخصی به معنای وسیع آن است که منافع عمومی را هم پوشش می‌دهد.

و تکلیف بودن فعالیت‌های سیاسی»، «مسئولیت‌پذیری همگانی»، «حاکمیت اخلاق اسلامی بر فعالیت‌های سیاسی» و «انسان اقتصادی» پرداخته است. گرچه این موارد، از مبانی نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی محسوب می‌شوند؛ اما علاوه بر تطبیق مبانی با نظریه انتخاب عمومی و کارکرد آن، نیاز به تکمیل و افزودن بعضی از مبانی مانند معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی نیز دارد.

پناهی بروجردی (۱۳۹۷) مبانی رفتار انسان اقتصادی در اقتصاد اسلامی را عقلانیت عبادی قرار داده که رفتارهای انسانی را در همه عرصه‌ها از جمله عرصه اقتصاد، براساس یکی از سه انگیزه ترس از عذاب الهی، طمع به بهشت الهی و محبت الهی شکل می‌دهد.

توکلی (۱۴۰۰ الف) نظریه عقلانیت محدود در اقتصاد اسلامی را به عنوان مبانی نظریه انتخاب عمومی مطرح کرده و نتیجه گرفته که اسلام محدودیت‌های بشر در انتخاب عقلایی را پذیرفته و تلاش کرده از طریق تقویت شناخت و اراده انسان، او را به سوی عقلانیت تکامل‌یافته رهنمون شود. در واقع، نظریه عقلانیت محدود برای پیشنهاد یک دیدگاه عینی‌تر از انتخاب عمومی در اسلام ارائه شده که ممکن است واقعیت یک جامعه اسلامی را توضیح دهد؛ اما حقیقت آن را هرگز. نظریه انتخاب عمومی در اسلام، تنها می‌تواند بر عقلانیت تکامل‌یافته مبتنی باشد؛ گرچه در مسیر تحقق آن، بایست به عقلانیت محدود نیز به عنوان موانع و مشکلات توجه داشت. به همین دلیل، ایشان در مقاله‌ای دیگر (۱۴۰۰ ب)، از عقلانیت در حال تکامل به عنوان مبانی نظام حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی اسلام یاد کرده است.

در مجموع، پژوهشگران حوزه اقتصاد اسلامی یا به توصیه‌های هنجاری برای حل مشکل انتخاب عمومی بسنده کرده‌اند؛ یا به برخی از سازوکارهای اجرایی آن اشاره کرده‌اند و یا عقلانیت در اسلام را به عقلانیت محدود تقلیل داده‌اند، تا از شکاف بین نظریه و واقعیت بکاهدند. هیچ‌یک، بررسی جامعی از مبانی نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی ارائه نداده است، تا بتوان نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی را بر آنها مبتنی کرد. به نظر می‌رسد نگرانی از محدودیت‌های عرصه عمل، به نظریه سرایت داده شده در حالی که نظریه بایست به صورت کامل مطرح شود و محدودیت‌ها در فرایند راهبردها و راهکارهای عملی مورد توجه قرار گیرد.

۲. مبانی نظری نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی

هر نظریه مبتنی بر مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های اساسی است که به آنها مبانی گفته می‌شود. مبانی را از آن جهت مبانی نامیده‌اند که زیربنای بنیان‌های دیگر به‌شمار می‌روند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۶۵). با وجود برداشت‌های مختلف از اصطلاح «مبانی» که گویا باعث نوعی ابهام در مفهوم و کارکرد آن شده (توکلی، ۱۳۹۴)، منظور از مبانی در این تحقیق، پیش‌فرض‌های خاص یک علم یا نظریه است که یا بدیهی محسوب می‌شود و یا پیش‌تر در علوم دیگر به اثبات رسیده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۶۵). این مبانی، شامل پیش‌فرض‌های فلسفی مانند معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی می‌شود که نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی بر آنها مبتنی شده است.

۲-۱. مبانی معرفت‌شناختی

معرفت‌شناسی دانشی است که ارزش شناخت را مورد بررسی قرار می‌دهد (شریفی، ۱۳۹۴، ص ۲۷۹). منظور از مبانی معرفت‌شناختی در این بحث، گزاره‌های خبری از دانش معرفت‌شناختی اسلامی است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۸۸) که برای استنتاج مؤلفه‌های نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی به کار می‌روند. پرسش اصلی در معرفت‌شناسی این است که چگونه می‌توان به مؤلفه‌های نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی معرفت پیدا کرد؟ به‌صورت کلی، مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد اسلامی را به ماهیت شناخت‌ها، شرایط تحقق شناخت، منابع شناخت و ملاک اعتبار آن مربوط دانسته‌اند (توکلی، ۱۳۹۸، ص ۴۹). از این‌رو پرسش اساسی معرفت‌شناختی به این صورت اصلاح می‌شود که چه چیزی در نظریه انتخاب عمومی، معرفت و شناخت معتبر محسوب می‌شود؟ باید توجه داشت که کسب معرفت نسبت به انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی، از هر جهت تابع شرایط کسب معرفت نسبت به اقتصاد اسلامی است؛ چراکه نظریه انتخاب عمومی اسلامی بخشی از اقتصاد اسلامی به‌شمار می‌رود و مبانی آن چیزی خارج از محدوده مبانی اقتصاد اسلامی نیست. از این‌رو ماهیت شناخت‌ها، شرایط تحقق شناخت، منابع کسب معرفت و ملاک اعتبار آن در نظریه انتخاب عمومی بسان نظریه اقتصاد اسلامی است.

جنبه‌های مکتبی نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی، به روش اجتهادی از منابع اسلامی چهارگانه یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل استنباط می‌شود. در ارتباط با اعتبار معرفت کسب‌شده از طریق اجتهاد روش‌مند (فقاہت)، علاوه بر بحث مرجعیت و اینکه فقها در این‌گونه معرفت‌ها مرجع نهایی محسوب می‌شوند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹)؛ بعضی از پژوهشگران اقتصاد اسلامی سه ملاک واقع‌گرایی، توجیه‌پذیری و اسلامیت را برای اعتبارسنجی معرفی کرده‌اند (توکلی، ۱۳۹۸، ص ۷۴). از این نظر معرفتی معتبر است که مطابق با واقع، توجیه‌پذیر و اسلامی باشد. واقع‌گرایی، یعنی معرفت باید در راستای تغییر واقعیت موجود به سمت واقعیت مطلوب اسلامی باشد. توجیه‌پذیری، یعنی معرفت یا از بدیهیات یا مبتنی بر بدیهیات باشد. اسلامیت، یعنی معرفت از منابع اسلامی (آیات و روایات) به‌دست آمده باشد (گروهی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ص ۶۴).

از بعضی آیات قرآن و روایات نوعی معرفت نسبت به انتخاب عمومی حاصل می‌شود که از معیارهای سه‌گانه اعتبار (واقع‌گرایی، توجیه‌پذیری و اسلامیت) برخوردار است؛ زیرا این معرفت‌ها درصدد است که واقعیت‌های موجود را به سمت واقعیت‌های مطلوب هدایت کند. به‌عنوان نمونه، یکی از واقعیت‌های موجود در رفتار انسان‌ها این است که تحت تأثیر منافعشان در دنیا، از منافع آخرتشان غفلت می‌کنند. قرآن کریم، درصدد برآمده که واقعیت موجود دنیاگرایی را به سمت واقعیت مطلوب آخرت‌گرایی سوق دهد (آل عمران: ۱۴). به انسان‌ها بفهماند که منافع آخرت برای آنها بهتر است (نساء: ۷۷)؛ چون منافع دنیا در مقایسه با منافع آخرت، بسیار اندک است (توبه: ۳۸).

در روایات اسلامی نیز مقایسه مشابهی انجام شده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرموده است: «... وَ أَرْمَعُ التَّرْحَالَ عِبَادُ اللَّهِ الْأَخْيَارُ وَ بَاعُوا قَلِيلًا مِنَ الدُّنْيَا لَأَيِّقِي بِكَثِيرٍ مِنَ الْآخِرَةِ لَأَيِّقِي...» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶۴، خطبه ۱۸۲)؛ بندگان خوب خدا آماده کوچ‌اند؛ اندک دنیا را که ماندنی نیست، به کثیر آخرت که از بین‌رفتنی نیست، معامله کردند. ایشان خطاب به طلحه و زبیر که به‌خاطر طرف مشورت قرار نگرفتن در امور حکومت و تقسیم بیت‌المال گلیه و شکایت داشتند، فرمود: «لَقَدْ نَقَمْتُمْ يَسِيرًا وَ أَرْجَأْتُمْ كَثِيرًا...» (همان، ص ۳۲۱، کلمات قصار ۲۰۵)؛ برای اندک (دنیا) خشم گرفتید و فراوان (آخرت) را وا گذاشتید. راجع به بنی‌امیه فرمود: «أَثَرُوا عَاجِلًا وَ آخَرُوا أَجَلًا وَ تَرَكَوْا صَافِيًا وَ شَرَبُوا أَجِنًا» (همان، ص ۲۰۱، خطبه ۱۴۴)؛ دنیا را

عمومی، فردگرایی روش شناسانه است نه فردگرایی فلسفی (تمدن چهارمی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷). با این وجود، فردگرایی یا جامعه‌گرایی حقوقی می‌تواند در انتخاب عمومی جهت‌دهنده باشد؛ زیرا در تصمیم‌گیری عمومی، هر کدام از رویکردهای فردگرایی و جامعه‌گرایی تأثیر خاص خود را دارد.

اینکه در هنگام تزاخم یا تعارض منافع فرد و جامعه، تصمیم‌گیرندگان بخش عمومی در اقتصاد اسلامی کدام‌یک را مقدم بدانند، بستگی به رویکرد حقوقی اصالت فرد و جامعه در اسلام دارد که دو بحث وجودشناسانه در اینجا مطرح شده است: یکی، تقدم منافع فرد است تا زمینه برای ایثار و فداکاری او فراهم شود؛ این دیدگاه را می‌توان به آیت‌الله جوادی آملی منتسب کرد؛ زیرا نوشته است:

هرگاه میان حق و منفعت فرد از یک‌سو و حقوق و منافع اجتماعی از سوی دیگر، تعارضی پیش آید، اسلام بر اساس «... وَ يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ...» (حشر: ۹) حق فرد را مقدم می‌دارد؛ لیکن با این هدف که روح فداکاری، از خودگذشتگی، کوثر و ایثار را در فرد مسلمان احیا کند؛ نه اینکه روحیه طمع، حرص، تکاثر و استیثار را در او تقویت کند؛ زیرا اسلام برخلاف سایر مکاتب مادی حیات انسان را محدود به دنیا نمی‌داند» (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۹).

دیگری بحث اهم و مهم است که معمولاً در تعارض میان منافع فرد و جامعه، نتیجه مصلحت‌سنجی‌ها به نفع جامعه تمام می‌شود و از باب تقدیم اهم بر مهم، منافع جامعه بر منافع فرد مقدم می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۱۸۴). از این موضوع به‌عنوان یک اصل (گروهی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ص ۱۶۵) و یکی از ملاک‌های تعیین اهم و مهم (نظری، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶) یاد شده است. سخن و سیره معصومان علیهم‌السلام هر دو موضوع (ایثار و مصلحت جمع) را تأیید می‌کند؛ به‌عنوان نمونه، امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در بیان دلیل خودداری خود نسبت به مطالبه حق خلافت می‌فرماید: «لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا مِنْ غَيْرِي وَ وَاللَّهِ لَأَسْلِمَنَّ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ...» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۷۴، ص ۱۰۲)؛ شما خوب می‌دانستید که من به امر خلافت سزاوارتر از غیر خود هستم و سوگند به خدا تا وقتی که امور مسلمانان در سلامت باشد، من تسلیم خواهم بود.

۲-۲-۲. عقلانیت اقتصادی

پژوهشگران مسلمان از دو نوع عقلانیت محدود و تکامل‌یافته

پیش انداختند و آخرت را عقب انداختند، آب گوارا را رها کردند و آب گندیده را خوردند. خطاب به فرزندش می‌فرماید: «إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا» (همان، ص ۴۰۰، کلمات قصار ۳۱)؛ یعنی هدف اصلی، زندگی آخرت است نه زندگی دنیا.

از آیات و روایاتی که به‌عنوان نمونه استفاده شده، این معرفت حاصل می‌شود که منافع دنیا در مقایسه با منافع آخرت بسیار ناپایدار و ناچیز است و اگر کسی در رفتار خود نتواند بین منافع دنیایی و آخرتی سازگاری برقرار کند و منافع زودگذر دنیا را بر منافع پایدار آخرت ترجیح دهد، عقلایی عمل نکرده است. چنین معرفتی، اسلامی است؛ چون ملاک‌های اسلامی بودن (ر.ک: توکلی، ۱۳۹۵) را دارد.

۲-۲. مبانی هستی‌شناختی

مبانی هستی‌شناختی، به پیش‌فرض‌های وجودشناسانه نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی می‌پردازد. هستی‌شناختی‌ای که بر همه نظریه‌های اقتصاد اسلامی از جمله انتخاب عمومی حاکم است. هستی‌شناختی توحیدی در مقابل هستی‌شناسی طبیعی است (توکلی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۶). هستی‌شناختی توحیدی، فروض وجودشناسانه نظریه انتخاب عمومی را در ارتباط با سه مبنای اصلی آن در اقتصاد نئوکلاسیک که فردگرایی، انسان اقتصادی و بازار سیاست باشد، کاملاً تغییر می‌دهد.

۲-۲-۱. فرد / جامعه‌گرایی

در موضوع فرد و جامعه، این بحث هستی‌شناختی مطرح است که در جهان انسان‌ها، اصالت با فرد انسان است یا جامعه انسانی؟ اصالت یا به معنای فلسفی، وجود حقیقی داشتن؛ یا به معنای روان‌شناختی - اجتماعی، تأثیر و نفوذ و یا به معنای حقوقی، تقدم منافع و مصالح است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۶-۵۲). به‌همین دلیل، بعضی تغییر به اصالت حقوقی، اصالت اجتماعی و اصالت فلسفی کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۸-۲۹۵).

پذیرش یا رد اصالت فلسفی جامعه، تأثیر چندانی در بحث انتخاب عمومی ندارد؛ چراکه منکران اصالت فلسفی جامعه، اموری همچون حقوق، منافع و مصالح جامعه و یا تأثیر و نفوذ جامعه بر افراد را به‌جای جامعه به اکثریت افراد نسبت می‌دهند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۴۸ و ۸۹) که همین مقدار برای بحث انتخاب عمومی کفایت می‌کند. علاوه بر این، فردگرایی مطرح در نظریه انتخاب

ابعاد وجودی انسان توجه دارد و ثانیاً بر انطباق عقل و شرع در محتوای متعلق تأکید می‌کند. براین اساس، یک رفتار در صورتی از منظر دین، عقلانی است که مورد تصویب عقل و شرع هر دو باشد؛ یا حداقل مخالفتی با شرع نداشته باشد (جوشقانی نائینی، ۱۳۹۷، ص ۹۴). نمود این‌گونه عقلانیت، خیرخواهی در جامعه است که براساس آن، منافع فرد با منافع جمع همسو می‌شود (توکلی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۰).

عقلانیت تکامل یافته، در پرتو ایمان قوی حاصل می‌شود و آن‌گونه که شهید مطهری تأکید کرده، اگر ایمان نباشد، عقل نمی‌تواند انسان را فراتر از نفع شخصی رهنمون شود. از نظر ایشان، منفعت‌طلبان دنیا همه عقل دارند؛ ولی چون به ورای منافع فردی ایمان ندارند، مصالح خودشان را در همین منافع فردی می‌دانند؛ اما اگر ایمانی به یک مصلحت بالاتر پیدا شد که منفعت شخصی در مقابل آن مصلحت، کوچک‌تر بود، آن وقت عقل به مصلحت مهم‌تر رهنمون می‌شود (مطهری، بی تا، ج ۴، ص ۳۲۳). علامه طباطبائی از دو نوع منطق سخن گفته است که در معرض انتخاب انسان‌ها قرار دارد: منطق احساس و منطق تعقل. منطق احساس، انسان را به سوی منافع دنیایی فرامی‌خواند و منطق تعقل که منطق اسلام است، انسان را به سوی پیروی از حق به‌عنوان بهترین منفعت فرامی‌خواند و آن‌چه را نزد خداست، بهتر و ماندنی می‌داند. در منطق تعقل، منفعت دنیایی، منفعت درجه دوم به حساب می‌آید و نسبت به منفعت اخروی، طفیلی است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۱۱۲ و ۱۱۴). در این دسته‌بندی عقلانیت ابزاری و عقلانیت محدود در دسته منطق احساس قرار می‌گیرند، نه منطق تعقل.

بنابراین انسان اقتصادی در اسلام، انسانی است که با برخورداری از عقلانیت تکامل یافته، به منافع شخصی بلندمدت و پایدار خود در جهان آخرت می‌اندیشد و قادر است از منافع شخصی دنیایی و ناپایدار خود در جهت منافع عموم (درواقع، منافع شخصی اخروی و دائمی خود) کناره‌گیری کند. لذا در قانون‌گذاری و ایجاد قواعد و ساختارها و همچنین در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و... مصلحت عموم را در نظر می‌گیرد.

۲-۲-۳. سیاست به‌مثابه تکلیف

در نظریه انتخاب عمومی متعارف، سیاست نوعی مبادله میان افراد مختلف است که در آن هر فرد اهداف شخصی خود را از طریق یک سازوکار جمعی (بازار سیاست) دنبال می‌کند و ملاک خوب یا بد

به‌عنوان ملاک و معیار انتخاب انسان اقتصادی بحث کرده‌اند. عقلانیت محدود، ناظر به واقعیت‌های عینی و محدودیت‌های دانشی، انگیزشی و ارادی انسان در انتخاب عقلایی است (ر.ک: توکلی، ۱۴۰۰ الف)؛ و عقلانیت تکامل یافته، به وضعیت بایسته و آرمانی از نظر اسلام و عبور از محدودیت‌ها توجه دارد. نظریه عقلانیت محدود با این رویکرد مطرح شده که عقلانیت موردنظر اسلام را به واقعیت‌های عینی نزدیک کند و محدودیت‌هایی را که فرد در فرایند انتخاب عقلایی با آن مواجه است را در درون نظریه به‌رسمیت بشناسد. به‌همین جهت، اسم عقلانیت در حال تکامل یا رو به تکامل را نیز روی آن گذاشته‌اند (همان).

عقلانیت محدود، بسیار شبیه به عقلانیت ابزاری مطرح در نظریه انتخاب عمومی اقتصاد نئوکلاسیک است و تفاوت معناداری بین محتوای دو نظریه دیده نمی‌شود. تنها تفاوت این است که مواردی همچون نقص اطلاعات، کوتاه‌بینی و حرص و طمع و خودخواهی؛ در یکی، جزء عقلانیت و در دیگری، محدودیت‌های عقلانیت محسوب شده‌اند؛ و گرنه خروجی هر دو، نوعی عقلانیت ناقص است که با عقلانیت موردنظر اسلام فاصله دارد. توجه اسلام به محدودیت‌های بشر در موضوع عقلانیت، به معنای صحه گذاشتن بر آن نیست؛ بلکه به معنای مقابله با آن و تلاش برای عبور از محدودیت‌هاست. به‌همین دلیل قرآن کریم بجز مؤمنانی را که عمل صالح انجام می‌دهند و سفارش به حق و صبر می‌کنند، رفتار بقیه را زیان‌بار (غیرعقلانی) می‌خواند (عصر: ۱-۳). بنابراین از نظر اسلام تنها انتخابی که می‌تواند عقلایی باشد، انتخاب براساس عقلانیت تکامل یافته است.

انتخاب براساس عقلانیت تکامل یافته، به انتخاب آگاهانه و سازگار با کمال حقیقی و برتر، گفته می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۱۴۸-۱۴۹). دو عنصر «شناخت کمال حقیقی» و «انتخاب کمال برتر»، از عناصر اصلی رفتار عقلانی محسوب می‌شوند. اگر انسان نداند که کمال حقیقی چیست و یا بداند ولی آن را انتخاب نکند و به چیزهای بی‌ارزش و یا ضد کمال، بسنده کند؛ عقلانی رفتار نکرده است.

عقلانیت تکامل یافته عقلانیتی است که در پرتو تعالیم وحی پرورش یافته و به مراحل از کمال رسیده است. لذا امام حسین علیه السلام فرموده است: «لَا يَكْمُلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۲۷)؛ عقل کامل نمی‌شود مگر به تبعیت از حق. چنین عقلانیتی، اولاً به تمام

بعضی از فیلسوفان مسلمان با استفاده از آیات و روایات، قوای نفسانی انسان را دارای مراتب طولی دانسته‌اند که از مرتبه نباتی شروع می‌شود و پس از مرتبه حیوانی به مرتبه انسانی می‌رسد که خود نیز دارای مراتب است و بالاترین آنها به اولیا و امامان معصوم علیهم‌السلام اختصاص دارد (همان، ص ۱۶۹). توجه به منافع مادی زودگذر و نادیده گرفتن منافع بلندمدت معنوی، در مرتبه حیوانی و یا مراتب نازل انسانی صورت می‌گیرد؛ و هرچه مرتبه انسانی ارتقا یابد، منافع شخصی رنگ و بوی بلندمدت و معنوی به خود می‌گیرد و هماهنگی بین منافع شخصی و جمعی بیشتر و بیشتر می‌شود. کمال روح، مرتبه و شأن خلافت و حیات اخروی، ویژگی‌هایی در انسان است که موجب می‌شود فرمول محاسبات ذهنی او تغییر کند و عقلانیت را در کمال جویی، جانشینی شایسته و رستگاری آخرت ببیند.

۲-۴. مبانی ارزش‌شناختی

ارزش‌شناختی، آن دسته از پیش‌فرض‌های ارزش‌شناسانه اقتصاد اسلامی است که نظریه انتخاب عمومی بر آنها استوار می‌شود. باید توجه داشت که منظور از ارزش، ارزش اقتصادی نیست؛ بلکه ارزش اخلاقی است که در یک دیدگاه، مرادف با مطلوبیت دانسته شده (همان، ص ۱۹۱-۱۹۲؛ شریفی، ۱۳۹۴، ص ۳۳۳) و براساس آن، صفت «ارزشمند» در مورد چیزهایی به کار می‌رود که از نظر فرد، گروه یا جامعه‌ای مطلوب باشند

دیدگاه دیگر این است که ارزش به معنای حقیقی کلمه غیر از مطلوبیت است؛ زیرا مطلوبیت مربوط به گرایش انسان می‌شود که ممکن است نسبتی با ارزش حقیقی که فراتر از گرایش و میل انسان است، نداشته باشد. ارزش حقیقی در کارهایی متجلی می‌شود که براساس اراده اخلاقی صورت گرفته، نه میل طبیعی (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸). به تعبیر دیگر، کارهایی متصف به ارزشمندی می‌شود که با انگیزه‌ای فوق انگیزه‌های طبیعی، یعنی انگیزه‌های اخلاقی صورت بگیرند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۱).

با توجه به اینکه بعضی از کسانی که ارزش را مرادف مطلوبیت دانسته‌اند، قید «سلیقه‌ای و قراردادی نبودن و بلکه واقعی و در جهت وصول به کمال نهایی حقیقی انسان بودن» را به مطلوبیت افزوده‌اند (شریفی، ۱۳۹۴، ص ۳۴۳-۳۴۴)، اختلاف معناداری بین دو دیدگاه باقی نمی‌ماند.

از ویژگی‌های انگیزه‌های اخلاقی، برخلاف انگیزه‌های طبیعی، عدم

بودن یک عمل سیاسی، براساس رضایت افراد سنجیده می‌شود نه ملاک‌هایی مانند حرکت به سمت ایده‌هایی که به طور برون‌زا تعریف شده‌اند (بوکانان، ۱۳۸۶). چنین پیش‌فرضی در اقتصاد اسلامی جایگاهی ندارد؛ چراکه سیاست مربوط به حوزه عمومی است که آنجا بحث از حق و تکلیف است (بیدار، ۱۳۹۷، ص ۲۴۹)؛ نه مبادله برای کسب سود و منفعت شخصی. حتی اگر مفهوم توسعه‌یافته مبادله و منفعت شخصی لحاظ شود، باز هم ارتباطی با بازار پیدا نمی‌کند؛ چون بحث از مبادله با خدا به منظور کسب منفعت معنوی و پاداش اخروی است، نه مبادله با دیگر افراد به منظور کسب منافع مادی. از این رو تکلیف بودن سیاست ایجاب می‌کند که انجام تکلیف سیاسی، یک عمل عقلایی باشد نه مبادلات سیاسی منفعت‌طلبانه.

۲-۳. مبانی انسان‌شناختی

پیش‌فرض انسان‌شناختی، به تعریف منافع حقیقی انسان کمک می‌کند؛ زیرا نوع نگاه ما به انسان است که تعیین می‌کند منافع او چیست و آیا از ره‌گذر منافع عمومی می‌گذرد یا در تعارض با آن قرار دارد؛ با توجه به آیات قرآن، انسان جایگاه ویژه‌ای در نظام هستی دارد و این به خاطر ویژگی او در آفرینش است. انسان در مرحله تکوین، موجودی با کرامت و برتر آفریده شده (اسراء: ۷۰) که با توجه به قابلیت‌های خود، می‌تواند در مرحله تشریح هم به کرامت اکتسابی برسد (حجرات: ۱۳).

منشأ کرامت انسان در هر دو مرحله، دمیده شدن روح الهی در کالبد اوست که هم باعث شده انسان به لحاظ وجودی، موجود دوساختی و مرکب از جسم و روح باشد و هم به لحاظ جایگاه در میان سایر مخلوقات، مسجود فرشتگان واقع شود (ص: ۷۱-۷۳) و شایستگی خلافت الهی را پیدا کند (بقره: ۳۰). روح، بخش اصلی وجود انسان را تشکیل می‌دهد و از جاودانگی برخوردار است (شریفی، ۱۳۹۴، ص ۳۲۱-۳۲۲). جاودانگی انسان در زندگی پس از این دنیا رقم می‌خورد؛ جایی که انسان نسبت به عملکردش در این دنیا بازخواست می‌شود (آل عمران: ۳۰) و به تناسب اعمال خود، در بهشت یا جهنم خلود می‌یابد (بقره: ۸۱-۸۲). لذا اگر تراحمی میان کمال روح و کمال جسم به وجود آید، کمال روح در اولویت است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷-۱۶۸). به‌عنوان مثال اگر کمال روح در جان‌فشانی برای حفاظت از منافع عموم باشد و کمال جسم در خوشگذرانی و استراحت، کمال روح مقدم است.

انتخاب عمومی نقش دارند، اهداف و نتایج عملی و کاربردی نظریه مزبور نیز به‌شمار می‌روند. مبانی کاربردی نظریه انتخاب عمومی براساس استقراء، شامل عدالت اجتماعی، مصالح اجتماعی و همبستگی اجتماعی می‌گردد. این اهداف، بدون تحقق انتخاب عمومی موردنظر اسلام به‌دست نمی‌آید و حتی تحقق نسبی انتخاب عمومی اسلامی به تأمین نسبی آنها کمک می‌کند.

۳-۱. مصالح اجتماعی

در اسلام، مصلحت اجتماعی اهمیت دارد و در بسیاری موارد بر مصالح فردی مقدم شده است. از این رو افراد چه در فعالیت‌های خصوصی و چه عمومی، اجازه ندارند مصالح اجتماعی را به‌خطر بیندازند. به‌عنوان نمونه، قرآن کریم قرار دادن اموال در دست سفیهان جامعه را ممنوع کرده (نساء: ۵) تا مبادا با تصرف نادرست خود باعث نابودی اموال و تباهی جامعه گردند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۱۷۰). همچنین، اصل وارد نکردن زیان بر مصالح مردم و تأکید بر حمایت و گسترش مصالح اجتماعی به‌عنوان یکی از اهداف قوانین اسلامی مطرح شده است (صادق و غزالی، ۱۳۸۵، ص ۹۶). بر این اساس، پی‌گیری و پیشینه‌سازی نفع شخصی حتی در حوزه‌های خصوصی، مقید به رعایت مصالح اجتماعی است، چه رسد به حوزه‌های عمومی که فرد مسئول مستقیم حفظ مصالح اجتماعی است. به هر اندازه که انتخاب عمومی به مفهوم اسلامی آن در جامعه نهادینه شود، مصالح اجتماعی به نقطه بهینه خود نزدیک‌تر می‌شود.

۳-۲. عدالت اجتماعی

مصلحت اجتماعی در گرو عدالت اجتماعی است؛ زیرا اساس شکل‌گیری جامعه و تبادلات بین اعضای آن به‌منظور تأمین نیازهای فردی و اجتماعی است. مصلحت اجتماعی در آن است که مبادله به‌صورت عادلانه صورت بگیرد و هر فرد متناسب با آنچه از دست می‌دهد، به‌دست آورد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۳۶۳). اگر این تناسب حتی در مورد یک فرد دچار اختلال شود، مصلحت اجتماعی بهینه نشده است و هرچه اختلال‌ها بیشتر شود، مصلحت اجتماعی نیز از نقطه بهینه خود دورتر می‌شود. یکی از فلسفه‌های تشکیل حکومت و واگذاری امور به کارگزاران شایسته، تحقق عدالت اجتماعی است (لطیفی، ۱۳۷۹). اگر انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های کارگزاران دولتی در مغایرت با عدالت

نسبیت است (همان؛ توکلی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۸-۲۱۷)، زیرا از بُعد معنوی انسان سرچشمه می‌گیرد که نسبت‌بردار نیست (روم: ۳۰). به بیان دیگر، انسان از جهت انسانیت خود، سعادت و شقاوت مشخص و ثابت دارد و از یک مسیر مشخص به‌سمت سعادت هدایت می‌شود که غیر آن مسیر، به شقاوت منتهی می‌گردد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۱۷۹). غایت ارزش‌های اخلاقی که انسان می‌تواند به آنها برسد، قرب و رضوان الهی است (توبه: ۷۲). بالاترین ارزش آن است که انسان ملاک کار خود را رضایت پروردگار قرار دهد نه ارضای خود؛ زیرا اگر رضایت خداوند نباشد، بهشت برین هم ارزشی ندارد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۳۳۹). رضوان الهی به‌عنوان غایت ارزش‌ها، ارزش ذاتی و مستقل دارد و سایر ارزش‌ها به‌خاطر اینکه انسان را برای رسیدن به ارزش نهایی کمک می‌کنند، ارزش ابزاری و وابسته دارند. سلسله‌مراتب ارزش‌های وابسته، براساس میزان تأثیر آنها در رسیدن به ارزش نهایی و ذاتی تعیین می‌شود. هرچه تأثیر فزون‌تر باشد، ارزش‌مندی بیشتر است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۹).

در تأثیرگذاری، حسن فعلی به‌تنهایی کفایت نمی‌کند؛ بلکه در کنار آن، حسن فاعلی هم باید باشد که در نیت متجلی می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۳۵۵). از مجموع اینها می‌توان نتیجه گرفت که در موضوع انتخاب عمومی نیز، هدف اصلی انتخاب‌کننده باید قرب و رضوان الهی باشد و گرنه ارزشی ندارد. بر این اساس افراد باید تلاش کنند تا منافع خود را با توجه به هدف نهایی قرب الهی پیشینه سازند. این نوع بهینه‌یابی، در حوزه فعالیت‌های خصوصی و عمومی هر دو قابل تطبیق است.

تا اینجا مشخص شد که مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی نوعی از انتخاب عمومی را پایه‌گذاری می‌کند که ویژگی آن، هم‌سویی و سازگاری منافع فردی و منافع جمعی است. این هم‌سویی، کاربردهای اقتصادی - اجتماعی مهمی از منظر تحقق اهداف اقتصادی اسلام در جامعه دارد که در اقتصاد ایران نیز مورد توجه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان بخش عمومی بوده و هست.

۳. مبانی کاربردی نظریه انتخاب عمومی در اقتصاد اسلامی

مراد از مبانی کاربردی در اینجا آن دسته از اصول و پیش‌فرض‌های کلی و بدیهی است که علاوه بر اینکه در تحقق زمینه‌های نظریه

باشد دارد و آنان به عنوان یک خانواده باید نیازهای شدید همدیگر را برطرف کنند (همان، ص ۷۷۴-۷۷۶).

در ضمان اعاله، قطع نظر از ضمان فردی و ضمان اجتماعی به شکل تکافل همگانی، حکومت اسلامی مسئولیت مستقیم دارد که سطح معیشت ناتوانان و نیازمندان جامعه را به سطح معیشت متعارف در هر زمان برساند (نظری، ۱۳۹۹، ص ۱۴۵). مبنای ضمان اعاله، حق جامعه در منابع ثروت است که قرآن به آن صراحت دارد (بقره: ۲۹). وظیفه حکومت، فراهم کردن زمینه استیفای حق یادشده در حد تأمین معیشت متعارف برای همگان است. از آنجاکه اقشار ضعیف جامعه نمی‌توانند حقوق خود را استیفا کنند و معیشت خود را به سطح عموم جامعه برسانند، حکومت باید با استفاده از منابع ثروت جامعه، معیشت آنان را به سطح عموم برساند. مالکیت عمومی و مالکیت دولتی در مورد بعضی از منابع ثروت در اسلام، مکانیزی است برای تحقق این هدف که به روشنی در قرآن بیان شده است (حشر: ۶-۷). از آیات معروف به فیء، استفاده می‌شود که اولاً همه باید از ثروت جامعه بهره‌مند باشند، نه فقط ثروتمندان؛ و ثانیاً حکومت باید با استفاده از مالکیت‌های عمومی و دولتی تحت عنوان «فیء»، کاستی‌های موجود در همگانی‌شدن ثروت را برطرف کرده و نیازمندان جامعه را بهره‌مند سازد (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۷۷-۷۸۲). در مجموع، ضمان اجتماعی به عنوان یکی از وظایف و مسئولیت‌های حکومت، بدون انتخاب عمومی به مفهوم اسلامی آن که خیرخواهی و رعایت مصالح عمومی جزء تفکیک‌ناپذیر آن است، محقق نمی‌شود.

۳-۲-۲. توازن اجتماعی

توازن اجتماعی نیز یکی دیگر از ابزارهای عدالت اجتماعی در اسلام به شمار می‌رود و به معنای هم‌سنگی افراد جامعه در سطح معیشت است. منظور از هم‌سنگی در سطح معیشت آن است که هر فرد از افراد جامعه درآمد کافی برای زندگی در سطح معیشت عموم را داشته باشد؛ هرچند که در درون این سطح از معیشت نیز ممکن است درجه‌بندی‌هایی وجود داشته باشد (همان، ص ۷۸۵-۷۸۶). توازن اجتماعی هدفی است که حکومت اسلامی باید درصدد تحقق آن باشد. یکی از شاخص‌های تحقق این هدف، قرار داشتن سطح مصرف همه افراد جامعه در محدوده بین کفاف و اسراف است (همان، ص ۷۸۶). قرار داشتن مصرف در محدوده یادشده، حاکی از نزدیک‌بودن سطح

اجتماعی باشد، به مسئولیت خود عمل نکرده‌اند. به همین دلیل، در رأس حکومت اسلامی باید شخص عادل باشد (نساء: ۵۸؛ مائده: ۴۲) تا هم خود به عدالت رفتار کند و هم کارگزاران عادل را در اداره امور جامعه به‌گمارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۳-۱۹۶).

در آیات و روایات، عقلانیت منوط به رفتار عادلانه شده است، قرآن کریم، عدالت را به تقوا نزدیک‌تر دانسته است (مائده: ۸)؛ همچنین، زمانی که از حضرت علی علیه السلام سؤال شد: «صِفْ لَنَا الْعَاقِلَ»؛ عاقل را برای ما توصیف کن، فرمودند: «هُوَ الَّذِي يَضَعُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۰، حکمت ۲۳۵)؛ کسی که هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد. با توجه به تعریف حضرت از عدل که فرموده: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» (همان، ص ۵۵۳، حکمت ۴۴۶)، مفهومش این می‌شود که عاقل یعنی عادل. لذا تصمیم‌گیری‌های عمومی که به عدالت اجتماعی منجر نشود و یا در جهت مخالف آن باشد، عاقلانه نیست. بنابراین انتخاب عمومی به مفهوم انتخاب براساس عقلانیت تکامل‌یافته به معنای انتخاب عادلانه است که با دو سازوکار ضمان اجتماعی و توازن اجتماعی محقق می‌گردد.

۳-۲-۱. ضمان اجتماعی

ضمان اجتماعی از مفاهیم خاص اقتصاد اسلامی و به عنوان یکی از ابزارهای تحقق عدالت اجتماعی به معنای تضمین معیشت افراد جامعه از سوی حکومت اسلامی است (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۷۳). از نظر شهید صدر، نقش حکومت اسلامی در تأمین معیشت افراد جامعه چه به صورت ضمان فردی و چه ضمان اجتماعی، بسیار برجسته است. در ضمان فردی، حکومت اسلامی باید امکانات کار و فرصت مشارکت و سهم‌گیری در فعالیت‌های اقتصادی را برای همه فراهم کند تا هر فرد بتواند از طریق فعالیت اقتصادی تأمین معیشت کند. در ضمان اجتماعی که خود دارای دو مرحله «تکافل عمومی» و «ضمان اعاله» است، نقش حکومت اسلامی در اولی غیرمستقیم و در دومی مستقیم است. در تکافل عمومی که فرد فرد مسلمان باید در حد توان خود کفالت افراد نیازمند جامعه را بر عهده بگیرد و به‌عنوان واجب مالی، در تأمین ضروریات زندگی و نیازهای شدید نیازمندان جامعه سهم بگیرد، حکومت اسلامی باید افراد را به انجام واجب مالی‌شان ترغیب و حتی وادار کند. این مقدار از کفالت همگانی، ریشه در یک امر اخلاقی که اخوت عمومی مسلمان‌ها

اجتماعی توسط آنان، به همبستگی بیشتر دولت - ملت و در نتیجه همبستگی اجتماعی منجر می‌شود.

نتیجه‌گیری

نظریه انتخاب عمومی به معنای تحلیل اقتصادی سیاست یا تصمیم منطق نفع شخصی به حوزه‌های عمومی، مبتنی بر مبانی علم اقتصاد است. بررسی مبانی اقتصاد اسلامی، مفهوم جدیدی از انتخاب عمومی ارائه می‌دهد که نسبت به نظریه انتخاب عمومی متعارف تفاوت دارد. پیش فرض‌های معرفت‌شناسانه اقتصاد اسلامی بر نوعی از شناخت تأکید دارد که براساس آن، منافع اصلی انسان، از جنس منافع اخروی است و منافع دنیوی، در صورتی منفعت محسوب می‌شوند که همسو با منافع اخروی انسان باشند؛ آن‌هم منفعت طفیلی. چنین شناختی، از طریق بسط منفعت شخصی، مفهوم انتخاب عقلایی را براساس منافع اخروی تعریف می‌کند.

پیش فرض‌های هستی‌شناسانه اقتصاد اسلامی که بر هستی‌شناختی توحیدی تأکید دارند، عقلانیت را در چارچوب منافع آخرت انسان ارزیابی می‌کند و انتخابی را عقلانی می‌داند که در راستای تأمین مصالح عموم و براساس انجام تکالیف الهی باشد. پیش فرض انسان‌شناختی اقتصاد اسلامی، انسان را موجودی برتر، دارای نفخه الهی و زندگی جاودانه در جهان آخرت می‌داند که سعادت و شقاوتش به نحوه زندگی و چگونگی انتخاب او در این دنیا بستگی دارد؛ انتخابی که او را به سعادت در جهان آخرت برساند، عقلایی و وگرنه غیرعقلایی است. مبنای ارزش‌شناسی اقتصاد اسلامی، در هماهنگی کامل با سایر مبانی، رسیدن به مقام قرب و رضوان الهی را ارزش‌غایی می‌داند و ارزش سایر انتخاب‌ها را براساس هم‌سویی با ارزش‌غایی و میزان نزدیک‌بودن به آن رتبه‌بندی می‌کند. مبانی یادشده به‌عنوان مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی، منفعت حقیقی انسان را تعریف کرده و انتخاب او را در چارچوب عقلانیت تکامل‌یافته قرار می‌دهد. تبارز این نوع انتخاب در امور عمومی، انتخابی است که هم منافع پایدار و بلندمدت فرد را تأمین می‌کند و هم منافع اجتماعی را که به‌صورت اهداف اقتصادی - اجتماعی اسلام از جمله عدالت اجتماعی، ضمان اجتماعی، توازن و همبستگی اجتماعی تعریف شده است.

نتایج این تحقیق، برای اقتصاد ایران که از یک‌سو به دنبال تحقق

معیشت افراد جامعه است. اگر حکومت نتواند از یک‌سو مانع اسراف در جامعه شود و از سوی دیگر، حد کفاف را برای نیازمندان و مستمندان تأمین کند، اختلاف سطح معیشت ثروتمندان و مستمندان زیاد می‌شود و توازن اجتماعی به‌وجود نمی‌آید.

شرط تحقق این هدف، اجرای دقیق ضمان اجتماعی است که خود مسیر انتخاب و تصمیم‌گیری سیاست‌مداران و کارگزاران حکومت اسلامی را تعیین می‌کند. مسئولیت اساسی حکومت اسلامی در ضمان فردی و اجتماعی، هیچ‌زمینه‌ای برای سیاست‌مداران و کارگزاران باقی نمی‌گذارد که در انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌هایشان به این موضوع توجه نداشته باشند؛ مگر اینکه بخواهند اسلامی عمل نکنند که برخلاف فرض است. طبق فرض، انتخاب و تصمیم‌گیری سیاست‌مداران و کارگزاران حکومت اسلامی تنها می‌تواند یک معیار داشته باشد و آن تأمین منافع عموم است.

۳-۳. همبستگی اجتماعی

در اسلام، تفکر اجتماعی بر اندیشه فردی غلبه دارد و هر جا سخن از فرد به میان آمده، به نحوی او را به‌عنوان عضوی از اعضای جامعه یاد کرده که سرنوشت مشترک با دیگر اعضا در پوشش جامعه دارد؛ هر کاری برای جامعه انجام دهد، در واقع برای خود انجام داده است؛ چون صلاح یا فساد جامعه، صلاح یا فساد اوست (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۱۰۰-۱۰۶). در ادبیات قرآنی دو واژه «تعاون» و «امت» بیانگر همبستگی اجتماعی مسلمانان است (مائده: ۲؛ آل‌عمران: ۱۱۰). هر فرد مسلمان به‌عنوان عضوی از جامعه اسلامی، مسئولیت دارد در حد توان به ترویج و گسترش کارهای خوب در جامعه کمک کند و در مقابل، خود را از دست داشتن در گناه و تجاوز به حقوق دیگران برحذر دارد، تا انسجام اجتماعی حفظ شود. همچنین مسلمانان به‌عنوان یک امت، ویژگی‌ای دارند که آنان را نسبت به سایر امت‌ها ممتاز ساخته است و آن امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خداست (آل‌عمران: ۱۱۰). امتی که مهم‌ترین امتیاز آن امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خدا باشد، انتخاب‌های افراد آن، بخصوص در تصمیم‌گیری‌های عمومی نمی‌تواند چیزی غیر از منافع عموم جامعه باشد؛ چون قرار گرفتن فرد در موقعیت انتخاب عمومی، مسئولیت او را نسبت به جامعه بیشتر می‌کند. از این‌رو خیرخواهی دولتمردان نسبت به عموم جامعه و حفظ مصالح

مسلمان، ترجمه احمد شعبانی، تهران، دانشگاه امام صادق ☞
 صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۲۴ق، *اقتصادنا*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات
 التخصصية للشهيد الصدر.
 صدیقی، محمد نجات‌الله، ۱۳۸۴، *آموزش علم اقتصاد از دیدگاه اسلامی*، ترجمه
 محمدرضا شاهرودی، تهران، دانشگاه امام صادق ☞.
 طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت،
 مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
 قحف، منذر، ۱۳۸۴، *نقش اقتصادی دولت در اسلام*، ترجمه محمدتقی گیلک
 حکیم‌آبادی، قم، دانشگاه مفید.
 گانینگ، جیمز پاتریک، ۱۳۸۵، *درک دموکراسی: رویکردی بر انتخاب عمومی*
(تحلیل اقتصادی نهادهای سیاسی)، ترجمه محسن رنانی و محمد
 خضری، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
 گروهی از نویسندگان، ۱۳۷۴، *مبانی اقتصاد اسلامی*، قم و تهران، دفتر
 همکاری حوزه و دانشگاه و سمت.
 لطیفی، محمود، ۱۳۷۹، «عدالت اجتماعی در حکومت علوی»، *حکومت*
اسلامی، ش ۱۸، ص ۲۶-۵۵.
 مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، تصحیح جمعی از محققان، بیروت،
 دار احیاء التراث العربی.
 مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۰، *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*، قم، مؤسسه
 آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞.
 —، ۱۳۹۲، *حقوق و سیاست در قرآن*، نگارش محمد شهبازی، قم، مؤسسه
 آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞.
 —، ۱۳۹۴، *فلسفه اخلاق*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، قم،
 مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞.
 مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، *فلسفه اخلاق*، تهران، صدرا.
 —، بی‌تا، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
 نادران، الیاس و محمدجواد رضایی، ۱۳۹۰، «اقتصاد اسلامی و دلالت‌های
 نظریه انتخاب عمومی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۴۲، ص ۵۹-۸۶.
 نظری، حسن آقا، ۱۳۸۵، *نظریه پردازی اقتصاد اسلامی*، قم و تهران، پژوهشگاه
 حوزه و دانشگاه و سمت.
 —، ۱۳۹۹، *اصول و مبانی اقتصاد اسلامی*، قم و تهران، پژوهشگاه حوزه و
 دانشگاه و سمت.
 هادوی‌نیا، علی‌اصغر، ۱۳۸۳، *انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام*، تهران،
 پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 —، ۱۳۸۷، *فلسفه اقتصاد در پرتو جهان‌بینی قرآن کریم*، تهران، پژوهشگاه
 فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 —، ۱۳۹۸، «الگوی انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام»، *اقتصاد اسلامی*، ش
 ۷۴، ص ۳۵-۶۳.
 یوسفی، احمدعلی، ۱۳۸۶، *نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی)*،
 تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

اهداف اقتصاد اسلامی، از جمله عدالت اجتماعی است و از سوی دیگر با
 مشکل انتخاب عمومی و تعارض منافع مواجه است، می‌تواند راه‌گشا
 باشد؛ چراکه توجه به انتخاب عمومی به مفهوم اسلامی آن، با گسترش
 دایره شمول منافع شخصی، زمینه‌های تعارض منافع را کاهش داده و
 اهداف اقتصادی - اجتماعی اسلام را دست‌یافتنی‌تر می‌سازد. حاکمیت
 نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه جامع‌الشرایط در ایران، بستر مناسبی
 را برای تطبیق انتخاب عمومی به مفهوم اسلامی آن فراهم کرده است
 که با استفاده از ظرفیت آن می‌توان به ایجاد ساختارها و سازوکارهای
 نهادی مناسب پرداخت و با انتخاب و تعیین افراد شایسته در بخش‌های
 مهم حاکمیتی، مسیر تحقق آن را هموارتر کرد.


منابع

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت.
 بوکانان، جیمز، ۱۳۸۶، «قانون اساسی سیاست اقتصادی»، ترجمه جعفر
 خیرخواهان، *اقتصاد سیاسی*، ش ۵۶، ص ۲۰-۷.
 بیدار برچین علیا، محمد، ۱۳۹۷، *ماهیت اقتصاد اسلامی (مکتب، نظام و علم)*،
 رساله دکتری اقتصاد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞.
 پناهی بروجردی، محمدسعید، ۱۳۹۷، *بررسی تطبیقی انگیزه انسان اقتصادی از*
دیدگاه اسلام و غرب، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
 تمدن جهرمی، محمدحسین، ۱۳۸۹، *گفتارهایی در زمینه اقتصاد، علوم اجتماعی*
و شناخت روش علم، تهران، جهاد دانشگاهی.
 توکلی، محمدجواد، ۱۳۹۴، «چیستی و کارکرد مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی»،
معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۱۳، ص ۱۰۷-۷۷.
 —، ۱۳۹۵، «پژوهشی در تعیین حدود و مرزهای مبانی معرفت‌شناختی
 اقتصاد اسلامی»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۱۵، ص ۴۱-۶۲.
 —، ۱۳۹۸، *مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد*، قم، پژوهشگاه حوزه و
 دانشگاه.
 —، ۱۴۰۰الف، «چشم‌اندازهای نظریه عقلانیت محدود در اقتصاد
 اسلامی»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۲۶، ص ۱۸۱-۲۱۰.
 —، ۱۴۰۰ب، «ساختار حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی
 اسلامی»، *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، ش ۲۲، ص ۴۱-۶۷.
 جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، زیر نظر محمدتقی
 مصباح یزدی، تهران، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
 جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، *جامعه در قرآن*، قم، اسراء.
 جوشقانی نائینی، سیدحمید، ۱۳۹۷، *بررسی تأثیر نهادها بر تصمیم‌گیری*
اقتصادی از دیدگاه اسلام، رساله دکتری اقتصاد، قم، مؤسسه آموزشی و
 پژوهشی امام خمینی ☞.
 شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۴، *مبانی علوم انسانی اسلامی*، تهران، آفتاب توسعه.
 صادق، ابوالحسن و عیدیت غزالی، ۱۳۸۵، *عقاید اقتصادی اندیشمندان*

نوع مقاله: ترویجی

نقش معنویت و اخلاق در الگوی اسلامی تعلیم و تربیت اقتصادی

محمدجواد توکلی / دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

tavakoli@iki.ac.ir  orcid.org/0000-0002-8184-8163

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

چکیده

بسیاری از کشورها اقدام به طراحی الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی جهت بهبود سطح دانش اقتصادی دانش‌آموزان پیش از ورود به دانشگاه کرده‌اند. در بیشتر مدل‌های تعلیم و تربیت اقتصادی، مدل نئوکلاسیکی رفتار اقتصادی عقلایی ترویج می‌شود؛ مدلی که منجر به بیشینه‌سازی سود مادی می‌گردد. اما گسترش منطق انتخاب عقلایی لذت‌محور باعث به حاشیه راندن معنویت و اخلاق به‌عنوان دو مورد از تعالیم ادیان الهی است. این مقاله به‌دنبال تدوین الگوی اسلامی تعلیم و تربیت اقتصادی است که در آن معنویت و اخلاق نقشی محوری بازی می‌کند. براساس یافته‌های پژوهش، الگوی اسلامی تعلیم و تربیت اقتصادی به‌دنبال تقویت عقلانیت اخلاقی/معنوی در عاملان اقتصادی با استفاده از قواعد و سیاست‌های اقتصاد اسلامی است. برای نمونه؛ نهاد زکات در صدد تزکیه پرداخت‌کنندگان این مالیات اسلامی است؛ این در حالی است که مالیات‌های متعارف اجباری بوده و اهداف معنوی و اخلاقی را هدف‌گذاری نمی‌کنند. در مدل تعلیم و تربیت اقتصادی اسلام، توجه به درآمد حلال و طیب راهبردی برای تقویت عقلانیت معنوی در عاملان اقتصادی است. در این مقاله استانداردهای محتوایی برای الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی اسلامی پیشنهاد می‌شود که در آن عناصر اخلاقی نقشی اساسی ایفا می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، معنویت، تعلیم و تربیت اقتصادی، اقتصاد اسلامی.

مقدمه

اقتصادی از سوی دیگر است. در این مقاله به ارزیابی پروژه تعلیم و تربیت اقتصادی از دیدگاهی خاص می‌پردازیم. سؤال این است که آیا در الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی متعارف جایی برای معنویت و اخلاق وجود دارد؟ دغدغه اصلی این است که سؤال مشابهی را در مورد طرح اسلام برای تعلیم و تربیت اقتصادی مطرح کنیم. بنا به فرضیه مقاله حاضر، معنویت نقش مهمی در الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی اسلام ایفا می‌کند.

۱. پیشینه تعلیم و تربیت اقتصادی در غرب

تعلیم و تربیت اقتصادی مورد توجه بسیاری از مذاهب، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها بوده است. در مورد سابقه تعلیم و تربیت اقتصادی در غرب پیش از رنسانس، اطلاعات چندانی در دسترس نیست؛ اما بعد از رنسانس، توجه ویژه‌ای به تعلیم و تربیت اقتصادی در غرب در میان خانواده‌ها به چشم می‌خورد. گزارش شده که خانواده‌های اصیل فرانسوی و انگلیسی تمایل داشتند تا برای فرزندانشان معلم اقتصاد بگیرند. /جورژ از معاصران دیوید ریکاردو و از اقتصاددانان معروف قرن ۱۸م در نامه‌های خود چنین اظهار می‌کند که افراد و خانواده‌های متخصص، پیش از آنکه پرستاری برای فرزندان خود استخدام کنند از آنان در مورد اینکه می‌توانند اقتصاد را به کودکان بیاموزند، سؤال می‌کردند (گاید و ریست، ۱۹۱۵، ص ۱۱۹). در آن زمان اندیشه‌های انتزاعی ریکاردو در مقالات روزنامه‌ها منتشر می‌شد. کتاب *گفتگو درباره دانش اقتصاد* نوشته مارست در سال ۱۸۱۶ مشتمل بر داستان‌های عامیانه‌ای برای آموزش اقتصاد است. در سال‌های ۱۸۳۲-۱۸۳۴، کتاب *تصاویر دانش اقتصاد* در ۹ جلد مشتمل بر ۳۰ داستان توسط *مارتینو* منتشر شد. همچنین در این دوره مک ویکار کتابی با عنوان *دروس اولیه علم اقتصاد برای استفاده در مدارس ابتدایی* تدوین کرد (همان). وی در مورد اهمیت تدریس اقتصاد به بچه‌ها می‌نویسد: اصول اولیه علم اقتصاد به‌حدی ساده و بدیهی است که کودکان به‌خوبی می‌توانند آنها را فرا بگیرند و باید به آنان تدریس شود. در قرن گذشته تأمل در این‌گونه مسائل مخصوص دانشمندان بود؛ ولی امروز آنها وارد پرستارخانه‌ها گردیده‌اند؛ و تنها اشکال آموختن آنها در سنین بالاتر بی‌اعتمادی ناشی از سادگی فوق‌العاده آنهاست (ژید و زیست، ۱۳۸۰، ص ۵۵). یک قرن بعد، انجمن اقتصاد آمریکا به‌عنوان یک نهاد رسمی که

در دهه‌های اخیر شاهد توجه زیادی به تعلیم و تربیت اقتصادی در مقاطع پیش‌دانشگاهی هستیم. اقتصاددانان به‌صورت سنتی در مطالعات سنتی خود در زمینه تحلیل سازوکار بازار گرفتار بوده‌اند؛ بدون اینکه توجه کافی به عوامل اجتماعی مؤثر بر عاملان اقتصادی داشته باشند. آنها به‌طور عمده به بررسی تأثیر تغییرات قیمت بر تصمیم‌های اقتصادی انسان اقتصادی می‌پردازند. برای چنین انسانی ترجیحات عقلایی خودخواهانه در نظر گرفته می‌شود. اقتصاددانان عمدتاً ترجیحات را برون‌زا در نظر می‌گیرند و طرح و نقشه‌ای برای شکل دادن و تغییر امیال ندارند. آنچه از آنها غالباً انتظار می‌رود این است که تأثیر تغییرات قیمت را با استفاده از دست نامرئی بازار و دست مرئی دولت مدیریت کنند.

در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی به دنبال نقد الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی متعارف و استخراج نظام مفاهیم تعلیم و تربیت اقتصادی در رویکرد اقتصاد اسلامی هستیم. سؤال اصلی تحقیق این است که: نقش معنویت و اخلاق در الگوی تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی چیست؟ در این تحقیق سؤالات فرعی، همچون مشکلات مفاهیم تعلیم و تربیت اقتصادی متعارف و مفاهیم بدیل تعلیم و تربیت اقتصادی در رویکرد اقتصاد اسلامی مطرح است.

در زمینه تعلیم و تربیت اقتصادی با رویکرد اسلامی آثار چندانی منتشر نشده است. برخی از مهم‌ترین آثار در این زمینه بدین شرح است: *طغیانی و زاهدی‌وفا* (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی امکان بهره‌گیری از آثار تمدن اسلامی در تربیت اقتصادی پرداخته‌اند.

طغیانی و بیغامی (۱۳۹۵) در کتاب *تعلیم و تربیت اقتصادی* تلاش کردند الگویی اسلامی برای تعلیم و تربیت اقتصادی در فرهنگ اسلامی ارائه دهند.

توکلی (۱۳۹۵) به بررسی تربیت اخلاقی در نظام اقتصادی اسلام پرداخته است. در این مقاله تلاش شده تا با تقویت فعالیت‌های انجام‌شده زمینه استخراج نظام مفاهیم تعلیم و تربیت اقتصادی اسلامی، عناصری همچون عقلانیت اقتصادی اسلامی، اخلاق و معنویت در آن برجسته شود.

نوآوری مقاله حاضر نقد نظام مفاهیم تعلیم و تربیت اقتصادی متعارف، تعیین جایگاه اخلاق و معنویت در تعلیم و تربیت اقتصادی اسلامی و پیشنهاد نظام مفاهیم تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی است.

طرح تعلیم و تربیت اقتصادی، طرح جدیدی برای شکل‌دهی به امیال، سلیق و ترجیحات، از یک‌سو، و ارتقای دانش عاملان

داشت. امروزه شواری ملی آموزش اقتصاد تنها مسئول سیاست‌گذاری در زمینه آموزش اقتصاد در ایالات متحده آمریکا نیست؛ بلکه مسئول تعریف برنامه‌های آموزش اقتصادی در تمام جهان است. از این‌رو، واژه ملی از عنوان این نهاد حذف شد و نام آن به شورای آموزش اقتصاد تغییر یافت. این شورا در زمینه تعیین الگوهای آموزش اقتصاد فعال است. این شورا همچنین به‌عنوان ناظر بر طرح‌های آموزش اقتصاد فعالیت می‌کند (طغیانی و پیغامی، ۱۳۹۵، ص ۴۶-۵۰).

اولین الگوی آموزش اقتصادی با عنوان «چارچوبی برای آموزش مفاهیم پایه» (A Framework for Teaching Basic concepts) توسط شورای ملی آموزش اقتصادی در سال ۱۹۷۷ معرفی شد. این چارچوب در سال ۱۹۸۴ بازنگری شد و با اصلاحاتی با عنوان «استانداردهای محتوایی ملی داوطلبانه در اقتصاد» (Voluntary National Content Standard in Economics) در سال ۱۹۹۷ منتشر گردید. ویرایش دوم این استانداردها در سال ۲۰۱۰ منتشر گردید. این استانداردها به مفهیمی اشاره دارند که دانش‌آموزان در هر سطح باید فراگیرند تا قابلیت‌های شناختی، امیال و رویه‌های رفتاری آنها در آینده را ارتقا دهند. این استانداردها پایه‌ای برای تعیین محتوای کتب و سایر محتوای آموزشی هستند (همان، ص ۵۰).

۲. ملت در خطر

در سال ۱۹۸۳، «کمیسون ملی اعتلای آموزش و پرورش» (National Commission on Excellence in Education) گزارشی در مورد کیفیت آموزش و پرورش ایالات متحده آمریکا با عنوان «ملت در خطر؛ ضرورت اصلاح نظام آموزشی» (A Nation at Risk: The Imperative for Educational Reform) منتشر کرد. *ترل بل* وزیر آموزش و پرورش دولت محافظه‌کار *رونالد ریگان* از سال ۱۹۸۱ مأمور بررسی و آسیب‌شناسی وضعیت تعلیم و تربیت در ایالات متحده و ارائه پیشنهادهایی برای ارتقاء کیفیت آن شده بود. همان‌گونه که *دیوید پیروپونت گاردنر*، رییس کمیسون ملی ارتقای وضعیت آموزش می‌نویسد، پیشنهاد این بود که مشکلات نظام آموزشی آمریکا و راه‌حل‌های آن شناسایی شود (گاردنر، ۱۹۸۳). نتیجه این بررسی در قالب گزارش مزبور ارائه شد. در این گزارش به رقابت دشوار کالاهای آمریکایی با کالاهای باکیفیت ژاپنی و کالاهای مستحکم آلمانی‌ها اشاره شده و دلیل برتری این دو کشور را در نظام آموزشی آنها می‌بیند.

مؤسسان کنشیش آن به آموزش اقتصاد علاقه نشان می‌دادند، آموزش و تربیت اذهان عمومی نسبت به ادبیات و سؤال‌های مبتلابه اقتصادی را یکی از اهداف اصلی خود عنوان کرد. در سال ۱۸۹۱، *سایمون پاتن* رئیس انجمن مقاله «جایگاه آموزشی اقتصاد سیاسی» را نگاشت که به‌نوبه خود اثر مؤثر و جریان‌ساز در تاریخ الگوهای آموزشی اقتصاد محسوب می‌شود. پاتن در این مقاله استدلال کرد که آموزش اقتصاد باید جایگزین نقش دروس ریاضیات و فیزیک در تربیت توانایی و تفکر نقاد و استدلالی شود (هینساو و سیگفراید، ۱۹۹۱، ص ۳۷۳).

در اواخر قرن ۱۹م، اقتصاد یا اقتصاد سیاسی به تدریج به دانشی مستقل تبدیل شد و مسیر خود را در برنامه‌های درسی بیشتر کالج‌ها و دانشگاه‌ها محکم کرد. توجه به آموزش اقتصاد در دوره آموزش عمومی در دهه پایانی قرن نوزدهم را می‌توان در اثر *فردریک کلاو* با عنوان *اقتصاد به‌منابِه مطالعه مدرسه‌ای* در سال ۱۸۹۹ مشاهده کرد که در آن به توصیف آموزش اقتصاد در مدارس دبیرستانی پرداخته شده است (کلاو، ۱۸۹۹).

در اوایل قرن بیستم میلادی به‌واسطه آثار جنگ جهانی اول و دوم، توجه به آموزش عمومی اقتصاد افول کرد. با این وجود، انجمن اقتصاد آمریکا در سازمان‌دهی مباحثات در مورد تعلیم و تربیت اقتصادی فعال بود. در میانه قرن بیستم میلادی انجمن اقتصاد آمریکا تأثیرگذارترین انجمن در تعلیم و تربیت اقتصادی بود. این انجمن برای ارتقای تعلیم و تربیت اقتصادی اقدام به تأسیس کمیته تعلیم و تربیت اقتصادی در سال ۱۹۵۵م کرد. در سال ۱۹۶۰، انجمن اقتصاد آمریکا در زیرمجموعه خود، اقدام به ایجاد مجموعه‌ای با نام «گروه ملی ضربت در تعلیم و تربیت اقتصادی» کرد، تا به تعریف سطح حداقلی سواد اقتصادی برای شهروندان بپردازد. این گروه گزارشی با عنوان «آموزش اقتصاد در مدارس» در دهه ۱۹۶۰ منتشر کرد. این اقدام یکی از گام‌های آغازین برای تدوین چارچوب عمومی محتوای اقتصادی در مقاطع آموزشی مدارس بود (هینسا و سیگفراید، ۱۹۹۱).

در سال ۱۹۶۹، مجله آموزش اقتصادی برای انتشار مقالات حوزه تعلیم و تربیت اقتصادی راه‌اندازی شد. این مجله و سایر انتشارات در این زمینه مسیر را برای معرفی استانداردهای ملی در زمینه آموزش اقتصاد توسط شورای ملی آموزش اقتصاد در ایالات متحده آمریکا را فراهم کردند. هرچند این استانداردها برای دانش‌آموزان آمریکایی طراحی شده بود؛ اما تأثیر زیادی بر طراحی دوره‌های آموزش اقتصاد در سایر کشورها

انتشار این گزارش تأثیری اساسی در تحول نظام آموزش و پرورش آمریکا داشت. در دهه ۱۹۸۰، فشار زیادی بر مدارس وارد شد که عملکرد خود را با توجه به استانداردهای آموزشی ارتقاء دهند. در سال ۱۹۹۴، «اهداف ۲۰۰۰: قانون آموزش آمریکا» تصویب شد. براساس این قانون، تمامی ایالت‌های آمریکا تشویق شدند تا استانداردهای محتوایی را برای نظام آموزش و پرورش خود تعریف کنند (طغیانی و پیغامی، ۱۳۹۵، ص ۵۳).

۳. استانداردهای محتوایی در تعلیم و تربیت اقتصادی

فلیپ ساندرز و جان و. گیلارد در سال ۱۹۷۷ استانداردهای محتوایی در آموزش اقتصاد را با عنوان چارچوبی برای آموزش مفاهیم پایه اقتصادی («A Framework for Teaching the Basic Economic Concepts») معرفی کردند. استانداردهای محتوایی ملی داوطلبانه در زمینه اقتصاد («The Voluntary National Content Standards in Economics») با تأمین مالی دپارتمان آموزش ایالات متحده آمریکا منتشر گردید. این استانداردها که حاوی مفاهیمی از اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و اقتصاد بین‌الملل است، بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ چندین بار مورد تجدیدنظر قرار گرفت (سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰).

استانداردهای محتوایی ملی داوطلبانه در زمینه دانش اقتصاد حاوی ابزاری برای معلمان است که بیانگر چیزی است که دانش‌آموزان و کودکان مهد کودک در طول ۱۲ سال باید در مورد مفاهیم محوری دانش اقتصاد فراگیرند؛ به گونه‌ای که به کارگران، مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان، پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران و مهم‌تر از همه، شهروندانی آگاه‌تر بدل شوند (همان، ص ix).

چارچوب پیشنهادی مشتمل بر ۲۰ مفهوم اقتصادی پایه است: «هر استانداردی مشتمل بر مجموعه‌ای از معیارهای پایه‌ای برای هریک از سطوح آموزشی ۴، ۸ و ۱۲ است. استانداردها و معیارهای مزبور تنها فهرست ساده‌ای از آنچه باید فراگرفت، نیستند. هدف این است که دانش‌آموزان علاوه بر فهم این مفاهیم از توانایی و مهارت کافی برای شکل دادن به رفتار خود برخوردار شوند (همان، ص ۷).

استانداردهای محتوایی تعلیم و تربیت اقتصادی مجموعه‌ای از اهداف شناختی، گرایشی و رفتاری را در هر مقطع تحصیلی هدف‌گذاری کرده‌اند. دانش‌آموزان در هر مقطع سنی باید موضوعات

ملت ما با یک خطر جدی مواجه است. برای اولین بار بازرگانی، صنعت، علوم تکنولوژی پیشرفته و غیرقابل رقابت ما در جهان توسط رقابای سرسخت مورد تهدید قرار گرفته است... خطر فقط این نیست که زاپنی‌ها خودروهایی با کیفیت و بازدهی بهتر از خودروهای آمریکایی می‌سازند، و برای توسعه و صادرات آن یارانه می‌دهند؛ مشکل تنها این نیست که کره جنوبی اخیراً کاراترین کارخانه تولید فولاد جهان را بنا نهاده یا اینکه محصولات آلمانی جایگزین ابزارآلات ماشینی آمریکایی شدند، که زمانی مایه افتخار ما در دنیا بودند. مشکل همچنین این است که چنین پیشرفتی حاکی از بازتوزیع توانایی‌های آموخته شده در سطح جهان است. دانش، یادگیری، اطلاعات و مهارت‌ها، به مواد خام اولیه در اقتصاد بین‌الملل تبدیل شده‌اند که به شکل‌های مختلف از داروهای معجزه‌گر گرفته تا کودهای شیمیایی، جلوه‌گر شده‌اند. اگر ما بخواهیم با حفظ و تقویت قدرت رقابت اقتصادی‌مان در بازارهای جهانی باقی بمانیم، باید تحولی در نظام آموزشی کشور ایجاد کنیم... یادگیری سرمایه‌گذاری غیرقابل اجتنابی است که برای دستیابی به موفقیت در عصر اطلاعاتی که بدان وارد شدیم، ضروری است (گاردنر، ۱۹۸۳، ص ۹-۱۰).

براساس این گزارش، دغدغه باید فراتر از صنعت یا تجارت رود. حساسیت باید نسبت به قدرت فکری، اخلاقی و معنوی مردم باشد. براساس این گزارش، «مردم ایالات متحده آمریکا باید بدانند که افراد جامعه که از سطح کافی مهارت، سواد و مهارت ضروری برای عصر جدید برخوردار نیستند، نه فقط از پاداش‌های مادی نهنفته در عملکرد رقابتی محروم خواهند شد؛ بلکه از داشتن شناسی برای مشارکت کامل در زندگی ملی نیز محروم می‌شوند.» «سطح بالای آموزش مشترک، ضرورتی برای جامعه دموکراتیک آزاد است. چنین سطحی از آموزش برای ارتقای فرهنگ عمومی، ضروری است (همان، ص ۱۰).

این گزارش پس از اشاره به مشکلات نظام آموزش و پرورش ایالات متحده آمریکا، پیشنهادهایی برای حل مشکل ارائه می‌کند. در این گزارش به لزوم اصلاح نظام آموزشی با هدف ایجاد یک جامعه در حال یادگیری اشاره شده است. این نکته مورد تأکید قرار گرفته که «نظام رسمی مدارس پایه‌اساسی برای یادگیری افراد در طول زندگی است. اما بدون یادگیری در طول زندگی، مهارت‌های فردی به سرعت کهنه می‌شوند (همان، ص ۱۴-۱۵).

۱۰	نهادهای تکامل یافته و ایجاد می‌شوند تا به افراد و گروه‌ها کمک کنند تا به اهدافشان دست یابند. بانک‌ها، اتحادیه‌های کارگری، بازارها؛ شرکت‌ها، نظام‌های حقوقی و موسسات غیرانتفاعی نمونه‌های مهمی از این نهادها می‌باشند. نوع دیگری از نهادها، که به شکل واضح حقوق مالکیت را تعریف و تضمین می‌کنند، برای کارکرد اقتصاد بازار ضروری می‌باشند.	نهادهای
۱۱	پول تجارت، قرض گرفتن، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و مقایسه ارزش کالاها و خدمات را آسان‌تر می‌کند. حجم پول در اقتصاد بر سطح عمومی قیمت‌ها اثر می‌گذارد. تورم به معنای افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است که باعث کاهش ارزش پول می‌شود.	پول و تورم
۱۲	نرخ‌های بهره که با تورم تعدیل می‌شوند، افزایش و کاهش می‌یابند تا تعادل بین مقادیر پس‌انداز شده و مقادیر قرض گرفته شده را برقرار کرده و بر تخصیص منابع کمیاب بین مصارف حال و آینده اثر می‌گذارد.	نرخ‌های بهره
۱۳	درآمد بیشتر مردم به وسیله ارزش بازاری منابع مولدی که خریداری می‌کنند تعیین می‌شود. آنچه کارگران به دست می‌آورند در وهله اول وابسته به ارزش بازاری است که آنان تولید می‌کنند.	درآمد
۱۴	کارآفرینان ریسک قابل محاسبه آغاز یک فعالیت تجارت جدید را بر عهده می‌گیرند؛ حال یا با شروع یک کسب و کار جدید که مشابه آن وجود دارد و یا با معرفی ابداعات جدید. ابداعات کارآفرینانه نقش مهمی در رشد اقتصادی دارند.	کارآفرینی
۱۵	سرمایه‌گذاری در کارخانجات، ماشین‌آلات، فناوری جدید و در بهداشت، آموزش و تربیت مردم باعث تسریع رشد اقتصادی می‌شود و می‌تواند به بهبود استانداردهای زندگی در آینده کمک کند.	رشد اقتصادی
۱۶	دولت نقشی اقتصادی در اقتصاد بازار دارد زمانی که منافع سیاست اقتصادی بر هزینه‌های آن غلبه کند. دولت‌ها غالباً دفاع ملی، رسیدگی به مسائل زیست‌محیطی، تعریف و حمایت از حقوق مالکیت و تلاش برای رقابتی کردن بازارها را خود انجام می‌دهند. بیشتر سیاست‌های دولت آثار مستقیم یا غیر مستقیم بر درآمد مردم دارند.	نقش دولت و شکست بازار
۱۷	هزینه‌های شکست سیاست‌های دولت گاهی بیشتر از منافع آن می‌شود. این پدیده ممکن است به خاطر مشوق‌های پیش‌روی رای‌دهندگان، مدیران و کارمندان دولتی؛ یا به خاطر رفتار گروه‌های خاص ذی‌نفع و یا به خاطر اهداف اجتماعی غیر از کارایی اقتصادی رخ دهد.	شکست دولت
۱۸	نوسانات در سطح عمومی درآمدها و قیمت‌ها تحت تاثیر تعامل تصمیم‌های مصرفی و تولید خانوارها، نگاه‌ها، موسسات دولتی و دیگر فعالیت یک اقتصاد رخ می‌دهد. رکود زمانی رخ می‌دهد که سطح عمومی درآمد و اشتغال کاهش یابد.	نوسانات اقتصادی
۱۹	بیکاری هزینه‌هایی را بر افراد و کل اقتصاد تحمیل می‌کند. تورم نیز چه به صورت انتظاری و چه غیرمنتظره باعث تحمیل هزینه‌هایی بر افراد و کل اقتصاد می‌شود. بیکاری در دوره‌ها رکود اقتصادی تشدید شده و در دوره بهبود اقتصادی کاهش می‌یابد.	بیکاری و تورم
۲۰	سیاست بودجه‌ای دولت فدرال و سیاست پولی بانک مرکزی بر سطوح عمومی اشتغال، تولید و قیمت‌ها تاثیر می‌گذارد.	سیاست پولی و مالی

منبع: سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۳۷-۳۸

و مفاهیم هر استاندارد را بدانند و بتوانند از آن در رفتارهای خود بهره‌مند گردند. برای نمونه، دانش آموز باید بداند پس‌انداز چیست (بعد شناختی)؛ نسبت به پس‌انداز تمایل داشته باشد (بعد گرایشی) و مهارت لازم برای پس‌انداز را به‌دست آورد (بعد مهارتی)

جدول ۱: استانداردهای محتوایی داوطلبانه در آموزش اقتصاد در آمریکا

ش	استاندارد	شرح مختصر
۱	کمیابی	منابع تولیدی محدود می‌باشند. بنابراین، مردم نمی‌توانند تمامی کالاها و خدماتی که می‌خواهند را داشته باشند. در نتیجه، آنها مجبور به انتخاب برخی کالاها و خدمات و صرف‌نظر از بقیه می‌باشند.
۲	تصمیم‌گیری	تصمیم‌گیری کارآمد مستلزم مقایسه هزینه‌های اضافی گزینه‌های مختلف با منافع اضافی آنها می‌باشد. بسیاری از انتخاب‌ها مستلزم انجام مقداری کمتر یا مقداری بیشتر از چیزی است: در موارد اندکی باید بین همه یا هیچ انتخاب کرد.
۳	تخصیص	روش‌های متفاوتی را می‌تواند برای تخصیص کالاها و خدمات به کار برد. مردم چه هنگامی که به شکل فردی و چه هنگامی که به شکل جمعی عمل می‌کنند باید اقدام به انتخاب روش تخصیص کالاها و خدمات مختلف بپردازند.
۴	مشوق‌ها	مردم معمولاً به شکل قابل پیش‌بینی به مشوق‌های مثبت و منفی پاسخ می‌دهند.
۵	تجارت	مبادله داوطلبانه تنها زمانی رخ می‌دهد که تمام طرف‌های مشارکت‌کننده انتظار عایدی داشته باشند. این امر در مورد تجارت بین افراد یا سازمان‌های در درون یک ملت و همچنین بین افراد و سازمان‌ها در میان ملت‌های مختلف صادق است.
۶	تخصص‌گرایی	وقتی افراد، مناطق و ملت‌ها در آنچه می‌توانند می‌توانند با هزینه پایین‌تر تولید کنند، به شکل تخصصی وارد شوند و سپس به تجارت با دیگران بپردازند، تولید و مصرف هر دو افزایش می‌یابد.
۷	بازار و قیمت‌ها	بازار زمانی وجود دارد که فروشنده و خریدار با یکدیگر تعامل کنند. این تعامل تعیین‌کننده قیمت‌های بازاری است و به همین خاطر موجب تخصیص کالاها و خدمات کمیاب می‌شود.
۸	نقش قیمت‌ها	قیمت‌ها علامت‌هایی را ارسال می‌کنند و انگیزه لازم را برای فروشندگان و خریداران ایجاد می‌کنند. وقتی عرضه یا تقاضا تغییر می‌کند، قیمت‌های بازاری خود را با آن تطبیق می‌دهند و بر انگیزه‌ها تأثیر می‌گذارند.
۹	رقابت و بازار	رقابت میان فروشندگان غالباً باعث کاهش هزینه‌ها و قیمت‌ها می‌شود و تولیدکنندگان را تشویق می‌کند که آنچه مصرف‌کنندگان می‌خواهند و قادر به خریداری آن می‌باشند را تولید کنند. رقابت بین خریداران باعث افزایش قیمت‌ها و تخصیص کالاها و خدمات به افرادی می‌شود که تمایل و توانایی برای پرداخت بیشتری در مقابل آن می‌باشند.

جدول ۳: استانداردهای محتوایی اقتصادی آمریکا برای پایه چهارم

در پایان این مقطع پایه چهارم دانش آموز باید بداند:	در پایان این مقطع دانش آموز باید با استفاده از دانش مذکور بتواند:
تحلیل کند که چگونه زمانش را بعد از ظهر یکشنبه را تنظیم کند زمانی که گزینه‌های ممکن عبارتند از جمع‌آوری برگها برای کسب پول، رفتن به سینما با یک دوست و خرید در فروشگاه به همراه عمه. دانش آموزان باید استفاده‌های ممکن از زمان را شناسایی کرده و توضیح دهند که چگونه می‌توان تصمیم همه یا هیچ یا تصمیم به انجام مقدار بیشتر از یک فعالیت و مقدار کمتر از فعالیت دیگر امکان‌پذیر است	انتخاب مستلزم گرفتن مقداری بیشتر از یک چیز در برابر صرف نظر کردن از چیز دیگر است
هزینه چیزی است که وقتی شما هنگام تصمیم بر انجام یک کار باید بپردازید. نفع چیزی است که نیازهای شما برطرف می‌کند	هزینه چیزی است که وقتی شما هزینه‌ها (آنچه از دست می‌دهد) و منافع خریداری یک حیوان خانگی را فهرست کند

منبع: سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۶

جدول ۴: استاندارد محتوایی اقتصادی آمریکا برای پایه هشتم

دانش اموزان در پایان این مقطع (سال هشتم) باید بدانند	دانش اموزان در پایان این مقطع (سال هشتم) با استفاده از دانش مذکور باید بتوانند
افراد برای تعیین بهترین سطح مصرف محصولات منافع اضافی را با هزینه‌های اضافی مصرفی بیشتر یا کمتر را با یکدیگر مقایسه کنند	این مسئله را حل کند: مادر بزرگ به شما ۳۰ دلار به عنوان هدیه تولد پرداخت می‌کند. شما می‌خواهید در مورد چگونگی هزینه‌کرد این مبلغ تصمیم بگیرید. شما چند گزینه خرید تی‌شرت (هر عدد ۱۵ دلار)، رفتن به سینما (هر فیلم ۱۰ دلار)، دعوت چند دوست به صرف پیتزا (هزینه هر نفر ۷.۵ دلار) را در نظر دارید. شما مجبور نیستند که همه این مبلغ را در یک مورد خرج کنید. شما می‌توانید بخشی از این پول را در یک مورد مصرف و باقیمانده را در مورد سایر گزینه‌ها خرج کنید. شما چگونه پولتان را خرج می‌کنید تا بیشترین رضایت خاطر را کسب کنید؟
منفعت نهایی به معنای تغییر در منفعت کل حاصل از یک کار است. هزینه نهایی نیز به معنای تغییر در منفعت کل انجام یک کار است.	منفعت نهایی خریداری و مصرف واحدهای بیشتر شوکولات را معین کند. این منفعت نهایی را با هزینه نهایی تهیه واحدهای اضافی شوکولات مقایسه کند.
اگر افراد هنگام فزونی منفعت نهایی یک فعالیت بر هزینه نهایی آن، بیشتر به انجام آن مبادرت کنند، وضعیت بهتری خواهند داشت. در مقابل، اگر هزینه نهایی یک فعالیت بیش از منفعت نهایی آن باشد؛ افراد با انجام کمتر آن کار می‌توانند در وضعیت بهتری قرار گیرند.	مفهوم منفعت نهایی و هزینه نهایی را در مورد کاهش آلودگی زیست‌محیطی به کار گیرد.
بسیاری از افراد هنگام تصمیم بین مصرف فعلی و پس‌انداز برای آینده تصور نیستند.	منافع پس‌انداز برای دریافت مستمری در یک دوره طولانی را توضیح دهند.

منبع: سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۶

کمیته تعیین‌کننده این استانداردها مشخص کرده بود که دانش‌آموزان هریک از مفاهیم اقتصادی را در کدام یک از پایه‌های تحصیلی چهارم، هشتم و دوازدهم باید بیاموزند.

جدول ۲: استانداردهای محتوایی در زمینه اقتصاد برای دانش‌آموزان پیش از دانشگاه در پایه‌های تحصیلی چهارم، هشتم و دوازدهم

	پایه‌های تحصیلی	
	۴-۸	۸-۱۲
کمیابی	ج	ج ای
تصمیم‌گیری	ج	ج ای
تخصیص	ج	ج ای
مشوق‌ها	ج	ج ای
تجارت	ج	ج ای
تخصص‌گرایی	ج	ج ای
بازار و قیمت‌ها	ج	ج ای
نقش قیمت‌ها	ج	ج ای
رقابت و بازار نهادها	ج	ج ای
پول و تورم	ج	ج ای
نرخ‌های بهره	-	ج ای
درآمد	ج	ج ای
کارآفرینی	ج	ج ای
رشد اقتصادی	ج	ج ای
نقش دولت و شکست بازار	ج	ج ای
شکست دولت	-	ج
نوسانات اقتصادی	-	ج
بیکاری و تورم	ج	ج ای
سیاست پولی و مالی	-	ج

ج: مفهوم جدید؛ ی: یادآوری مفهوم قدیمی با اضافه کردن

نکات جدید

منبع: سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۴۸۲

این کمیته برای هریک از مقاطع تحصیلی، سطح مورد قبولی را تعیین کرده است. برای نمونه، همان‌گونه که در سه جدول زیر نشان داده شده، سطح موردنیاز از اطلاعات و مهارت‌های لازم برای مقاطع سال چهارم، هشتم و دوازدهم به شکل زیر تعیین شده است:

۴. عامل اقتصادی ایده‌آل در الگوی آمریکایی تعلیم و

تربیت اقتصادی

هرچند ادعا شده که الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا براساس مباحث مورد توافق در رشته اقتصاد تنظیم شده؛ ولی کمیته تدوین الگو به‌صراحت عنوان می‌کند که در این الگو از پارادایم غالب در اقتصاد تبعیت شده است: «استانداردهای نهایی منعکس‌کننده دیدگاه اکثریت زیادی از اقتصاددانان معاصر در قابل الگوی نئوکلاسیک رفتار اقتصادی است». البته از نظر ایشان استفاده کمیته نویسنده از این پارادایم به معنای کنار گذاشتن دیدگاه‌های رقیب نیست؛ بلکه در پی این است که استانداردهای واحد و سازگاری را برای آموزش اقتصاد در مدارس آمریکا فراهم کند؛ چراکه انعکاس سایر دیدگاه‌ها باعث سردرگمی معلمان و دانش‌آموزان می‌شود (سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۷۱). البته آنان اذعان می‌کنند که استانداردها برای این نوشته شده که دانش‌آموزان استدلال و مهارت برای تصمیم‌گیری اقتصادی بر پایه مدل نئوکلاسیکی رفتار اقتصادی را فراگیرند (همان، ص ۷۱). انتظار می‌رود که فراگیری این مهارت‌ها باعث شود که آنها زندگی بهتری داشته باشند و بتوانند نقش‌هایشان در جامعه را همراه با مسئولیت‌پذیری ایفا کنند (همان).

با دقت در استانداردهای محتوایی الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا می‌توان دریافت که الگوی نئوکلاسیکی رفتار اقتصاد در این الگو مخفی است. درواقع الگوی آموزشی پیشنهادی به‌دنبال آن است که به دانش‌آموزان این ایده را القا کند که نظام اقتصادی بازار آزاد عملکرد اقتصادی خوبی دارد و تنها باید آن را با مداخلات حداقلی دولت در شرایط شکست بازار تقویت کرد. به‌بیان دیگر، فرض ضمنی این الگو این است که نظام اقتصادی بازار آزاد به شکل مناسبی می‌تواند منابع کمیاب را به نیازهای بی‌شمار تخصیص دهد.

در مدل نئوکلاسیکی تعلیم و تربیت اقتصادی، انسان اقتصادی عاقل به‌عنوان عامل اقتصادی ایده‌آل در نظر گرفته می‌شود. فرد مزبور در پی بیشینه‌سازی مطلوبیت و سود خود با توجه به محدودیت‌های بودجه خود است. در چارچوب الگوی تعلیم و تربیت نئوکلاسیکی ادعا می‌شود که الگوی رفتاری انسان اقتصادی عاقل باعث تأمین منافع اجتماعی نیز خواهد شد؛ چراکه دست نامرئی بازار باعث ایجاد هماهنگی بین افراد خودخواه خواهد شد.

جدول ۵: استانداردهای محتوایی اقتصادی آمریکا، پایه دوازدهم

دانش‌آموزان در پایان این مقطع (سال دوازدهم) باید بدانند	دانش‌آموزان در پایان این مقطع (سال دوازدهم) با استفاده از دانش مذکور باید بتوانند
تولیدکننده برای دستیابی به سطحی از تولید که در آن سود بیشینه شود و میزان استخدام کارگران و سایر منابع تولید در سطح بهینه باشد، باید منفعت/هزینه نهایی افزایش اندکی در میزان محصول تولیدی را با منفعت/هزینه نهایی اندکی کاهش در محصول را مقایسه کند.	تصمیم بگیرد که برای بیشینه شدن سود در یک واحد کارواش پس از مقایسه هزینه استخدام یک کارگر جدید با درآمد آن چه تعدادی کارگر استخدام کند.
برای تعیین سطح بهینه یک برنامه سیاست عمومی، رای دهندگان و مقامات دولتی باید منافع نهایی و هزینه نهایی ارائه مقداری کمتر یا بیشتر از یک خدمت عمومی را مقایسه کنند.	با استفاده از مفهوم هزینه نهایی و منفعت نهایی، طرح‌های مختلف برای جذاب‌تر کردن ساختمان مدرسه را ارزیابی کنند و بهترین طرح را انتخاب و از آن دفاع کنند.
برای مقایسه منافع نهایی و هزینه‌های نهایی در زمان‌های مختلف باید منافع و هزینه‌ها را تعدیل کرد تا ارزش آنها در زمان تصمیم‌گیری مشخص شود. تعدیل مزبور منعکس‌کننده عواید انتظاری سرمایه‌گذاری‌ها در طول زمان می‌باشد.	بحث کنند که چگونه یک شرکت باید طرح سرمایه‌گذاری با هزینه ده هزار دلار در زمان حاضر و دوازده هزار دلار عایدی پس از گذشت یک سال، قضاوت کند.
هزینه‌هایی که اکنون متحمل شدیم و منافعی که اکنون به دست می‌آوریم را باید به عنوان هزینه مرده و عامل غیرمرتبط برای تصمیم‌گیری در مورد آینده به حساب آورد.	توضیح دهند که چرا گم کردن بلیط کنسرت ربطی به تصمیم‌گیری برای خرید بلیط دیگر ندارد. توضیح دهند که چرا برخی افراد هزینه بلیط گمشده را در تصمیم‌گیری برای خرید بلیط دیگر در نظر می‌گیرند؛ حتی زمانی که پول کافی برای این کار را دارند.
مردم گاهی منافع و هزینه‌ها را به شکل واحدی ارزیابی نمی‌کنند.	توضیح دهند که چرا برخی مردم ۱۰۰ دلاری را که در خیابان پیدا می‌کنند را متفاوت از ۱۰۰ دلاری می‌دانند که گم کرده‌اند.
برخی از تصمیم‌ها متضمن پذیرش ریسک است به گونه‌ای که داری منافع یا هزینه‌ها نامطمئن است. پذیرش ریسک یک هزینه است. در حالت وجود ریسک در زمان حاضر باید هزینه‌ها نسبت به زمانی که ریسک وجود ندارد، بیشتر در نظر گرفت.	توضیح دهند که چرا بیشتر مردم سرمایه‌گذاری با هزار دلار سود قطعی را بر سرمایه‌گذاری با سود دو هزار دلار با احتمال ۵۰ درصد و سود صفر با احتمال ۵۰ درصد ترجیح می‌دهند.
ریسک را می‌توان با متنوع‌سازی کاهش داد.	توضیح دهند که چرا سرمایه‌گذاری در صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک رواج پیدا کرده است. توضیح دهند که چرا منطقی است که فردی چترش را می‌فروشد، کرم ضد آفتاب نیز بفرودش؟

منبع: سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۷۶.

به نظر جیمز بوکانان (۱۹۹۱)، استدلال ارائه شده در مورد کارکرد رفتاری انسان اقتصادی عاقل مبتنی بر سه فرض هستی‌شناختی اتمیسم (فردگرایی روش‌شناختی)، عقلانیت و نظم خودجوش بازار است (بوکانان، ۱۹۹۹، ص ۱۴ و ۲۲). اتمیسم حاوی این ایده است که رفتار افراد را می‌توان با توجه به عوامل درونی همچون انگیزه‌ها و نه به‌عنوان محصول فشار عوامل بیرونی تبیین کرد (چپرستمن، ۲۰۰۳). اتمیسم به همان ایده فردگرایی روش‌شناختی اشاره دارد که براساس آن فرد، و نه مقولات جمعی مانند خانواده و قبیله، به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته می‌شود. عقلانیت نیز منطق تصمیم‌گیری عاملان اقتصادی را مشخص می‌کند. عقلانیت بدین معنا در نظر گرفته می‌شود که عامل اقتصادی عاقل مطلوبیت یا سودش را با توجه به محدودیت‌های بودجه‌ای بیشینه می‌سازد. و بالاخره سازوکار نظم خودجوش بازار به عملکرد نظام بازار آزاد اشاره دارد. ادعا می‌شود که انتخاب‌های انسان‌های اقتصادی عقلایی در نهایت باعث تأمین منافع جمع می‌شود. *آدام اسمیت* از استعاره دست نامرئی برای اشاره به ظرفیت بازار آزاد برای تضمین منافع اجتماعی استفاده می‌کند.

اقتصاددانان نئوکلاسیک برای اثبات ادعایشان در مورد کارآمدی انتخاب‌های افراد عقلایی خودخواه در چارچوب نظام بازار آزاد اقدام به گسترش مباحث نظریه قیمت در اقتصاد خرد کرده‌اند. براساس این نظریه، قیمت‌های بازاری در شرایط رقابت کامل باعث هماهنگی عرضه و تقاضا در راستای دستیابی به حداکثر رفاه اجتماعی می‌شوند. ادعا می‌شود که بازار رقابت کامل باعث عرضه محصولات با کمترین قیمت ممکن می‌شود. در نتیجه هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده از این وضعیت منتفع می‌شود؛ چراکه در این حالت اضافه‌رفاه تولیدکننده و مصرف‌کننده بیشینه می‌شود. از نظر ایشان، چنین نظام اقتصادی نظامی خود تنظیم‌کننده است. اگر عدولی از تعادل صورت گیرد نیروهای بازار وضعیت را به سمت تعادل باز خواهد گرداند. به همین خاطر آنها استدلال می‌کنند که بازار رقابت کامل بهترین راه برای تخصیص منابع کمیاب به نیازهای بی‌شمار است.

۵. فقدان معنویت و اخلاق در الگوی متعارف تعلیم و تربیت اقتصادی

الگوی سنتی تعلیم و تربیت اقتصادی برای مقطع آموزش عمومی

(پیش از دانشگاه) به‌دنبال انسان اقتصادی است که هدف اصلی‌اش بیشینه‌سازی نفع شخصی (مطلوبیت یا سود) است. با ملاحظه ۲۰ مفهوم معرفی شده در الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا می‌توان ملاحظه کرد که عامل اقتصادی ایده‌آل مطرح شده چیزی جز انسان اقتصادی نیست. در بین این مفاهیم اثری از اموری همچون اخلاق و معنویت به چشم نمی‌خورد.

استانداردهای محتوایی در الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا به‌دنبال این است که به دانش‌آموزان این نکته را القا کند که بیشینه‌سازی نفع شخصی در بازار رقابت و در وضعیت کم‌یابی نه‌تنها باعث می‌شود که «بالاترین منفعت ممکن نصیب فرد شود» (استاندارد ۴: مشوق‌ها؛ سال دوازدهم، ش ۱)؛ بلکه «رفاه ملی را نیز ارتقا می‌دهد» (استاندارد ۹: رقابت و ساختار بازار؛ پایه دوازدهم، ش ۱).

– واکنش به مشوق‌ها غالباً قابل پیش‌بینی است؛ زیرا مردم عموماً نفع شخصی خود را دنبال می‌کنند و یا به شکلی سازگار از نفع شخصی خود فاصله می‌گیرند (استاندارد ۴: مشوق‌ها؛ پایه هشتم، ش ۱)؛

– مردم به‌عنوان مصرف‌کننده، تولیدکننده، کارگر، پس‌اندازکننده، سرمایه‌گذار و شهروند به مشوق‌ها واکنش نشان می‌دهند تا منابع کم‌یابشان بیشترین خالص منفعت ممکن را برایشان ایجاد کند (استاندارد ۴: مشوق‌ها، پایه دوازدهم، ش ۱)؛

– مردم تمایل دارند که رفتار منصفانه را با رفتار منصفانه و رفتار غیرمنصفانه را با انتقام‌جویی پاسخ دهند؛ حتی اگر این واکنش موجب بیشینه‌شدن ثروت مادی آنها نشود (استاندارد ۴: مشوق‌ها، پایه دوازدهم، ش ۳)؛

– دنبال کردن نفع شخصی در بازارهای رقابتی غالباً منجر به انتخاب‌ها و رفتارهایی می‌شود که به‌نوبه خود موجب تقویت رفاه در سطح ملی می‌شود (استاندارد ۹: رقابت و ساختار بازار، پایه دوازدهم، ش ۱).

در میان مفاهیم معرفی شده، مفهوم تصمیم‌گیری با رویکردی نئوکلاسیکی معرفی شده است. در این چارچوب، به‌صراحت به دانش‌آموزان توصیه شده که با استفاده از رویکرد مارجینالیستی اقدام به انتخاب کنند؛ رویکردی که با دیدگاه مطلوبیت‌گرایی سازگار است: – افراد برای تعیین بهترین سطح مصرف یک کالا باید منفعت

نهایی استفاده از مقداری بیشتر یا کمتر از آن کالا را با هزینه‌های نهایی آن مقایسه کنند (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه هشتم، ش ۱)؛

– منفعت نهایی برابر با تغییر در منافع کل در نتیجه یک انتخاب

– هزینه چیزی است که فرد هنگام تصمیم بر انجام کاری باید از آن صرف نظر کند. منفعت چیزی است که امیال شما را برآورده می کند (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه چهارم، ش ۲).

در مدل تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا، رویکرد مارجینالیستی حتی در مورد انتخاب‌های بین دوره‌های نیز مطرح شده است. براین اساس، از دانش‌آموزان خواسته شده که منفعت نهایی و هزینه نهایی را در طول زمان و با استفاده از تکنیک تنزیل مقایسه کنند:

– برای مقایسه منفعت نهایی و هزینه نهایی تحقق‌یافته در زمان‌های مختلف، منافع و هزینه‌ها را باید به گونه‌ای تعدیل کرد که ارزش زمان را در هنگام انتخاب منعکس کند. چنین تعدیلی منعکس‌کننده عواید انتظاری سرمایه‌گذاری در طول زمان است (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه دوازدهم، ش ۳)؛

– هزینه‌هایی که در زمان حال متحمل شدیم و منافعی که هم‌اکنون بدان دست یافتیم، مقادیری مرده هستند که برای تصمیم‌های آتی ارقامی نامربوط اند (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه دوازدهم، ش ۴)؛

– مردم گاهی نمی‌توانند منافع و ضررها را به شکل یک‌سانی ارزیابی کنند؛ به گونه‌ای که تأکید بیشتری روی ضررها دارند (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه دوازدهم، ش ۵).

در مدل مزبور به انتخاب‌های ریسکی هم توجه شده و بر ضرورت مقایسه منافع و هزینه‌های نهایی انتظاری تأکید شده است:

– برخی تصمیم‌ها مستلزم پذیرش ریسک است؛ به گونه‌ای که منافع یا هزینه‌ها نامطمئن هستند. پذیرش ریسک باعث ایجاد هزینه می‌شود. وقتی ریسک به زمان حال تعلق دارد، هزینه‌ها را باید بیشتر از زمانی تعیین کرد که ریسک متعلق به زمان حال نیست (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه ۱۲، ش ۶)؛

– ریسک را می‌توان با تنوع‌بخشی کاهش داد (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه ۱۲، ش ۷)؛

– لازمه این امر آن است که هزینه‌ها و منافع انتظاری با یکدیگر مقایسه شوند.

براساس الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا، سازوکار قیمت‌ها باعث می‌شود که نفع شخصی و نفع اجتماعی به شکلی اتوماتیک و تنها با مداخله حداقلی دولت به دست آید:

– اگر قیمت بالاتر از قیمت تسویه‌کننده بازار بود، این قیمت در

است. هزینه نهایی برابر با تغییر در هزینه کل، ناشی از یک انتخاب است (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه هشتم، ش ۲)؛

– هنگامی که منفعت نهایی یک فعالیت بر هزینه نهایی آن غلبه کند، افراد بهتر است که بیشتر به انجام آن فعالیت مبادرت کنند؛ اگر هزینه نهایی بر منفعت نهایی غلبه کرد، بهتر است که افراد کمتر آن فعالیت را انجام دهند (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه هشتم، ش ۳)؛

– بسیاری از مردم هنگام انتخاب بین مصرف کنونی و پس‌انداز برای آینده قادر به خویش‌داری نیستند (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه هشتم، ش ۴)؛

– تولیدکنندگان برای تولید سطح محصول بیشینه‌کننده سود و استخدام مقدار بهینه کارگر و سایر عوامل تولید باید منفعت نهایی و هزینه نهایی تولید مقداری بیشتر از آن محصول را با منفعت نهایی و هزینه نهایی تولید مقداری کمتر از آن مقایسه کنند (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه دوازدهم، ش ۱)؛

– رای‌دهندگان و دولتمردان برای تعیین سطح بهینه یک برنامه سیاست عمومی باید منافع نهایی و هزینه نهایی ارائه مقدار بیشتر یا کمتر از یک خدمت عمومی را با یکدیگر مقایسه کنند (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه دوازدهم، ش ۲).

در الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا، هزینه‌ها و منافع براساس مفهوم هزینه فرصت تعریف شده که با مصرف کالاها و خدمات در ارتباط است:

– خواسته‌ها و تمایلات اقتصادی را می‌توان با مصرف یک کالا (یک شیء)، یک خدمت (یک کنش) و یا با یک فعالیت تفریحی برآورده کرد (استاندارد ۱: کمیابی، پایه چهارم، ش ۲)؛

– انتخاب مشتمل بر صرف‌نظر از چیزی است؛ زیرا منابع محدودند (استاندارد ۱: کمیابی، پایه چهارم، ش ۴)؛

– انتخاب خوب باید متضمن بده و بستان ارزش انتظاری یک فرصت با ارزش انتظاری بهترین جایگزین آن باشد (استاندارد ۱: کمیابی، پایه هشتم، ش ۲)؛

– افراد در انتخاب‌ها پیامدهای حال و آینده را در نظر می‌گیرند (استاندارد ۱: کمیابی، پایه هشتم، ش ۳)؛

– ارزیابی انتخاب‌ها و هزینه‌های فرصت امری ذهنی است؛ چنین ارزیابی از فردی به فرد دیگر و از جامعه به جامعه دیگر متفاوت است (استاندارد ۱: بیکاری، پایه هشتم، ش ۴)؛

(استاندارد ۱۶: نقش دولت و شکست بازار، پایه ۱۲، ش ۱). البته در مدل، به شکست دولت نیز توجه شده است؛ پدیده‌ای که در صورت غلبه هزینه‌های سیاست‌های دولت بر منافع، رخ می‌دهد (سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۴۱).

سیاست‌های دولت برای تصحیح نقصان بازار زمانی از نظر اقتصادی قابل قبول نیست که هزینه‌های مداخله دولت بر منافع انتظاری آن غلبه کند (استاندارد ۱۷: شکست دولت Government Failure، پایه ۱۲، ش ۱).

در نگاهی کلی استانداردهای محتوایی در الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا، مروج انسان اقتصادی عاقلی است که همواره به دنبال بیشینه‌سازی منفعت نهایی انتظاری خود است. چنین فردی همواره منفعت نهایی مصرف کالاها و خدمات را با هزینه نهایی آن در طول زمان مقایسه می‌کند.

۶. هزینه‌های ضمنی الگوی متعارف تعلیم و تربیت اقتصادی

برخی اقتصاددانان نسبت به هزینه‌های جانبی سیستم رایج آموزش اقتصاد در دانشگاه‌ها هشدار داده‌اند؛ هشداری که در مورد آموزش اقتصاد در مدارس نیز قابل طرح است. از نگاه تعداد قابل توجهی از محققان، دانشجویان اقتصاد خودخواه‌تر از دانشجویان سایر رشته‌ها هستند؛ خصلتی که تا حدودی نتیجه نظام آموزشی دانشکده‌ای اقتصاد است (مارول و آمس، ۱۹۸۱؛ کارتر و ایرونز، ۱۹۹۱؛ فرانک، گیلویچ و رگ، ۱۹۹۳؛ باومن و روس، ۲۰۰۹).

نتایج مطالعه جرالده مارول و روث آمس (۱۹۸۱) نشان داد که دانشجویان رشته اقتصاد با احتمال بیشتری در مطالعات تجربی آزمایشگاهی در زمینه میزان مشارکت خصوصی در تولید کالاهای عمومی مرتکب سوار مجانی free-ride می‌شوند (فرانک، گولویچ و رگ، ۱۹۹۳، ص ۱۶۰). جان کارتر و میسائیل آیرونز (۱۹۹۱) با بررسی رفتاری اقتصاددانان در بازی اولتیماتوم (ultimatum bargaining game) سعی کردند تا میزان خودخواهی آنها را اندازه بگیرند. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که دانشجویان دوره‌های عالی اقتصاد بیشتر از دانشجویان سطوح پایین‌تر براساس پیش‌بینی‌های مدل نفع شخصی رفتار می‌کنند (همان، ص ۱۶۱).

نتایج مطالعه فرانک و همکاران (۱۹۹۳) نشان می‌دهد که رفتار

نهایت کاهش خواهد یافت و باعث می‌شود که فروشندگان مقدار کمتری تولید کنند و خریداران مقادیر بیشتری خریداری کنند. اگر قیمت پایین‌تر از قیمت تسویه‌کننده بازار بود، قیمت در نهایت افزایش می‌یابد و باعث می‌شود که فروشنده اقدام به تولید مقادیر بیشتری کند و مصرف‌کننده نیز مقادیر کمتری را خریداری کند (استاندارد ۷: بازارها و قیمت‌ها، پایه هشتم، ش ۴)؛

افزایش در قیمت یک کالا یا خدمت مردم را تشویق می‌کند تا به دنبال جایگزین باشند؛ این امر باعث کاهش تقاضا می‌شود. عکس این حالت نیز صادق است. این رابطه بین قیمت و مقدار تقاضا شده با عنوان قانون تقاضا یاد می‌شود؛ این رابطه زمانی وجود دارد که سایر عوامل اثرگذار بر تقاضا تغییر نکنند (استاندارد ۸: نقش قیمت‌ها، پایه هشتم، ش ۱)؛

افزایش در قیمت یک کالا یا خدمت، تولیدکنندگان را به عرضه بیشتر تشویق می‌کند. عکس این حالت نیز صادق است. این رابطه بین قیمت و مقدار عرضه معمولاً زمانی برقرار است که سایر عوامل تأثیرگذار بر هزینه‌های تولید و عرضه تغییر نکنند (استاندارد ۸: نقش قیمت‌ها، پایه هشتم، ش ۲)؛

رقابت بین فروشندگان باعث کاهش هزینه‌ها و قیمت‌ها و افزایش کیفیت کالا، و یا خدمات بهتر به مشتریان می‌شود. با محدود شدن میزان رقابت بین فروشندگان، فروشندگان روی قیمت تعیین شده، کنترل خواهند داشت (استاندارد ۹: رقابت و ساختار بازار، پایه هشتم، ش ۲).

البته در استانداردهای محتوایی در الگوی تعلیم و تربیت آمریکا، امکان شکست بازار نیز مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به امکان شکست بازار، عنوان شده که «دولت غالباً امنیت ملی را تأمین می‌کند؛ به دغدغه‌های زیست‌محیطی توجه می‌کند؛ حقوق مالکیت را تعریف کرده و از آن صیانت می‌کند و تلاش می‌کند تا بازار را رقابتی‌تر کند. به همین خاطر «در اقتصاد بازار، زمانی دولت نقش ایفا می‌کند که منافع سیاست‌های دولت بر هزینه‌های آن غلبه کند (سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۳۸).

بازارها در چند حالت منابع را به شکل کارآمد تخصیص نمی‌دهند: اول، زمانی که حقوق مالکیت به‌وضوح تعریف یا تضمین نشده است؛ دوم زمانی که آثار بیرونی externalities (اثرات سرایت spillover effects) باعث شود که تعداد زیادی از مردم به تولید یا مصرف یک کالا روی آورند؛ سوم، زمانی که بازار رقابتی نباشد

بدان معناست که انسان اقتصادی نیز در خطر است و با مشکل شکست انسانیت مواجهیم؛ شکستی که ریشه در شکست معنوی و اخلاقی انسان دارد. چنین شکستی زمانی محقق می‌شود که انسان ریشه‌های خود را فراموش کرده و ارتباط خود با خداوند متعال را قطع کند. در قرآن مجید آمده است که: مانند کسانی نباشید که خداوند را فراموش کردند؛ ما کاری می‌کنیم که آنها خودشان را از یاد ببرند (حشر: ۱۹).

می‌توان استدلال کرد که شکست بازار و دولت نیز ریشه در شکست انسانیت دارد. بازار و دولت بدین خاطر در انجام درست کار کرده‌ایشان شکست می‌خورند که افراد از عقلانیت واقعی فاصله می‌گیرند.

۸. ساختاربندی اخلاقی در اقتصاد اسلامی

اسلام برای حل مشکل شکست انسانیت تلاش می‌کند تا اخلاق و معنویت را در اقتصاد وارد کند. یکی از راهبردهای اسلامی در این زمینه معرفی رفتار اقتصادی به عنوان عبادت است؛ رهیافتی که باعث می‌شود دو عرصه فرهنگ و اقتصاد با یکدیگر ارتباط یابند. اسلام برخی نهادهای اجتماعی - اقتصادی را نیز برای ارتقای معنویت در افراد به کار گرفته است. برای نمونه، در نظام مالیاتی اسلام، خمس و زکات به گونه‌ای طراحی شدند که نه تنها نقش خود در تأمین مالی دولت و فقرا را ایفا می‌کند؛ بلکه کارکردی معنوی برای تهذیب پرداخت‌کنندگان آن نیز دارد. همچنین اسلام هنجارهای اجتماعی مانند درآمد حلال، سخت‌کوشی، اعتدال در مصرف و ایشار را ترویج می‌کند. درونی‌سازی این هنجارها در افراد جامعه می‌تواند به حل مشکل شکست انسانیت کمک کند.

الف. رفتار اقتصادی به عنوان نوعی عبادت

یکی از راهبردهای اسلام برای ورود اخلاق و معنویت به اقتصاد این است که فعالیت اقتصادی به عنوان نوعی عبادت خداوند قلمداد شده است. پیامبر اکرم ﷺ در این باره می‌فرمایند عبادت خداوند ده جزء دارد و نه جزء آن در طلب روزی حلال است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص ۹). در نگرش اسلامی، هر فعالیتی را می‌توان به عبادت خداوند تبدیل کرد به شرط آنکه فرد قصد قربت داشته باشد. در فرهنگ اسلامی، تلاش برای کسب روزی حلال همانند

سوار مجانی (عدم کمک به خیریه) در بین اقتصاددانان بیش از دو برابر محققان شش رشته مورد بررسی در مطالعه ایشان بوده است (همان، ص ۱۶۲). نتایج بررسی آنها نشان داد که اقتصاددانان بیشتر از سایرین اهداف بازی را در قالب واژگان حاکی از نفع شخصی تفسیر می‌کنند و به همین خاطر با احتمال بیشتری به آن ویژگی‌های بازی استناد می‌کنند (همان، ص ۱۶۶-۱۶۷). آنان دریافته‌اند که نرخ بالاتر عدم همکاری اقتصاددانان تا حدودی بدین خاطر است که اقتصاددانان بیشتر انتظار دارند که طرف مقابل نقض عهد کند. فر/نک و همکاران (۱۹۹۳) همچنین دریافته‌اند که هرچند انتظارات در مورد عملکرد طرف مقابل بازی نقش زیادی در پیش‌بینی رفتار دارد، نرخ عدم همکاری در مورد اقتصاددانان بیشتر از غیراقتصاددانان است؛ حتی در زمانی که آنها انتظارات یکسانی نسبت به عملکرد طرف دیگر بازی داشتند (همان، ص ۱۶۷). یافته‌های ایشان همچنین نشان می‌دهد که شواهد تجربی این ایده را تأیید می‌کند که چنین تفاوتی تا حدودی با شیوه تعلیم و تربیت در رشته اقتصاد مرتبط است (همان، ص ۱۷۱).

باتمن و روس (۲۰۰۹) با بررسی داده‌های مرتبط با میزان مبالغ هدایی دانشجویان دانشگاه واشنگتن دریافته‌اند که دانشجویان اقتصاد در سال‌های بالاتر کمتر از دیگر دانشجویان به خیریه کمک می‌کنند. ایشان همچنین دریافته‌اند که دانشجویان سال بالاتر نسبت به دانشجویان سال پایین وضعیت بدتری دارند (باومن و روس، ۲۰۰۹، ص ۱).

۷. از شکست بازار و دولت تا شکست انسانیت (انسان اقتصادی در خطر)

هرچند مدل آمریکایی تعلیم و تربیت اقتصادی به درستی به ریسک کیفیت پایین آموزش اقتصادی در آمریکا توجه کرده است؛ ولی راه‌حل را در تربیت انسان اقتصادی در مدارس یافته است. در نگاه قرآنی، انسان‌ها در زبان و خسرانند؛ مگر کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام داده و یکدیگر را به صبر و حقیقت توصیه کنند (عصر: ۳-۲).

انسان اقتصادی بدون ایمان و معنویت کارکرد خوبی در اقتصاد ندارد. همان‌گونه که بازار و دولت در پاره‌ای از موارد با شکست مواجه می‌شوند، انسان اقتصادی نیز با مشکل شکست روبه‌روست. این

افراد خواسته می‌شود که سخت کار کنند، در حد کفاف مصرف کنند و مازاد درآمدشان را به فقرا و مستمندان انفاق کنند. نهادینه شدن هنجار اعتدال در مصرف، نه تنها مانع از اسراف و تبذیر می‌شود؛ بلکه باعث می‌شود که مردم بتوانند بخشی از درآمدشان را در راه خداوند و برای کمک به فقرا انفاق کنند. از این رو ترویج سه ارزش سخت‌کوشی، اعتدال و ایثار باعث تأمین هم‌زمان عدالت و کارایی می‌شوند.

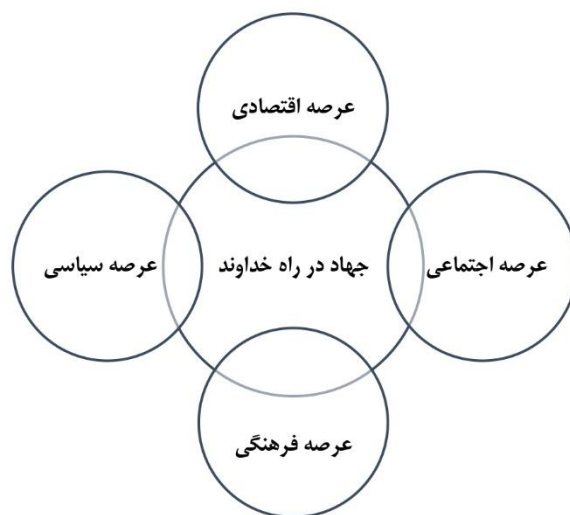
د. مالیات‌های اسلامی و هدف‌گذاری تزکیه

یکی از ویژگی‌های برجسته نظام بازتوزیع درآمد و ثروت در اسلام این است که خمس، زکات و انقاقات تنها به هدف فقرزدایی و تأمین مالی دولت گرفته نمی‌شوند؛ بلکه اسلام به دنبال تزکیه افرادی است که به پرداخت انقاقات واجب و مستحب اقدام می‌کنند. خداوند متعال، از پیامبر اکرم ﷺ می‌خواهد که از مسلمانان زکات بگیرد تا بدین وسیله آنها را تزکیه و تطهیر کند؛ «ای پیامبر از اموال ایشان زکات بگیر تا آنها را تزکیه کنی؛ و بر آنها درود فرست؛ چراکه درودفرستادن تو باعث آرامش خاطرشان خواهد شد» (توبه: ۳). مسلمانان خمس و زکات را باید با قصد قربت و برای رضای خدا پرداخت کنند؛ وگرنه مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. اسلام با معرفی نظام پرداخت داوطلبانه خمس و زکات تلاش می‌کند تا انگیزه درونی افراد را برای پرداخت آن تقویت کند. در این چارچوب افراد خود اقدام به محاسبه خمس و زکات خود می‌کنند. این در حالی است که در نظام مالیاتی متعارف از یک چارچوب کنترلی برای تقویت تمکین مالیاتی استفاده می‌شود. در رویکرد اسلامی، اخلاق نقشی اساسی در تمکین مالیاتی ایفا می‌کند. نتایج برخی مطالعات نیز نشان می‌دهد که استفاده از کنترل و مشوق‌های مالی می‌تواند مشکلاتی را برای انگیزه درونی برای پرداخت مالیات ایجاد کرده و اخلاق مالیاتی را تضعیف کند (توکلی، ۱۳۹۵).

به نظر می‌رسد که اسلام یک نظام مالیاتی مبتنی بر خوداظهاری را گسترش داده که انگیزه‌های اخلاقی برای تمکین مالیاتی را تقویت می‌کند. در این نظام، قصد خیر ضروری است؛ چراکه از نهاد مالیات اسلامی انتظار می‌رود که به تزکیه مردم کمک کند.

جهاد در راه خداوند قلمداد شده است. امیرمؤمنان علیؓ در این باره می‌فرماید: کسی که خود را برای کسب روزی حلال به زحمت می‌اندازد، وی همانند کسی است که در راه خداوند جهاد می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۸).

شکل ۱: عرصه‌های مختلف زندگی



ب. فرهنگ درآمد و تولید حلال و طیب

اسلام گسترش فرهنگ تولید و درآمد حلال و طیب را هدف‌گذاری کرده است. تولید حلال و طیب ناظر به کالاها و خدماتی است که پاک و پاکیزه بوده و از هرگونه آلودگی عاری باشند. تولید طیب تولیدی است که هیچ‌گونه ضرری به افراد جامعه نمی‌رساند. تولید طیب نه تنها ضرر زیست‌محیطی ندارد؛ بلکه به محیط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز ضرری نمی‌زند. برای نمونه، مشروبات الکلی در زمره تولیدات طیب قرار نمی‌گیرند؛ چون برای جسم و روح انسان مضرند. براساس منطق تولید طیب، حتی کالاهای فرهنگی که عقاید دینی و ارزش‌های اخلاقی را تضعیف کنند، کالاهایی غیرمرغوب هستند. در نگرش اسلامی، شیوه تولید نیز باید طیب باشد؛ از این رو تولیدی که با استفاده از روش‌های غیرقابل قبول صورت گیرد، موردنظر اسلام نیست. برای نمونه، تولیدی که به روش ربوی تأمین مالی شده باشد، تولید طیب نیست.

ج. هنجارهای سازگار سخت‌کوشی، اعتدال و ایثار

در اقتصاد اسلامی هنجار سخت‌کوشی، اعتدال و ایثار به ترتیب در سه حوزه تولید، مصرف و توزیع ترویج می‌شود. در این چارچوب، از

۹. درآمدی بر الگوی اسلامی تعلیم و تربیت اقتصادی

اقتصاددانان مسلمان توجه چندانی به الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی نکرده‌اند. در برخی مطالعات به اهمیت مسائلی چون اخلاق در نظام اقتصادی اسلام شده؛ ولی مدلی برای سیاست‌گذاری در حوزه تعلیم و تربیت اقتصادی در رویکرد اسلامی ارائه نشده است. با این وجود، در آیات قرآن مجید و روایات معصومان^{علیهم‌السلام} اشارات ارزشمندی نسبت به تعلیم و تربیت اقتصادی وجود دارد.

۱۰. هدف تعلیم و تربیت اقتصادی در اسلام

برای تدوین مدل تعلیم و تربیت اقتصادی اسلامی باید عامل اقتصادی ایده‌آل از نقطه نظر اسلام و همچنین سبک زندگی اقتصادی اسلامی را معرفی کنیم. انسان اقتصادی ایده‌آل مسلماً از انسان اقتصادی متعارف متمایز است. انسان اقتصادی ایده‌آل اسلام را می‌توان انسان اقتصادی کامل برخوردار از عقلانیت معنوی نامید. یکی از لوازم پذیرش عقلانیت معنوی در اقتصاد اسلامی معرفی شکلی خاص از سبک زندگی اقتصادی است که از مدل رفتار اقتصادی در رویکرد اقتصاد نئوکلاسیکی متمایز است.

۱۰-۱. سبک زندگی اقتصادی اسلامی

در رویکرد اسلامی، عاملان اقتصادی دارای عقلانیت ناقص هستند. نقصان عقلانیت ریشه در مشکلات موجود در کسب اطلاعات، مدیریت امیال و یافتن بهترین راه برای تأمین نیازها دارد. مذهب و از جمله اسلام به عامل اقتصادی کمک می‌کند تا نیازهای واقعی‌اش را دریابد، امیال و خواسته‌هایش را فیلتر کند و بهترین راه برای پاسخ‌گویی به نیازها را بیابد. ایدئولوژی، فقه و اخلاق اسلامی به کمک حل مشکل عقلانیت ناقص می‌آیند.

مصرف‌کننده برخوردار از عقلانیت کامل، از قوانین و دستورالعمل‌های اخلاقی اسلام هنگام مصرف تبعیت می‌کند. از آنجاکه یک مصرف‌کننده عاقل به خداوند و زندگی پس از مرگ باور دارد؛ وی به راحتی می‌تواند مخارج خود را براساس قوانین اسلامی و قواعد اخلاقی تعدیل کند. وی مصرف معتدلی خواهد داشت، از اسراف پرهیز می‌کند و مصرف خود از کالاهای لوکس را محدود می‌کند. انتظار می‌رود که چنین انسانی بخشی از درآمد خود را به انفاق واجب و

مستحب در راه خدا و کمک به مستمندان اختصاص دهد. در روایتی از امام صادق^{علیه‌السلام} چنین آمده است: اموال مال خداوند است که نزد افراد امانت گذاشته شده است؛ خداوند به آنها اجازه داده با رعایت اعتدال بخورند، بیاشامند، بپوشند، ازدواج کنند، از مرکب استفاده کنند و باقی‌مانده درآمدشان را به فقرا و مؤمن برگردانند و بدین وسیله... کسی که چنین کند وی این‌گونه است که از حلال خورده، آشامیده، مرکب برگزیده، و ازدواج کرده است؛ مازاد بر این بر وی حرام است؛ سپس حضرت فرمود: اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۵).

در نگرش اسلامی، تولیدکنندگان نیز با مشکل عقلانیت ناقص روبه‌رو هستند؛ چراکه آنان نیز در معرض برخورداری از باورهای امیال غیرعقلایی قراردارند. اسلام برای رفع مشکل عقلانیت ناقص به تولیدکنندگان توصیه می‌کند که از قوانین فقهی و قواعد اخلاقی همچون قاعده قیمت و سود منصفانه تبعیت کنند. اسلام با ترویج فرهنگ روزی حلال و طیب قصد دارد تخصیص بهینه منابع به نیازها را تسهیل کند. در نتیجه، یک مسلمان کامل از تابع تولیدی چند هدفه بهره‌مند است که در آن اهداف متعددی همچون کسب سود، حفظ محیط‌زیست و اولویت‌بخشی به تولید کالاهای ضروری تصمیم‌های او را جهت می‌دهد.

در رویکرد اسلامی، دست نامرئی بازار و دست مرئی دولت نمی‌تواند باعث تضمین سازگاری منافع شخصی و جمعی شود. ما به دست نامرئی اخلاق تحت ارشادات مذهب نیز نیاز داریم تا به‌عنوان سازوکاری برای تربیت و تهذیب عاملان اقتصادی عمل کند و تصمیم‌های اقتصادی ایشان را تعدیل کند (حنیف، ۱۹۹۵، ص ۱۱۳-۱۱۴).

اقتصاد اسلامی مبتنی بر پارادایمی است که سکولار و ارزش‌خنثا نیست. اسلام انسان را به‌عنوان خلیفه خود در نظر گرفته و افراد را برادر یکدیگر قلمداد می‌کند. تمامی منابع در دست بشر امانت است و باید در مسیر تحقق سعادت همگانی و با توجه به ارزش‌های شریعت استفاده شود. اما در اسلام سعادت تنها تابع دارایی‌های مادی و مصرف نامحدود نیست؛ بلکه سعادت تابع تأمین متعادل نیازهای مادی و معنوی افراد است. این هدف با عملیاتی‌کردن مقاصد شریعت قابل دستیابی است (چپرا، ۲۰۰۰، ص ۵۵).

اخلاق به‌مثابه فیلتری عمل می‌کند که انتخاب تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را با اقتضائات زندگی اجتماعی هماهنگ می‌کند.

مفاهیم جدید در الگوی تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی ضروری است. در جدول (۶)، مفاهیم استاندارد محتوایی پیشنهادی در نظام تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی معرفی شده است. این مفاهیم به شکلی مقایسه‌ای با مفاهیم محتوایی در الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا مطرح است.

جدول ۶: مفاهیم استاندارد محتوایی در تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی در مقایسه با استانداردهای محتوایی ملی داوطلبان اقتصادی آمریکا

ردیف	مفاهیم استاندارد محتوایی در تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی	مفاهیم استاندارد محتوایی در نظام تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا
۱	کمیابی و توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت	کمیابی
۲	تصمیم‌گیری درست	تصمیم‌گیری
۳	تخصیص	تخصیص
۴	مشوق‌ها، انگیزه‌های درونی و بیرونی	مشوق‌ها
۵	تجارت طیب	تجارت
۶	تخصص‌گرایی و جهاد برای روزی حلال و طیب	تخصص‌گرایی
۷	بازار و قیمت‌ها	بازار و قیمت‌ها
۸	نقش قیمت‌ها و تسویه اخلاقی	نقش قیمت‌ها
۹	رقابت و همکاری	رقابت و بازار
۱۰	نهادها	نهادها
۱۱	پول و تورم	پول و تورم
۱۲	نرخ‌های سود	نرخ‌های بهره
۱۳	درآمد حلال و طیب	درآمد
۱۴	کارآفرینی	کارآفرینی
۱۵	پیشرفت اقتصادی	رشد اقتصادی
۱۶	نقش دولت و شکست بازار	نقش دولت و شکست بازار
۱۷	نقش اخلاق و شکست دولت	شکست دولت
۱۸	نوسانات اقتصادی	نوسانات اقتصادی
۱۹	تورم و بیکاری	تورم و بیکاری
۲۰	سیاست پولی، مالی و تربیت اقتصادی	سیاست پولی و مالی

مفاهیم محتوایی تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی از ویژگی‌های زیر برخوردارند:

۱. در این نظام مفهومی، به سه مقوله شکست بازار، دولت و انسانیت در اقتصاد توجه شده است؛

۲. شکست انسانیت به‌عنوان ریشه و اساس شکست بازار و دولت معرفی شده است؛

انتظار می‌رود که مصرف‌کنندگان پیش از ورود به بازار و قرار گرفتن در معرض فیلتر قیمت، تقاضاهای خود را از درون فیلتر اخلاقی عبور دهند. این اقدام بدان‌ها کمک می‌کند که مصارف تجملی، اسراف‌گونه و غیرضروری را فیلتر کنند. سازوکار قیمت‌ها می‌تواند پس از آن تقاضای مزبور را کاهش دهد و حتی به تحقق تعادل بازاری کمک کند. این دو فیلتر می‌توانند با کمک یکدیگر دستیابی بهینه در مصرف منابع را ممکن سازند؛ امری که پیش‌نیاز تأمین نیازهای مادی و معنوی تمام افراد بشر است (چپرا، ۲۰۱۴، ص ۴۶).

۲-۱۰. عامل اقتصادی فرهیخته

در جامعه مطلوب اسلامی، انسان اقتصادی متعارف مطلوب قلمداد نمی‌شود. چنین انسانی حتی به‌عنوان انسان موجود هم قلمداد نمی‌شود. اقتصاد اسلامی با در نظر گرفتن ابعاد معنوی بشر در کنار ابعاد مادی‌اش اقدام به معرفی نوعی انسان اقتصادی فرهیخته می‌کند. چنین انسانی در تله بازی دنیایی بیشینه‌سازی نفع شخصی گرفتار نمی‌شود. در مقابل، ولی به‌دنبال زندگی‌ای فضیلت‌مدار در این دنیا و در آخرت است. بر این اساس، احتیاط تنها یکی از ارزش‌های موردنظر او در کنار سایر ارزش‌ها از جمله عدالت، برابری و انصاف است. درواقع انسان اقتصادی فرهیخته در کنار انگیزه‌های نفع شخصی، از انگیزه‌های خیرخواهانه و دیگرگرایانه نیز برخوردار است.

انتظار می‌رود که انسان اقتصادی فرهیخته مشکل عقلانیت ناقص را با کسب اطلاعات مناسب، مدیری امیال و کشف بهترین ابزارها برای پاسخ به نیازها برطرف کند. چنین انسانی امیال و باورهای عقلایی دارد و با بهره‌مندی از تعالیم اسلامی بهترین راه را برای دستیابی به اهدافش برمی‌گزیند. بهره‌مندی از امیال عقلایی باعث می‌شود که انسان اقتصادی فرهیخته از انگیزه نفع شخصی و انگیزه‌های خیرخواهانه بهره‌مند باشد. در نتیجه ما به‌سمت آنچه عقلانیت معنوی می‌نامیم، خواهیم رفت.

۱۱. مفاهیم استاندارد محتوایی در تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی

ازآنجا که در رویکرد اقتصاد اسلامی شکست انسانیت به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر شکست بازار و دولت در نظر گرفته می‌شود؛ ارائه

نتیجه‌گیری

کارکرد اولیه نظام اقتصادی اسلامی ایجاد هماهنگی در تولید و توزیع درآمد و ثروت است. از این نظام انتظار می‌رود که در زمینه تعلیم و تربیت اقتصادی نیز ایفای نقش کند. اسلام تلاش برای کسب روزی حلال و طیب را به‌عنوان عبادت خداوند معرفی می‌کند. در نظام اقتصادی اسلام، زکات نهادی است که تنها عهده‌دار فقرزدایی یا تأمین مالی مخارج دولت نیست. اسلام تلاش می‌کند تا این نهاد اجتماعی - اقتصادی را در خدمت تزکیه عاملان اقتصادی نیز قرار دهد. به‌همین سبب داشتن قصد قربت هنگام پرداخت زکات و خمس، ضروری اعلام شده است. اسلام تلاش می‌کند تا فرهنگ تولید و درآمد حلال و طیب را در جامعه نهادینه کند و برای افراد این انگیزه را ایجاد کند که براساس موازین عدالت رفتار کنند.

نگاه فرهنگی اسلام به اقتصاد، ریشه در رویکرد هستی‌شناختی اقتصاد اسلامی دارد. اسلام انسان را موجودی با عقلانیت ناقص معرفی می‌کند. براساس نگرش قرآنی، انسان مطمئناً در حال زیان و ضرر است؛ مگر آنکه به خداوند ایمان داشته باشد و عمل صالح انجام دهد. از آنجاکه انسان در معرض فراموشی قرار دارد، لذا دائماً به تذکر و یادآوری نیاز دارد. از این‌رو تمامی نظام‌های اجتماعی باید در خدمت آگاه‌سازی انسان و کمک به وی برای فرار از تله فراموشی باشند. این امر مستلزم طراحی نوعی نظام تعلیم و تربیت اقتصادی است که به پرورش انسان اقتصادی فرهیخته برخوردار از عقلانیت معنوی کمک کند.

در دهه‌های اخیر اقتصاددانان توجه ویژه‌ای به اهمیت تعلیم و تربیت اقتصادی کرده‌اند. آنها اقدام به معرفی مدل‌هایی برای تعلیم و تربیت اقتصادی کرده‌اند. در این مدل‌ها به اهمیت اخلاق و معنویت در اقتصاد توجه نشده است. برای نمونه استانداردهای محتوایی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا، به ترویج سبک زندگی اقتصادی مادی براساس پارادایم بیشینه‌سازی نفع شخصی (عقلانیت ابزاری) کمک می‌کند. براساس این، به دانش‌آموزان القا می‌شود که دست‌نامرئی بازار به‌خوبی منابع کمیاب را به نیازها تخصیص می‌دهد و تنها در مواردی محدود با شکست مواجه می‌شود. براساس این مدل مفهومی، دولت می‌تواند به رفع موارد شکست بازار و دستیابی به تعادل بازاری کمک کند؛ هرچند که خودش نیز با پدیده شکست دولت روبه‌روست.

۳. شکست انسانیت بدین خاطر اتفاق می‌افتد که افراد از عقلانیت ناقص برخوردارند. عاملان اقتصادی بدین خاطر دچار عقلانیت ناقص هستند که در دستیابی به اطلاعات، مدیریت امیال و یافتن بهترین راه برای تأمین نیازها با مشکلاتی روبه‌رو می‌باشند؛

۴. درونی‌سازی اخلاق و معنویت در عاملان اقتصادی راهی برای حل مشکل عقلانیت ناقص است؛

۵. اخلاق و عقلانیت در نقش فیلتری برای امیال عمل می‌کنند و می‌توانند به تحقق عقلانیت معنوی کمک کنند؛

۶. نهادها می‌توانند نقشی اساسی در درونی‌سازی اخلاق و معنویت در عاملان اقتصادی ایفا کنند؛

۷. نهاد اجتماعی - اقتصادی زکات، برای نمونه، تنها به‌عنوان یک نوع مالیات عمل نمی‌کند؛ بلکه به‌عنوان ابزاری برای تزکیه اخلاقی عاملان اقتصادی نیز عمل می‌کند؛

۸. سیاست‌های پولی و مالی باید با سیاست‌های تربیت اقتصادی همراه شوند.

جدول ۷: مفاهیم استاندارد محتوایی اسلامی براساس پایه تحصیلی

ش	مفاهیم	پایه تحصیلی		
		1-6	7-9	10-12
۱	کمیابی و توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت	✓	✓	✓
۲	تصمیم‌گیری درست	✓	✓	✓
۳	تخصیص	✓	✓	✓
۴	مشوق‌ها، انگیزه‌های درونی و بیرونی	✓	✓	✓
۵	تجارت طیب	✓	✓	✓
۶	تخصص‌گرایی و جهاد برای روزی حلال و طیب	✓	✓	✓
۷	بازار و قیمت‌ها	✓	✓	✓
۸	نقش قیمت‌ها و تسویه اخلاقی	✓	✓	✓
۹	رقابت و همکاری	✓	✓	✓
۱۰	نهادها	✓	✓	✓
۱۱	پول و تورم	✓	✓	-
۱۲	نرخ‌های سود	✓	✓	-
۱۳	درآمد حلال و طیب	✓	✓	✓
۱۴	کارآفرینی	✓	✓	✓
۱۵	پیشرفت اقتصادی	✓	✓	✓
۱۶	نقش دولت و شکست بازار	✓	✓	-
۱۷	نقش اخلاق و شکست دولت	✓	✓	✓
۱۸	نوسانات اقتصادی	✓	✓	-
۱۹	تورم و بیکاری	✓	✓	✓
۲۰	سیاست پولی، مالی و تربیت اقتصادی	✓	-	-

- Frank, R., Gilovich, T & Reg, D, 1993, "Does Studying Economics Inhibit Cooperation?", *The Journal of Economic Perspectives*, N. 7(2), p. 159-171.
- Gardner, D., 1983, *A Nation at Risk: The Imperative for Educational Reform*, Washington D.C, U.S. Department of Education.
- Gide, C & Rist, C, 1915, *A History of Economic Doctrines; From the Time of the Physiocrats to the Present Day*, Boston, D. C. Heath.
- Haneef, M., 1995, *Contemporary Islamic Economic Thought: A Selected Comparative Analysis*, Ikrq, S. Abdul Majid & Co.
- Hinshaw, C & Siegfried, J., 1991, "The Role of the American Economic Association in Economic Education: A Brief History", *The Journal of Economic Education*, N. 22(4), p. 373-381.
- Marwell, G & Ames, R, 1981, "Economists Free Ride, Does Anyone Else? Experiments on the Provision of Public Goods", *Journal of Public Economics*, N. 15(3), p. 295-310.
- Siegfried, J & et. al., 2010, *The Voluntary National Content Standards in Economics*, 2e ed, New York, Council for Economic Education.

در نگرش اسلامی، همان‌گونه که بازار و دولت ممکن است با شکست روبرو شوند، انسان اقتصادی نیز در معرض شکست قرار دارد. وی به‌واسطه برخورداری از عقلانیت ناقص ممکن است عملکرد مناسبی در اقتصاد نداشته باشد. از این‌رو عوامل اقتصادی نیازمند تعلیم و تربیت اقتصادی و درونی‌سازی اخلاق و معنویت هستند؛ اقدامی که می‌تواند به تحقق عقلانیت معنوی کمک کند. مفاهیم محتوایی پیشنهادی در این مقاله برای نظام تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی مبتنی بر رهیافت اسلامی نسبت به چارچوب‌بندی اخلاقی اقتصاد جامعه اسلامی است؛ رهیافتی که در آن تلاش برای کسب روزی حلال و طیب به‌عنوان جهاد در راه خداوند و عبادت شناخته می‌شود، فرهنگ روزی حلال و طیب ترویج می‌شود و از نهادهای اجتماعی - اقتصادی هم‌چون زکات و خمس برای تربیت اخلاقی فعالان اقتصادی استفاده می‌شود.

منابع.....

- توکلی، محمدجواد، ۱۳۹۵، «انگیزش و تربیت اخلاقی در نظام مالیاتی اسلام»، *پژوهش‌نامه مالیات*، ش ۸۰، ص ۱۹۵-۲۲۱.
- ژید، شارل و شارل ریست، ۱۳۸۰، *تاریخ عقاید اقتصادی*، ترجمه کریم سنجابی، تهران، دانشگاه تهران.
- طنیانی، مهدی و عادل پیغامی، ۱۳۹۵، *تعلیم و تربیت اقتصادی*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- طنیانی، مهدی و محمدهادی زاهدی‌وفا، ۱۳۹۱، «امکان بهره‌گیری از آثار تمدن اسلامی در طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی تربیت اقتصادی»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۶، ص ۵۵-۷۶.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- Bauman, Y & Rose, E, 2009, *December 3, Why are Economics Students More Selfish than the Rest?*, Available at SSRN, <https://ssrn.com/abstract=1518081>.
- Buchanan, J., 1999, *The Economics and the Ethics of Constitutional Order*, Ann Arbor, University of Michigan Press.
- Carter, C & Irons, M., 1991, "Are Economists Different, and If So, Why?", *Journal of Economic Perspectives*, N. 5(2), p. 171-177.
- Chapra, M., 2000, *The Future of Economics; An Islamic Perspective*, Leicester, UK, The Islamic Foundation.
- Chapra, M., 2014, *Morality and Justice in Islamic Economics and Finance*, Cheltenham & Northampton, Edward Elgar Publishing.
- Christman, J., 2003, *Autonomy in Moral and Political Philosophy*, *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, www.plato.stanford.edu/entries/autonomy-moral.
- Clow, F., 1899, *Economics as a School Study*, USA, Macmillan Company.

نوع مقاله: ترویجی

بررسی علل عدم موفقیت نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران در جلب اعتماد عمومی نسبت به حذف ربا

مهدی خطیبی / استادیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

m.khatibi@iki.ac.ir  orcid.org/0000-0003-4122-875X

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

چکیده

با گذشت حدود چهل سال از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، هنوز بسیاری به موفقیت نظام بانکی در رابطه با حذف ربا تردید دارند. از این رو برخی از محققان در طول سالیان متمادی به دنبال بازنگری در قانون عملیات بانکی بدون ربا بودند و یکی از اهداف خود را در کنار ارتقاء کارآمدی نظام بانکی، حذف ربا معرفی کرده‌اند. گویا تلقی ایشان آن است که ناکارآمدی نظام بانکی وجود شبهه ربا در عملیات بانکداری بدون ربا به خاطر نقایص قانون فعلی است و با تغییر و اصلاح قانون، هر دو مشکل حل خواهد شد. در تحقیق حاضر به روش تحلیلی - توصیفی مشکل دوم، یعنی وجود شبهه ربا بررسی شده و نتایج آن نشان می‌دهد عوامل متعددی هم‌چون کاستی‌های قانون عملیات بانکی بدون ربا، وجود اشکال در محتوای آئین‌نامه‌های اجرایی و بخش‌نامه‌ها، مشکلات مربوط به محتوای قراردادها، عملکرد نامطلوب مدیران و کارکنان و مشتریان بانک، پیچیدگی قراردادهای ترکیبی (مورد استفاده در بانکداری بدون ربا) نسبت به قرض ربوی، محدودیت‌های ذاتی نهاد بانک به‌عنوان بستری برای تحقق بانکداری بدون ربا هر کدام به‌نوعی زمینه‌ساز بی‌اعتمادی عمومی بوده‌اند. اما آنچه بیش از همه مؤثر بوده، عامل چهارم یعنی عمل کرد ضعیف متصدیان و مشتریان بانک است که آن هم به دلیل فقدان آگاهی لازم نسبت مفاد قراردادها و همچنین فقدان انگیزه کافی نسبت به اجرای دقیق آن است. پیشنهاد می‌شود مسئله آموزش مشتریان و متصدیان بانک و برنامه‌ریزی برای ارتقاء فرهنگ رعایت قانون و شرع در قراردادهای بانکی باید در متن قانون گنجانده شده و بانک مرکزی یا نهاد دیگری عهده‌دار جریان آموزش در کشور باشد.

کلیدواژه‌ها: بانکداری بدون ربا، ربای قرضی، حذف ربا، بانکداری اسلامی.

مقدمه

(۱۳۸۴). در سال ۱۳۶۱ لایحه به تصویب هیئت دولت رسید و در همان سال به مجلس ارسال شد. لایحه مزبور بعد از بررسی‌های طولانی توسط نمایندگان مجلس سرانجام در تاریخ هشتم شهریور ۱۳۶۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و دو روز بعد، از سوی شورای نگهبان تأیید شد.

تهیه آئین‌نامه‌های اجرایی قانون مزبور طبق ماده ۲۷ همان قانون به وزارت امور اقتصادی، البته با پیشنهاد بانک مرکزی و تصویب هیئت دولت سپرده شد. آئین‌نامه‌ها در همان سال تهیه شد و در ابتدای سال ۱۳۶۳ برای اجرا در اختیار بانک‌ها قرار گرفت.

با توجه به آنکه قانون مزبور برای اولین بار تدوین شده و مبنای فعالیت بانک‌ها قرار می‌گرفت، و با توجه به رشد سریع بانک‌داری متعارف، انتظار آن بود که قانون مزبور بعد از مدتی مورد بازنگری کلی قرار گیرد؛ اما به‌رغم تلاش برخی از افراد و نهادهای دغدغه‌مند، و به‌جریان انداختن پرونده آن؛ تاکنون به سرانجام نرسیده است. آخرین اقدام به‌عمل آمده در این زمینه تصویب کلیات طرح بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است که در اواخر سال ۱۳۹۹ انجام شد.

با توجه به شرح حال مزبور، قانون مصوب سال ۱۳۶۲ مبنای فعالیت نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه اخیر بوده است که البته خروجی آن در این مدت، بی‌اعتمادی افکار عمومی و حتی مراجع معظم تقلید نسبت به غیربوی بودن نظام بانکی ایران است. خبرگزاری تسنیم در گزارشی اقدام به گردآوری اظهارنظر مراجع معظم تقلید راجع به بانک‌ها کرده و طی سه سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ در مجموع ۱۵۰ مرتبه اعتراض مراجع را در رابطه با ربای بانکی بالغ بر ۱۵۰ نوبت برشمرده است (<https://tn.ai/1999188>).

به‌رحال براساس آنچه گفته شد، لازم است فعالیت چهل‌ساله نظام بانک‌داری بدون ربا در ایران مورد ارزیابی قرار گیرد تا مشخص شود چه عواملی باعث سلب اعتماد عمومی نسبت به غیربوی بودن نظام بانکی ایران شده است؛ تا موارد مزبور در بازنگری قانون لحاظ شود.

در برخی از تحقیقات، شاخص‌هایی برای ارزیابی میزان موفقیت بانک‌داری اسلامی استخراج شده است (موسویان و همکاران، ۱۳۹۲). پس از طراحی شاخص، برخی دیگر از محققان با انجام تحقیقات میدانی و گردآوری اطلاعات از طریق توزیع پرسش‌نامه بین کارمندان و مشتریان بانک، درصدد محاسبه کمی میزان موفقیت

بانک محصول تکامل نهادهای پولی در اقتصاد متعارف است و عمده‌ترین کارکرد آن، تأمین منابع مالی لازم در سه بخش تولید، توزیع و مصرف و دریافت بهره به ازای آن است. بنابراین شالوده بانک بر سه عنصر مبلغ، مدت و نرخ بهره استوار است.

از آنجاکه در اسلام ربا تحریم شده و طبق تعریف فقها، ربا عبارت است از زیادی مشروط در قرض (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۷)، و از طرفی بهره بانکی همان ربای قرضی دانسته شده است (موسویان، ۱۳۸۶)؛ بانک‌داری با حفظ ارکان پیش‌گفته، امکان فعالیت در چارچوب اقتصاد اسلامی را ندارد. پس از گسترش بانک‌داری نوین و نقش‌آفرینی آن در شکوفایی اقتصاد، بسیاری از کشورهای اسلامی برای استفاده از مزایای آن، سر تسلیم فرود آوردند و بانک‌داری ربوی را پذیرفتند. برخی از کشورهای اسلامی بعد از پذیرش بانک‌داری ربوی، سعی کردند با انطباق فعالیت‌های آن بر ضوابط اسلامی، بانک‌داری اسلامی را پایه‌گذاری کنند. در حال حاضر اگرچه بانک‌داری اسلامی در بیش از پنجاه کشور جهان راه‌اندازی شده؛ اما فقط در دو کشور ایران و پاکستان و سپس در عربستان قوانین شریعت اسلام در تمامی فعالیت بانکی اعمال شد و بهره ممنوع گردید. در بقیه کشورها بانک‌داری متعارف هم‌چنان در حال فعالیت است و بانک‌های اسلامی در کنار بانک‌های ربوی مشغول فعالیت هستند (تقی‌زاده، ۱۳۹۱).

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، گام‌های اولیه برای حذف ربا و برقراری کارمزد در سیستم بانکی و تأسیس بانک اسلامی و توسعه صندوق‌های قرض‌الحسنه برداشته شد (نظرپور و موسویان، ۱۳۹۳، ص ۵۹). در دی‌ماه سال ۱۳۵۸ با اعلام برقراری حداقل سود تضمین‌شده و کارمزد، به‌جای بهره سپرده‌ها، عنوان شد که بانک‌ها اسلامی شده‌اند. ولی این تغییرات جزئی نمی‌توانست به‌عنوان بانک‌داری اسلامی مورد قبول واقع شود. از این‌رو طبق تبصره ۵۴ قانون بودجه سال ۱۳۶۰، دولت موظف شد ظرف مدت شش ماه لایحه عملیات بانک‌داری بدون ربا را به مجلس تقدیم کند. بعد از تصویب قانون بودجه، جلساتی با حضور اساتید اقتصاد و کارشناسان بانک مرکزی در وزارت اقتصاد و دارایی و شورای پول و اعتبار تشکیل شد و از یکی از اعضای شورای نگهبان نیز برای رعایت موازین شرعی در لایحه مزبور دعوت به‌عمل آمد (موسویان،

- بی‌توجهی متصدیان و مشتریان بانک به محتوای قرارداد و عدم پایبندی به مفاد آن؛
- مشکلات مربوط به ماهیت بانکداری بدون ربا؛
- محدودیت‌های ذاتی نهاد بانک به‌عنوان بستری برای تحقق بانکداری بدون ربا.

نگارنده معتقد است عوامل فوق وزن یکسانی در ایجاد بی‌اعتمادی ندارند و لازم است با بررسی هرکدام از آنها، مشخص شود کدام‌یک عامل اصلی بی‌اعتمادی مزبور است؛ تا امکانات موجود بر رفع آن متمرکز شود.

۱-۱. قانون عملیات بانکی بدون ربا

اگرچه برخی معتقدند قانون عملیات بانکداری بدون ربا به‌لحاظ فقهی مشکل خاصی ندارد، و اشکالات آن را منحصر در کارایی آن در مقام اجرا می‌دانند (موسویان، ۱۳۸۴)؛ اما بررسی دقیق آن، نشان می‌دهد، خالی از اشکال فقهی نیست. قانون عملیات بانکداری بدون ربا که الآن مبنای فعالیت نظام بانکی است، مشتمل بر پنج فصل است و در مجموع ۲۷ ماده دارد. طبق ماده ۵، بانک‌ها منافع حاصل از به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت را بعد از کسر حق‌الوکاله به نسبت مبلغ و مدت در بین سپرده‌گذاران تقسیم می‌کنند. در توجیه این مسئله به حوضی مثال زده می‌شود که دائماً آب از یک‌طرف آن وارد می‌شود؛ و از طرف دیگر خارج می‌شود. این جریان باعث می‌شود همیشه حوض پر از آب باشد و اگر در این حوض ماهی پرورش یابد، متعلق به همه خواهد بود.

به‌نظر می‌رسد قیاس سپرده‌ها به حوض پر از آب، درست نباشد؛ چون سپرده‌ها به‌تدریج تجهیز شده و به‌تدریج تخصیص می‌یابند. از آنجا که در عقود مشارکتی سود حاصل حد خاصی ندارد و ممکن است در برخی از قراردادها سود، بیش از حد متوسط باشد؛ بنابراین سهم سود صاحبان سپرده‌هایی که منبع پرداخت آن تسهیلات بوده‌اند، از حد متوسط بیشتر است. عکس قضیه نیز ممکن است اتفاق بیفتد؛ مثلاً ممکن است سود برخی از تسهیلات مشارکتی کمتر از حد متوسط باشد؛ لذا سهم سود آنها از حد متوسط کمتر است. این در حالی است که طبق ماده پنج قانون مزبور، همه سپرده‌گذاران به‌تناسب مبلغ و مدت در سود حاصل شریک هستند.

در ماده شش این قانون برای جذب و تجهیز سپرده‌ها سه مشوق قرار داده شده است:

بانکداری اسلامی برآمدند. حکیمی‌پور (۱۳۹۷) میزان موفقیت بانکداری اسلامی را با استفاده از شاخصی ترکیبی در بانک‌های ایران با نظرسنجی از کارشناسان و مدیران بانکی محاسبه کرده است. یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی وی که بالاترین وزن را داشته، حذف ربا بوده است. نماگر انتخاب‌شده برای این معیار، نسبت ارزش قراردادهای صوری منتهی به ربا به کل قراردادها بوده است. نتایج تحقیق مزبور نشان می‌دهد بانک‌های دولتی ۵۱ درصد، بانک‌های نیمه‌دولتی ۴۳ درصد و بانک‌های خصوصی ۳۷ درصد در عمل به بانکداری اسلامی موفق بوده‌اند (حکیمی‌پور، ۱۳۹۷). نظریه‌پردازان و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی صوری بودن قراردادهای بانکی به‌عنوان شاخصی برای ارزیابی ربا در شعب بانک تجارت مشهد را محاسبه کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بیش از نیمی از قراردادهای شعب بانک تجارت مشهد صوری است. شهنازی و پناهی (۱۳۹۵) در پژوهشی مسئله صوری بودن قراردادهای به‌عنوان شاخصی برای محاسبه میزان ربا در شعب بانک ملت شیراز محاسبه کرده‌اند؛ نتایج تحقیق نشان می‌دهد ۵۰ درصد کارمندان و ۷۰ درصد مشتریان بانک بین سود بانکی و بهره فرقی نمی‌گذارند؛ همچنین ۸۴ درصد کارکنان و ۷۹ درصد مشتریان معتقد به فاکتورسازی در جریان اخذ وام هستند.

گروه اقتصاد دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۴) در مقاله‌ای به بررسی مشکلات بانکداری بدون ربا پرداخته و عوامل متعددی را برشمرده است. گذشته از آنکه نگاه مقاله به مجموعه مشکلات بوده نه صرفاً مشکل حذف ربا، به‌لحاظ زمانی نیز مدتی از تدوین آن گذشته است. به‌نظر می‌رسد بعد از ۲۵ سال بررسی علل عدم موفقیت بانکداری بدون ربا خصوصاً در شرایط فعلی که در آستانه بازنگری در قانون بانکداری بدون ربا هستیم، امری ضروری است.

۱. زمینه‌های شکل‌گیری بی‌اعتمادی نسبت به حذف ربا

وقتی سخن از منشأ بی‌اعتمادی عمومی نسبت به حذف ربا در نظامی بانکی جمهوری اسلامی ایران به‌میان می‌آید معمولاً به چند عامل زیر اشاره می‌شود:

- قانون عملیات بانکداری بدون ربا؛

- محتوای آئین‌نامه‌های اجرایی و بخش‌نامه‌ها؛

- محتوای قراردادها؛

بهمان نیامده است. علاوه بر آن، ابهام دیگری در مورد حق الوکاله وجود دارد. وکالت فی نفسه عقدی جایز و مجانی است و موکل می‌تواند در هر زمان وکیل را عزل کند. طبق نظر مشهور فقها شروط ضمن عقود جایز، الزامی برای طرف ایجاد نمی‌کند؛ بنابراین سپرده‌گذاران می‌توانند از پرداخت حق الوکاله به بانک امتناع کنند.

طبق ماده ۴، بانک‌ها می‌توانند سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت را تعهد کنند؛ یعنی اگر سرمایه‌گذاری ضرر کرد، بانک موظف به جبران ضرر است. از طرفی طبق قانون مزبور، بانک‌ها می‌توانند این سپرده‌ها را مستقیم سرمایه‌گذاری کنند. در سرمایه‌گذاری مستقیم اگر بانک اصل سرمایه را تعهد کند، طبق فتوای کسانی که تضمین اصل سرمایه در مضاربه را سبب تبدیل شدن آن به قرض می‌دانند، در اینجا نیز وکالت در سرمایه‌گذاری تبدیل به قرض می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۳ق، ج ۲، ص ۲۳۵).

در ماده ۲۱ تصریح شده که بانک مرکزی با سایر بانک‌ها و همچنین بانک‌ها با یکدیگر، مجاز به عملیات ربوی نیستند. این در حالی است که بانک‌های دولتی و بانک مرکزی همگی تحت مالکیت یک شخصیت حقوقی بنام دولت قرار دارند و شرط تحقق ربا استقلال ربا‌دهنده و رباگیرنده به لحاظ مالکیت است. بنابراین تحقق ربا بین بانک مرکزی و بانک‌های دولتی معنا ندارد و صرفاً جابجایی پول از حسابی به حساب دیگر است.

بجز نقایص مورد اشاره، نواقص و کاستی‌هایی نیز در قانون موجود احساس می‌شود.

به‌رغم اینکه تنزیل دین یکی از ابزارهای رایج در بانک‌داری است و مشهور فقهای شیعه آن را صحیح می‌دانند؛ اما در قانون بانک‌داری بدون ربا بیع دین مطرح نشده است. البته قبل از تصویب این قانون در آئین‌نامه موقتی که در تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۶۱ به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده و در شورای نگهبان نیز مخالف با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشده؛ بیع دین وارد عملیات بانکی گردید. با اینکه ماده ۲۶ قانون بانک‌داری بدون ربا کلیه قوانین مغایر با آن را لغو می‌کند؛ اما آئین‌نامه بیع دین همچنان به قوت خود باقی است و البته در سال ۱۳۶۶ در شورای پول و اعتبار مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت.

در قانون فعلی، اهداف ذکرشده برای نظام بانکی بیان‌گر انتظارات قانون‌گذار از بانک است. بسیاری از اهداف مورد اشاره در قانون در واقعیت نمی‌تواند اهداف بانک‌های خصوصی باشد. بنابراین

(الف) اعطای جوایز غیر ثابت نقدی یا جنسی برای سپرده‌های قرض‌الحسنه؛

(ب) تخفیف یا معافیت سپرده‌گذاران از پرداخت کارمزد یا حق الوکاله؛

(ج) دادن حق تقدم به سپرده‌گذاران برای استفاده از تسهیلات اعطایی بانکی در موارد مذکور در فصل سوم.

برخی از مراجع تقلید، مشوق اول را اگر به صورت شرط در ضمن قرارداد سپرده‌گذاری باشد، جایز نمی‌دانند (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۰۳؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ص ۵۹۷؛ تبریزی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۲۸). حتی حذف چنین شرطی از متن قرارداد نمی‌تواند شبهه ربوی بودن را به طور کامل از بین ببرد؛ چون بسیاری از سپرده‌گذاران شرکت در قرعه‌کشی را حق خود می‌پندارند. چنین پنداشتی ناشی از نوع تبلیغات بانک‌ها درباره جوایز بانکی است. براین اساس، شرکت در قرعه‌کشی به شرط ضمنی تبدیل می‌شود؛ یعنی شرطی که در متن عقد ذکر نشده، اما عقد بر آن بنا شده است. علاوه آنکه در بند الف، عبارت «غیر ثابت» به معنای متغیر است. اگر کسی بگوید قانون مزبور اعطای جایزه به همه سپرده‌گذاران را مجاز شمرده، فقط نباید مقدار آن ثابت باشد؛ سخن خلاف قانون نگفته است؛ درحالی که منظور قانون‌گذار اعطای جوایز بر اساس قرعه‌کشی است.

در مواد ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از اجاره به شرط تملیک و فروش اقساطی سخن به میان آمده است. در هر سه ماده تأکید شده که مشتری باید درخواست خرید کالا یا اجاره به شرط تملیک دارایی را داشته باشد و تعهد کند کالا یا دارایی خریداری‌شده توسط بانک را بخرد یا اجاره کند؛ درحالی که طبق روایت صحیح، تقاضای خرید کالا هیچ تعهدی برای متقاضی نسبت به خرید آن ایجاد نمی‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۰۳).

طبق تبصره ماده ۳، بانک‌ها در سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت نقش وکیل را دارند؛ و در ماده ۵ تصریح شده که منافع حاصل از عملیات به‌کارگیری سپرده‌های بلندمدت به نسبت مدت و مبلغ و رعایت سهم بانک تقسیم می‌شود. در این ماده هیچ سخنی از حق الوکاله به میان نیامده است. به‌رغم این، در بند چهارم ماده ۲۰ تعیین حق الوکاله بانک در به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت به بانک مرکزی سپرده شده است. واگذاری تعیین حق الوکاله به بانک مرکزی در حالی است که در هیچ‌یک از مواد قانون مزبور سخنی از مجاز بودن بانک برای دریافت حق الوکاله

به‌میان نیامده است؛ اما طبق قانون پولی و بانکی کشور شورای پول و اعتبار رکن سیاست‌گذاری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین بخشی از وظایفی که در قانون عملیات بانکی بدون ربا به بانک مرکزی سپرده شده، عملاً باید از کانال شورای پول و اعتبار عبور کند. بانک مرکزی نیز جهت کنترل و اداره نظام بانکی، بخش‌نامه‌هایی صادر می‌کند که اخیراً در سایت بانک مرکزی مجموع بخش‌نامه‌های یک سال، در قالب یک فایل چند صدصفحه‌ای منتشر می‌شود.

با توجه به حجم انبوه آئین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها، بررسی تک‌تک آنها در جست‌وجوی زمینه‌های تحقق ربا بسیار گسترده و دشوار است و در قالب تحقیق حاضر نمی‌گنجد؛ اما به‌یقین مواردی وجود دارد که سبب تحقق شبهه ربا در نظام بانکی است. به‌عنوان مثال تکلیف بانک‌ها به اعطای تسهیلات ودیعه مسکن در سال ۱۳۹۹ با صدور دستورالعملی به‌شماره نامه ۹۹.۱۶۴۳۱۱ مورخ ۲۸ مردادماه ۱۳۹۹ صورت گرفت. این وام با اینکه قرض‌الحسنه است، با نرخ کارمزد ۱۲ درصد به متقاضیان واگذار می‌شود. این در حالی است که طبق آخرین مصوبه شورای پول و اعتبار نرخ کارمزد قرض‌الحسنه ۴ درصد است و اگر بانک بخواهد نرخ سود بیشتری دریافت کند، باید در قالب یکی از عقود متعارف انجام شود. همان‌گونه که قبلاً بیان شد، یکی از شروط مجاز بودن کارمزد متعارف بودن نرخ آن است.

اما قابل توجه آنکه بسیاری از بخش‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌ها مربوط به مدیریت نظام بانکی است و کمتر می‌توان در آن زمینه‌های تحقق ربا یافت؛ خصوصاً آنکه شورای فقهی بانک مرکزی با تشکیل جلسات منظم به بررسی فقهی عمل کرد بانک و تصمیمات بانک مرکزی می‌پردازد. شاهد بر این مسئله آنکه از بین مجموع آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های موجود در طول سال‌های اخیر، فقط مواردی مثل کارمزد، جریمه تأخیر، تضمین سود و مواردی همچون قرض‌الحسنه با کارمزد ۱۲ درصد، محل اشکال محققان بوده است. بنابراین این عامل هم نمی‌تواند وزن چندانی در ایجاد بدبینی و بی‌اعتمادی نسبت به حذف ربا داشته باشد.

۱-۳. محتوای قراردادهای بانکی

تا پیش از سال ۱۳۹۲ هریک از بانک‌ها، قراردادهای موردنیاز برای اعطای تسهیلات را خودشان تهیه و تنظیم می‌کردند. در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱۱ بانک مرکزی در راستای اجرای تبصره ذیل ماده (۲۳)

بهتر است در صورت بازنگری قانون، جایگاه بانک‌های خصوصی در نظام بانکی کشور به‌دقت روشن شود.

در قانون فعلی سخنی از کارمزد قرض‌الحسنه به‌میان نیامده است. اشکالاتی که به اصل کارمزد، نرخ کارمزد، و سالیانه بودن آن وارد شده، اقتضا می‌کند در صورت بازنگری قانون، تکلیف آن مشخص شود.

در قانون فعلی از شورای پول و اعتبار سخن به‌میان آمده، ولی راجع به ماهیت آن، اعضاء و وظایف آن، سخن به‌میان نیامده است؛ درحالی که یکی از ارکان نظام پولی کشور شورای پول و اعتبار است و تعیین تکلیف آن در قانون، امری ضروری است.

در ماده ۲ بند ۱ انتشار اسکناس جزء وظایف نظام بانکی برشمرده شده است؛ درحالی که هم‌اکنون بانک مرکزی آن را برعهده گرفته است.

در ماده ۲ بند ۴ نظارت بر معاملات ارز و طلا از وظایف نظام بانکی برشمرده شده است؛ درحالی که از وظایف بانک مرکزی است.

به‌دلیل حساسیت بانک، وجود یک نهاد مستقل که مسئول نظارت شرعی بر فعالیت بانک باشد، تحت عنوان کمیته فقهی یا هر عنوان دیگر لازم است. در قانون فعلی چنین نهادی تعبیه نشده است.

همان‌گونه که بعداً به‌تفصیل خواهد آمد، یکی از شروط اساسی موفقیت نظام بانک‌داری بدون ربا امر آموزش کارکنان و مشتریان بانک است. این مسئله در قانون باید وارد شود و جزء تکالیف بانک مرکزی و نظام بانکی قرار داده شود تا اجرای آن تضمین قانونی داشته باشد.

دقت در مطالب پیش‌گفته نشان می‌دهد وزن این عامل برای ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به حذف ربا اندک است. بنابراین تلاش در اصلاح قانون بانک‌داری بدون ربا که این روزها به‌صورت جدی توسط برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی دنبال می‌شود، نمی‌تواند تغییر جدی در افکار عمومی نسبت به حذف ربا ایجاد کند.

۱-۲. مصوبات هیئت‌وزیران و شورای پول و اعتبار و

بخش‌نامه‌های بانک مرکزی

طبق ماده ۲۷ قانون عملیات بانکی بدون ربا آئین‌نامه‌های اجرایی قانون مزبور باید با پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و در هیئت دولت تصویب شود. علاوه بر آن، شورای پول و اعتبار نیز مصوباتی دارد که طبق قانون باید توسط بانک مرکزی اجرا شود؛ البته در متن قانون عملیات بانکی بدون ربا سخنی از شورای پول و اعتبار

به نفع بانک تنظیم شده که بانک اصل و سود سرمایه را بعد از پایان مدت قرارداد وصول کند. به عبارت دیگر در تسهیلات مشارکتی که بر مبنای مشارکت در سود و زیان تنظیم شده، بانک هرگز زیان نمی‌بیند؛ بلکه در عمل همیشه حداقل سود انتظاری را وصول می‌کند. در تحقیق مورد اشاره ۷۰ درصد کارکنان بانک و ۸۱ درصد مشتریان معتقدند در عقود مشارکتی بانک در زیان‌های تحمیل شده به مشتری مشارکت نمی‌کند. همچنین ۵۰ درصد کارکنان و ۷۲ درصد مشتریان معتقدند بانک هیچ‌گونه نظارتی بر عمل کرد کارفرما (عامل) ندارد؛ این یعنی بانک فقط به فکر سود حاصل از تسهیلات است و عمل به محتوای قرارداد برایش اهمیت چندانی ندارد.

به نظر می‌رسد وزن این سه عامل (طولانی بودن متن، تخصصی بودن محتوا، و یک‌طرفه بودن قرارداد) در ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به حذف ربا در نظام بانکی ج.ا.ا. بسیار بالا است و آمارهای مورد اشاره نیز آن را تأیید می‌کند.

اشکالات مواد مشترک

در مجموع، ۲۴ ماده از مواد قراردادهای مزبور که بیش از ۹۰ درصد حجم قرارداد را تشکیل می‌دهد، مشترک است و تقریباً در همه قراردادهای تکرار شده است. مثلاً اینکه مشتری ملزم است در صورت تغییر محل سکونت، آدرس محل جدید را به بانک اعلام کند، و یا اینکه دفاتر و صورت حساب‌های بانک یا مؤسسه اعتباری از نظر اعلام به مراجع قضایی و یا دفاتر اسناد رسمی... ملاک عمل می‌باشد، در همه قراردادهای تکرار شده است.

بعد از بررسی به عمل آمده، روشن شد از بین مواد مشترک قراردادهای فقط جریمه تأخیر که در قالب وجه التزام دریافت می‌شود، در بین فقها محل بحث و گفت‌وگوست. در بررسی به عمل آمده در همین تحقیق، نتیجه آن شد که اگر جریمه تأخیر در قالب وجه التزام دریافت شود، به لحاظ فقهی اشکالی نخواهد داشت. اما برخی از مراجع تقلید معاصر، آن را حتی در قالب وجه التزام صحیح نمی‌دانند (بهجت، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۱۹۱). انتشار دیدگاه این دسته از مراجع در سطح رسانه و در بستر فضای مجازی و سکوت موافقان، خود سبب شده عامه مردم نسبت به حذف ربا در نظام بانکی دچار تردید جدی شوند. این در حالی است که اگر مشخص شود دیدگاه‌های فقهی در این باره متفاوت است و از نظر برخی از فقها که وجه التزام را پذیرفته‌اند، ربایی رخ نداده؛ همچنان که از نظر فقهایی که کارمزد را

«قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار» مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی، موضوع «یکنواخت‌سازی فرم عقود تسهیلات بانکی»، قرارداد مشارکت مدنی، در سال بعد در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۳ فرم قرارداد قرض الحسنه را به بانک‌ها ابلاغ کرد. سپس در اواخر سال ۱۳۹۴ فایل الکترونیکی فرم قراردادهای عقود «اجاره به شرط تملیک»، «خرید دین»، «مزارعه»، «مساقات»، «استصناع»، «جعاله» و «سلف»، را به بانک‌ها ارسال کرد و از آنها خواست تا پایان سال با چاپ و توزیع آنها تمامی قراردادهای براساس آنها تنظیم و منعقد کنند. فرم این قراردادهای در سایت بانک مرکزی در دسترس عموم قرار گرفته است. پس از بررسی محتوای قراردادهای اشکالات موجود آن با نگاه رباشناسی، در سه سطح دسته‌بندی شد.

اشکالات کلی

یکی از مشکلات قراردادهای بانکی طولانی بودن متن قراردادهاست. قراردادهای تنظیم شده توسط بانک مرکزی برای هریک از تسهیلات بیش از ده صفحه رحلی (A4) است. این موضوع باعث شده مشتریان معمولاً از توجه تفصیلی به مفاد قرارداد صرف‌نظر کنند و ندانند قرارداد براساس کدام معامله شرعی تنظیم شده است؛ گزارش یک تحقیق میدانی نشان می‌دهد در تسهیلات فروش اقساطی ۸۷ درصد، در تسهیلات مشارکت مدنی ۷۳ درصد، اجاره به شرط تملیک ۶۰ درصد و در تسهیلات جعاله ۵۵ درصد مراجعه‌کنندگان به بانک، اعلام کرده‌اند نسبت به مفاد قرارداد آگاهی کامل نداشته‌اند (نظریور و همکاران، ۱۳۹۳).

علاوه بر طولانی بودن، حقوقی بودن متن قراردادهای نیز مشکل دیگری است که شبهه ربا را تقویت می‌کند. اگر کسی فرصت کند متن قرارداد را مطالعه کند، در صورتی متوجه جزئیات آن می‌شود که بر اصطلاحات فقهی و حقوقی تسلط وافق داشته باشد و این امر برای بسیاری از مشتریان بانک میسر نیست؛ لذا درک صحیحی از مفاد قرارداد برایشان حاصل نمی‌شود. گزارش تحقیق مورد اشاره نشان می‌دهد ۷۱ درصد از مراجعه‌کنندگان به بانک اعلام کرده‌اند متن قراردادهای بانکی رسا و قابل فهم نیست (همان).

مشکل دیگر یک‌جانبه بودن قراردادهای بانکی است. اگر کسی متن قراردادها را مطالعه کند و به مسائل فقهی و حقوقی نیز آشنا باشد، به وضوح تصدیق می‌کند قرارداد به صورت یک‌جانبه به گونه‌ای

در ذیل این ماده عبارت مانده مطالبات مثل ماده قبل چنین تفسیر شده است: «مانده مطالبات مندرج در دستورالعمل محاسباتی این ماده شامل مانده از اصل سرمایه مضاربه به علاوه فواید مترتب بر آن است که عامل، ضمن عقد خارج لازم تقبل کرده و ملزم به پرداخت آن گردید».

علاوه بر اشکال قبلی مبنی بر اینکه عامل نسبت به فواید مترتب بر سرمایه تعهدی نداده است، دو اشکال بر این تبصره وارد است: اشکال اول آنکه مشهور فقها این موارد را مصداق عدم‌النفع می‌دانند و معتقدند عدم‌النفع مصداق ضرر و خسارت نیست؛ به لحاظ قانونی نیز صدق خسارت ثابت نیست. در ماده ۲۲۱ قانون مدنی آمده است: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد کند که از انجام امری خودداری کند؛ در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد».

این ماده صراحتی در ثبوت خسارت ندارد؛ بلکه در صورت تخلف، شخص متعهد را مسئول ثبوت خسارت دانسته است. این بیان اثبات نمی‌کند که از نظر قانون‌گذار تخلف عامل مضاربه از مفاد قرارداد، مستلزم وقوع خسارت در سرمایه مضاربه است.

علاوه بر آن فرض کنید عامل مضاربه محل سکونت خود را تغییر داده و به بانک اطلاع نداده است. طبق تبصره مندرج در ماده یک قرارداد تخلف صورت گرفته است؛ بنابراین بانک می‌تواند طبق ماده ۱۱ از وی خسارت بگیرد. مقدار خسارت نیز عبارت است از اصل سرمایه و سود آن که معادل نرخ سود مورد انتظار به علاوه شش درصد، از عامل گرفته می‌شود.

پس از بررسی تفصیلی بقیه مواد اختصاصی قراردادهای، نگارنده به مسئله‌ای که نشان از ربای قرضی یا حيله‌های مردود آن باشد، دست نیافت.

۴-۱. بی‌توجهی به محتوای قرارداد و عدم پایبندی به مفاد آن
به‌رغم تدوین و ابلاغ قانون عملیات بانکی بدون ربا و تهیه آئین‌نامه‌های متناظر به فصول و مواد آن، قانون مزبور در عمل به‌درستی اجرا نمی‌شود. یکی از علل آن، کوتاهی و بی‌توجهی متصدیان و مشتریان بانک است. در دو تحقیق میدانی جداگانه، صوری بودن قراردادهای بانکی در شعب دو بانک در شهرهای مشهد و شیراز برآورد شده است (نظریور و همکاران، ۱۳۹۳؛ شهنازی و پناهی، ۱۳۹۵). جامعه آماری، کارکنان و مراجعه‌کنندگان به بانک بوده

قبول دارند، ربایی رخ نمی‌دهد؛ سطح بی‌اعتمادی به حذف ربا کاهش چشم‌گیری خواهد داشت. بدون تردید نقش آموزش این رابطه غیرقابل انکار است.

اشکالات مواد اختصاصی

پس از بررسی مواد اختصاصی قراردادهای، روشن شد اکثر قراردادهای از این جهت نیز مصون از شبهه ربا هستند. به‌نظر می‌رسد تیم حقوقی بانک مرکزی که به تنظیم قراردادهای پرداخته، به لحاظ تسلطی که بر فقه و حقوق داشته‌اند، توانسته‌اند قراردادهای را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که شبهه ربا در آن تقریباً میل به صفر پیدا کند؛ تنها چند مورد محل تأمل بود که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

در ماده هشت قرارداد تسهیلات مضاربه سخن از ضرر سرمایه به‌میان آمده و بانک از عامل نسبت به اصل سرمایه به‌صورت شرط فعل تضمین گرفته است. بسیاری از معاصران اخذ تعهد از عامل به‌صورت شرط فعل برای جبران ضرر سرمایه را پذیرفته‌اند. بنابراین شرط مزبور طبق فتوای مشهور معاصران صحیح است. در این ماده راجع به تضمین سود سخنی به‌میان نیامده است. اما در ماده ۱۰ که مربوط به پرداخت وجه التزام در صورت تأخیر تأدیه است، گویا تضمین سود نیز مطرح شده است. دستورالعمل محاسبه وجه التزام به‌صورت زیر است:

تعداد روز \times نرخ وجه التزام تأخیر تأدیه دین \times مانده مطالبات

تعداد روزهای واقعی سال $\times 100$

در تبصره ذیل همین ماده، عبارت «مانده مطالبات» که در قسمت صورت دستورالعمل آمده، چنین تفسیر شده است: «مانده مطالبات مندرج در دستورالعمل محاسباتی این ماده، شامل مانده از اصل سرمایه مضاربه به علاوه فواید مترتب بر آن است که عامل ضمن عقد خارج لازم پذیرفته و ملزم به پرداخت آن گردید». از این عبارت چنین برمی‌آید که عامل، هم نسبت به اصل سرمایه و هم نسبت به سود آن تضمین داده است. درحالی‌که طبق ماده ۸ فقط نسبت به اصل سرمایه متعهد بود. گرفتن تضمین نسبت به سود مضاربه و اصل سرمایه افکار عمومی را نسبت به ربوی بودن نظام بانکی به‌شدت بی‌اعتماد می‌کند.

در ماده ۱۱، مطالبه خسارت از عامل در صورت تخطی از مفاد قرارداد طبق دستورالعمل زیر مطرح شده است:

تعداد روز \times نرخ خسارت \times مانده مطالبات

تعداد روزهای واقعی سال $\times 100$

است که به صورت تصادفی نمونه‌هایی از آنها انتخاب شده‌اند. برخی از پرسش‌های مطرح شده در هر دو تحقیق یک‌سان و برخی متفاوت است؛ از این رو نتایج هر دو تحقیق در جدول زیر ارائه شده است.

پرسش‌ها	موافقان (درصد)			
	بانک تجارت		بانک ملت	
	مشهد	شیراز	مشهد	شیراز
	شیراز	مشهد	شیراز	مشهد
آیا مراجعه‌کنندگان به بانک نسبت به اسلامی بودن عملیات بانکی احساس مسئولیت می‌کنند؟	۳۶	۱۷		
آیا به نظر شما مسئولین اجرایی مخصوصاً رؤسای شعب به ماهیت عقود اسلامی اعتقاد و التزام دارند؟	۱۸			
آیا تفاوتی میان بهره و سود بانکی وجود دارد؟	۸۳	۴۲	۵۳	۳۰
به نظر شما تفاوتی میان بانک‌های کنونی و بانک‌داری ربوی وجود دارد؟	۷۸	۴۲	۴۸	۳۲
آیا فاکتورهای مورد نیاز در تسهیلات بانکی صوری است؟	۸۲	۸۳		۷۹
آیا در فروش اقساطی برای شما مهم است مشتری دقیقاً همان کالا را بخرد؟	۴۱			
آیا حاضرید به هر قیمتی به مراجعه‌کننده وام دهید، حتی اگر در قالب عقود مصرح در قانون ننگند؟	۶۱			
آیا شما هنگام امضای قرارداد فروش اقساطی نسبت به مفاد آن به طور کامل آگاهی داشته و قصد اجرای معامله به طور صحیح (با توجه به مفاد قرارداد) را داشته‌اید؟	۱۳			
آیا شما هنگام امضای قرارداد اجاره به شرط تملیک به مفاد آن آگاهی داشتید و قصد انشاء همان قرارداد را داشته‌اید؟	۴۰			
آیا شما هنگام امضای قرارداد جعاله به مفاد آن به طور کامل آگاهی داشته و قصد اجرای معامله را به صورت صحیح داشته‌اید؟	۴۵			
آیا شما هنگام امضای قرارداد مشارکت مدنی نسبت به مفاد آن آگاهی داشته و قصد اجرای معامله به صورت صحیح را داشته‌اید؟	۲۷			

آیا شما شرایط اخذ وام در چارچوب عقود اسلامی را برای مشتریان تشریح می‌کنید؟	۷۰			
آیا شرایط اخذ وام در چارچوب عقود اسلامی برای شما توسط کارگزار بانک تشریح شده است؟	۲۰			
آیا در وام‌هایی که فعالیت به صورت مشارکتی با بانک انجام می‌شود، اگر زبانی در فعالیت به وام‌گیرنده تحمیل شود، بانک در زیان شریک می‌شود؟	۱۹	۳۰		
آیا بانک در عقود مشارکتی بر فعالیت کارفرما نظارت می‌کند؟	۲۸	۵۰		
آیا با عقود بانک‌داری بدون ربا آشنایی دارید؟	۴۱			
آیا موارد ابطال یک عقد بانکی را می‌دانید؟	۲۰	۸۸		
آیا شما وام‌هایی را که از بانک دریافت کرده‌اید به همان مقصدی که در متن عقود ذکر شده، هزینه کرده‌اید؟	۴۳			

در پرسش اول و دوم برداشت هر یک از دو طیف متصدیان و مشتریان بانک نسبت به دیگری سنجیده شده است. متأسفانه نگرش هر یک از طرفین درباره التزام، اعتقاد و احساس مسئولیت طرف دیگر نسبت به بانک‌داری اسلامی منفی است.

پرسش سوم و چهارم نیز در نوع خود قابل توجه است. بیشتر مراجعه‌کنندگان تفاوتی بین سود و بهره، بانک‌داری بدون ربا و بانک‌داری ربوی قائل نیستند. گویا آنها معتقدند قصد محتوای قراردادها، درجایی که نتایج یکسان است، واقعیت را تغییر نمی‌دهد؛ بنابراین تفاوتی بین قرض ربوی - مثلاً - و بیع نیست (شعبانی، ۱۳۹۴، ص ۳۰۲).

در پرسش پنجم حدود ۸۰ درصد معتقدند فاکتورهای مورد نیاز برای دریافت تسهیلات صوری است.

پرسش هجدهم نیز نشان می‌دهد بیش از نیمی از مشتریان بانک خود را ملتزم به متن قرارداد نمی‌دانند و تسهیلات را در غیر مورد توافق به کار می‌برند.

منشأ این وضعیت تأسفبار، ضعف آگاهی از قوانین و مفاد قرارداد و همچنین بی‌مبالاتی نسبت به قانون و شرع است؛ که البته به طور نسبی وزن عامل اول در متصدیان بانک کمتر از مشتریان است.

۱.۵. مشکلات مربوط به ماهیت بانکداری بدون ربا

در اسلام مجموعه‌ای از معاملات همچون بیع، اجاره، مضاربه، مساقات، مزارعه، جعاله، استصناع، شراکت، امضاء شده، و قرض ربوی منع شده است. بنابراین بانکداری بدون ربا اگر بخواهد به دنبال سودآوری باشد، باید به جای استفاده از قرض ربوی یکی از عقود مورد اشاره را به کار ببرد. البته در اکثر موارد شکل بسیط عقود مورد اشاره نمی‌تواند هدف بانک را تأمین کند؛ چون بانک برای تأمین منابع مالی موردنیاز اشخاص حقیقی و حقوقی تأسیس شده است؛ بنابراین برای رسیدن به هدف خود، یعنی تأمین مالی نیازمندی‌های اشخاص حقیقی و حقوقی، در بسیاری از موارد لازم است از عقود ترکیبی استفاده کند. مثلاً برای تأمین مالی پروژه قطار شهری به جای آنکه تسهیلات مالی را در قالب قرض در اختیار شهرداری قرار دهد و بعد از مدتی اصل و سود را به صورت تدریجی یا دفعی باز ستاند؛ اقدام به خرید نقدی تجهیزات موردنیاز پروژه کرده و سپس همان تجهیزات را در قالب بیع نسبه به مبلغ بیشتر به مجری پروژه می‌فروشد، تا به تدریج یا به صورت دفعی ثمن معامله را که مشتمل بر سود است، باز ستاند. این مسئله باعث شده بانکداری بدون ربا با مشکلات زیر مواجه شود:

پیچیدگی قراردادهای ترکیبی نسبت به قرض ربوی

هم متصدیان و هم مشتریان بانک که می‌خواهند در چارچوب بانکداری بدون ربا فعالیت کنند، باید درباره معاملات جایگزین قرض ربوی که مورد تأیید شرع قرار گرفته، اطلاعات کافی داشته باشند. شکل بسیط معاملات شرعی ساده و برای همه قابل فهم است؛ اما وقتی شکل ترکیبی به خود می‌گیرد، درک جزئیات آن اندکی دشوار می‌شود. مثلاً در جعاله جاعل مبلغی را برای انجام عملی تعیین می‌کند، و بعد از انجام عمل توسط عامل باید جاعل مبلغ تعیین شده را به وی پرداخت کند. این معامله وقتی در بانکداری بدون ربا به کار می‌رود، مشتری در فهم جزئیات درست آن باز می‌ماند؛ چون بانک که عامل است و باید کار را انجام دهد، فقط پولی را در قالب تسهیلات جعاله پرداخت می‌کند، و مشتری که جاعل است، با وام دریافتی کار را خودش انجام می‌دهد؛ بنابراین گویا جای عامل و جاعل عوض شده است. این درحالی است که بانک با استفاده از ترکیب جعاله و وکالت این تغییر و جابه‌جایی را انجام داده است. این پیچیدگی باعث شده

بسیاری از مراجعه‌کنندگان و دریافت‌کنندگان تسهیلات، دقیقاً ندانند جعاله بانکی چیست. طبق آمار دو تحقیق مورد اشاره، فقط ۴۱ درصد از مشتریان اعلام کرده‌اند نسبت به عقود به کاررفته در بانکداری بدون ربا (به صورت کلی) آگاهی دارند؛ و به صورت جزئی در مورد فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله و مشارکت فقط ۱۳، ۴۰، ۴۵ و ۲۷ درصد اعلام کرده‌اند مفاد قرارداد را دانسته و معامله را به شکل صحیح قصد کرده‌اند. حال به این موارد اضافه کنید که گاهی تسهیلات بعد از زمان نیاز به دست مشتری می‌رسد و او مجبور است دین خود را با آن ادا کند که این مورد نیز یکی از مبطلات قراردادهای بانکداری بدون رباست.

پیچیدگی قراردادهای مربوط به ماهیت بانکداری بدون رباست و به سادگی نمی‌توان آن را مرتفع کرد. بهترین راه کاهش تبعات آن، توجه به مسئله آموزش است. بانک‌ها با آموزش کارکنان خود تا حدی این مشکل را برطرف کرده‌اند؛ طبق آمار تحقیقات مورد اشاره در تحقیق مربوط به مشهد، ۹۶ درصد و در تحقیق مربوط به شیراز، ۸۴ درصد اعلام کرده‌اند آموزش‌های کافی راجع به بانکداری بدون ربا را دیده‌اند. اما آموزش مشتریان بانک در سال‌های اخیر مورد توجه جدی قرار نگرفته است. البته تلاش برای ساده‌سازی معاملات مورد استفاده در بانکداری بدون ربا نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد.

فقدان انگیزه درونی کافی برای رعایت قانون و اجرای مفاد قرارداد در قراردادهای مورد تأیید شرع، طرفین قرارداد باید معاملات را به همان صورت که در شرع تعیین شده، قصد کنند؛ در غیر این صورت معامله صوری خواهد بود. قصد معاملات مزبور نیز بستگی به اراده طرفین دارد و اینکه آنها تا چه حد نسبت به رعایت ضوابط شرع پایبند هستند. برخی از افراد ممکن است برایشان اهمیت نداشته باشد که ضوابط شرع رعایت شود یا نه؛ طبیعتاً آنها انگیزه‌ای ندارند طبق دستور شرع عمل کنند. آنها فقط به دنبال دستیابی به تسهیلات هستند. متأسفانه این مسئله در بین متصدیان بانک نیز وجود دارد. براساس گزارش تحقیق اول، به اعتقاد متصدیان بانک، فقط ۳۶ درصد از مشتریان بانک نسبت به اسلامی بودن عملیات بانکی احساس مسئولیت می‌کنند. این رقم در تحقیق دوم ۱۷ درصد است. در مقابل، مشتریان نیز معتقدند فقط ۱۸ درصد از مسئولان بانک به ماهیت عقود اسلامی اعتقاد و التزام دارند. به رغم اینکه در آموزه‌های اسلامی بر یادگیری

اقدام به جذب سپرده می‌کنند و برای تشویق بخش خصوصی در ازای سپرده‌ها به آنها بهره پرداخت می‌کنند. در فرایند اعطای بهره به سپرده‌ها نیز سه محور اساسی مبلغ، مدت و نرخ بهره وجود دارد. البته ممکن است مدت مورد توافق روزشمار یا ماهانه یا سالانه باشد. در برخی از کشورها به سپرده‌ها سودی تعلق نمی‌گیرد و کسانی که خواهان سود هستند، باید اوراق قرضه خریداری کنند.

در اسلام ربای معاملی و ربای قرضی حرام شده است؛ از آنجاکه اعطای وام با بهره در نظام بانکداری متعارف منطبق قرض ربوی است، در بانکداری اسلامی نمی‌توان از آن ابزار استفاده کرد؛ البته ابزارهای دیگری وجود دارد که با به‌کارگیری آنها تا حدودی وظایف اصلی بانک یعنی تأمین مالی انجام می‌شود. آن ابزارها استفاده از عقود اسلامی است. اما اشکال اصلی در اندراج تأمین مالی بر عقود اسلامی آن است که بجز قرض الحسنه در هیچ‌یک از این عقود یک طرف تنها نقش تأمین‌کننده منابع مالی را بر عهده ندارد. بلکه خود نیز مستقیم با بخش واقعی اقتصاد درگیر است. بنابراین بانک با تعریفی که از آن شده و وظایفی که در اقتصاد بر عهده‌اش گذاشته شده، قابل تطبیق بر بانکداری اسلامی نیست. از این رو در بانکداری فعلی تمامی مفاهیم بانکداری ربوی معادل‌سازی شده و سعی شده با افزودن شروط و قیود متعدد به قراردادهای، ویژگی‌های قراردادهای بانکداری متعارف حفظ شود. همان‌گونه که پیش‌ازین در بررسی مفاد قراردادهای بانکی بیان شد، قراردادهای به‌گونه‌ای تنظیم شده است که بازگشت اصل و سود تسهیلات به بانک تضمین شود و در مواردی که تأخیر در کار باشد، با مکاسیم وجه التزام، منافع بانک حفظ شود. تعیین نرخ سود انتظاری توسط شورای پول و اعتبار عملاً به‌گونه‌ای است که در عقود مشارکتی مشتری خود را موظف به پرداخت همان مبلغ می‌داند و فرقی بین حصول سود و عدم حصول سود وجود ندارد.

در فروش اقساطی بانک با مشتری به توافق می‌رسد که کالای خاصی را که موردنیاز اوست، خریداری کند و بعد به قیمت بیشتر به‌صورت نسبه به‌وی بفرشد. اما مبلغ تسهیلات را در اختیار وی قرار داده و در یکی از مواد قرارداد به مشتری وکالت می‌دهد که خود آن کالا را خریده و به قیمت بیشتر به‌صورت نسبه به‌خود بفرشد و در عمل فرایند اعطای تسهیلات، بسیار شبیه قرض ربوی می‌شود.

در جعاله نیز چنین است؛ بانک به‌عنوان عامل تعمیر مسکن را در قالب جعاله قبول می‌کند و مشتری به‌عنوان جاعل مبلغی را برای

احکام معاملات تأکید شده و روایت مشهور «الفقه ثم المتجر» از امیرمؤمنان^ع اشاره به همین مطلب دارد؛ درحالی که طبق آمار استخراج‌شده در یکی از دو تحقیق مورد اشاره ۸۰ درصد مصاحبه‌شوندگان اعلام کرده‌اند از موارد ابطال یک عقد بانکی آگاهی ندارند. این یعنی کوتاهی بخش قابل‌توجهی از مشتریان بانک در یادگیری احکام معاملات (شهنازی و پناهی، ۱۳۹۵).

همچنین فقط ۴۱ درصد از متصدیان بانک گفته‌اند برایشان اهمیت دارد که در فروش اقساطی، مشتری دقیقاً همان کالایی را که در قرارداد مشخص شده، خریداری کند. در پاسخ به این سؤال نیز که اگر تسهیلات درخواستی مشتری در قالب عقود مصرح در قانون نگنجد، آیا خود را متعهد به رعایت قانون می‌دانید؟ فقط ۳۹ درصد پاسخ مثبت داده‌اند؛ یعنی ۵۹ درصد تقیدی به رعایت قانونی که سعی شده منطبق بر شرع باشد، ندارند (همان).

عدم انعطاف قراردادهای برای پوشش نیازهای مشتریان بانک

طبق تحقیق‌های میدانی مورد اشاره، ۵۸ درصد کارکنان در تحقیق نخست (نظرپور و همکاران، ۱۳۹۳) و ۸۰ درصد کارکنان در تحقیق دوم اعلام کرده‌اند قراردادهای موجود در بانکداری بدون ربا، همه نیازهای مشتریان را پوشش نمی‌دهد. همین مسئله می‌تواند یکی از عوامل تخطی از قانون بانکداری بدون ربا باشد (شهنازی و پناهی، ۱۳۹۵).

۱-۶. محدودیت ذاتی نهاد بانک به‌عنوان بستری برای اجرای قانون بانکداری بدون ربا

بررسی تاریخی بانک نشان می‌دهد که این نهاد از اساس یک نهاد انتفاعی بوده و بانک‌داران همچون هر بنگاه اقتصادی دیگری به دنبال حداکثر کردن سود خود بوده‌اند. با این تفاوت که سایر بنگاه‌ها با فعالیت در بخش واقعی اقتصاد به تولید کالا و خدمات اشتغال دارند؛ اما بانک‌ها با تأمین منابع مالی موردنیاز آنها و همچنین تأمین مالی نیازهای مصرفی مصرف‌کنندگان، کسب درآمد می‌کنند. سه محور اساسی کسب درآمد در سیستم بانکی تعیین مبلغ، مدت و نرخ بهره است. بانک بعد از توافق با متقاضی وام در سه محور مورد اشاره، مبلغ مورد توافق را در اختیار وی قرار می‌دهد و بعد از مدت مورد توافق، اصل وام و بهره مورد توافق را بازمی‌ستاند. همچنین بانک‌ها برای آنکه منابع مالی بیشتری در اختیار داشته باشند، معمولاً

نگرش افکار عمومی به حذف ربا با تغییر و اصلاح قانون فعلی بانکداری بدون ربا ساده‌اندیشی است. خصوصاً آنکه پیش‌نویس قانون پیشنهادی جدید در رسانه‌ها منتشر شده است و به‌رغم افزایش چند برابری مواد آن، به لحاظ حذف شائبه ربا تغییر محسوس نکرده است.

محتوای قراردادهای بانکی نیز همین‌گونه است. طبق بررسی به‌عمل‌آمده که گزارش آن در مباحث قبل ارائه شد، مواد مشترک و اختصاصی قراردادها نوعاً نقشی در شکل‌گیری ربا در نظام بانکی ندارند. مشکلات مربوط به ماهیت بانکداری بدون ربا و همچنین مشکلات ذاتی نهاد بانک نیز هرچه باشد با التزام به قانون بانکداری بدون ربا تا حدود زیادی قابل حل است. بنابراین اصلی‌ترین عامل بی‌اعتمادی به بانک‌ها در مقوله حذف ربا، بی‌توجهی به محتوای قرارداد و عدم پایبندی به مفاد آن است. مشتری، اطلاعی از شکل ظاهری قرارداد ندارد، متصدی بانک نیز او را آگاه نمی‌کند، و یا مشتری تمایلی به شنیدن توضیحات او ندارد؛ بر همین اساس آنچه که دست‌مایه قضاوت قرار می‌گیرد، آن است که بانک مبلغی در اختیار مشتری قرار داده و پس از مدتی اصل و زیاده را باز ستاند. همین نگرش سطحی باعث اتهام نظام بانکی به رباخواری می‌شود. از طرفی عملکرد برخی از متصدیان بانکی نیز تشدیدکننده بدبینی است. اینکه متصدی بانک به‌صورت غیررسمی به مشتری اعلام کند با تهیه فاکتور صورتی می‌تواند از تسهیلات بهره‌مند شود، یکی از عوامل بدبینی نسبت به حذف رباست. در این باره، هم مشتریان و هم متصدیان بانک مقصر هستند؛ و مقصر اصلی نظام بانکی است که در راستای آموزش عمومی بانکداری بدون ربا و اقدامات فرهنگی برای ایجاد انگیزه نسبت به رعایت قانون و خواسته شرع در معاملات بانکی ضعیف عمل کرده است. در چهار دهه اخیر هرگز به‌صورت جدی آموزش عمومی در دستور بانک نبوده است؛ هرگز در رسانه ملی، کتاب‌های درسی و برنامه‌های تبلیغاتی توضیحی راجع به قراردادهای بانکداری بدون ربا داده نمی‌شود. تا کنون هیچ دوره آموزش بانکداری اسلامی برای عموم مردم برگزار نشده است. حتی مسئله آموزش کارکنان بانک نسبت به مسائل اسلامی نیز چندان جدی نیست. مؤسسه آموزش عالی بانکداری ایران، وابسته به بانک مرکزی عهده‌دار آموزش منابع انسانی نظام بانکی است. مراجعه به پایگاه اینترنتی مؤسسه و بررسی وضعیت آموزشی آن، ادعای فوق را تأیید می‌کند. مؤسسه مزبور

انجام عمل مزبور به‌عنوان جعل تعیین می‌کند. سپس بانک که نقش عامل را دارد مبلغ تسهیلات را در اختیار جاعل قرار می‌دهد و از او می‌خواهد به وکالت از بانک فرایند تخصیص مبلغ مزبور را در امر تعمیر مسکن مدیریت کند. بعد از انجام پروژه جعل تعیین شده را که معادل تسهیلات و سود مورد توافق است به بانک پرداخت کند.

همه این تلاش‌ها نشان می‌دهد که بانک درصدد است نزدیک‌ترین شیوه‌ای به بانکداری متعارف را برگزیند و در عمل حتی از این هم نزدیک‌تر می‌شود؛ یعنی مثلاً در فروش اقساطی اهمیتی داده نمی‌شود که کالای مورد توافق واقعاً خریداری شود و به فاکتور صورتی اکتفا می‌شود. در مضاربه مشتری مبلغ وام را تا آخرین مهلت قرارداد نزد خود نگه می‌دارد و در نهایت به واریز حداقل سود انتظاری که توسط شورای پول و اعتبار تعیین شده، اکتفا می‌شود.

نتیجه‌گیری

به‌رغم گذشت حدود چهل سال از تصویب قانون بانکداری بدون ربا و الزام نظام بانکی کشور به اجرای آن، افکار عمومی و حتی نخبگان نسبت به موفقیت نظام بانکی در حذف ربا تردید دارند. با توجه به اهمیت مسئله و شدت حرمت ربا در اسلام لازم است این مسئله به‌صورت علمی دنبال شود و مشخص گردد علت بی‌اعتمادی عمومی نسبت به بانک‌ها و تردید در عدم موفقیت آن نهاد در حذف ربا چیست؟ در تحقیق حاضر به این مهم پرداخته شد و شش عامل برای عدم موفقیت نظام بانکی در جلب اعتماد عمومی نسبت به حذف ربا باشد، شناسایی و ارزیابی شد:

- قانون عملیات بانکداری بدون ربا؛
- محتوای آئین‌نامه‌های اجرایی و بخش‌نامه‌ها؛
- محتوای قراردادها؛
- عملکرد مدیران و کارکنان و مشتریان بانک؛
- پیچیدگی قراردادهای ترکیبی نسبت به قرض ربوی؛
- محدودیت‌های ذاتی نهاد بانک به‌عنوان بستری برای تحقق بانکداری بدون ربا.

البته عوامل فوق، وزن یکسانی در ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به بانکداری بدون ربا ندارند. مثلاً قانون فعلی عملیات بانکی بدون ربا شاید به‌لحاظ کارایی نقص‌هایی داشته باشد؛ اما در شکل‌گیری بی‌اعتمادی عمومی نسبت به حذف ربا نقش چندان ندارد. انتظار تغییر

هشت عضو هیئت علمی دارد که هیچ‌یک در اقتصاد اسلامی تخصصی ندارند. دوره‌های آموزش عالی تعریف شده در مؤسسه مزبور شامل دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا است. در دوره کارشناسی ارشد فقط دو درس دو واحدی با عنوان «مدیریت بانک و بانک‌داری اسلامی» و «تئوری‌های سازمان و مدیریت با رویکرد اسلامی» گنجانده شده و دوره دکترا خالی از هر درسی با رویکرد اسلامی است. درباره دوره کارشناسی نیز اطلاعاتی منتشر نشده بود. در دوره‌های آموزش حرفه‌ای نیز هیچ خبری از آموزش نیازمندی‌های اسلامی به چشم نمی‌خورد. اگر بانک‌داری بدون ربا می‌خواهد طعم موفقیت را بچشد، باید نسبت به آموزش بانک‌داری و ارتقاء فرهنگ رعایت قانون و شرع جدی‌تر عمل کند.

اهتمام مدیران و متصدیان بانک در اجرای قانون و آگاهی‌بخشی نسبت به مفاد قرارداد، بسیار حائز اهمیت است. پیشنهاد می‌شود در فرایند تأمین منابع انسانی مورد نیاز بانک‌داری بدون ربا از نیروهای متعهد و متشرع استفاده شود تا ضریب قانون‌مداری مدیران و متصدیان بانک و پای‌بندی آنها به دستور شرع در رابطه با مفاد قراردادها افزایش یابد.

منابع


- بهجت، محمدتقی، ۱۴۲۸ق، *استفتاءات*، قم، دفتر معظم له.
- تبریزی، جوادبن علی، بی‌تا، *استفتاءات جدید*، قم، بی‌نا.
- تقی‌زاده، خدیجه، ۱۳۹۱، «بانک‌داری اسلامی در برخی کشورهای جهان»، *بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، ش ۷، ص ۴۷-۸۰.
- حکیمی‌پور، نادر، ۱۳۹۷، «ارائه شاخص ترکیبی ارزیابی بانک‌داری اسلامی مطالعه موردی بانک‌های ایران»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۷۲، ص ۱۵۱-۱۷۲.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (گروه اقتصاد)، ۱۳۷۴، «مشکلات بانک‌داری بدون ربا»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۳، ص ۲۵-۴۲.
- شعبانی، احمد، ۱۳۹۴، *درآمدی بر بانک‌داری اسلامی*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- شهنازی، روح‌الله و مجتبی پناهی، ۱۳۹۵، «سنجش میزان صوری بودن قراردادهای تسهیلات بانکی: مطالعه موردی بانک ملت شیراز»، *اقتصاد و بانک‌داری اسلامی*، ش ۱۶، ص ۱۷۵-۲۰۲.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۴۱۷ق، *جامع الاحکام*، چ چهارم، قم، حضرت معصومه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، چ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۸ق، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و*

- الحرام*، چ دوم، قم، اسماعیلیان.
- موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۴، «نقد و بررسی قانون بانک‌داری بدون ربا»، *اندیشه*، ش ۵۳، ص ۱۱۹-۱۴۰.
- ____، ۱۳۸۶، «نظریه‌های ربا و بهره»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۷، ص ۶۸-۱۰۰.
- ____ و همکاران، ۱۳۹۲، «شاخص‌های ارزیابی بانک‌داری اسلامی»، در: *نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی*، تهران، مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما.
- نظریور، محمدنقی و سیدعباس موسویان، ۱۳۹۳، *بانک‌داری بدون ربا از نظریه تا تجربه*، قم، دانشگاه مفید.
- نظریور، محمدنقی و همکاران، ۱۳۹۳، «شاخص‌های صوری شدن معاملات در عمل کرد بانک‌داری بدون ربا در ایران، بررسی موردی تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت مشهد مقدس»، *پژوهش‌های اقتصادی (ارشد و توسعه پایدار)*، سال چهاردهم، ش ۳، ص ۶۵-۹۲.
- وحید خراسانی، حسین، ۱۴۲۸ق، *توضیح المسائل*، چ نهم، قم، مدرسه امام باقر.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۴۲۳ق، *قراءات فقهیه معاصره*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.

نوع مقاله: ترویجی

بررسی آثار تربیتی فریضه زکات در اخلاق اقتصادی

یعقوب جمالی / دکترای فلسفه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

ya.jamali@chmail.ir  orcid.org/0009-0004-3374-9680

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

چکیده

فریضه زکات به عنوان یکی از آموزه‌های الهی دارای آثار متعددی در حوزه اخلاق اقتصادی است. یکی از این آثار، پیامدهای تربیتی در اخلاق اقتصادی است. وجود ناهنجاری‌های اخلاقی در بستر جامعه و عدم شناسایی و تحلیل فریضه زکات به عنوان ظرفیتی اقتصادی جهت ساماندهی مسائل اخلاقی و تربیتی، مسئله‌ای است که موجب شده است این پژوهش به بررسی آثار تربیتی فریضه زکات در اخلاق اقتصادی به پردازد. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و تحلیلی صورت می‌گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فریضه زکات در قالب یکی از موضوعات اقتصادی مطرح در امور اخلاقی و تربیتی هم‌زمان موجب ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ایجاد صمیمیت و برادری، رسیدگی به معضلات تربیتی کودکان کار، دوری از عادات زشت، تقویت ایمان و دوری از کفر، احترام به حقوق شهروندی، تقویت رأفت اجتماعی، تضمین پرداخت داوطلبانه، اصلاح انگیزه‌های افراد، عدالت آموزشی و پرورشی می‌شود و روابط اجتماعی و فردی میان افراد جامعه را تقویت و استحکام می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: آثار تربیتی، زکات، اخلاق اقتصادی، مسئولیت‌پذیری، حقوق شهروندی، کودکان کار، رأفت اجتماعی.

مقدمه

تأثیرات فریضه زکات در امور تربیتی که با طهارت نفس همراه است، بسیار مورد توجه بوده و ضرورت این تحقیق را بیش از پیش نشان می‌دهد. در کتب مختلفی به آثار اقتصادی فریضه زکات پرداخته شده است. بررسی آثار تربیتی فریضه زکات در اخلاق اقتصادی نوآوری پژوهش حاضر به‌شمار می‌رود. سؤال اصلی این تحقیق چیستی آثار تربیتی فریضه زکات در اخلاق اقتصادی است.

پژوهش‌هایی مرتبط با موضوع آثار تربیتی فریضه زکات در اخلاق اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت که به آنها اشاره می‌شود:

مقاله «نقش تربیتی زکات در سبک زندگی اسلامی» (بختیاروند و همکاران، ۱۳۹۵)، به نقش تربیتی زکات در سبک زندگی اسلامی پرداخته و به تزکیه نفس و تعالی معنوی انسان اشاره دارد؛ اما به‌صورت تخصصی به تأثیرات اخلاق اقتصادی آن پرداخته نشده است.

مقاله «بررسی ابعاد مختلف نقش زکات در جامعه و زندگی مسلمانان» (کمالی، ۱۳۹۳)، به همه ابعاد نقش زکات پرداخته؛ اما تخصصی به امور تربیتی زکات نپرداخته است.

مقاله «اثرات زکات در فقرزدایی از منظر اسلام و قرآن» (مرتضوی مهر و آهنگرزاد، ۱۳۹۹)، برای زکات در حذف فقر، توان مالی بسیاری را قائل شده است. این مقاله اثرات زکات را در کاهش فقر به‌عنوان یکی از آثار اقتصادی مورد بررسی قرار داده و به آثار تربیتی اخلاق اقتصادی نپرداخته است.

مقاله «انفاق قرآنی و ابزارهای مالی مناسب آن در عصر حاضر» (موسویان، ۱۳۸۰)، به نقش انفاق در آموزه‌های اسلامی پرداخته و شرایطی همچون انفاق از اموال طیب و پاکیزه، کسب رضایت الهی، انفاق کریمانه، آشکار و نهان بودن انفاق و پاسخ کریمانه را برای آن بیان داشته است.

مقاله «مبانی نظری توزیع عادلانه» (شوقی‌الفنجری، ۱۳۸۱)، با بیانی واضح سعی دارد از مسئولیت مردم و دولت اسلامی در ارتباط با موضوع فقر و تعادل اقتصادی سخن گوید. نویسنده در این مقاله به دو سطح کفایت توسط دولت و سطح تکامل اجتماعی توسط مردم در تعاون و ارتباط با یکدیگر در توزیع عادلانه اشاره دارد.

مقاله «جایگاه انفاق و خاستگاه اجتماعی - اقتصادی آن» (موسایی، ۱۳۸۷)، در تبیین جایگاه انفاق به سیستم تأمین اجتماعی متکی بر پرداخت‌های داوطلبانه واجب یا مستحب، استقرار توزیع

اقتصاد همواره با آموزه‌های اخلاقی همراه بوده است؛ اما به مرور با توجه جدایی علم اقتصاد از ارزش‌های اخلاقی بین این دو جدایی انداختند. با پیدایش شکست بازار در اقتصاد متعارف، گروهی به دخالت دولت روی آوردند و گروهی برگشت به ارزش‌های اخلاقی را بهترین روش جهت ترمیم این شکست دانستند. امروزه توجه به نسخه‌های اقتصاد لیبرالی در مسائل اخلاقی و ناهمخوانی و در مواردی تقابل میان آموزه‌های اقتصاد اسلامی با مفاهیم غربی سکولار با رنگ و بوی مسائل مادی، دنیوی و دوری از معنویات، خود سدی در مسیر اخلاق اقتصاد اسلامی دانسته می‌شود. ازجمله مشکلات موجود در زندگی امروزی، ضعف تربیت عمومی است که ریشه در گسستگی بین اقتصاد و تربیت دارد. راه‌حل این مشکل توجه کردن به ابعاد تربیت فرائض اقتصادی است که آثار تربیتی زکات یکی از قرائن این راه‌حل به‌شمار می‌رود.

وجود آموزه‌هایی که برگرفته از آیات الهی و فطرت پاک انسان‌هاست و نیازهای اخلاقی اقتصادی را بهتر شناسایی و معرفی می‌کند، کمک شایانی به بهبود اوضاع اخلاقی و تربیتی می‌کند. فریضه زکات به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ایجاد تزکیه و پاک‌سازی نفس مورد اهتمام قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بوده و ضرورت بازخوانی و بررسی مفهوم و آثار اخلاقی فریضه زکات را بیش از پیش به ظهور می‌رساند. زکات به دو نوع زکات فطره و زکات اموال تقسیم شده و در جامعه اسلامی دارای آثار، خیرات و برکات بسیار اخلاقی و اقتصادی است.

بروز حوادث طبیعی در محیط پیرامون انسان‌ها موجب می‌شود برخی اشخاص، قدرت تأمین نیازهای زندگی خود و افراد تحت تکفل خویش را نداشته باشند. ازجمله روش‌هایی که اسلام مانند دیگر ادیان آسمانی جهت حل این مشکل مطرح ساخته، انفاق است (موسویان، ۱۳۸۰). تأمین زندگی نیازمندان یکی از فلسفه‌های تشریح فریضه زکات به‌عنوان یکی از مصادیق انفاق است؛ به‌گونه‌ای که سختی و فشار زندگی را از آنان برطرف می‌سازد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۳۵۴). امام رضا علیه‌السلام بیان می‌دارد: «همانا علت زکات، تأمین قوت نیازمندان است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶ ص ۵ ح ۷). انفاق و فریضه زکات در آموزه‌های اقتصاد اسلامی نقشی مهم در حل مسائل پیرامون زندگی افراد جامعه دارد. یکی از این مسائل، امور تربیتی است.

خدا بر شما نبود، هیچ کدام از شماها نمی‌توانستید خودتان را از گناه ترکیه بکنید و خداوند است که هر کسی را بخواهد از آلودگی حفظ می‌کند. در این سه مورد زکات به معنای طهارت است.

فریضه زکات به معنای زیاده اموال، رشد و نمو نیز می‌باشد؛ مانند: «ذَلِكُمْ أَزْكِي لَكُمْ وَ أَطْهَرُ» (بقره: ۲۳۲)؛ اگر این روش را عمل کردید برای شما رشد و نمو است. اینجا «اطهر» به معنای پاکیزه‌تر است و اگر «ازکی» هم به همان معنای اول باشد، معنای خوبی ندارد و «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لَكُمْ وَ أَطْهَرُ» خواهد شود و تأسیس اولی از تأکید است و آن معنا به معنای رشد و نمو است؛ یعنی اگر این روش را عمل کردید، رشد بالاتری خداوند به شما می‌دهد. هر دو معنای بیان شده در لغت و قرآن کریم با مفهوم زکات متناسب است؛ چراکه پرداخت زکات از یکسو موجب پاکی روح و جان انسان و از سوی دیگر موجب زیادی اموال است.

سه اصطلاح برای زکات وجود دارد:

۱. زکات در قرآن کریم، مطلق انفاق مالی در راه خیر است.
 ۲. زکات در سنت اهل بیت علیهم‌السلام و فقه، به معنای فریضه شرعی مخصوص است.

۳. زکات در برخی روایات، به معنای گسترده‌تر و توسعه‌یافته به کار رفته و گفته شده هر چیزی زکاتی دارد (لکل شیء زکاه...).
 از جمله واجبات مالی در دین مبین اسلام، زکات است که بر دو نوع است؛ یکی از این دو نوع، زکات بدن یا همان زکات فطره است که در عید فطر است و نوع دیگر زکات مال است که به غلات چهارگانه، دام‌ها و سکه‌ها با شرایطی خاص تعلق می‌گیرد. همه مسلمانان لازم است مقدار معینی از ۹ قلم کالا جهت مصرف در زندگی فقرا و سایر امور عمومی اجتماعی بپردازند. این اقلام شامل انعام ثلاثه (گاو، گوسفند و شتر)، نقدین (طلا و نقره) و غلات اربعه (گندم، جو، کشمش و خرما) است.

۱-۲. آثار تربیتی

در باب مفهوم تربیت، *راغب اصفهانی* بر این باور است که رب در اصل به معنای تربیت‌کننده است و تربیت عبارت از تغییر گام به گام و پیوسته هر چیز تا سرحد کمال خود است (*راغب اصفهانی*، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸۴) *بیضاوی*، تربیت را به کمال رساندن و ارزنده ساختن اندک‌اندک هر چیز دانسته است (*بیضاوی*، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۰). از

عادلانه‌تر در جامعه، وجود قربات و نزدیکی مردم با حاکمیت اسلامی و بزرگ‌ترین منبع تأمین اجتماعی پرداخته است.

مقاله «اخلاق اقتصادی، مبانی بینشی، آموزه‌ها و آثار» (معصومی‌نیا، ۱۳۸۶)، به رابطه بین اخلاق و اقتصاد در غرب و بررسی مبانی بینشی اخلاق اقتصاد اسلامی پرداخته است. نویسنده به تقویت مسائل معنوی انسان و هماهنگی آن با انگیزه‌های فردی و اجتماعی اشاره کرده است.

کتاب *زکات برای همه* (محسنی گرکانی، ۱۳۷۷)، به مباحث تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زکات در اسلام پرداخته است. مباحث مطرح‌شده در بخش تربیتی این کتاب کمک‌کننده بحث آثار تربیتی در تحقیق حاضر است.

کتاب *مبانی اقتصاد اسلامی* (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹)، به پرداخت زکات جهت رفع نیازمندی‌های فقیران جامعه و ایجاد کنترل ثروتمندان و تعدیل ثروت ضروری اشاره کرده است. در این کتاب آمده است: دین اسلام با توجه به تشویق کردن به انفاق‌های مستحب و تبلیغ روحیه برادری و رسیدگی به یکدیگر، از انباشت ثروت در دست اغنیاء ممانعت کرده و انجام آنها را داوطلبانه شمرده و همراهی نوعی مرادات محبت‌آمیز میان عموم مردم جامعه اسلامی را متذکر شده است. در این کتاب، ایجاد کمترین هزینه برای وصول، توزیع و تأمین زندگی نیازمندان از آثار و برکات زکات بیان شده است.

۱. مفاهیم

۱-۱. زکات

مفهوم زکات در آیات الهی به‌عنوان طهارت، رشد، نمو، زیادی و برکت است (فراهیدی، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۳۹۴). از باب نمونه می‌توان به طهارت و پاکی در سوره «کهف» اشاره کرد. در داستان حضرت موسی علیه‌السلام و حضرت خضر علیه‌السلام وقتی حضرت خضر آن بچه را کشت، حضرت موسی با تعجب ناراحت شد و گفت: آیا یک نفس طاهره را می‌کشی؟ بدون اینکه کسی را کشته باشد: «أَقْتَلْتُ نَفْسًا زَكِيَّةً بَغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا» (کهف: ۷۴). زکیه یعنی نفس پاک و مانند: «فَدَأْفَلِحَ مَنْ زَكَاها» (شمس: ۹)؛ رستگار است کسی که نفس را ترکیه بکند؛ یعنی طاهر بکند از آلودگی و معصیت. در آیه دیگر دارد: «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يُشَاءُ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۲۱)؛ اگر فضل و رحمت

اخلاق اقتصاد اسلامی همچون فریضه زکات، نظام نرم‌افزاری تربیت انسان اقتصادی اسلامی را ارتقا بخشید.

۱-۳. اخلاق اقتصادی

اخلاق به معنای صفت نفسانی پایدار دارای دو دسته است؛ یک دسته موجب سعادت و خوشبختی انسان می‌شود و دسته دیگری باعث هلاکت و بدبختی او می‌گردد. اولی را فضائل و دومی را رذائل اخلاقی گویند (نراقی، ۱۳۷۹، ص ۳۲). نحوه نگرش به فضائل و رذائل اخلاقی ریشه در نوع جهان‌بینی افراد و چگونگی تفسیر انسان دارد. ارزش‌های اخلاقی در نوع رفتار اقتصادی مؤثر هستند (معصومی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰). *آدام/اسمیت* به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقتصاددانان کلاسیک متأثر از اندیشمندی همچون *فرانسوا کنه*، *دیوید هیوم*، *فرانسویس هاجسون*، *توماس هابز*، *برنارد مندویل* و *بن‌تام* است (ژید و ریست، ۱۳۷۰، ص ۷۸ و ۷۹). *اسمیت* از یک طرف در کتاب نظریه احساسات اخلاقی خود، طیف گسترده‌ای از فضائل مانند: تدبیر، هوشیاری، احتیاط، میانه‌روی، وفای به‌عهد و غیره را برمی‌شمارد و در نهایت خیرخواهی را در جایگاه والاترین فضیلت اخلاقی قرار می‌دهد (آلوی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۸)؛ و از طرف دیگر در بخشی از کتاب *ثروت ملل* که در سال ۱۷۷۶ به‌چاپ رسید، می‌نویسد: «از ناحیه خیرخواهی و نوع دوستی قصاب یا نانوا نیست که ما انتظار داریم شام خود را مهیا سازیم؛ بلکه از جهت پیروی این افراد از منافع شخصی است» (اسمیت، ۱۷۸۹، ص ۷). ایشان بین منافع شخصی و اجتماعی با بیان وجود دست‌نمائی ارتباط ایجاد کرد. پس از ارائه این نظریه، برای بسیاری از متفکران اقتصادی حداکثر کردن منافع شخصی، رفتاری عقلانی تلقی شد و این‌گونه تبیین شد که دستیابی به حداکثر منافع شخصی، وضع بهینه اجتماعی را به‌دنبال خواهد داشت (دادگر، ۱۳۹۲، ص ۹۹). نگرش اخلاقی اقتصاددانان بزرگ در رفتار اقتصادی مؤثر است؛ لذا اخلاق اقتصادی به مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی و معنوی گفته می‌شود که آثار اقتصادی دارند (معصومی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰). ضرورت پرداختن به اندیشه‌های *اسمیت* به‌عنوان پدر علم اقتصاد از این بابت مطرح است که نگرش اخلاقی *اسمیت* در رفتار اقتصاددانان منشأ تحلیل‌های بسیاری قرار گرفته است.

منظر شهید مطهری، تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت درآوردن و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آنها تا از این راه مرتبی به حد اعلائی کمال خود دست یابد (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۴۳).

پروفسور برودی، استاد تعلیم و تربیت دانشگاه‌های آمریکا، تربیت را دارای هدف دوگانه و دو بُعدی می‌شناسد. در بُعد فردی پس از آنکه زندگی خوب را هدف اساسی تعلیم و تربیت فرد می‌داند، شاخصه‌های شخصی زندگی خوب را در گزینه‌های زیر معرفی می‌کند: (۱) برخورداری از سلامت بدن؛ (۲) برخورداری از امنیت عاطفی؛ (۳) احساس قدرت و احترام؛ (۴) امید نسبت به آینده.

اما در بُعد اجتماعی، تربیت شهروند شایسته را هدف تعلیم و تربیت می‌شناسد (شریعتمداری، بی‌تا، ص ۱۸۳ و ۱۸۴). آثار تربیتی می‌تواند در عرصه‌های فردی و اجتماعی خود را نشان دهد. فریضه زکات در وجود خود دارای آثار تربیتی است که در عرصه‌های مختلف زندگی بالخصوص در امور خیرخواهانه و عام‌المنفعه نمایان گشته و ابعاد زندگی افراد را در جامعه اسلامی تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. توجه به فریضه زکات در جغرافیای روش‌های اخلاق اقتصادی می‌تواند دریچه‌ای نوین در سیستم تربیتی اقتصادی بگشاید که نسبت به جایگزین‌های مشابه در اخلاق اقتصاد متعارف دارای قابلیت‌های پیشرفته‌تری باشد.

این در حالی است که برخی روش‌های تربیتی متعارف، مانند پرداخت پاداش یا وضع جریمه می‌تواند نتیجه عکس داشته باشد و موجب غیرفعال شدن انگیزه‌های درونی برای انجام رفتارهای خیرخواهانه شود. پاداش پولی می‌تواند با ایجاد تردید درباره انگیزه واقعی مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های عام‌المنفعه باعث غیرفعال شدن انگیزش درونی برای انجام آن شود (بنابو و تیروول، ۲۰۰۶، ص ۱۶۶۰). از باب نمونه، زمانی شخصی اقدام به خرید ماشین خورشیدی در منطقه‌ای می‌کند که داشتن چنین ماشینی دارای ارزش بالایی است. فرض کنید که دولت تخفیف مالیاتی زیادی را برای خریداران این نوع ماشین‌ها وضع کند. در این شرایط این امر گرچه موجب کاهش قیمت ماشین خورشیدی می‌شود؛ اما می‌تواند از ارزش منزلتی دارندگان این ماشین‌ها بکاهد (آریلی، ۲۰۰۹، ص ۵۵۵ و ۵۴۴). لذا در روش‌های تربیتی اقتصاد متعارف باید مراکز کور را شناسایی کرد و با تبیین و تحلیل روش‌های تربیتی

۲. آثار تربیتی زکات

۲-۱. مسئولیت‌پذیری اجتماعی

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تعلیم و تربیت اقتصادی بسیاری از کشورها جایگاه ویژه‌ای دارد؛ برنامه عمومی تعلیم و تربیت اقتصادی در کشور آمریکا هدف خود را تأمین محتوای شناختی و مهارتی لازم جهت تربیت شهروندانی بهره‌ور، مسئولیت‌پذیر، سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذارانی مدبر، شهروندانی تأثیرگذار بر اقتصاد جهانی، مصرف‌کنندگانی آگاه و تصمیم‌گیرانی شایسته در دوران زندگی می‌شمرد (ساندرس و گیلیرد، ۱۹۹۵، ص ۳).

گاهی اوقات اقتصاد متعارف جهت ایجاد و تقویت مسئولیت اجتماعی یا احساس وظیفه در افراد جامعه به تربیت افراد از طریق پاداش بر احساس وظیفه افراد اقدام می‌کند. این مُشوق‌ها همیشه جواب نمی‌دهد؛ مثلاً در مطالعه کندل و سوارتر زمانی که به دانش‌آموزان جهت کمک به شخص نابینا در تبدیل یک متن به صوت، پاداش داده شد؛ آنان احساس تعهد اخلاقی کمتری نسبت به زمانی که به آنها پاداش پرداخت نشده بود، داشتند (اسدورو، ۱۹۹۳، ص ۴۵۵). اگر فردی به دلیل مداخلات خارجی انگیزه درونی برای انجام فعالیتی را از دست داد، این امر ممکن است حتی موجب از دست رفتن انگیزه‌های درونی دوستانش نیز بشود (فری، ۱۹۹۷، ص ۳۵)؛ لذا تربیت اجتماعی اقتصادی افراد در راستای مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌عنوان یک مسئله مطرح است.

در نظام اقتصاد اسلامی احساس وظیفه در راستای رفع نیازهای شهروندان از دو شیوه پیش‌بینی شده است؛ یکی از تکافل عمومی است که در آن افراد جامعه اسلامی نسبت به تأمین نیازهای حیاتی همدیگر مسئولیت پیدا می‌کنند؛ راه دیگر وظیفه دولت در تأمین سطح معیشت مناسب و وسایل زندگی افراد جامعه است و حد آن فراتر از نیازهای ضروری زندگی است (نمازی، ۱۳۸۷، ص ۳۵۱). شهید صدر براساس اصل جانشینی انسان از خداوند، بر این باور است اجتماع صالح به‌عنوان کل، جانشین در نعمت‌ها و ثروت‌ها بوده و در استفاده از آنان، فردی به فرد دیگر یا گروهی بر گروه دیگر رجحان ندارد. مسئولیت‌های اجتماع نیز بر اساس عدالت بنیان نهاده شد و اجتماع در رشد ثروت؛ یعنی تلاش جهت آبادانی زمین و عدالت در توزیع آن، در مقابل خداوند بزرگ مسئولیت دارد (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۳۷-۳۹).

فریضه زکات در وجود فرد حس تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را

پرورش می‌دهد. زکات یک شاخص نظام‌ساز است؛ زکات که دارای جنبه‌های فردی است، گذشت و اعطای «مایحِب» را به انسان می‌آموزد که خود این یک تجربه و آزمون بسیار مهم است؛ اما یک ترجمان اجتماعی دارد؛ زکات در استعمالات قرآنی به معنای مطلق انفاقات است؛ اعم از زکات مصطلحی که در آیه شریفه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» به آن اشاره شده است. زکات یعنی مطلق انفاقات مالی؛ [اما] جنبه اجتماعی و ترجمان اجتماعی نظام‌ساز زکات این است که انسانی که در محیط اسلامی و جامعه اسلامی، برخوردار از مال دنیوی است، خود را متعهد می‌داند، مدیون می‌داند، طلبکار نمی‌داند، خود را بدهکار جامعه اسلامی می‌داند؛ هم در مقابل فقرا و ضعفا، هم در مقابل سیل الله. بنابراین زکات با این نگاه، یک حکم و شاخص نظام‌ساز است (بیانات رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۱/۱).

۲-۲. ایجاد صمیمیت و برادری

وضع زکات و خمس و مانند آنها در اقتصاد اسلامی از طرفی برای رفع نیازمندی‌های اقشار ضعیف جامعه و از سوی دیگر به‌منظور کنترل ثروت‌مندان است. اسلام با تشویق به انفاق‌های مستحب و ایجاد روحیه برادری و تشویق رسیدگی به یکدیگر از انباشت فوق‌العاده ثروت در دست اغنیاء جلوگیری کرده است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۴۱۷ و ۴۱۸).

برادری و اخوت به‌عنوان یک اصل در جامعه توحیدی اصلی انسانی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی و اقتصادی است. این امور تنها اصل ذهنی و اخلاقی نیستند؛ بلکه لوازم و آثار واقعی و ملموسی دارد که مدرسانی به یکدیگر و دست یاری به مؤمنان از جمله آنهاست (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۱۴۹). فریضه زکات موجب صمیمیت و اخوت میان مردم می‌شود و در امور تربیتی بالخصوص انس افراد جامعه نسبت به هم نقش بسزایی را ایفا می‌کند.

۲-۳. رسیدگی به معضلات تربیتی کودکان کار

در جامعه اسلامی فقیر به شخصی گفته می‌شود که ضروریات زندگی را ندارد و دارایی و درآمد او از سطح معمول و متوسط مردم آن جامعه کمتر باشد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۱۲۲). مضاف بر انفاق‌های واجب، انفاق‌های مستحب نیز در آموزه‌های اسلامی وجود دارد؛ که مصداق‌های انفاق‌های مستحب دارای حد و مرزی

۲-۵. تقویت ایمان و دوری از کفر

یکی از برکات و خیرات تربیتی فریضة زکات، تقویت ایمان و تقوا و دوری از کفر است. سید یزدی در *عروة الوثقی* آورده است که زکات از ضروریات دین بوده و منکر زکات با علم به وجوب آن، کافر است (سید یزدی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۴). آیت‌الله خوئی هم در تقریراتشان در شرح عروه می‌فرماید که زکات از ضروریات دین است و موجب این می‌شود که منکر زکات در ردیف کافران باشد (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۳، ص ۳). امام خمینی^ع معتقد است که فریضة زکات یکی از ضروریات دین است؛ ثمره ضروری بودن این است که اگر کسی منکر شد، از دین خارج و از کفار می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۱۱). رابطه بین پرداخت زکات و تقویت ایمان از این جهت است که زکات باید با قصد قربت و انجام دستور الهی صورت گیرد و این امر موجب تقویت ایمان به خداوند متعال است.

۲-۶. احترام به حقوق دیگران

یکی از آثار تربیتی پرداخت زکات، توجه به حق و حقوق دیگران است. شناخت و عنایت داشتن به حقوق دیگران از جمله مواردی است که همواره مورد توجه روان‌شناسان و اساتید اخلاق بوده است. در باب حق دانستن زکات که سهم دانستن فقرا در اموال پرداخت‌کننده زکات است، از فقیهان در مفهوم زکات بیان‌های مختلفی وارد شده که می‌توان به مواردی از آنها اشاره کرد. شهید *اول در روسی* (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۲۷) و شهید *ثانی در مسالک* (شهید ثانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۵۶) آورده‌اند: «الزکاة صدقة مقدرة باصل الشرع ابتداءً»: صدقاتی وجود دارد که مستحبی است، اندازه مشخصی ندارد و هرکسی هرچه دلش خواست می‌دهد؛ اما زکات صدقه معین است. در کتاب *الحدود* در تفاوت میان حد و تعزیر بیان شده که تعزیر مقدار مشخص ندارد و تعیین مقدار آن به دست حاکم شرع است؛ اما حد، عقوبتی است که اندازه آن در شرع مشخص شده و در اینجا نیز این‌گونه است که در شرع اندازه صدقات مستحب معین نشده است؛ اما زکات صدقه‌ای است که اندازه آن در شرع مشخص است.

محقق *حلی* در کتاب *معتبر* (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۸۵)، و علامه *حلی* در کتاب *تذکره* (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۷) در باب مفهوم زکات آورده‌اند: «الزکاة فی الشرع اسم لحق یجب فی

نیست و با رشد فرهنگ دینی، به‌طور قطع میزان آن در جامعه رشد پیدا خواهد کرد؛ لذا می‌توان از آن، جهت رفع کمبود انفاق‌های واجب برای رفع فقر بهره جست (موسایی، ۱۳۸۷، ص ۴۲).

یکی از معضلات اجتماعی فرهنگی وجود فقر در جامعه، فقر تربیتی و فرهنگی در میان خانواده‌های تهیدست و فرزندان نیازمندی است که جهت جبران آن راهی خیابان‌ها و مشاغلی می‌شوند که در شأن آنها نیست و مشکلات بسیاری از لحاظ اجتماعی و اخلاقی ایجاد می‌کند. نسخه‌ای که این درد را درمان کرده و مرهمی بر آن است، اینکه سعی در حذف فقر از جامعه شود. امام خمینی^ع در این‌باره فرموده است که: «زکات خیلی نیست؛ اما به اندازه فقرا هست، که نمی‌گذارد دیگر فقیری وجود داشته باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۲۳۴). توجه و عنایت به فریضة زکات موجب حذف فقر از جامعه و اصلاح تبعات فقر از جمله کودکانی است که از سنین پایین وارد بازار کار شده و صدمات بسیاری را از لحاظ تربیتی و اخلاقی متحمل می‌شوند. البته لازم است بین سه گروه ذیل تفکیک قائل شد:

۱. کار کودک؛ در روایات از کار اجباری کودک فاقد مهارت با هدف کسب درآمد اضطراری مذمت شده است؛ زیرا در اثر عدم توفیق در کسب درآمد به سمت سرقت کشیده می‌شود.
۲. کودک کار گاهی دارای بار منفی ارزشی است.
۳. کودک کار گاهی هم دارای بار مثبت ارزشی است و آن زمانی است که در مقابل کودک تن‌پرور قرار داده می‌شود.

۲-۴. دوری از عادات زشت

یکی از آثار تربیتی زکات، کنار گذاشتن عادات و رفتارهای زشت از انسان است. صاحب *جوهر* نیز در باب مفهوم زکات بیان می‌دارد: «انها اخراج بعض المال لینمو الباقی بالبرکات و تیزد لصاحبه الدرجات و یطهر المال من الحرام و صاحبه من المذام» (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۱۵، ص ۳)؛ آن اموالی که انسان از میان اموالش خارج می‌سازد، موجب می‌شود بقیه اموالش برکت پیدا کرده و مقام صاحب مال را زیاد کرده و اموال را از حرام پاک کرده و موجب دوری عادات زشت از انسان می‌گردد. به‌عبارت دیگر، پرداخت زکات در وجود انسان طهارتی را ایجاد می‌کند که با تقویت روح دینداری موجب این اثر تربیتی می‌شود که هریک از شهروندان جامعه اسلامی از امور زشت و ناپسند دوری می‌کنند.

صبر مؤید و موفق بدار (خادم، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹). همچنین امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵)؛ کسی که صبح کند و اهمیتی به کارهای مسلمانان ندهد او از آنان نیست و کسی که صدای مردی بشنود که فریاد کمک‌خواهی از مسلمانان را سر دهد و پاسخش را ندهد، مسلمان نیست.

در اقامه فریضه زکات لازم است شهروندان جامعه اسلامی نسبت به هم بی تفاوت نباشند و تا آنجایی که ممکن است سعی در رفع نیازهای یکدیگر داشته باشند. از این رو مشاهده می‌شود که مردم در جامعه اسلامی با فعالیت مستقیم در بخش توزیع ثروت، محبت و صمیمیت بیشتری را میان خود احساس می‌کنند. با تقویت زکات، مردم جامعه اسلامی تحت تأثیر فرهنگ برآمده از آموزه‌های تربیتی فریضه زکات قرار می‌گیرند و درون خود حس مثبتی نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند. از یک طرف پرداخت‌کننده زکات، خود را در عرصه خدمت‌رسانی به نیازمندان مشاهده می‌کند و از طرف دیگر دریافت‌کنندگان زکات، رحمت و رأفت اجتماعی را در سایه نظام تربیتی فریضه زکات لمس می‌کنند. این نحوه توزیع زکات موجب رأفت و رحمت در روابط اجتماعی شهروندان یک کشور می‌شود. فریضه زکات موجب هم‌دلی و استحکام بنیادهای اجتماعی شده و مردم را در امور تربیتی اسلامی منسجم‌تر می‌سازد.

۲-۸. تضمین پرداخت داوطلبانه

در سیستم‌های مالیاتی غیراسلامی همه مالیات‌ها، ابتدا به خزانه دولت واریز می‌گردد و سپس به‌موارد مصرف منتقل می‌شود (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۳۹۳). مالیات با فریضه زکات متفاوت است؛ مالیات را به اجبار می‌گیرند و فریضه زکات با اختیار و قصد قربت صورت می‌گیرد. قصد قربت و انگیزه درونی انسان در تعالیم اسلامی نقش بسیار مهمی را در ارزش‌گذاری اخلاقی یک فعل ایجاد کرده و فریضه زکات از جمله اعمال تعبدی به‌شمار می‌رود؛ لذا یک انگیزه قوی از لحاظ تربیتی برای پرداخت آن وجود دارد. در تربیت اسلامی پرداخت زکات ابزاری جهت تقرب به‌سوی خداوند متعال و جلب رضایت الهی است. از لحاظ فرهنگی و تربیتی ارتباط مستقیمی بین پرداخت زکات و رسیدن انسان به مقام قرب و

المال و معتبر فی وجوبه النصاب»؛ زکات حقی است که در اموال افراد جامعه اسلامی ایجاد می‌شود و در آن هم نصاب معتبر است که اگر به حد نصاب رسید، آن حق ثابت و واجب می‌گردد. داشتن حق یک فرد نسبت به افراد دیگر و ادای آن، نوعی احترام متقابل افراد جامعه در قبال یکدیگر است.

۲-۷. تقویت رأفت اجتماعی

همیشه میزان بیشتر دستمزدها و حقوق‌ها نسبت مساوی با تربیت بهتر افراد جامعه و تقویت رأفت اجتماعی ندارد. در بسیاری از کشورها افراد شاغل در بخش دولتی حاضر به کار با حقوق و دستمزدهای به‌مراتب کمتر از دستمزدهای کار در بخش خصوصی‌اند و این واقعیت تعجب‌انگیز است. براساس یکی از تحقیق‌های ارائه‌شده، این تبیین ارائه شده است که برخی معلمان بخش دولتی حقوق کمتر از بخش دولتی را به این دلیل می‌گیرند که کار برای دولت به‌منظور تربیت عمومی جامعه را ارزشمندتر تلقی می‌کنند (فری و جیگن، ۲۰۰۱، ص ۶۰۵). این تحقیق نشان می‌دهد که رأفت اجتماعی موجب می‌شود تربیت عمومی جامعه آنچنان دارای ارزش دانسته شود که گاهی حتی با دستمزد پایین‌تر نیز معلمانی به تدریس در بخش دولتی و خدمت‌رسانی به عموم مردم مشغول باشند. رأفت اجتماعی و تربیت عمومی در برخی موضوعات اقتصادی بهتر با هم سازگاری دارند. یکی از این موارد، پرداخت فریضه زکات در اقتصاد اسلامی است. تقویت رأفت اجتماعی در این جوامع موجب شده تا در درآمد پایین نیز خدمت‌رسانی اتفاق افتد. امر زکات نیز با تثبیت و تقویت رأفت اجتماعی پای در این وادی گذاشته است.

پرداخت انفاق در جامعه اسلامی ایجادکننده نوعی ارتباط محبت‌آمیز میان افراد غنی و فقیر است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۳۹۳). فعالیت مستقیم مردم در پرداخت فریضه زکات به‌عنوان یکی از موارد انفاق، از نگاه تربیتی نوعی همبستگی و محبت را در جامعه تثبیت و تقویت می‌کند. تثبیت و تقویت محبت و رفاقت با نیازمندان و رواج صمیمیت نسبت به فقیران، از جمله تأکیدات آموزه‌های اسلامی در امور تربیتی است. امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجاده بیان می‌دارد: «اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَى صَحْبَةِ الْفُقَرَا وَ أَعْنِي عَلَى صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ»؛ ای خدای من، صحبت و رفاقت فقیران را محبوب من قرار ده و مرا بر دوستی و رفاقت‌شان با حسن

رضایت الهی است، این امر می‌تواند تضمین خوبی جهت پرداخت داوطلبانه زکات و تربیت افرادی با شاخصه‌های جامعه اسلامی باشد.

۲-۹. اصلاح انگیزه‌های افراد

پرداخت هزینه‌های مستقیم به فعالان اقتصادی در شبکه توزیع ثروت، هزینه‌هایی برای جوامع مختلف ایجاد می‌کند. یکی از شیوه‌های صرفه‌جویی در پرداخت‌های مستقیم هزینه‌ها، روی آوردن به پاداش یا جریمه است.

پاداش و جریمه در اقتصاد متعارف، دو ابزار قدرتمند جهت تغییر رفتارهای اقتصادی شمرده می‌شوند. تا دهه ۱۹۷۰ بیشتر روان‌شناسان با این عقیده/سکینر همراه بودند که پاداش موجب افزایش احتمال تکرار یک عمل و جریمه باعث کاهش احتمال انجام یک فعل می‌شود (اسدورو، ۱۹۹۳، ص ۴۵۵)؛ اما در اوایل این دهه، نتایج مطالعات تجربی روان‌شناسان اجتماعی و اقتصاددانان نشان داد پاداش و جریمه می‌توانند تأثیری منفی بر انگیزش و رفتار وارد کنند. با توجه به یافته‌های این پژوهش‌ها، پرداخت پول به افراد تحت آزمایش، وعده اهدای نشان، وعده دادن اسباب‌بازی، وضع جریمه، قرار دادن ضرب‌الاجل و پاییدن افراد هنگام کار، موجب تأثیر منفی بر علاقه‌های درونی به انجام فعالیت، کیفیت کار و خلاقیت دارد (ریسو، ۲۰۰۱، ص ۱۲۷)؛ لذا دوری از این گونه هزینه‌های مخفی پاداش و جریمه می‌تواند به روند اصلاح انگیزه‌های افراد در جامعه کمک کند.

در آموزه‌های تربیتی اقتصادی اسلام، انگیزه‌های افراد در جامعه به شیوه‌ای متفاوت اصلاح می‌گردد. آموزه‌های اسلامی با تشویق به اموری مانند: انفاق، ایثار و مواسات؛ پرداخت آنها را داوطلبانه قرار داده است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۳۸۳). فریضه زکات از جمله دستورات الهی است که چگونگی نیت و انگیزه افراد در آن مهم بوده و مورد توجه قرار گرفته است. فریضه زکات از تعبدیات است و لازم است که نیت و انگیزه آن الهی باشد و برای خداوند متعال صورت گیرد. به عبارتی دیگر انسان با پرداخت زکات به نیت الهی و قصد قربت سعی می‌کند انگیزه و نیت خود را اصلاح کند و سروسامانی به انگیزه‌های خود در زندگی دهد.

البته باید توجه داد که تشویق به بهشت و جریمه به جهنم نیز برای پرداخت امر زکات مؤثر بوده و در منابع دینی مورد تأکید است؛ اما میان این مدل از تشویق یا جریمه در منابع دینی با انگیزه‌های

دنیوی تفاوت وجود دارد. پاداش و جریمه وقتی انگیزه را می‌سوزاند که از طرف یک عامل انسانی هم‌تراز با خود انسان مورد تشویق یا تنبیه اعمال شود و پذیرش آن به معنای رفتن زیر قید بندگی وی تلقی شود؛ اما اگر از طرف موجود برتر و متعالی مطلق (یعنی خدای متعال و اولیای وی) اعمال شود، نافی انگیزه نخواهد بود؛ زیرا در طول بندگی خداوند متعال است.

۲-۱۰. عدالت آموزشی و پرورشی

عدالت در آموزش و پرورش و به دنبال آن تربیت اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی می‌تواند نتیجه عدالت اقتصادی در میان شهروندان جامعه باشد. عدالت اقتصادی از جمله اهداف فریضه زکات در جامعه اسلامی است. عدالت فی‌نفسه دستور صریح قرآن است؛ «ان الله یأمر بالعدل و الاحسان» (نحل: ۹۰)؛ به‌درستی که خداوند به عدل و احسان امر می‌کند. جهت حفظ امنیت اخلاقی و اجتماعی افرادی که با مسائل تربیتی مرتبط با مشکلات اقتصادی روبه‌رو هستند، خداوند متعال در اموال توان‌گران قوت و خوراک مستمندان را فرض و واجب کرده و هیچ مستمندی گرسنه نماند، مگر به‌خاطر خودداری کردن و منع توان‌گری؛ خداوند بزرگ از آنان بازخواست آن را خواهد کرد (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۳۲۸، ص ۷۰۹). همچنین جهت حفظ دارایی به دادن زکات اموال امر شده است (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۰، حکمت ۱۴۶، ص ۴۷۰). پرداختن به فریضه زکات به‌عنوان یکی از گزاره‌های اقتصاد اسلامی موجب عدالت اقتصادی شده و عدالت اقتصادی زمینه‌ساز عدالت در آموزش و پرورش را ایجاد می‌کند و به دنبال آن، رفع معضلات اخلاقی و تربیتی صورت می‌گیرد و ثمره آن، تربیت صحیح فرزندان جامعه اسلامی است.

نتیجه‌گیری

فریضه زکات به معنای طهارت نفس و برکت در اموال یا رشد و نمو به کار است. زکات به زکات فطره و زکات اموال تقسیم می‌شود و دو نوع واجب و مستحب آن وجود دارد که موارد واجب آن در اقسام مشخصی بیان شده و موارد مستحبی شامل همه اموال است.

فریضه زکات که برگرفته از جهان بینی و نوع نگرش افراد به آموزه‌های اقتصادی اسلامی است در پرورش و ایجاد رفتار انسان در اخلاق اقتصادی مؤثر است. فریضه زکات دارای آثار تربیتی مهمی

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۹۰، ترجمه محمد دشتی، چ پنجاه و سوم، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- ، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.
- آلوی، جیمز، ۱۳۸۴ش، «تاریخچه‌ای از علم اقتصاد در جایگاه علمی اخلاقی»، ترجمه علی نعمتی، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۹، ص ۱۸۱-۱۸۲.
- بختیاروند، مریم و همکاران، ۱۳۹۵ش، «نقش تربیتی زکات در سبک زندگی اسلامی: استنتاج اصول تربیتی»، *بصیرت و تربیت اسلامی*، دوره سیزدهم، ش ۳۷، ص ۱۱۷-۱۳۶.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، در: Leader.ir
- بیضاوی، عمر بن محمد، ۱۴۰۸ق، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، چ ششم، تهران، مؤسسه آل‌البیت.
- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴ق، *تذکره الفقهاء*، قم، مؤسسه آل‌البیت. لاجیاء التراث.
- خادم، لطف‌الله، ۱۳۹۰ش، *صحیفه کامله سجادیه*، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، مشهد، انتظار مهر.
- خلیلیان، محمد جمال، ۱۳۸۴ش، *شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۸ق، *موسوعه الإمام الخوئی*، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- دادگر، یدالله، ۱۳۹۲، *تاریخ عقاید اقتصادی*، تهران، سمت.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ش، *مبانی اقتصاد اسلامی*، چ سوم، تهران، سمت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم.
- ژید، شارل و شارل ریست، ۱۳۷۰، *تاریخ عقاید اقتصادی*، ترجمه کریم سنجایی، تهران، دانشگاه تهران.
- سیدزیدی، محمد کاظم، ۱۳۹۸ش، *العروة الوثقی*، قم، جامعه مدرسین.
- شریعتمداری، علی، بی تا، *فلسفه تعلیم و تربیت*، چ پنجم، اصفهان، کتابفروشی ثقفی.
- شوقی الفنجری، محمد، ۱۳۸۱ش، «مبانی نظری توزیع عادلانه»، ترجمه یوسف محمدی، *اقتصاد اسلامی*، ش ۷، ص ۱۳۷-۱۶۰.
- صدر، سید محمدباقر، ۱۴۲۱ق، *الاسلام یقوم بالحیة*، قم، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
- عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۴۲۳ق، *مسالك الافهام الی تنبیح شرایع الاسلام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۸ق، *العین*، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- کمالی، مهرداد، ۱۳۹۳، «بررسی ابعاد مختلف نقش زکات در جامعه و زندگی مسلمانان»، در: *اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی*، سال اول، ش ۱، ص ۲۲۰-۲۲۶.

است که در عرصه‌های متعددی از زندگی بالاخص در امور خیرخواهانه و عام‌المنفعه آشکار می‌شود و ابعاد زندگی اشخاص را در جامعه اسلامی تحت‌الشعاع خویش قرار می‌دهد. اهتمام به مفهوم زکات در جغرافیای اخلاق اقتصادی می‌تواند دریچه‌ای جدید در امور تربیتی اقتصادی باز کند که در مقایسه با جایگزین‌های مشابه در اخلاق اقتصاد متعارف حاوی قابلیت‌های پیشرفته‌تری است. اخلاق اقتصادی به مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی و معنوی گفته می‌شود که آثار اقتصادی دارند.

آثار تربیتی فریضه زکات در اخلاق اقتصاد اسلامی شامل نتایج ذیل است؛ موجب ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و احساس مسئولیت افراد در روابط اجتماعی و محیط اطراف خود می‌شود؛ ارتقاءدهنده صمیمیت، اُخوت و برادری میان مردم است؛ در ایجاد انس بین افراد جامعه نقش بسزایی دارد؛ موجب حذف فقر از جامعه و اصلاح تبعات فقر، از جمله معضلات تربیتی کودکان کار است که از سنین پایین وارد بازار کار شده و مورد صدمات بسیاری از لحاظ تربیتی و اخلاقی می‌شوند؛ تقویت ایمان و دوری از کفر و عادات زشت از جمله آثار تربیتی دیگر فریضه زکات به‌شمار می‌رود؛ احترام به حقوق شهروندی و تقویت رأفت اجتماعی نیز مؤثر از فریضه زکات در جامعه است. در این باب می‌توان به امور تربیتی بین شهروندان؛ مانند تضمین پرداخت داوطلبانه، اصلاح انگیزه‌های افراد و عدالت آموزشی و پرورشی اشاره کرد.

- محسنی گرکانی، احمد، ۱۳۷۷، *زکات برای همه*، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۷ق، *المعتبر فی شرح المختصر*، قم، مؤسسه سیدالشهداء^ع.
- مرتضوی مهر، علی و فائزه آهنگر نژاد، ۱۳۹۹ش، «اثرات زکات در فقرزدایی از منظر اسلام و قرآن»، در: *نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ*، سال اول، ش ۱، ص ۱-۶
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳ش، *تعلیم و تربیت در اسلام*، چ چهل و یکم، تهران، صدرا.
- معصومی نیا، غلامعلی، ۱۳۸۶ش، «اخلاق اقتصادی، مبانی بینشی، آموزه‌ها و آثار»، *اقتصاد اسلامی*، سال هفتم، ش ۲۶، ص ۱۱۹-۱۴۸.
- مکی عاملی، محمدین (شهید اول)، ۱۴۱۷ق، *الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- موسایی، میثم، ۱۳۸۷ش، «جایگاه انفاق و خاستگاه اجتماعی - اقتصادی آن، مطالعه موردی شهر بهبهان»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۳۰، ص ۳۹-۶۸
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۹، *تحریر الوسیله*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^ع.
- _____، ۱۳۸۵، *صحیفه امام*، چ چهارم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^ع.
- موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۰ش، «انفاق قرآنی و ابزارهای مالی مناسب آن در عصر حاضر»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲، ص ۸۱-۹۲.
- نجفی، محمدحسن، ۱۹۸۱م، *جواهر الکلام*، تعلیق عباس قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، محمد مهدی، ۱۳۷۹ش، *جامع السادات*، قم، اسماعیلیان.
- نمازی، حسین، ۱۳۸۷ش، *نظام‌های اقتصادی*، چ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- Ariely, Dan et al, 2009, "Doing Good or Doing Well? Image Motivation and Monetary Incentives in Behaving Prosocially", *American Economic Review*, V. 99, N. 1, p. 544-555.
- Benabou, J. M. Roland and Tirole, Jean, 2006, "Incentives and Prosocial Behavior", *the American Economic Review*, V. 96, N. 5, p. 1652-1678.
- Frey, Bruno and R. Jegen, 2001, "Motivation Crowding Theory", *Journal of Economic Surveys*, V. 15, N. 5, p. 589-610.
- Frey, Bruno, 1997, "A Constitution for Knave Crowds out civic Virtues", *Economic Journal*, V. 107, N. 433, p. 1042-1053.
- Reeve, Johnmarshall, 2001, *Understanding Motivation and Emotion*, ed. 3rd, Harcourt College Publishers, New York.
- Saunders, Phillip; Gilliard, June V, 1995, *A Framework for Teaching Basic Economic Concepts*, New York, National Council on Economic Education.
- Sdorow, Lester, 1993, *Psychology*, Ed, 2nd, Brown & Benchmark, Publishers, Iowa.
- Smith, Adam, 1789, *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*, Philadelphia, Thomas Dobson.

نوع مقاله: ترویجی

دین و ثروت: پارامترهای نظام اقتصاد اسلامی در رفع فقر و توزیع و تولید عادلانه ثروت

سعید محمدیگی / دانش‌پژوه دکتری فلسفه اقتصاد اسلامی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

Beigi.1992@gmail.com  orcid.org/0000-0001-8594-1472

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

چکیده

نابرابری توزیع و تولید ثروت در تحقیقات متعددی مورد بحث قرار گرفته است؛ اما نحوه ایجاد این نابرابری‌ها و چگونگی حل این مشکل کمتر در تحقیقات مورد بررسی قرار گرفته است. در این زمینه یکی از مهم‌ترین عواملی که در پژوهش‌ها کمتر در مورد آن بحث شده است، چگونگی برخورد و حل این مشکل توسط نظام اقتصادی اسلام است. هدف این مقاله بررسی متغیرهای پیشنهادی نظام اقتصاد اسلامی در توزیع عادلانه ثروت و رفع فقر است. پژوهش حاضر بعد از تحلیل و بررسی خاستگاه و جایگاه فقر در ادبیات اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی، به بررسی پارامترهای نظام اقتصادی اسلام در زمینه توزیع عادلانه ثروت و از بین بردن فقر می‌پردازد. پژوهش حاضر با کمک گرفتن از روش تحلیل متون اسلامی و روش عقلی و با استفاده از تکنیک پژوهش کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پارامترهای پیشنهادی نظام اسلامی در سه دسته پارامترهای تأسیسی، اصلاحی و احتیاطی قرار می‌گیرند. پارامترهای تأسیسی منجر به افزایش درآمد جامعه اسلامی و توزیع عادلانه ثروت می‌شود، پارامترهای احتیاطی تمرکز ثروت را محدود می‌کند و در نهایت پارامترهای اصلاحی برای اصلاح عدم تعادل در توزیع درآمد و ثروت و ارتقاء شرایط اقتصادی استفاده می‌شوند. در صورت اعمال این اقدامات، مشکل فقر و توزیع ناعادلانه ثروت می‌تواند به صورت ریشه‌ای حل شود.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد اسلامی، نظام اسلامی، رفع فقر، توزیع عادلانه ثروت.

مقدمه

فقر یک مشکل جهانی است که بشر در طول تاریخ با آن روبه‌رو بوده است. مطالعه بانک جهانی در سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که در حدود ۴۰ درصد از مردم جهان در زیر خط فقر زندگی می‌کنند، و از این تعداد یک درصد تنها برای زنده ماندن تلاش می‌کنند (بانک جهانی، ۲۰۱۵). این مشکل تا اندازه‌ای مورد توجه است که حتی برخی کشورهای توسعه‌یافته جهان، همچون آمریکا نیز به‌عنوان نمونه اصلی در روند نابرابری توزیع ثروت و درآمد شناخته می‌شوند (ولف، ۲۰۱۶؛ پیکتی، ۲۰۱۴؛ انکینسون و بورگینیون، ۲۰۰۱). اگرچه فقر از نظر اسلام مورد پذیرش قرار نگرفته است: امیرمؤمنان علیؑ به فرزندش محمدبن حنفیه می‌فرماید: «ای پسر من از فقر برای تو می‌ترسم پس از آن به خدا پناه ببر که فقر کاستی شدیدی در دین به همراه دارد و باعث سرگشتی و موجب کینه‌توزی است»

براین اساس فرضیه مقاله این‌گونه شکل گرفته که نظام اقتصاد اسلامی در توزیع عادلانه ثروت و از بین بردن فقر برنامه‌های خود را در سه محور راه‌کارهای احتیاطی، اصلاحی و تأسیسی ارائه کرده است.

۱. مفهوم‌شناسی فقر و ثروت

جست‌وجوی معنای فقر و ثروت در خارج از چارچوب آیات و روایات، محقق را دچار سردرگمی می‌کند. پژوهش‌های در زمینه فقر و ثروت تعاریف گوناگون و در برخی موارد کاملاً متناقض از این دو واژه ارائه داده‌اند. درحقیقت در تحلیل‌های متداول هیچ تعریف استاندارد از فقر وجود ندارد. فقر در برخی پژوهش‌ها شخص یا کشوری است که دارای «ثروت اندک» یا «درآمد ناچیز» باشد (هانسون، ۱۹۸۶، ص ۳۰۸). در پژوهشی دیگر فقر به‌عنوان درآمد حداقلی که برای دستیابی به حداقل نیازهای مادی کفایت نمی‌کند، تعریف شده است (راتتری، ۱۹۸۸، ص ۱۱۷)؛ یا به شرایطی که در آن نیازها به شکل مطلوبی برآورده نمی‌شود، اطلاق گردیده است (درنونوسکی، ۱۹۷۶، ص ۵). در برخی دیگر از پژوهش‌ها ناکافی بودن وسایل و تجهیزات نسبت به نیازهای اولیه انسانی فقر تلقی شده است (تاسینگ، ۱۹۹۱، ص ۴۹۵). گریمک (۱۹۹۴) فقر را نقطه‌ای که در آن بقای فرد و خانواده تهدید می‌شود، تعریف می‌کند (گریمک، ۱۹۹۴، ص ۳). بانک جهانی نیز فقر را محرومیت از رفاه می‌داند، و در صورتی که دارایی فرد بتواند بدهی‌های او را پوشش دهد، مازاد بر آن ثروت تلقی می‌شود. نقطه مشترک تمامی تعاریفی که از فقر ارائه شده، نقصان است که هر پژوهشگر سعی کرده آن را نسبت به چیزی مقایسه کرده و آن را فقر قلمداد کند. درحقیقت تعاریف، شاخص و تعریف واضحی که از آن بتوان در هر شرایطی فقر را تشخیص داد،

فقر یک مشکل جهانی است که بشر در طول تاریخ با آن روبه‌رو بوده است. مطالعه بانک جهانی در سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که در حدود ۴۰ درصد از مردم جهان در زیر خط فقر زندگی می‌کنند، و از این تعداد یک درصد تنها برای زنده ماندن تلاش می‌کنند (بانک جهانی، ۲۰۱۵). این مشکل تا اندازه‌ای مورد توجه است که حتی برخی کشورهای توسعه‌یافته جهان، همچون آمریکا نیز به‌عنوان نمونه اصلی در روند نابرابری توزیع ثروت و درآمد شناخته می‌شوند (ولف، ۲۰۱۶؛ پیکتی، ۲۰۱۴؛ انکینسون و بورگینیون، ۲۰۰۱). اگرچه فقر از نظر اسلام مورد پذیرش قرار نگرفته است: امیرمؤمنان علیؑ به فرزندش محمدبن حنفیه می‌فرماید: «ای پسر من از فقر برای تو می‌ترسم پس از آن به خدا پناه ببر که فقر کاستی شدیدی در دین به همراه دارد و باعث سرگشتی و موجب کینه‌توزی است» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۳۱)؛ اباعبدالله از رسول خداﷺ نقل می‌کند که فرمود: «فقر تقریباً مانند کفر است» (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۱۵، ص ۳۶۵)؛ پیامبر اکرمﷺ می‌فرماید: «خدایا از کفر و فقر به تو پناه می‌برم» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۶۷۹). این وضعیت در میان کشورهای مسلمان خصوصاً ایران نگران‌کننده است. داده‌های مرکز آمار ایران در مورد نحوه توزیع ثروت در ایران نشان می‌دهد اوج شکاف طبقاتی و توزیع نابرابر درآمد در ایران در سال ۵۴ با ضریب جینی ۰/۵ بوده است و در این سال ثروتمندترین دهک، ۳۴ برابر فقرا درآمد داشته‌اند که این نسبت در سال ۱۳۹۵ به ۱۰ برابر کاهش یافته و از سال ۹۶ دوباره روند صعودی پیدا کرده است. جدیدترین پژوهشی که توسط سازمان بهداشت جهانی (World Health Organization) و برنامه جهانی غذا (World Food Programme) نیز انجام شده، نشان می‌دهد بیش از ۸۲۰ میلیون نفر در سراسر جهان هنوز از فقر و گرسنگی رنج می‌برند (فاو و سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰).

پژوهش حاضر با کمک گرفتن از روش تحلیل متون اسلامی و روش عقلی و با استفاده از تکنیک پژوهش کتابخانه‌ای درصدد است تا پیشنهادی نظام اقتصادی اسلام در توزیع و تولید عادلانه ثروت و ریشه‌کنی فقر در جامعه اسلامی را مورد بررسی قرار دهد. به‌طور مشخص مطالعه حاضر به‌دنبال دستیابی به جواب این سؤالات است که: نظام اقتصادی اسلامی چه نقشی در بهبود وضعیت معیشتی

۲. نحوه ورود نظام‌مند پارامترهای ارزشی دین در

سیستم اقتصادی جامعه اسلامی

برای درک حقیقت دین در شکل‌دهی نگرش‌های افراد، ابتدا باید مفهوم دین روشن شود. رجوع به ادبیات متعارف در زمینه دین، گویای این حقیقت است که از نظر تعریف دین، گرچه آشنایی سطحی از کلیت دین در میان عموم مردم وجود دارد؛ اما تعریف صحیح و مورد توافقی از دین حتی در میان اندیشمندان مسلمان، فیلسوفان و یا دانشمندان علوم اجتماعی در غرب وجود ندارد (گاتری و همکاران، ۱۹۸۰).

یکی از کانال‌های عمده و اساسی ورود ارزش‌ها در اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف، نحوه برخورد با فرض عقلانیت است. درحقیقت نحوه تعامل هر دو سیستم به صورت غیرقابل انکاری بر نحوه توزیع ثروت و رفع فقر نیز تأثیرگذار است. نظریه عقلانیت علاوه بر مؤلفه‌های انتخاب عقلایی به محدودیت‌های شناختی تصمیم‌گیرنده نیز توجه دارد، محدودیت‌هایی شامل دانش و ظرفیت محاسباتی مصرف‌کننده (سیمون، ۱۹۹۰، ص ۱۵). به علاوه عقلانیت به عنوان موضوعی محوری در رویکرد رفتاری به اقتصاد محسوب می‌شود که عمیقاً بر فرایند تصمیم‌گیری واقعی افراد در اقتصاد تأثیرگذار است (سیمون، ۱۹۷۲، ص ۱۶۱). یکی از این فرایندهای تصمیم‌گیری نیز با نحوه برخورد افراد با فقرای جامعه مرتبط می‌شود. درحقیقت نحوه مواجهه اقتصاد متعارف با رویکرد عقلانیت عمیقاً بر شیوه‌هایی که افراد تحت آنها فرایند تصمیم‌گیری را انجام می‌دهند، تأثیرگذار است. محدودیت‌های مختلفی در زمینه انتخاب و گزینش، عدم تعریف دقیق و چارچوب صحیح معنایی و تعارض امیال و محدودیت‌های اخلاقی در ارتباط با رویکرد اقتصاد متعارف نسبت به عقلانیت اشاره شده است. فریدمن و لیونل رابینز با تردید در مورد فرضیه ارائه شده از عقلانیت، به عدم تعریف دقیق این رویکرد و مشخص نبودن چارچوب صحیح معنایی آن اشاره می‌کنند (فریدمن، ۱۹۵۳؛ رابینز، ۱۹۳۲). برخی دیگر از اقتصاددانان نهادی، همچون هیرشمن به محدودیت‌های انتخاب و گزینش افراد در تصمیم‌گیری اشاره می‌کنند، براین اساس حتی در صورت فرض وجود اطلاعات کامل و در دسترس بودن آن، افراد با محدودیت انتخاب و گزینش روبه‌رو هستند (هیرشمن، ۱۹۷۰؛ همو، ۱۹۸۲؛ بکر، ۱۹۶۲). آمارتیاسن به مردود بودن معیار نفع شخصی به عنوان ملاکی برای عقلانیت اشاره می‌کند. از نظر آمارتیاسن این معیار شامل تمامی

ارائه نمی‌دهند. تعریفی که در ادبیات اقتصاد متعارف بتوان در شرایط متفاوت بر آن تکیه کرد و به وسیله آن فقر را اندازه‌گیری کرد، در تعریف بانک جهانی ارائه شده است.

به طور کلی در ادبیات اقتصاد متعارف، فقر براساس سطح درآمد و مصرف سرانه هر خانوار اندازه‌گیری می‌شود. بر همین اساس در سال ۲۰۱۹، بانک جهانی بنابر اصل برابری قدرت خرید، خط فقر بین‌المللی را به جای یک دلار در روز به ۱٫۲۵ دلار در روز تعریف کرده است (بانک جهانی، ۲۰۱۹). براساس این رقم جدید، کسانی که کمتر از ۱٫۲۵ دلار در روز درآمد دارند تحت فقر مطلق طبقه‌بندی می‌شوند.

برخلاف تعدد آرای که در زمینه تعریف و مشخص کردن ابعاد فقر و غنا در ادبیات غیر از قرآن و سنت مورد بررسی قرار گرفت؛ رجوع به آیات و روایات در زمینه فقر و ثروت نشان می‌دهد که این دو واژه به طور مشخص در چهار معنای مختلف تعریف شده‌اند؛ الف. نیاز انسان به خداوند؛ همه موجودات و از جمله انسان به خداوند نیازمند است و خداوند از هر چیزی بی‌نیاز است ب. نیاز انسان‌ها به یکدیگر؛ انسان برای گذران زندگی نیاز به افراد هم‌نوع خود دارد؛ زیرا به تنهایی توانایی تأمین تمام نیازمندی‌های زندگی را ندارد و از این جهت همه انسان‌ها به نوعی به یکدیگر نیازمندند. ج. فقر نفس؛ ممکن است به انسان حالتی دست دهد که نفس و دل او خود را به مال، مقام یا چیز دیگری محتاج ببیند؛ چنین فقری فقر نفس است. د. فقر مالی و تهیدستی؛ که در مقابل آن ثروتمندی و داشتن مال به قدر نیاز و بیشتر قرار دارد و از این فقر و غنا در اقتصاد بحث می‌شود (هاشمی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷-۱۱۸). به علاوه جست‌وجو در آیات و روایات حول دو عنوان فقر و ثروت نشان می‌دهد که این دو واژه به صورت مطلق مورد نکوهش یا تمجید واقع نشده و بنا بر شرایطی که در آن موقعیت توصیف شده‌اند، صفات نکوهش یا تمجید نیز بر آنها بار گردیده است. به علاوه تمامی معانی فقر و ثروت مورد بحث در اقتصاد اسلامی واقع نمی‌شود؛ به عنوان نمونه فقر نفس در رسیدن به پُست و مقام یا فقر انسان به خداوند از جمله موضوعاتی است که اگرچه تحت عنوان فقر می‌توان از آنها بحث کرد؛ اما ربطی به موضوع بحث حاضر ندارند. آنچه از فقر و غنا در این پژوهش از آن بحث شده و نمونه‌های متعددی از آن در آیات و روایات ذکر شده است، فقر مالی و تهیدستی در مقابل توانگری و غنای مالی است.

آنها شامل اقداماتی در ابعاد مختلف احتیاطی، اصلاحی و تأسیسی می‌گردد که در ادامه این موارد بررسی شده است.



منبع: یافته‌های تحقیق

۳-۱. پارامترهای احتیاطی نظام اقتصادی اسلام

هر طرح فقرزدایی و توزیع عادلانه ثروت باید براساس تحقیق در مورد علل فقر باشد. در سطح کلان، دو دلیل احتمالی برای فقر وجود دارد: اول، سطح پایین تولید ناخالص ملی؛ درحقیقت در این سطح تحلیل دلایل فقر افراد در جامعه اسلامی در تولید ناخالص ملی سرانه پایین جست‌وجو می‌شود. دوم، توزیع نابرابر درآمد؛ در این سطح از تحلیل نیز دلایل وجود فقر در سیستم اقتصادی در این حقیقت است که درآمد در میان افراد معدودی متمرکز شده است و دیگران از این حق بی‌بهره یا کم‌بهره هستند. در سطح خرد، فقر دلیل بیکاری، معلولیت و... فقیر باشد. یا فقط به این دلیل که در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمده و از این‌رو از فرصت‌های اجتماعی برابر از جمله تحصیل، دسترسی به مشاغل پردرآمد، منابع مادی و غیره محروم بوده و این دلایل باعث فقر او شده است.

در این ارتباط توجه به آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد برنامه این سیستم کامل اقتصادی در جهت از بین بردن فقر و توزیع عادلانه ثروت همگی در یک سطح از تحلیل قرار نمی‌گیرند. به بیان دیگر اسلام در جهت مبارزه با این پدیده‌ها همه برنامه‌های خود را صرفاً به این امر اختصاص نداده که افراد در جامعه اسلامی به‌واسطه اموری که بیان شد، فقیر شوند، سپس برنامه‌هایی را ارائه کرده باشد؛ بلکه اسلام برخی اقدامات پیش‌دستانه و اصطلاحاً در این پژوهش به‌عنوان اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از این چنین پدیده‌هایی را نیز پیشنهاد کرده است. به‌علاوه با توجه به شرایط حاکم بر جوامع، به حاکم اسلامی نیز اختیاراتی در زمینه قانون‌گذاری واگذار شده است که به‌عنوان پارامترهای تأسیسی توسط ولی امر در این

انتخاب‌ها می‌شود علاوه بر اینکه نمی‌تواند توضیح مناسبی در مورد انگیزه‌های خیرخواهانه ارائه دهد (سن، ۱۹۷۷؛ همو، ۱۹۸۷). برخی از دیگر محققان همچون هربرت سیمون با ایجاد شک و تردید در مورد اصل توانایی افراد در تشخیص نفع شخصی به وجود محدودیت‌های شناختی افراد و همچنین محدودیت در دسترسی و پردازش اطلاعات اشاره می‌کنند (سیمون، ۱۹۹۰). تمامی این مؤلفه‌ها همان‌طور که قبلاً نیز اشاره گردید، می‌توانند بر نحوه تعامل فرد در اقتصاد غربی با افراد فقیر مؤثر باشند.

در مقابل، نظریه عقلانیت دینی از سه محور شکلی، روشی و محتوایی با رویکرد مقابل خود از عقلانیت در اقتصاد متعارف تفاوت دارد. از نگاه اسلامی عقلانیت دینی دارای مفهومی است که هیچ‌یک از اشکالات مطرح در نظریه عقلانیت بر آن وارد نمی‌شود. عقلانیت دینی علاوه بر توسعه در مبانی روش‌شناختی عقلانیت محدود یعنی دو مؤلفه پیشینه‌سازی نفع شخصی و سازگاری درونی، معیارهای دیگری نیز به عقلانیت اضافه می‌کند که از اشکالات اشاره شده در عقلانیت محدود همچون مشکلات شناختی، عدم تعریف دقیق و چارچوب صحیح معنایی و مشکلات انتخاب و گزینش در اقتصاد متعارف فاصله می‌گیرد. تمامی این پارامترها به‌نوبه خود در برخورد فرد مسلمان نسبت به فقیران و تهی‌دستان جامعه به صورت واضحی قابل نمود است.

۳. پارامترهای نظام اقتصادی اسلام در راستای توزیع عادلانه ثروت و رفع فقر

برنامه‌های رفع فقر و توزیع عادلانه ثروت باید همه این اصول را برای تدوین و اجرای سیاست مؤثر در نظر داشته باشند. بنابراین رویکرد نظام اقتصاد اسلامی در رفع فقر و توزیع و تولید عادلانه ثروت شامل سه سطح سیاستی: احتیاطی، اصلاحی و تأسیسی می‌گردد که می‌تواند به ارتقاء و رشد مواردی که در ادامه به آنها اشاره می‌شود، کمک کند: ۱. افزایش تولید ناخالص داخلی با یک برنامه توسعه اقتصادی عمل‌گرا و مؤثر؛ ۲. دستیابی به برابری در توزیع درآمد؛ ۳. فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای همه افراد جامعه در جهت ارتقاء شرایط اقتصادی اقشار محروم جامعه؛ ۴. رسیدگی به موضوعات خاص اقتصادی که به‌صورت کلی حکمی از جانب شرع در مورد آنها صادر نشده است. تدوین چنین سیاست‌هایی و اجرای

است؛ به گونه‌ای که هیچ فرعی از احکام الهی بدون در نظر گرفتن اصل عدالت قوام ندارد (امامی، ۱۳۸۹، ص ۲۵)، امیرمؤمنان علیؑ در باب اهمیت جایگاه عدالت آن را به مثابه شالوده‌ای می‌داند که قوام جهان بر آن استوار است (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۸، ص ۸۳).

۲-۳. منع از اسراف و تبذیر

اسراف در لغت به معنای تجاوز از حد معنا شده است؛ اگرچه این تجاوز از حد و زیاده‌روی در انفاق حاصل شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۰۷). معانی دیگری نیز که برای این واژه بیان شده، به تجاوز از حد بازگشت می‌کند. به عبارت دیگر هریک از کاربردهای این واژه متناسب با تجاوز از حد است (رجائی و خطیبی، ۱۳۹۲، ص ۳۱). تبذیر نیز در اصل به معنای پاشیدن بذر است؛ ولی به نحو استعاره به معنای پراکنده ساختن بدون جهت مال نیز به کار رفته است. در آیات شریفه قرآن مسرفین به اصحاب دوزخ «أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (غافر: ۴۳)، عدم دوستی خداوند با آنان «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام: ۱۴۱) و عدم هدایت آنان «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ» (غافر: ۲۸) معرفی شده‌اند، امری که نشان می‌دهد اسراف مورد نهی شارع مقدس و غضب اوست.

تأکید پژوهش حاضر بر این است که دولتمردان کشورهای اسلامی باید به بهترین نحو از این اموال عمومی بهره‌برداری کنند و نباید اسراف در زمینه منابع نفتی و امثال آن که از منابع بیت‌المال محسوب می‌شوند، صورت گیرد. وجود مبارک امام علیؑ در زمینه لزوم توجه جدی به بیت‌المال و صرف نکردن آن در موارد غیر ضرور و بیهوده، می‌فرماید: قلم‌های خود را ریز بتراشید و فاصله سطرها را کمتر کنید و جملات اضافی را حذف کنید و اصل مطلب را به عبارت مختصر بنویسید و مبدا قلم‌فرسایی کنید که به بودجه ملت مسلمان نباید زیانی متوجه شود: «أَدِقُّوا أَقْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ وَ إِحْدِفُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ وَ إِقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْثَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْأَضْرَارَ» (صدوق، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۱۰؛ حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۱۷، ص ۴۰۴). البته توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که استفاده از تکنولوژی و علوم در عدم اسراف، بسیار نقش مؤثری دارند و می‌توانند در ارتقای سطح مطلوب توسعه و رفاه کمک‌های قابل توجهی انجام دهند.

پژوهش از آنها یاد شده است و در نهایت احیاناً اگر به دلیل برخی شرایط، پدیده فقر و نابرابری توزیع ثروت در جامعه اسلامی رخ داد، برای این شرایط نیز آموزه‌های اسلامی تمهیداتی را اندیشیده و توصیه‌هایی را ارائه کرده است که در این تحقیق با عنوان پارامترهای اصلاحی از آنها یاد شده است.

پارامترهای احتیاطی پیشنهادی نظام اقتصادی اسلام در دو دسته قرار می‌گیرند: دسته اول مشتمل بر تقویت باورهای دینی مؤمنان از طریق آیات و روایات مختلف، خصوصاً در زمینه باب معاد می‌شود. دسته دوم پارامترهایی دارای بار سلبی و پیش‌گیرانه هستند. درحقیقت این پارامتر قبل از اقدامات تأسیسی و اصلاحی در جهت رفع فقر و توزیع عادلانه ثروت مورد نظر شارع قرار گرفته است. باین حال اگر پارامترهای احتیاطی نظام اقتصاد اسلامی مورد توجه قرار نگیرد و تا حدی فقر و نابرابری ثروت در جامعه اسلامی وجود داشته باشد که باید تا حد ممکن اصلاح شود، نوبت به اقدامات تأسیسی و اصلاحی می‌رسد.

۱-۳. تقویت باورهای دینی

در اسلام همان گونه که اصل فقر مورد پذیرش قرار نگرفته و فقر در هر سطحی باید از جامعه رفع گردد؛ برای ثروت‌ها نیز سقف مشخصی قرار داده نشده است، چراکه با توجه امکان رشد و افزایش ثروت کلی جامعه و ترقی سطح رفاه عمومی، برای افراد نیز این افزایش پدید می‌آید و اصولاً اسلام به کار و کوشش و کسب درآمد و افزایش ثروت به منظور تأمین اهداف اقتصاد اسلامی تشویق کرده است. قرار دادن سقف و تعیین حداکثر برای ثروت‌ها، با برخی از این اهداف از جمله رشد و توسعه منافات دارد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴۱۶). در این میان اگرچه خداوند برای افزایش ثروت کلی جامعه و ترقی سطح رفاه عمومی حد و مرزی قائل نشده است؛ اما به صورت غیرمستقیم و از طریق افزایش انگیزه‌های دینی افراد جامعه، مؤمنان را از انباشته شدن ثروت در دست عده‌ای محدود از افراد جامعه و فراموش شدن فقیران و مسکینان جامعه برحذر می‌دارد.

در حقیقت، اقتصاد اسلامی برخاسته از نظام ارزشی خاصی است که از وحی سرچشمه می‌گیرد و معیار اصلی و محور اساسی آن را عدالت تشکیل می‌دهد. همان گونه که توحید در تمام اعتقادات دینی و اخلاقی مسلمانان ریشه دارد، عدالت نیز در بین دستوره‌های زندگی مسلمانان، بعد از اعتقاد به یگانگی خداوند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

۳-۱-۳. منع از مصارف تجملی

کالاها و خدمات در دسته‌های متفاوتی تقسیم‌بندی می‌شوند؛ در یکی از این تقسیم‌بندی‌ها اقتصاددانان کالاها را به ضروری و تجملی دسته‌بندی می‌کنند. کالاهای ضروری به آنهایی اطلاق می‌شود که نیازهای واقعی و اساسی را برطرف می‌کنند؛ اما کالاهای تجملی و یا لوکس آنهایی هستند که نیازهای غیراساسی را مرتفع می‌سازند. به عبارت دیگر کالاهای لوکس به کالاهایی گفته می‌شود که از اندازه و میزان برطرف کردن نیاز فراتر رفته باشند و بیشتر حالتی برای نشان دادن خود و به رخ کشیدن پول، ثروت و سرمایه شخص به دیگران باشند (سان، ۲۰۱۸، ص ۵۱۳؛ ویکرز و ریناند، ۲۰۰۳، ص ۴۶۱؛ دادگر و رحمانی، ۱۳۸۱، ص ۵۹؛ سیدین و یاقوتی‌نیت، ۱۳۹۳، ص ۵؛ دربندی، ۱۳۹۴، ص ۸).

در این ارتباط از نظر اسلام به هیچ‌وجه تنگ‌نظری‌های صوفیانه در مصرف کالاها و خدمات قابل قبول نیست و رهبران الهی علاوه بر بیان مخالفت اسلام با چنین سخت‌گیری‌هایی عملاً در مقام مقابله با چنین برداشت‌های نادرست از زهد برآمده‌اند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۲۴). در آیات و روایات متعددی به این برداشت‌های نادرست اشاره شده است؛ از امام صادق علیه السلام در همین زمینه روایتی وارد شده که کثرت لباس مؤمن دال بر اسراف نیست: *ابن عمیره از اسحاق بن عمار نقل می‌کند: «به اباعبدالله گفتم: آیا مؤمن باید ده خرقه داشته باشد؟ او گفت: بله. گفتم: بیست؟ او گفت: بله. گفتم: سی؟ فرمود: بلی این اسراف نیست، بلکه اسراف آن است که جامه‌ای که خود به آن نیاز داری را انفاق کنی»* (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۳۲). یا در روایتی دیگر از امام سجاده علیه السلام روایت شده است که: *حسین بن محمد از معلی بن محمد از حسن بن علی الوشاء نقل می‌کند که فرمود: «از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: علی بن الحسین در تابستان دو لباس می‌پوشید که به پانصد درهم می‌خریدند»* (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۰، ص ۷۰۲). درحقیقت از نظر اقتصاد اسلامی فقر در اصل نامطلوب و ثروت مطلوب شمرده شده است. در این رابطه نظر اسلام در خصوص از بین بردن فقر این است که نه تنها فقر مطلق از همه افراد باید زدوده شود؛ بلکه فقر نسبی نیز باید از بین برده شود. غالباً فقری که در روایات مطرح و توصیه به از بین بردن آن شده، فقر نسبی است؛ و این بدین معناست که رفع فقر مطلق بدیهی شمرده شده است

(هاشمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶). به‌علاوه برخی آیات و روایات به صراحت دلالت بر مطلوبیت بهره‌مندی از نعمت‌های الهی دارد و کسانی که این نعمت‌ها را از خود محروم کرده‌اند، سرزنش می‌کند. به‌عنوان نمونه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: *«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»* (مائده: ۸۷)؛ یا در سرزنش کسانی که از نعمت‌های الهی استفاده نمی‌کنند، می‌فرماید: *«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»* (اعراف: ۳۲). آنچه که از نظر اقتصاد اسلامی مذموم است، تجمل‌پرستی، افراط در زیبایی و زیباسازی است. ما در روایات مشاهده می‌کنیم که حضرات معصومان علیهم السلام نمایش فقر و بدبختی و عقب‌افتادگی را تقیح کرده و به اظهار این نعمت‌ها توصیه کرده‌اند. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: *«إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ»* (قمی‌مشهدی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۶۲). اما آنچه که از بررسی تقاضاکنندگان این نوع کالاها مشخص می‌شود این است که تقاضای آنها تجمل‌پرستی و برای اظهار برتری بر دیگران و دال بر پیدایش روحیه استکباری در آنان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی پیدایش روحیه استکباری در این افراد را مانع از داخل شدن آنها در بهشت دانسته و ضمناً به دفع شبهه از بعضی اصحاب که گمان می‌کردند داشتن لباس آراسته و کفش مناسب از مصادیق روحیه استکباری است، پرداخته و فرمودند: کسی که در قلبش به اندازه ذره‌ای کبر وجود داشته باشد وارد بهشت نمی‌شود. به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردند: برخی از ما دوست دارد تا لباس نیکو و کفش آراسته‌ای بپوشد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد؛ اما کبر رد کردن حق و تحقیر انسان هاست: *«لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ مَنْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنَ الْكِبْرِ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أَحَدَنَا يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ تَوْبُهُ حَسَنًا وَ نَعْلُهُ حَسَنًا فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ لَكِنَّ الْكِبْرَ بَطْرُ الْحَقِّ وَ غَمَضُ النَّاسِ»* (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۳۶). بنابراین آنچه مفاد این روایت دلالت بر آن دارد پیدایش روحیه استکباری هنگامی در شخص ظاهر می‌شود که فرد به‌وسیله وسایل آراسته‌ای که در اختیار دارد، دیگران را فراموش کند. حضرت در این روایت ذره‌ای وجود این روحیه در شخص را مانع از ورود او به بهشت دانسته‌اند. نظام اقتصاد اسلامی درعین حال که استفاده از همه

دقیقاً در مقابل نظریه عدالت اسلامی قرار می‌گیرد؛ چراکه در این حالت نه تنها حد کفاف زندگی برای فقرا تأمین نمی‌شود؛ بلکه موجب انباشته شدن ثروت در دست اغنیاء نیز می‌گردد.

۱-۲-۳. اختیار قانون‌گذاری در قلمرو شریعت اسلامی

انسان در مجموعه روابط خویش با خالق هستی، با طبیعت، با انسان‌های دیگر و با خودش، نیازهای گوناگونی را جست‌وجو می‌کند. برخی از این نیازها ثابت و دائمی و برخی دیگر متغیر هستند و در بستر تحولاتی که در زندگی انسان رخ می‌دهد به‌وجود می‌آیند. به‌عنوان مثال نیاز انسان به ازدواج و تولید نسل و ضمانت و تأمین زندگی از احتیاجات همیشگی اوست؛ ولی نیاز انسان معاصر بر اینکه هنگام رانندگی از سمت راست خیابان حرکت کند و هنگام روشن شدن چراغ قرمز توقف کند، از احتیاجات متغیر او محسوب می‌شود؛ چراکه در دورانی که رفت و آمد و حمل و نقل با ماشین انجام نمی‌گرفت، هیچ‌گاه جامعه انسانی چنین نیازی را احساس نمی‌کرد. براساس این واقعیت، احکام و قوانینی که به‌منظور رفع کلیه این نیازها وضع می‌شوند، باید برخی از آنها ثابت و برخی دیگر متغیر باشند؛ زیرا نیازهای ثابت و همیشگی، احکام و قوانین دائمی می‌طلبند و با توجه به اینکه هیچ‌گاه در ساحت این نوع نیازها دگرگونی راه ندارد؛ احکامی هم که کیفیت اشباع آنها را بیان می‌کند نباید متغیر و زوال‌ناپذیر وضع شوند.

همچنین نیازهای متغیر را با احکام ثابت و لایتنیغیر نمی‌توان پاسخ داد؛ بلکه باید متناسب با این نیازها قوانین متغیر و موقت در نظر گرفت، در نتیجه یک سلسله از احکام اسلام ثابت و دائمی هستند و هیچ فردی نمی‌تواند تغییر و دگرگونی در آنها به‌وجود آورد و بالطبع هرگاه این مصالح منتفی شوند، احکام موضوعه هم بدون مورد خواهند بود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۱، ص ۴۹۰). اما در باب قوانین متغیر و موقت این اجازه به حاکم اسلامی داده شده تا احکامی را در باب مباحات وضع کند. وضع احکام در این مواردی که حکم مشخصی از جانب شرع وارد نشده به‌عنوان منطقه الفراغ شناخته می‌شود که اولین بار توسط شهید صدر در کتاب *اقتصادنا* ارائه گردید (صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۴۴۴).

براین اساس استدلال پژوهش حاضر مبنی بر این نکته است که ولی امر مسلمین و کارگزاران ایشان از این اختیار برخوردارند تا در

چیزهایی را که از جانب شرع حرام نشده، مجاز می‌داند؛ به‌سبب مصالحی دیگر، از جمله رفع فقر و توزیع عادلانه ثروت در جامعه اسلامی، محدودیت‌هایی در مصرف قرار داده است؛ حال چه این مصارف به حد اسراف و تبذیر رسیده باشد و چه نرسیده باشد.

۲-۳. پارامترهای تأسیسی نظام اقتصادی اسلام

عدالت در نظریه اسلامی زمانی محقق خواهد شد که حد کفاف زندگی برای فقرا فراهم شود و از انباشته شدن ثروت در دست اغنیاء جلوگیری شود (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۷؛ رجائی و معلمی، ۱۳۹۴؛ معلمی، ۱۳۹۰). شکی نیست که اسلام در باب رفع فقر، نه تنها به رفع مطلق فقر توصیه می‌کند؛ بلکه رفع فقر نسبی را نیز از وظایف حکومت اسلامی می‌داند. به این معنا که فقیر تنها شامل کسانی نمی‌شود که به نان شب محتاج هستند؛ بلکه اگر کسانی نیاز به مسکن، ابزار کار و یا وسیله نقلیه سواری داشته باشند، ولی نتوانند با کسب‌وکار خود آنها را تهیه کنند؛ چنین افرادی نیز در رویکرد اسلامی از جمله فقرا محسوب می‌شوند. در این زمینه در روایتی *اسماعیل بن عبدالعزیز* از پدرش نقل می‌کند که از وجود مبارک امام صادق ع سؤال می‌کند: «ما دوستی داریم که ارزش خانه او چهار هزار درهم است و غلام و کنیزی دارد؛ آیا می‌تواند از زکات استفاده کند؟ حضرت فرمودند، آری می‌تواند از آنها استفاده کند. و حضرت در ادامه می‌فرمایند نمی‌توان به چنین شخصی امر کرد که خانه و کنیز و غلام خویش را بفروشد؛ که این مورد باعث حفظ آبروی این فرد هستند؛ بلکه این شخص می‌تواند از زکات استفاده کند و خانه و غلام و شتر خویش را نباید بفروشد» (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۹، ص ۳۳۶؛ کلینی، ۱۳۴۲، ج ۳، ص ۵۲۶؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۹۳، ص ۶۰).

بنابراین آنچه در اینجا به‌روشنی از دیدگاه اسلامی قابل استخراج است، اینکه کالاها و خدماتی که مورد تقاضای داخلی است، در صورتی که در داخل وجود داشته باشد، می‌توان آنها را به فقیر به‌عنوان زکات تحویل داد؛ اما این موضوع مشروط بر این است که احکام شرعی متناسب با مقتضیات جامعه اسلامی وجود داشته باشد، تا بتوان آن را به‌عنوان زکات داد. در مواردی که احکام شرعی به درستی به کارگزاران حکومتی ابلاغ نشده، یا اینکه اصلاً قوانینی در این زمینه وجود نداشته باشد؛ نه تنها حقوق عامه مردم که از سطح زندگی متوسطی برخوردار هستند پامال می‌شود؛ بلکه فقرای جامعه نیز نمی‌توانند به خواسته‌های خود دستیابی داشته باشند؛ امری که

شبهات‌های فراوانی با مالیات دارند. البته برخی به‌صورت وجوبی و برخی به‌صورت مستحبی انجام می‌گیرد. پرداخت کفارات مالی، نذورات مالی، شبه‌مالیات‌های واجب هستند؛ اما صدقه، اطعام، بخشش، دین، وقف، هبه، هدیه و غیره مستحب هستند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۸۳).

۳-۳. پارامترهای اصلاحی نظام اقتصادی اسلام

عدالت اجتماعی در بعد اقتصادی از نظر اسلام با تأمین زندگی متوسط اجتماعی برای فقرا و جلوگیری از انباشته‌شدن بیش از حد ثروت در دست اغنیاء تحقق می‌یابد، قرآن کریم در این ارتباط می‌فرماید: آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است؛ تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به‌دست نگردد (حشر: ۷)؛ «ما أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْأَيْمَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَىٰ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»، در بعد رفع فقر توجه به این نکته ضروری است که اسلام معتقد است فقر باید در هر حدی از افراد برطرف شود و همه از زندگی آبرومندانه و بدون تنگنا برخوردار شوند. بدین‌گونه اسلام مفهوم و معنای ثابتی برای همه شرایط و اوضاع به فقر نداده است؛ مثلاً نمی‌گوید فقر ناتوانی از اشباع ساده نیازهای اساسی است؛ بلکه فقر را به معنای ملحق نشدن به سطح زندگی مردم می‌داند؛ به‌طوری‌که هرچه سطح زندگی مردم بالا رود، خط فقر نیز تغییر می‌کند.

براین‌اساس نظام اقتصادی اسلام در مرحله پارامترهای تأسیسی خود در جهت رفع فقر و توزیع و تولید عادلانه ثروت اقدام به وضع مالیات‌هایی کرده است که اجرای صحیح و دقیق آنها توسط کارگزاران حکومتی توزیع عادلانه ثروت و رفع فقر را تضمین می‌کند.

۳-۳-۱. مالیات‌های اسلامی

۱-۳-۳-۱. زکات و خمس

زکات در اصطلاح عبارت است از صدقه‌ای که به اصل شرع (و نه با نذر و قسم) واجب شده است. زکات به حقی واجب در مال که رسیدن آن به حد نصاب، شرط وجوب آن است؛ صدقه‌ای که در اصل به نصاب تعلق گرفته؛ قدر معین ثابت در مال یا در ذمه برای

جهت حفظ و تقویت عادلانه توزیع ثروت و هم به‌جهت رفع فقر مواردی را به‌عنوان حکم شرعی تصویب کرده و پیروی از آن را بر همه افراد جامعه الزامی کنند. نمونه‌های از این دسته نیز در روایات فراوانی به آن اشاره شده است. مواردی هم که حکم مشخصی از جانب الهی برای آن وجود نداشته، لکن ولی امر مسلمین یا کسانی که از طرف ایشان منصوب بوده‌اند، اقدام به تأسیس حکم شرعی در جهت حفظ منافع مسلمین کرده‌اند (به‌عنوان نمونه استفاده از تنباکو منعی از طرف شارع بر آن وارد نشده است؛ اما آیت‌الله شیرازی بر مبنای همین حقی که از آن بحث گردید، در برهه‌ای از زمان این حق استفاده برای افراد جامعه را تحریم کردند).

۲-۳-۲. مالیات‌های وضع‌شده توسط حاکم اسلامی

با توجه به گسترش وظایف دولت‌ها در رفع فقر و ایجاد توزیع عادلانه ثروت عمومی و از طرف دیگر عدم تکافوی مالیات‌های واجب و مستحب، در این زمینه حاکم اسلامی بر مبنای ولایت امری که دارد و می‌توان آن را از سوره مبارکه «نساء» آیه ۵۹: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» استفاده کرد و یا با استفاده از وجوب کفای در این زمینه می‌توان گفت حاکم اسلامی به‌جهت تأمین این اهداف، مالیات‌هایی را در جهت رفع فقر و باز توزیع عادلانه ثروت وضع گرداند.

به‌عبارت دیگر این‌گونه مالیات‌ها، ابزاری است که در شرایط مختلف به حاکم اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن، مشکلات جامعه اسلامی برطرف گردد و در مواردی که هماهنگ و همسو با حرکت نظام اسلامی است به‌کار گرفته شود (لشکری، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷). این مالیات‌ها که تحت عنوان مالیات‌های حکومتی نام برده می‌شود، بسیار محدود بوده و سهم ناچیزی را در بر می‌گیرد. اخذ مالیات‌هایی تحت عنوان زکات مال‌التجاره در زمان پیامبر ﷺ و برخی خلفا، وضع مالیات بر اسب‌ها در زمان حضرت علی ﷺ و غیره از جمله مالیات‌های حکومتی هستند (غفاری، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴). در اسلام پرداخت‌های مالی دیگری نیز وجود دارد که جنبه مالیاتی ندارند؛ به این معنا که یا به‌طور معمول به‌وسیله دولت دریافت و هزینه نمی‌شوند و یا پرداخت‌هایی هستند که براساس الزام و قانون انجام نمی‌گیرد. بنابراین یکی از دو مشخصه اساسی که مالیات‌ها دارند در این‌گونه پرداخت‌ها وجود ندارد؛ ولی درعین حال از نظر عملکرد و نتیجه،

پس منادی دستور داد: ای مسلمانان زکات مال خود را بپردازید تا وسیله‌ای برای قبولی نمازتان شود» (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۹، ص ۹).

آنچه از نصاب زکات و خمس به دست می‌آید، تأکید نظام اقتصاد اسلامی بر برخورداری مسلمین از حد متوسط زندگی است؛ و نشان می‌دهد که قبل از این نصاب، شخص ملزم به پرداخت خمس و زکات نیست. در حقیقت نظام اقتصاد اسلامی برای همه افراد مسلمان سطح متوسطی از زندگی را لازم می‌داند و کمتر از آن را ملزم به پرداخت انفاق‌های واجب نمی‌داند. این حد متوسط زندگی با بررسی نصابی از خمس و زکات در احکام دینی مشخص می‌شود، که مشمول پرداخت انفاق‌های واجب نیست. به علاوه نکته‌ای دیگر که از بیان این حد نصاب در باب خمس و زکات به دست می‌آید، در مورد افرادی است که از ثروت بیشتری برخوردار هستند که در نتیجه خمس و زکات بیشتری نیز باید پرداخت کنند؛ در نتیجه نه تنها ثروت در دست عده‌ای محدود گردش نمی‌کند؛ بلکه زمینه رفع فقر با افزایش وصول خمس و زکات از این افراد نیز فراهم می‌گردد. نکته سوم در باب این حد نصاب، عدم پرداخت تصاعدی این انفاق‌ها از جانب مؤدیان است که می‌تواند دلالتی بر این نکته باشد که نظام اقتصادی اسلام قصد ندارد به گونه‌ای از مؤدیان خمس و زکات وصول کند که انگیزه فعالیت اقتصادی از آنان سلب گردد.

موارد مصرف زکات و خمس نشان می‌دهد هدف اصلی موارد مصرف آنها رفع فقر است. پنج مورد از هشت صنفی که مستحق زکات هستند به گونه‌ای مرتبط با فقر هستند. این صنوف شامل ۱. فقرا؛ ۲. مساکین؛ ۳. بردگان؛ ۴. بدهکاران؛ ۵. در راه مانده (ابن سبیل) می‌گردد. سه صنف باقی‌مانده نیز شامل: ۶. کارگران؛ ۷. فی سبیل‌الله؛ ۸. مؤلفه القلوب: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» می‌گردد. در این میان کارگران به جهت خدمتی که در توزیع زکات انجام می‌دهند، مستحق زکات هستند.

۱-۲-۳-۱-۲ جزیه و خراج

خراج در دین اسلام نوعی از مالیات به شمار می‌رود که بر زمین و همچنین سالانه به مقدار معینی از محصولات کشاورزی یا مقداری از اموال مسلمانان شامل می‌شود (ابوعبید، ۱۴۰۸ق، ص ۹۲). جزیه نیز مالیاتی است که از اهل کتاب (زردتشتیان، یهودیان و مسیحیان)

حصول پاکي و رشد آن و اخراج بعض مال برای زیادت و نمو باقی مانده آن نیز تعریف شده است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۵، ص ۳-۲). البته اختلاف در تعبیر ناشی از اختلاف در معنای شرعی زکات نیست و رویکرد همه تعریف‌های یادشده به نوعی به کشف اجمالی معنای شرعی زکات بازمی‌گردد. در حقیقت زکات و خمس به عنوان انفاق واجب و پرداخت صدقه، اطعام و هبه به عنوان انفاق مستحب، نه تنها می‌توانند برخی احتیاجات ضروری نیازمندان را برطرف گردانند؛ بلکه به عنوان ابزاری اصلاحی می‌توانند از بروز بی‌عدالتی‌ها در توزیع ثروت و ایجاد فقر برای برخی افراد جامعه اسلامی جلوگیری کنند.

زکات به دو قسم؛ زکات مال و زکات بدن که از آن به زکات فطره نیز تعبیر کرده‌اند، تقسیم شده است. کاربرد زکات در رفع فقر و توزیع عادلانه ثروت نوع نخست آن است؛ اگرچه نوع دوم زکات نیز می‌تواند از این ویژگی‌ها برخوردار باشد. ضرورت و اهمیت فریضه زکات در آیات متعددی از قرآن کریم به آن اشاره شده است. در برخی از آیات به همراه نماز به آن امر شده است: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (بقره: ۴۳)، «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ» (بقره: ۸۳)، «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره: ۱۱۰).

و در آیاتی دیگر، پرداخت آن در ردیف اقامه نماز از ویژگی‌های مؤمنان شمرده شده است: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا» (بقره: ۱۷۷)؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآتُوا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۷). چنان که در روایات بسیاری به اهمیت، آثار و احکام آن اشاره شده است: محمد بن علی بن الحسین بن بابویه به سندش از حسن بن محبوب از عبدالله بن سنان نقل می‌کند: آیه زکات در ماه رمضان نازل شد: که فرمود: «از اموالشان صدقه بگیرد تا آنها را پاک و پاکیزه کنید» در ماه رمضان، رسول خدا ﷺ دستور داده و در میان مردم ندا داد که خداوند تبارک و تعالی شما را به زکات امر کرده است، همان گونه که شما را به نماز امر کرده تا اینکه فرمود: پس چیزی از اموال آنها را عرضه نکرد، تا اینکه روزه گرفتند و افطار کردند،

این حق با آنچه در سایر نظام‌های اقتصادی وجود دارد، تا حدودی متفاوت است. در نظام‌های اقتصادی مادی، تنها یک راه برای کسب حق «ثروت» وجود دارد و آن مشارکت مستقیم در فرایند تولید است. به عبارت دیگر، تنها عواملی که مستقیماً در تولید ثروت مشارکت داشته‌اند، قرار است در «ثروت» سهم داشته باشند و هیچ‌کس دیگری حق بهره‌مندی از چنین حقی را ندارد. در مقابل، اصل اساسی اسلام در این زمینه این است که «ثروت» اساساً متعلق به خداوند است و او به‌تنهایی می‌تواند احکام استفاده از آن را وضع کند. پس از نظر اسلام، نه تنها کسانی که مستقیماً در تولید ثروت مشارکت داشته‌اند؛ بلکه کسانی که خداوند کمک به آنها را بر دیگران واجب کرده، شریک مشروع در مال هستند. از این رو فقرا، درمانده‌ها، نیازمندان و تهیدستان نیز حق ثروت دارند و توجه به توزیع عادلانه ثروت می‌تواند این افراد را نیز بهره‌مند گرداند؛ چراکه خداوند بر همه ثروتمندانی که ثروت در وهله اول بین آنها تقسیم شده، واجب کرده است که مقداری از دارایی خود را به این افراد اختصاص دهند. قرآن کریم در این ارتباط تصریح می‌کند که با این کار نباید به‌هیچ وجه بر فقیر و مستمند منت بگذارند؛ زیرا فقط وظیفه خود را ادا می‌کنند، و مستمندان و فقیران حق دارند از مال آنان بهره‌مند شوند: «وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» و آنان که در اموالشان حقی معلوم است برای درخواست‌کننده [تهیدست] و محروم [از معیشت و ثروت] (معراج: ۲۴-۲۵).

به‌علاوه توزیع عادلانه ثروت در اسلام می‌تواند به‌جای اینکه موجب شود ثروت در دستان معدودی متمرکز شود، باعث گردد هرچه بیشتر ثروت در جامعه بچرخد تا تمایز فاحشی میان ثروتمندان و فقرا ایجاد نشود: «مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسْكِينِ وَ إِنْ أَسْبَغَ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۵۹)؛ آنچه خدا از [اموال و زمین‌های] اهل آن آبادی‌ها به پیامبرش بازگرداند، اختصاص به خدا و پیامبر و اهل بیت پیامبر و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان دارد؛ تا میان ثروتمندان شما دست به‌دست نگردد. دیدگاه اسلام در ارتباط با مزیت‌های این توزیع عادلانه این است که به‌هیچ فرد یا گروهی اجازه انحصار منابع اولیه ثروت را ندهد؛ بلکه به‌هریک از افراد جامعه حق مساوی برای بهره‌مندی عطا کرده است. معادن، جنگل‌ها، زمین‌های بایر غیرمالک، شکار و ماهی‌گیری، رودخانه‌ها،

ساکن سرزمین‌های اسلامی دریافت می‌شود. طبق قراردادی که با اهل کتاب منعقد می‌گردد حکومت اسلامی، امنیت جانی، مالی و عرضی آنها را برعهده می‌گیرد و در مقابل، آنان نیز موظف به پرداخت مالیات ویژه‌ای به‌نام «جزیه» می‌گردند. براساس عقد ذمه، شخص اهل کتاب به تابعیت کشور اسلامی در می‌آید و در تحت حاکمیت اسلام مانند سایر مسلمانان از عمده‌ترین حقوق شهروندی برخوردار می‌شود (شاهرویدی، ۱۴۲۶ق، ج ۴۵، ص ۲۰۸).

جزیه و خراج نیز در اختیار حکومت اسلامی و از منابع دولت اسلامی است که در راهی که مصلحت ببیند می‌تواند آنها را مصرف کند. یکی از راه‌های این مصرف نیز می‌تواند کمک به فقیران و مسکینان جامعه اسلامی در راستای رفع فقر از جامعه باشد.

۴. مزیت‌های توزیع عادلانه ثروت و رفع فقر

توزیع عادلانه ثروت و کمک به بهبود توزیع و تولید آن، دارای مزیت‌های متعددی است که در تحقیقات به آن اشاره شده است. تحقیقات متعددی در این زمینه نشان می‌دهد که توزیع عادلانه ثروت و رفع فقر می‌تواند به بهبود تشخیص چگونگی شکل‌گیری طبقات اجتماعی کمک کند (چاول و هرتانگ، ۲۰۱۶؛ اسکویپک، ۲۰۱۵؛ سیمینو و لوین‌اشتاین، ۲۰۱۳) به‌علاوه امکان درک بهتر ابعاد مختلف نابرابری‌های اقتصادی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را فراهم کرده و می‌تواند به کمک تصمیم‌گیران اقتصادی بیاید (فیشر و همکاران، ۲۰۱۶؛ یانتی و همکاران، ۲۰۱۵؛ همو، ۲۰۰۸).

بررسی آیات و روایات مرتبط با فقر و غنا نیز نشان می‌دهد اسلام با فقر به‌عنوان یک شر اجتماعی رفتار می‌کند؛ چراکه فقر می‌تواند وضعیت اجتماعی انسان در برابر خداوند را از طریق کفر تضعیف کند و مشکلات اجتماعی فراوانی را به‌وجود آورد و ملت‌های فقیر را در موقعیتی ضعیف در برابر دشمنان داخلی و خارجی آنها قرار دهد. به‌علاوه می‌تواند بر انجام تعهدات مذهبی فرد مسلمان در قبال برادران دینی خود و اسلام تأثیر گذارد. اهمیت توجه به این مقوله تا اندازه‌ای است که امام صادق علیه السلام از آن به خداوند پناه می‌برد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ وَسْوَاسِ الصُّدُورِ وَ مِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۶۸۷).

درحقیقت توزیع عادلانه ثروت در جامعه اسلامی باعث می‌شود تا هرکسی بتواند به حق خود برسد. اما در اسلام مفهوم و ضوابط

اسلام در راستای رفع فقر و توزیع عادلانه ثروت، صرفاً مرتبط با حوزه اقتصادی نیست؛ بلکه متغیرهای فرهنگی نیز در این زمینه از نقش اساسی برخوردار هستند.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.
- ابن‌ابی‌جمهور، محمدبن زین‌الدین، ۱۴۰۳ق، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینییه*، تحقیق مجتبی عراقی، قم، سیدالشهدا.
- ابوعبید، القاسم بن سلام، ۱۴۰۸ق، *کتاب الاموال*، تحقیق خلیل محمد هراس، بیروت، دارالفکر.
- امامی، محمد، ۱۳۸۹، *بازار مسلمانان: آداب و مقررات*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه بعثت.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۳۸۴، *تفصیل وسائل الشیعه*، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، چ ششم، قم، مؤسسه آل‌البتیة للاحیاء التراث.
- دادگر، یدالله و تیمور رحمانی، ۱۳۸۱، *مبانی و اصول علم اقتصاد کلیاتی از اقتصاد برای همه*، چ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- دربندی، سیدعلیرضا، ۱۳۹۴، «بررسی میزان تأثیر مدرک‌گیری در خرید برند کالاهای لوکس توسط مصرف‌کنندگان مطالعه موردی برند کالای زارا»، در: *ششمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد مدیریت و علوم مهندسی*، بلژیک.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ق، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالقلم.
- رجائی، سیدمحمدکاظم و سیدمهدی معلمی، ۱۳۹۴، *درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رجائی، سیدمحمدکاظم و مهدی خطیبی، ۱۳۹۲، *شاخص اسراف و معیارهای آن*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- سیدین، سیدسلیمان و محمدرضا یاقوتی‌نیت، ۱۳۹۳، «نقش و ماهیت رفتار مصرف‌کنندگان کالا و تأثیر مشتری‌مداری فروشندگان در خرید قطعی محصولات و وفاداری افراد به برند»، در: *کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت*، تهران.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۰۸ق، *اقتصادنا*، چ بیستم، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۶، *خصال*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، اسلامیه.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۱ق، *مصباح المتجهد و سلاح المتعبد*، تهران، المکتبه الاسلامیه للنشر و التوزیع.
- غفاری، هادی، ۱۳۸۶، *نظام اقتصادی صدر اسلام*، تهران، دانشگاه پیام نور.

دریابا، غنایم جنگی، همه اینها منابع اولیه ثروت هستند و هر فردی حق دارد از آنها براساس توانایی و کار خود استفاده کند؛ بدون اینکه کسی اجازه داشته باشد که بر آنها انحصاری داشته باشد: «ما أفاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ إِنْ أَسْبَبَلْ كَى لَا يَكُونَ ذَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر: ۷)؛ آنچه خدا از [اموال و زمین‌های] اهل آن آبادی‌ها به پیامبرش بازگرداند، اختصاص به خدا و پیامبر و اهل بیت پیامبر و یتیمان و مستمندان و در راهماندگان دارد، تا میان ثروتمندان شما دست به‌دست نگردد. و [از اموال و احکام و معارف دینی] آنچه را پیامبر به شما عطا کرد، بپذیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا سخت کیفر است.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله به‌بررسی پارامترهای پیشنهادی نظام اسلامی در راستای ریشه‌کنی فقر و تولید و توزیع عادلانه ثروت اختصاص داشت. به‌منظور نیل به این هدف، تمامی کتب حدیثی شیعه و قرآن کریم که در ارتباط با مسئله فقر و توزیع عادلانه ثروت بود، جمع‌آوری و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. در این ارتباط صرفاً به احادیث و آیاتی که لفظ فقر و ثروت در آنها بود، اکتفا نشده و احادیث و آیاتی که به‌نحوی دال بر فقر و ثروت بودند، جمع‌آوری گردید. بعد از جمع‌آوری آیات و روایات متعدد در این زمینه و ترجمه و تفسیر آنها، مواردی که دلالت واضحی بر مسئله نداشتند، حذف گردیدند و سایر آیات و روایات در سه دسته پارامترهای احتیاطی، اصلاحی و تأسیسی دسته‌بندی شدند. بدین منظور در ابتدا به مفهوم‌شناسی فقر و غنا در ادبیات متعارف توجه گردید. رجوع به ادبیات اقتصاد متعارف حاکی از آشفتگی گسترده‌ای در ابتدایی‌ترین مسائل این علم را نشان می‌داد؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌گونه شاخصی برای اندازه‌گیری جوامع فقیر و غنی در این ادبیات یافت نمی‌شد و این موضوع در حالی بود که رجوع به ادبیات اسلامی نشان از ترتیب و تنظیم این معانی و مشخص بودن شاخص‌های آنها داشت. در ادامه به‌بررسی مزیت‌های توزیع عادلانه ثروت و رفع فقر در چارچوب ادبیات اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف اشاره شد و بیان گردید که نحوه تأثیر‌گذاری پارامترهای پیشنهادی نظام اقتصادی

- Rowntree, B. S., 1988, *Poverty: A study of town life*, New York, Thomas Nelson, Temple University.
- Semyonov, M., & Lewin-Epstein, N., 2013, "Ways to richness: Determination of household wealth in 16 countries", *European Sociological Review*, N. 29(6), p. 1134-1148.
- Sen, A., 1977, "Rational fools: A critique of the behavioral foundations of economic theory", *Journal of Philosophy and Public Affairs*, N. 6(4), p. 317-44.
- Sen, A., 1987, "Rational behavior", in J. Eatwell, & et al. (eds.), *The New Palgrave, A dictionary of economics*, New York, The Macmillan.
- Simon, H. A., 1990, "Bounded rationality", in *Utility and probability*, London, Palgrave Macmillan.
- Skopek, N., 2015, *Wealth as a distinct dimension of social inequality*, Bamberg, Germany, University of Bamberg Press.
- Sun, D., 2018, "Literature review on importing tax policy of China's luxury goods", *Journal of Modern Economy*, N. 9(3), p. 510-527.
- Tussing, A. D., 1991, *The Encyclopedia Americana*, Connecticut Grolier Incorporated.
- Vickers, J. S., Renand, F., 2003, "The marketing of luxury goods: An exploratory study three conceptual dimensions", *The Marketing Review*, N. 3(4), p. 459-478.
- Wolff, E. N., 2016, "Household wealth trends in the United States, 1962 to 2013: What happened over the Great Recession?", *The Russell Sage Foundation Journal of the Social Sciences*, N. 2(6), p. 24-43.
- World Food Programme, 2019, *Food security and nutrition in the world*.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۰۶ق، *الواقی*، تعلیق و تحقیق ضیاءالدین، تصحیح کمال فقیه ایمانی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین.
- قمی مشهدی، محمدین محمدرضا، ۱۳۶۷، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمدین یعقوب، ۱۳۴۲، *الکافی*، شرح محمدصالح مازندرانی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، المكتبة الاسلامية للنشر و التوزيع.
- لشکری، علیرضا، ۱۳۸۰، *نظام مالیاتی اسلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۶، *بحار الانوار*، چ پنجم، تهران، المكتبة الاسلامية.
- معلمی، سیدمهدی، ۱۳۹۰، *راهبردهای تحقق عدالت براساس آموزه‌های اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۲، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ترجمه عباس قوچانی، چ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، ۱۳۹۱، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*.
- هاشمی، سیدمحمود و همکاران، ۱۳۹۷، *مبانی اقتصاد اسلامی*، چ ششم، تهران، سمت.
- Atkinson, A. B., & Bourguignon, F., 2001, "Income distribution", *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences*, p. 7265-7271.
- Becker, G. S., 1962, "Irrational behavior and economic theory", *Journal of Political Economy*, N. 52, p. 1-13.
- Chauvel, L., & Hartung, A., 2016, *Malaise in the western middle classes, World social science report challenging inequalities: Pathways to a just world*, Paris, UNESCO Publishing.
- Drewnowski, J., 1976, *The definition and measurement of poverty*, The Hague, Institute of Social Studies.
- FAO, 2020, *Impacts of coronavirus on food security and nutrition in Asia and the Pacific: building more resilient food systems*, (June), 1-9.
- Fisher, J., Johnson, D., Latner, J. P., Smeeding, T., & Thompson, J., 2016, "Inequality and mobility using income, consumption, and wealth for the same individuals", *The Russell Sage Foundation Journal of the Social Sciences*, N. 2(6), p. 44-58.
- Friedman, M., 1953, "The methodology of positive economics", in *Friedman, Essays in Positive Economics*, Chicago, University of Chicago Press.
- Geremek, B., 1994, *Poverty: A history*, Blackwell Publishers, Oxford.
- Guthrie, S., Agassi, J., Andriolo, K. R., Buchdahl, D., Earhart, H. B., Greenberg, M., & Tissot, G., 1980, "A cognitive theory of religion", *Journal of Current Anthropology*, N. 21, p. 181-203.
- Hanson, J. L., 1986, *A Dictionary of economics and commerce*, London, Pitman Publishing Ltd.
- Hirschman, A. O., 1970, *Exit, voice and loyalty*, Cambridge, Mass: Harvard University Press.
- Hirschman, A. O., 1982, *Shifting involvements*, Princeton, University Press.
- Jäntti, M., Sierminska, E., & Smeeding, T., 2008, *The joint distribution of household income and wealth: Evidence from the Luxembourg Wealth Study. OECD Social, Employment and Migration Working Papers 65*, Paris, France, OECD Publishing.
- Jäntti, M., Sierminska, E., & Van Kerm, P., 2015, "Modeling the joint distribution of income and wealth", *Research on Economic Inequality*, N. 23, p. 301-327.
- Piketty, T., 2014, *Capital in the twenty first century*, Cambridge, MA, Belknap Press.
- Robbins, L., 1932, *An essay on the nature and significance of economic science*, London, Macmillan.

نوع مقاله: ترویجی

موانع رشد تولید از دیدگاه اسلام

سمیه یوسفی / دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آیتالله حائری میبد

usofi.sara@yahoo.com  orcid.org/0000-0001-5737-3412

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

چکیده

اسلام خواهان عزت و اقتدار مسلمین در تمامی عرصه‌ها و از جمله عرصه اقتصادی است و کار و تولید مقدمه رسیدن به این هدف است. از این رو اسلام برای کار و تولید اهمیت ویژه‌ای قائل شده و مسلمانان را به سوی آن دعوت می‌کند و در شرایطی که دشمنان اسلام با ترفندهای مختلف سعی می‌کنند با ضربه‌زدن به اقتصاد مسلمین آنها را تحت سیطره خود در بیاورند؛ با برشمردن موانع رشد تولید و تکیه بر فعالیت‌های مختلف تولیدی آنها را به مقابله با دشمنان دعوت می‌کند. رفع موانع تولید و رسیدن به رشد تولید و خودکفایی مسلمین و بی‌نیازی جستن از سرزمین‌های کفر، روش‌ها و راه‌کارهای بی‌عیب و نقصی را می‌طلبد که تنها از طریق یک مکتب فرامادی و الهی قابل استخراج است. در این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده سعی بر آن است تا با تکیه بر آیات و سخنان گهربار ائمه معصومان علیهم‌السلام به معرفی موانع رشد تولید در راستای رسیدن به رشد و اقتدار اقتصادی مسلمین بپردازیم. براساس نتایج به دست آمده از تحقیق، موانع تولید عبارتند از: شرک به خدا، کفران نعمت، عدم بهره‌برداری از سرمایه‌های طبیعی، اسراف در منابع تولید، فعالیت‌های عقیم اقتصادی، ثروت‌اندوزی، تمرکز ثروت در دست اغنیاء، عدم تخصص‌مداری در امر تولید، چشم‌داشت به امکانات دشمن، رباخواری، عدم رعایت اصول و معیارهای تولید در جامعه اسلامی فعالیت‌های عقیم اقتصادی، ثروت‌اندوزی، تمرکز ثروت در دست اغنیاء، چشم‌داشتن به امکانات دشمن.

کلیدواژه‌ها: موانع، تولید، قرآن، اسلام.

مقدمه

در شرایطی که جوامع اسلامی با مشکلات اقتصادی از قبیل تورم، بیکاری، فقر و... دست و پنجه نرم می‌کنند و سران کفر نیز از این وضعیت لذت برده و حتی سعی می‌کنند که به‌منظور تسلط بر مسلمانان، بر دامنه این مشکلات بیفزایند (آل عمران: ۱۱۸)، بهترین راه خلاصی را می‌توان در رفع موانع تولید و رشد تولیدات داخلی همراه با بهبود کیفیت کالاها و خدمات جست‌وجو کرد.

هر جامعه‌ای برای اینکه بتواند در زمینه تولید به رشد و پیشرفت دست پیدا کند، در ابتدا باید از سرمایه‌های موجود در سرزمین خود بهترین استفاده را ببرد و از این طریق منافع اقتصادی خود را تأمین کند. اسلام به‌عنوان کامل‌ترین مکتب الهی، افزایش هرچه بیشتر تولید و بهره‌برداری از طبیعت تا حداکثر ممکن را در چارچوب مقرراتی خاص، مورد تأکید قرار داده و تجاوز از این حدود را جایز نمی‌داند؛ چنانچه خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (مائده: ۸۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده بر خود حرام نکنید، و از حد تجاوز نکنید؛ زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد.

البته در این مسیر موانعی، رشد تولید را به مخاطره انداخته و تهدید می‌کند؛ ولی اسلام با اندیشیدن تدابیری به مبارزه با این موانع پرداخته و از به هدررفتن سرمایه‌ها در راه‌های غیرتولیدی و زیان‌بار جلوگیری به‌عمل آورده است.

در زمینه تولید و مباحث مربوط به آن در اقتصاد اسلامی، کتاب‌های زیادی نوشته شده است؛ مانند: *سیستم اقتصادی اسلام* (حجازی، ۱۳۵۷)، *اقتصاد در مکتب اسلام* (حجتی کرمانی، ۱۳۵۰)، *نظری به نظام اقتصادی اسلام* (مطهری، ۱۳۷۵)، *مقایسه‌ای بین سیستم‌های اقتصادی* (مظاهری، بی‌تا)؛ که در این کتب فقط به بررسی نظام‌های اقتصادی مختلف و مقایسه آنها با یکدیگر پرداخته‌اند. برخی کتب دیگر مانند: *توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث* (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۲)، *خطوط کلی اقتصاد در قرآن و روایات* (خوش‌نویس، ۱۳۵۹) نیز تنها به معرفی آیات و روایات در زمینه موضوعات اقتصادی مختلف پرداخته‌اند و تعدادی دیگر از این کتب مانند: *اقتصادنا* (صدر، ۱۳۵۷)، *درآمدی بر اقتصاد اسلامی* (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۳) و *مبانی اقتصاد اسلامی*

(دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴)، *شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام* (خلیلیان، ۱۳۹۰) هم به مباحثی چون انواع مالکیت در اسلام، تولید، توزیع و مصرف، ماهیت و وظایف اقتصادی دولت پرداخته‌اند. این‌گونه کتاب‌ها هم که به مبحث تولید پرداخته‌اند، بیشتر از دید فقهی به این مسئله نگریسته‌اند.

کتاب دیگری با عنوان *اقتصاد در قرآن* (ابراهیمی، ۱۳۷۵) نیز به‌چاپ رسیده که در آن به مباحث مختلف تولید، توزیع، مصرف و رشد پرداخته شده است؛ ولی در قسمت تولید، مباحث مربوطه بدون اینکه از هم مجزا شوند، به‌صورت درهم در کنار یکدیگر مطرح شده‌اند. در این قسمت علاوه بر ذکر عوامل تولید چون زمین، باران و نیروی انسانی، از حیوانات به‌عنوان مهم‌ترین منابع اقتصادی، عسل و خرما به‌عنوان دو غذای اساسی، عسل به‌عنوان غذا و دارو و بحث‌هایی چون آهن، سدسازی، فعالیت اقتصادی زنان، بهره‌برداری از دانه‌های روغنی، تقسیم کسب‌ها و درآمدهای غیرمشروع سخن به‌میان آمده است. کتاب *مالکیت، کار و سرمایه* (پیمن، ۱۳۵۶) نیز در مبحث کار به مسائلی چون مالکیت زمین و منابع طبیعی، آزادی بشر، برابری زن و مرد، مبارزه اسلام با بردگی و برده‌داری و در مبحث سرمایه به مسائلی چون دیدگاه اسلام در مورد ثروت، انفاق مازاد بر نیاز انسان، مسئله استثمار و چگونگی پیدایش سرمایه‌داری پرداخته است. کتاب مختصر دیگری هم در زمینه *تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی* (گروه مطالعاتی مؤسسه قرآنی ندای ملکوت، ۱۳۹۱) به‌چاپ رسیده که بیشتر به بیانات مقام معظم رهبری در سال حمایت از کار و سرمایه ایرانی پرداخته است. بنابراین با وجود تألیفات گسترده در زمینه اقتصاد اسلامی، کتاب، پایان‌نامه یا مقاله‌ای مستقل در زمینه موانع تولید از دیدگاه اسلام که در جهت رسیدن به عزت و اقتدار اسلامی باشد، یافت نشد.

هدف از این پژوهش پاسخ‌گویی به این سؤال است که موانع

تولید از دیدگاه اسلام چیست؟

از دیدگاه قرآن، موارد متعددی در رکود فعالیت‌های تولیدی دخیل هستند که در ادامه به بیان و بررسی این موارد خواهیم پرداخت.

۱. شرک به خدا

یکی از موانع رشد تولید که از آیات قرآن برداشت می‌شود «غرور و

آن که بگذریم مرحله زبان فرا می‌رسد؛ ولی از آن بالاتر، مرحله عمل است، شکر عملی آن است که درست بیندیشیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده است؛ آن را در مورد خودش صرف کنیم که اگر نکنیم کفران نعمت کرده‌ایم (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۰ ص ۲۷۸).

برای اینکه بدانیم هدف از آفرینش نعمت‌ها چیست، باید ابتدا هدف از آفرینش انسان را دریابیم؛ زیرا براساس آیات قرآن، نعمت‌ها برای انسان و بهره‌مندی او از آنها آفریده شده است (نازعات: ۳۳؛ ق: ۱۱).

خداوند در قرآن هدف خود را از آفرینش انسان، عبادت معرفی می‌کند (ذاریات: ۵۶)؛ عبادتی که براساس عشق و محبت باشد (مائده: ۵۴) نه از روی ترس از عذاب و نه از روی طمع برای بهشت (هرچند این دو نوع عبادت هم در حد خود مورد پذیرش است)؛ عبادتی خالصانه که فقط به‌خاطر استحقاق او برای عبادت صورت می‌گیرد.

این عشق و محبت را به صراحت در سخنی از امیرمؤمنان علیؑ می‌توان مشاهده کرد که فرمودند: «مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ وَلَا كِنَ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷ ص ۱۹۷؛ جزائری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۱۴۷).

عشق و محبت نیز به‌دنبال تبعیت حاصل می‌شود. ادعای دوستی و محبت خداوند زمانی تحقق پیدا می‌کند که از فرامین و دستورات او اطاعت شود و اصلاً وجود یکی بدون دیگری معنا ندارد؛ زیرا حالت عکس آن هم تبعیت از روی ترس و طمع است نه از روی محبت.

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، شکر حقیقی زمانی صورت می‌گیرد که استفاده از نعمت‌ها، در جهت خداوند و آنچه که او دستور داده، هدایت شود و در تمامی زمان‌ها و شرایط مختلف رضایت مالک حقیقی (حدید: ۷) آنها مدنظر قرار گیرد. در این زمان است که وعده خداوند «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» تحقق پیدا می‌کند و باعث فزونی نعمت‌ها و رشد تولیدات در زمینه‌های مختلف می‌گردد. امام باقرؑ طی سخنی در این زمینه از امیرمؤمنان علیؑ نقل می‌کنند که فرمود: «به‌خدا سوگند سرنوشت هر ملتی که غرق در نعمت‌های سرشار الهی زیست و از سر تقوا پیوسته در پیروی از خدا و سپاس از نعمت‌های او گذراند، تغییر نکرد و این [خوشبختی‌ها] از جامعه ایشان رخت بر نیست، مگر پس از آنکه از درون دگرگون شدند و از پیروی خداوند روی بر تافتند... و جانب خدای را کاستند و از مراقبت الهی چشم فرو بستند و سپاس نعمت‌های او را سست گرفتند. پروردگار در کتاب

شکر به خداوند» است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَ أَحْيَبَ ثَمَرَهُ فَأَصْحَحَ يُقَلِّبُ كَيْفَهُ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا» (کهف: ۴۲)؛ و ثمره و میوه‌هایش همه نابود گردید و او (از شدت حزن و اندوه) بر آنچه در باغ خرج کرده بود، دست بر دست می‌زد که بنا و اشجارش همه ویران و خشک شده بود و می‌گفت: ای کاش من احدی را با خدای خود شریک نمی‌ساختم.

براساس این آیه عاملی که باعث از بین رفتن باغ و محصولات آن شد «شکر به خداوند» است. ممکن است در اینجا این سؤال مطرح شود که جوامع زیادی وجود دارند که مشرک به خدا هستند و غرورشان به حدی است که منابع اقتصادی کشورشان، برایشان کافی نبوده و دست به چپاول دیگر کشورها می‌زنند؛ اما از نظر رشد اقتصادی نسبت به کشورهای اسلامی در بهترین وضعیت قرار دارند. در جواب باید گفت که هدف نظام اقتصادی اسلام چیزی فراتر از کسب درآمد و سود بیشتر است. این هدف در جهت هدف خلقت پایه‌ریزی شده؛ به‌طوری که عوامل مؤثر در تولید با انگیزه اطاعت و بندگی خداوند به فعالیت تولیدی می‌پردازند؛ درحالی که در این جوامع هدف از تولید صرفاً کسب ثروت و منفعت بیشتر است و این ثروت اگرچه ممکن است تا حدودی منافع دنیوی آنها را تأمین کند، ولی هیچ بهره‌ای برای آخرت آنها به‌همراه نخواهد داشت و حتی سعادت دنیوی آنها را نیز در پی نخواهد داشت؛ زیرا استثمار سایر ملل، موجب دشمنی آنها بر علیه جامعه و دولت استثمارگر خواهد شد.

۲. کفران نعمت

یکی دیگر از موانع رشد تولید، کفران نعمت‌های خداوند است؛ زیرا خدا در قرآن می‌فرماید: «وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم: ۷)؛ (و باز به‌خاطر آرید) وقتی خدا اعلام فرمود که شما بندگان اگر شکر نعمت به‌جای آرید بر نعمت شما می‌افزایم و اگر کفران کنید عذاب من بسیار سخت است.

پس تنها شکر نعمت است که باعث افزایش نعمت می‌شود و این نکته را هم باید در نظر داشت که حقیقت شکر تنها تشکر زبانی یا گفتن «الحمدلله» و مانند آن نیست؛ بلکه شکر دارای سه مرحله است: نخستین مرحله آن است که به دقت بیندیشیم که بخشنده نعمت کیست؟ این توجه و ایمان و آگاهی پایه اول شکر است، و از

استوارش می‌فرماید: خداوند سرنوشت هیچ ملتی را دگرگون نساخت، مگر اینکه خود دگرگون شدند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۵۶).

بنابراین اجتماعی که کفران ورزیده و نعمت‌ها را در راه خدا سرمایه‌گذاری نکرده، وسیله را هدف قرار داده و از خرسندی خلق خدا روی برتافته و به جمع و اندوختن ثروت پرداخته و به رباخواری، احتکار، گران‌فروشی، کم‌فروشی، غصب، استثمار، خیانت، ظلم، سرقت و دیگر راه‌های نامشروع دست زده و جامعه خود را به پرتگاه سقوط کشانده، برای رهایی و نجات خود، راهی در پیش ندارد جز اینکه از این راه شیطانی بر گردد و به خواسته‌های الهی گردن نهد و آنچه را انباشته در اختیار همگان قرار دهد و تهی‌دستی و نیاز را از مردمان بزدايد و با سرمایه‌های کنز شده خود، مشکلات اقتصادی جامعه را حل کند.

این انقلاب و دگرگونی در احوال نظام و جامعه و مردم، بخشش و توجه‌خدايي را موجب می‌گردد و آسایش و آرامش و پایداری را به جامعه باز می‌گرداند (حکیمی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۸).

ممکن است در اینجا شبهه‌ای مطرح شود که چرا بسیاری از جوامع کفر با وجود طغیان و فساد بسیار، در رفاه اقتصادی به سر می‌برند؟ در پاسخ باید گفت که برنامه‌ها و سنت‌های الهی متعدد و دارای مراحل است. همان‌گونه که کنترل رزق برای جلوگیری از طغیان و فساد یک سنت عمومی است، توسعه رزق و مهلت دادن به مرفهان به‌منظور آزمایش یا مجازات نیز یک سنت است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۰۲).

۳. عدم بهره‌برداری از سرمایه‌های طبیعی

خداوند نیازهای انسان را در طبیعت قرار داده و انسان‌ها را به بهره‌برداری از این نعمت‌ها دعوت می‌کند: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (ملک: ۱۵)؛ او آن‌خدايي است که زمین را برای شما نرم و هموار گردانید؛ پس شما در پستی و بلندی‌های آن حرکت کنید و از روزی او بخورید و (بدانید که) بازگشت همه خلاق به سوی اوست. و انسان‌ها را در قبال عدم استفاده از آنها مورد توبیخ قرار می‌دهد: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف: ۳۲)؛ بگو چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده، حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده؟

در این آیه با لحن تندتری به پاسخ آنها که گمان می‌برند تحریم

زینت‌ها و پرهیز از غذاها و روزی‌های پاک و حلال، نشانه زهد و پارسایی و مایه قرب به پروردگار است، پرداخته و می‌گوید: ای پیامبر بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگانش آفریده و همچنین مواهب و روزی‌های پاکیزه را تحریم کرده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۴۹).

از مجموع دو آیه می‌توان دریافت که خداوند نعمت‌های موجود در طبیعت را آفریده تا انسان‌ها در جهت رشد تولید و رفاه اقتصادی به بهره‌برداری از آنها بپردازند و افراد زاهد و پارسا نه تنها نباید خود را از بهره‌گیری از نعمت‌های الهی محروم کنند؛ بلکه براساس نص صریح قرآن آنها به استفاده از مواهب و امکانات موجود شایسته‌ترند: «قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (اعراف: ۳۲)؛ بگو: این [نعمت‌ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان است.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا، فَأَحَقُّ أَهْلِهَا بِهَا أَبْرَارُهَا، لَا فَجَّارُهَا، وَ مُؤْمِنُهَا، لَا مُنَافِقُهَا، وَ مُسْلِمُهَا، لَا كُفَّارُهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۷، ص ۲۱۳)؛ زمانی که نعمت‌ها وفور یافت و دنیا به انسان روی آورد، بندگان صالح و شایسته و افراد با ایمان و مسلمان به استفاده از آن مواهب و امکانات سزاوارترند، نه بدکاران، منافقان و کافران.

براساس سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خداوند دوست دارد که اثر نعمت‌هایش را در زندگی بندگانش مشاهده کند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۵) و اگر جامعه اسلامی به هر دلیلی در اثر استفاده نکردن از این نعمت‌ها به فقر و عقب‌ماندگی دچار شود، به حکم قانون الهی که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ خدای متعال آن ملت را به همان حال فقر و عقب‌ماندگی نگه می‌دارد.

شاید به‌همین دلیل استفاده از سرمایه‌های طبیعی در جهت رشد تولید است که خداوند در قرآن انسان‌ها را به بهره‌مندی از زمین و آبادانی آن دعوت می‌کند (هود: ۶۱) و پیامبر گرانقدرش در جهت تشویق افراد در به‌کارگیری سرمایه‌های طبیعی، مالکیت زمین‌های موات که متعلق به خدا و رسول صلی الله علیه و آله است را در صورت احیای آنها به احیاکننده‌اش واگذار می‌کند (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۱۱۱)؛ ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۴۸۰؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۲۴).

خداوند در قرآن کسب درآمد از این طریق و سایر طرق مشابه را مورد نهی قرار داده و فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمُ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (نساء: ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا نخورید.

«باطل» در مقابل «حق» است و هر چیزی را که ناحق و بی‌هدف و بی‌پایه باشد را دربرمی‌گیرد؛ بنابراین هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون حق و بدون یک مجوز منطقی و عقلایی بوده باشد، ممنوع شناخته شده و همه تحت عنوان «باطل» که مفهوم وسیعی دارد، قرار می‌گیرد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۵۵). این قبیل درآمدها و آلودگی به آن، مفید بودن و تحرک اقتصادی انسان را از بین می‌برد و اسلام با تحریم کسب درآمد از راه این‌گونه تولیدات، علاوه بر جلوگیری از فساد و امور مترتب است، بسیاری از نیروهای تولیدی و مواد طبیعی را که می‌توانست در این‌گونه مسیرهای انحرافی قرار گیرد، برای بهره‌برداری صحیح آزاد کرده است و اگر تنها از بعد اقتصادی ملاحظه شود، می‌تواند در جامعه اثر مثبتی بگذارد؛ زیرا اشتغال عوامل تولید در مسیرهای انحرافی، علاوه بر آنکه موجب عدم استفاده از آنها در تولید مفید می‌گردد، قسمتی از درآمد حقیقی جامعه را نیز به‌خود اختصاص می‌دهد؛ زیرا به‌رحال باید نیازهای واقعی افراد شاغل در این‌گونه تولیدات برآورده شود؛ در صورتی که خود، تولید واقعی ندارند و ناگزیر موجب کاهش سهم دیگران می‌گردند. به‌علاوه مصرف‌کنندگان چنین تولیداتی نیز نیروی کار خویش را از دست می‌دهند؛ زیرا افراد به‌جای آنکه اوقات خود را صرف کارهای سازنده یا تفریحات سالم و یا سایر وظایفی که به عهده دارند بکنند، در این مسیرهای انحرافی گرفتار شده و اوقات خود را به‌بطالت می‌گذرانند و چه‌بسا موجب گردد که انگیزه فعالیت و نیروی کار به‌طور کلی در آنها از بین برود و گسترش این امر موجب می‌شود کم‌کم درآمد حقیقی و سودمند جامعه پایین بیاید و در این هنگام است که به‌ناچار بیشترین درآمدها صرف هزینه‌های جاری و مستمر شده و ذخیره کافی برای سرمایه‌گذاری باقی نخواهد ماند و یا روند سرمایه‌گذاری جامعه رو به کاهش می‌گذارد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۳، ص ۲۹۵)؛ در صورتی که عوامل خنثاکنده‌ای در اینجا وجود نداشته باشد، این عیاشی‌ها و بطالت‌ها که معمولاً با سایر عوامل تباهی همراه است، آثار شومی را بر اوضاع عمومی و جریان تولید بر جای خواهد گذاشت و موجبات سقوط جامعه را فراهم خواهد آورد (اسراء: ۱۶).

موضع‌گیری دین در راستای عدم بهره‌مندی از سرمایه‌های طبیعی به این علت است که منابع تولیدی همیشه زیر کشت و بهره‌گیری باشند و تولیدات مسلمین به نهایت رشد خود برسد.

۴. اسراف در منابع تولید

اسراف از جمله مواردی است که سرمایه و امکانات را از مسیر اصلی تولید منحرف ساخته و به مسیر تباهی می‌کشاند و طبیعی است که تباه‌سازی امکانات و استفاده مصرف‌گرایانه از دارایی‌ها نابخراندانه است و نمی‌تواند به آبادانی و سازندگی اصولی بیانجامد.

خداوند حکیم این عامل را نیز از نظر دور نداشته و در این زمینه فرموده است: «... كَلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱)؛ ... بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید، که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد.

در این آیه پس از امر به خوردن و نوشیدن از اسراف در نعمت‌های خداوند منع کرده است.

کلمه «اسراف» کلمه بسیار جامعی است که هرگونه زیاده‌روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود، و این روش قرآن است که به‌هنگام تشویق به استفاده کردن از مواهب آفرینش، فوراً جلو سوءاستفاده را گرفته و به اعتدال توصیه می‌کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۵۰).

بنابراین اسراف در سطح تولید، مانند مصرف ممنوع است و تولیدکننده نباید مازاد بر نیاز جامعه و قدرت بازاریابی آن تولید کند؛ زیرا تولید مازاد نوعی اسراف و از بین بردن غیرمنطقی سرمایه‌ها و قدرت تولیدی جامعه است (خلیلیان، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷).

براساس توضیحات بالا، نه‌تنها تولید مازاد، بلکه هرگونه کم‌کیفیتی، بی‌کیفیتی، تعلل در کار تولید یا هر آنچه که منابع تولید را از مسیر ایده‌آل خود خارج کند از مصادیق اسراف شمرده می‌شود.

۵. فعالیت‌های عقیم اقتصادی

اسلام فعالیت‌هایی مانند قمار، رشوه، سحر، دزدی و... که از نظر اقتصادی عقیم‌اند را تحریم کرده تا از به‌هدر رفتن سرمایه و قوای فعال اجتماع در راه‌های غیرتولیدی و زبان‌بار جلوگیری شود و در نتیجه آنان که در معرض سقوط در چنین مهالکی هستند، به اجبار در راه تولید به حرکت در آیند.

۶. ثروت‌اندوزی (کنز کردن)

ثروت‌اندوزی و خارج کردن دارایی‌های نقدی از چرخه اقتصادی، مانعی دیگر در رشد تولید است. خداوند در قرآن، کسانی که به چنین امری مبادرت می‌ورزند را به شدت مورد مذمت قرار داده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرَّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَطْلِ وَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ، يَوْمَ يُخْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارٍ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنُزُونَ» (توبه: ۳۴-۳۵)؛ ای اهل ایمان، بسیاری از علما و راهبان (یهود و نصارا) اموال مردم را به باطل طعمه خود می‌کنند و (خلق را) از راه خدا منع می‌کنند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره می‌کنند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، آنها را به عذابی دردناک بشارت ده. روزی که آن [گنجینه]ها را در آتش دوزخ بگدازند و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و گویند]: «این است آنچه برای خود اندوختید؛ پس [کیفر] آنچه را می‌اندوختید، بچشید».

کنز در لغت به معنای روی هم انباشتن و گردآوردن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۲۷) مال زیاد و انباشته، کنز نامیده می‌شود. اشخاصی که با شکل‌ها و شیوه‌های گوناگون، اموالی را گرد می‌آورند، اهل کنز هستند. پول‌ها و سرمایه‌های شخصی باید به‌نوعی به سود جامعه در گردش باشد و گنج کردن و گردآوردن و بر روی هم انباشتن و از دسترس استفاده جامعه دور نگه‌داشتن کنز نام دارد (حکیمی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۸).

این آیه صریحاً ثروت‌اندوزی و گنج‌سازی اموال را تحریم کرده است و به مسلمانان دستور می‌دهد که اموال خویش را در راه خدا و در طریق بهره‌گیری بندگان خدا به کار اندازند، و از اندوختن و ذخیره کردن و خارج ساختن آنها از گردش معاملات به‌شدت بپرهیزند؛ در غیر این صورت باید منتظر عذاب دردناکی باشند.

این عذاب دردناک تنها کیفر شدید روز رستاخیز نیست؛ بلکه مجازات‌های سخت این دنیا را که بر اثر به‌هم خوردن موازنه اقتصادی و پیدایش اختلافات طبقاتی دامان فقیر و غنی را می‌گیرد نیز شامل می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۳۹۳).

مفسر گرانمایه علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌نویسد: نهی آیه شریفه نهی از داشتن پول نیست؛ بلکه نهی از حبس آن است؛ چون

اسلام مالکیت اشخاص را از حیث کمیت محدود نکرده و حتی اگر شخص مفروض هزارها برابر آن دفاینه ثروت می‌داشت، ولی آن را حبس نمی‌کرد، بلکه آن را در معرض جریان قرار می‌داد، اسلام هیچ عتابی به او نداشت؛ چون با جریان ثروت او، هم خود او استفاده می‌کرد و هم دیگران از آن بهره‌مند می‌شدند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۳۴). لازم به ذکر است که «سبیل‌الله» هرکاری است که نفع عموم در آن باشد؛ از قبیل جهاد، ترویج دین، امر به معروف، ساختن پل‌ها، راه‌ها، بیمارستان‌ها و... مؤمن واقعی و انسان کامل آن است که مازاد خویش را با ایمانی پرشور و عشق فراوان در راه تأمین عموم که همان سبیل‌الله است، مصرف کند تا همه از مواهب خدا به سعادت رسند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۱۵۱).

بنابراین منظور از انفاق آن انفاقی که قوام دین بر آن است؛ به‌طوری‌که اگر در آن مورد انفاق نشود، به اساس دین لطمه وارد می‌آید؛ پس تنها دادن زکات مدنظر آیه نیست؛ بلکه هم زکات را شامل می‌شود و هم حوایج ضروری جامعه از قبیل جهاد و دفاع و حفظ جان‌ها از هلاکت و امثال آن.

از امام صادق علیه السلام در این زمینه روایتی وارد شده که فرمود: «إِنَّمَا أُعْطَاكُمْ اللَّهُ هَذِهِ الْفُضُولَ مِنَ الْأَمْوَالِ لِتُوجَّهَوْهَا حَيْثُ وَجَّهَهَا اللَّهُ وَ لَمْ يُعْطِكُمْوهَا لِتَكْنُزُوهَا» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۴؛ مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۴۹؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰، ص ۷۴۵)؛ اموالی را که خداوند افزون بر اندازه نیازتان به شما بخشیده برای آن است که در راه بایسته و خداپسندانه به کار گرفته شود، نه اینکه انباشته و گنج شود.

پس اگر کسی با وجود احتیاج اجتماع به هزینه، سرمایه و نقدینه را احتکار و حبس کند، او نیز از کسانی است که در راه خدا انفاق نکرده و باید منتظر عذابی دردناک باشد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۳۳-۳۳۴)؛ زیرا رکود و تجمع سرمایه در اسلام ممنوع است و باید در راه‌های مشروع آن را به جریان انداخت تا مانند رودخانه بزرگی باشد که به جوی‌های کوچک منقسم شده و مزارع بی‌شماری را آبیاری کند؛ نه اینکه در پس سدی عظیم روی هم انباشته و بی‌مصرف بماند (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۱۵۱).

با توضیحات داده شده به‌خوبی می‌توان دریافت که اسلام با تحریم ثروت‌اندوزی می‌خواهد که سرمایه‌های نقدی در جریان فعالیت‌های اقتصادی وارد شده و در جهت رشد تولید و برآوردن نیازهای مسلمین و در نهایت عزت و اقتدار سیاسی مسلمین به کار گرفته شود.

۷. تمرکز ثروت در دست اغنیاء

در اختیار دیگران قرار می‌گیرد؛ همان‌گونه که خدمات دیگران در رشته‌های دیگر در اختیار آنها قرار می‌گیرد. خلاصه، استخدامی است متقابل و خدمتی است طرفینی و به تعبیر دیگر، هدف، تعاون در امر زندگی است و نه چیز دیگر.

ناگفته پیداست که اگر همه انسان‌ها از نظر هوش و استعداد روحی و جسمی یکسان باشند، هرگز نظام‌های اجتماعی سامان نمی‌یابد؛ همان‌گونه که اگر سلول‌های تن انسان از نظر ساختمان و ظرافت و مقاومت همه شبیه هم بودند، نظام جسم انسان مختل می‌شد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۵۲).

امیرمؤمنان علی^ع در تفسیر این آیه می‌فرماید: «خداوند استخدام دیگران را یکی از راه‌های گذران زندگی مردم قرار داد؛ زیرا او از روی حکمت و مصلحت همت‌ها و خواسته‌های مردم را گوناگون ساخت و این اختلاف را عامل تداوم حیات مردم قرار داد. به طوری که هر کس به دنبال کار و شغلی می‌رود که همت و استعداد او اقتضا دارد و همین، سبب همبستگی و هم‌کاری در امور زندگی و اصلاح آن می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۳۸).

بارها به تجربه ثابت شده که انجام هیچ کاری بدون تجربه و تخصص امکان‌پذیر نیست و اگر انجام هم بگیرد، با جهت خلاف مقصود است یا ناقص و کم‌فایده. از این رو داشتن مهارت و تخصص در همه امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به‌ویژه امور اقتصادی و تولیدی، لازم و ضروری است و واگذاری این امور به افراد غیرمتخصص، نابسامانی، عقب‌ماندگی و فقر و محرومیت را برای جامعه به دنبال خواهد داشت.

شاهد بر ادعا آیه‌ای است از قرآن کریم، آنجا که حضرت یوسف^ع در برابر دستور عزیز مصر مبنی بر به‌عهده گرفتن مسئولیتی در جهت اصلاح امور در شرایط بحران اقتصادی آن دوران پیشنهاد می‌کند: «اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵)؛ مرا بر خزانه‌های این سرزمین به‌گمار، که من نگهدارنده دانا هستم.

با توجه به این آیه، حضرت یوسف^ع در میان تمامی مسئولیت‌ها، خزانه‌داری مصر را پیشنهاد می‌دهد و دلیل خود را دارا بودن صفات لازم برای تصدی این امر مهم (تخصص و تعهد) بیان می‌کند.

آیه دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، آنجایی است که یکی از دختران شعیب^ع به پدرش پیشنهاد استخدام موسی^ع را در نگهداری گوسفندان می‌دهد؛ «يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ»

تمرکز ثروت در دست عده‌ای محدود، از دیگر عوامل بازدارنده‌ای است که خداوند در قرآن بر آن تأکید کرده و فرموده است: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةَ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷)؛ آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید، از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، تا میان توانگران شما دست به‌دست نگردد.

اگرچه منع تمرکز ثروت، مستقیماً به توزیع مربوط می‌شود؛ ولی از آنجاکه مخاطرات آن، نظام تولید جامعه را نیز تهدید می‌کند، به‌طور غیرمستقیم به تولید نیز مربوط می‌شود؛ زیرا تمرکز سرمایه در دست عده‌ای خاص، فقر عمومی را به‌همراه خواهد داشت و به‌علت پایین بودن قدرت خرید عمومی، توده مردم نمی‌توانند احتیاجات خود را برطرف کنند و از این رو کساد و رکود بر سازمان تولید مستولی می‌گردد و آن را از حرکت بازمی‌دارد (صدر، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۲۸۵).

۸. عدم تخصص‌مداری در امر تولید

برای تولیدات بهتر در زمینه‌های مختلف اقتصادی لازم است که افراد در زمینه‌هایی که مربوط به تخصص و استعدادها می‌باشند، مشغول به کار شوند و با همکاری هم در جهت تولید کالاهایی باکیفیت اقدام کنند. خداوند این همکاری و به‌خدمت‌گیری دیگران را در قرآن به زیبایی به‌تصویر کشیده است؛ آنجا که می‌فرماید: «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قُضِمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَ رَحِمَتْ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» (زخرف: ۳۲)؛ آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! حال آنکه ما روزی آنها را در زندگی دنیا میانشان تقسیم می‌کنیم، و بعضی را به مرتبت، بالاتر از بعضی دیگر قرار داده‌ایم تا بعضی بعض دیگر را به‌خدمت گیرند؛ و رحمت پروردگارت از آنچه آنها گرد می‌آورند، بهتر است.

منظور از عبارت «رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ» استخدام عمومی مردم نسبت به یکدیگر است، به این معنا که هر گروهی امکانات و استعدادها و آمادگی‌های خاصی دارند که در یک رشته از مسائل زندگی می‌توانند فعالیت کنند، طبعاً خدمات آنها در آن رشته

۱۰. رباخواری

مانع مهم دیگر در رشد تولید، رباخواری و کسب سود بیشتر است؛ زیرا متداول‌ترین شیوه‌ای که پیش از اسلام، پس‌اندازها را به جریان تجارت یا مصرف راهی می‌کرد، از طریق قرض یا معامله ربوی بود. رونق تجارت پیش از اسلام نیاز به سرمایه را تشدید می‌کرد و این شدت تقاضا، زمینه را برای عرضه ربوی فراهم می‌کرد. از نظر ثروتمندان قریش، ربا بهترین شیوه بهره‌برداری از پس‌اندازهایشان بود؛ چون با رباخواری، دیگر لازم نبود رنج مسافرت و حمل و نقل کالا و خطرهای توأم با فعالیت تجاری را متحمل شوند؛ اما در عوض سرمایه ربا دهندگان و سود آن از هر خطری مصون بود و چنانچه وام‌گیرنده نمی‌توانست قرض ربوی خود را بپردازد، به بردگی شخص ربا دهنده درمی‌آمد. بدین ترتیب صاحبان پس‌اندازهای هنگفت، ربا دادن را بر مشارکت در تجارت ترجیح می‌دادند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۷).

با ظهور اسلام رباخواری به تدریج تحریم شد (روم: ۳۹؛ نساء: ۱۶۱؛ آل عمران: ۱۳۰؛ بقره: ۲۷۵-۲۷۹)؛ و دامنه استفاده از پس‌اندازها تا حدودی محدود شد؛ به طوری که جز از طریق مشارکت و ایجاد ارزش افزوده راهی برای انتفاع صاحبان پس‌انداز باقی نماند و با توجه به اینکه فعالیت‌های عمده اقتصادی در صدر اسلام را خدمات، کشاورزی و پیشه‌وری دربر می‌گرفت، شکل‌های قانونی مناسب با این سه نوع فعالیت، یعنی مضاربه، مزارعه و مساقات و مشارکت ارائه شد تا سرمایه‌های نقدی در تجارت و پیشه‌وری و سرمایه‌های غیرنقدی به سمت تولید در کشاورزی و نظیر آن هدایت شود (همان، ص ۱۴۳).

امروزه نیز در جامعه‌ای که دریافت بهره پذیرفته شده باشد، افراد آن جامعه تا اطمینان حاصل نکنند که کاری سودآور است، اقدام به انجام آن کار نمی‌کنند؛ در نتیجه اشخاص سرمایه‌دار، اموال خود را در وام‌های کوتاه مدت به کار می‌اندازند تا در صورت ترقی نرخ بهره از شرایط بهتر و منافع بیشتر استفاده کنند و از سوی دیگر وام‌گیرندگان نیز مجبورند به کارهای کوتاه مدت بپردازند تا بتوانند وام و بهره را به موقع پرداخت کنند و اینها همه منجر به پیدایش بحران و متزلزل شدن اوضاع اقتصادی می‌گردد. اما تحریم بهره توسط اسلام باعث شده که رباخواران به صفوف بازرگانان و تولیدکنندگان پیوسته و منافع خود را در کارهای تولیدی بیابند و بدین ترتیب به جای آنکه همواره قسمتی از سرمایه نقدی در دست رباخواران راكد و بلا استفاده بماند، به کار افتاده و اقتصاد جامعه را رونق می‌بخشد.

الأمین» (قصص: ۲۶)؛ ای پدر، او را استخدام کن؛ چراکه بهترین کسی است که استخدام می‌کنی؛ هم نیرومند [و هم] درخور اعتماد است. با دقت در این آیه نیز می‌بینیم که دلیل دختر شعیب علیها السلام بر استخدام موسی، دو صفت قوت لازم در راستای توان انجام کار (و از جمله تخصص) و امانت‌داری و تعهد است.

۹. چشم‌داشتن به امکانات دشمن

در آیات الهی به این حقیقت اشاره شده که چشم‌داشتن به امکانات دیگران یکی از مهم‌ترین عوامل سقوط یک جامعه است. جامعه‌ای که با وجود دارا بودن امکانات و استعدادهای فراوان به امکانات دیگران چشم داشته باشد، هرگز نمی‌تواند از عزت کافی برخوردار باشد و مدام برای بهره‌وری از امکانات دیگران باید در برابر آنها سر تعظیم فرود بیاورد و در برابر آنها خضوع و خشوع کند. خداوند متعال در قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از چشم‌داشتن به امکانات دشمن بر حذر داشته و می‌فرماید: «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (حجر: ۸۸)؛ و به آنچه ما دسته‌هایی از آنان [کافران] را بدان برخوردار ساخته‌ایم، چشم مدوز، و بر ایشان اندوه مخور، و بال خویش برای مؤمنان فرو گستر.

خداوند در این آیه به مسلمانان اخطار می‌کند که در برابر امکاناتی که به دیگران داده است، بر توانایی‌ها و امکانات خود تکیه نکنند، نه اینکه خود را با کشورها و شخصیت‌های مختلف مقایسه کنند و از کمبودهای خود غمگین و ناراحت بشوند؛ چراکه این طرز تفکر نشانه عدم رشد کافی و احساس حقارت درونی و کمبود همت است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۳۵).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می‌فرماید: «مَنْ رَمَى بِبَصَرِهِ إِلَىٰ مَا فِي يَدَيْ غَيْرِهِ كَثُرَ هَمُّهُ وَ لَمْ يُشْفَ غَيْظُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۸۹)؛ کسی که چشم خود را به آنچه در دست دیگران است بدوزد، همیشه اندوهگین و غمناک خواهد بود و هرگز آتش خشم در دل او فرو نمی‌نشیند.

ملتی که می‌خواهد در برابر مستکبران دنیا با عزت و سربلندی قد علم کند، به جای اینکه مدام خود را با سرمایه‌ها و پیشرفت‌های آنها - که آن هم بیشتر در جهت مادی است - مقایسه کند، نیروی فکری و جسمانی خویش را در راه رشد و ترقی خویشتن به کار می‌گیرد و با بهره‌گیری درست از امکاناتی که در اختیار دارد در جهت رشد تولیدات بهتر و بیشتر گام برمی‌دارد.

افزایش سود آن از این طریق معطوف می‌کند و به رشد تولید و تأمین مصالح جامعه و رفع نیاز عموم توجهی ندارد.

۱۱. عدم رعایت اصول و معیارهای تولید در جامعه اسلامی

براساس احادیث رسیده از معصومان علیهم‌السلام تولید در جامعه اسلامی دارای خصوصیات، اصول و ضوابطی است و همه آنچه در جامعه اسلامی تولید می‌شود باید از این اصول و ویژگی‌ها برخوردار باشد.

امام صادق علیه‌السلام در حدیثی ضمن معرفی صنعت‌ها، این اصول و ویژگی‌ها را بر شمرده و می‌فرماید: «... اما صنعت‌ها، همه صنعت‌هایی را که مردمان یاد می‌گیرند یا یاد می‌دهند، شامل می‌شود؛ همچون خطنویسی (منشی‌گری) و حساب و تجارت و زرگری و سراجی (زین‌سازی) و بنایی و جولایی (بافندگی) و گازری (لباس‌شویی) و خیاطی و ساخت انواع تصاویر [مجاز]، و انواع مختلف آلاتی که مردمان به آنها نیاز دارند و از آنها سود می‌برند و مایه قوام زندگی است، و وسیله‌ای برای دست‌یافتن به همه نیازمندی‌های دیگر است؛ پرداختن به کار با همه اینها و تعلیم‌دادن آنها، چه برای خود و چه برای دیگران، حلال است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۸۵؛ حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۶ ص ۲۶۰).

با توجه به این کلام، چهار اصل مهم برای تولید که باید دستور کار هر جامعه اسلامی باشد، قابل استخراج است:

۱. اصل احتیاج عمومی (التي یحتاج إليها العباد)؛
۲. اصل سودمندی عمومی (التي منها منافعهم)؛
۳. اصل قوام‌بودن اجتماعی (و بها قوامهم)؛
۴. اصل پاسخ‌گویی به نیازمندی‌های عمومی (و فیها بلغة جمیع حوائجهم).

پس در پرتو توجه به این اصول، واجب است که تولید - از لحاظ کمی و کیفی - محدود به حدودی باشد که این اصول اساسی معین کرده است. با این قیود، تولیداتی که موجبات فساد در جامعه را فراهم می‌آورند و قوام جامعه را به خطر می‌اندازند و تولیدات خصوصی که مقدار فراوانی از مواد خام و اوقات و مهارت کارگران و سازندگان و کارخانه‌ها و ثروت‌های جامعه و نیروها و معدن‌های متعلق به عموم، برای تهیه آنها مصرف می‌شود و گروه اندکی از آن برخوردار می‌شوند و اسباب آسایش و خوشی شادخوارانه آنان را فراهم

براساس روایتی از امام رضا علیه‌السلام یکی از علت‌های تحریم ربا توسط اسلام، «رکود فعالیت‌های تولیدی» است؛ زیرا ایشان طی روایتی علت تحریم ربا را تباه شدن اموال دانستند و فرمودند: «خداوند عزوجل از ربا نهی کرد، چون مایه تباهی اموال است؛ زیرا که انسان اگر یک درهم را به دو درهم بخرد، بهای درهم، درهم است و بهای درهم دیگر باطل است؛ پس خرید و فروش ربوی، در هر حال برای فروشنده و خریدار زیان و کمبود دارد؛ پس خداوند متعال ربا را ممنوع اعلام کرد؛ زیرا که اموال تباه می‌گردد؛ چنان‌که منع کرد سفیهان اموال خود را در دست گیرند؛ چون بیم تباهی آن اموال می‌رود...» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹۳-۹۴؛ همو، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۸۲).

با دقت در این حدیث درمی‌یابیم که در فرایند ربا، اموال هر دو طرف (ربادهنده و رباگیرنده) تباه می‌شود. فرد سرمایه‌دار با به‌کارگیری سرمایه بدون کار و استفاده از بهره پول، ثروت‌ها می‌اندوزد و گروه زیادی را از زندگی ساقط می‌کند؛ زیرا ثروت و سرمایه آنها به تدریج به جیب یک نفر سرازیر می‌شود؛ به طوری که از یک طرف سرمایه‌ای برایشان باقی نمی‌ماند که در فرایند تولید سرمایه‌گذاری کنند و از طرف دیگر قدرت خرید کالاهای موردنیاز خود را از دست می‌دهند و به این ترتیب تولید با رکود مواجه خواهد شد.

در این جریان، مال رباخوار به‌ظاهر رشد می‌کند و افزون می‌گردد؛ اما در اصل، اموال او هم دچار تباهی می‌گردد؛ زیرا رباخواری افراد را به بهره‌خواری و سودخواهی سوق می‌دهد و در نتیجه، موازین اخلاقی و انسانی و مسئولیت‌های گروهی فراموش می‌گردد و تعاون و مددکاری اجتماعی یک سو نهاده می‌شود و بدین‌سان فریضه‌های اجتماعی درباره ناتوانان فراموش می‌گردد.

در رباخواری میل به سود بیشتر و دستیابی به ثروت افزون‌تر، معیار و هدف قرار می‌گیرد و انگیزه الهی و انسانی خدمت به خلق و تأمین مصالح عمومی و رفع نیازها و کمبودهای اجتماع و اهتمام به امور مسلمانان ابدأ لحاظ نمی‌شود و این حقیقتی است که امام رضا علیه‌السلام در شمارش علل تحریم ربا، آن را به زیبایی به‌تصویر کشیدند و فرمودند: «و علت تحریم ربا در نسبه (و معاملات غیرنقدی) از دست‌رفتن کارهای نیک و تلف شدن اموال و گرایش مردم به سودخواری و رهاکردن قرض (دادن) و پرداخت واجبات (مالی) و انواع نیکوکاری است...» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹۴).

بنابراین فرد رباخوار تمام کوشش خود را در جهت رشد سرمایه و

می‌آورد، و مایه افت اخلاقی و غرور غیرانسانی آنان می‌شود، از خط تولید بیرون می‌رود. لازم به ذکر است که هدف از این موضع‌گیری در عدم تولید کالاها و لوکس و تجملی، دست کشیدن از اجناس و کالاها و تجملی و نظایر آنها - در صورتی که عموم مردم امکان استفاده از آنها را داشته باشند - نیست؛ بلکه هدف سوق دادن مردم به جانب اصول عالیه اخلاقی و نزدیک کردن سطوح زندگی همه مردم به یکدیگر است؛ بنابراین اگر همه مردم قادر به خریدن و بهره بردن از اجناس و کالاها و تجملی یا چیزی نزدیک به آن باشند، هیچ عیبی ندارد؛ لیکن تبعیض به صورتی چشم‌گیر به هیچ وجه روا نیست و خلاف با شئون اسلامی است (همان، ص ۲۶۸).

نتیجه‌گیری

اسلام، خواهان رشد و تعالی و برتری مسلمین در تمامی زمینه‌ها، و از جمله زمینه اقتصادی است و به‌عنوان کامل‌ترین مکتب الهی، افزایش هرچه بیشتر تولید و بهره‌برداری از طبیعت تا حداکثر ممکن را در چارچوب مقرراتی خاص، مورد تأکید قرار داده و تجاوز از این حدود را جایز نمی‌داند (مانده: ۸۷)؛ اما همیشه در این مسیر موانعی وجود دارد که رشد تولید را به‌مخاطره انداخته و تهدید می‌کند موانعی همچون شرک به خدا، کفران نعمت، عدم بهره‌برداری از سرمایه‌های طبیعی، اسراف در منابع تولید، فعالیت‌های عقیم اقتصادی، ثروت‌اندوزی، تمرکز ثروت در دست اغنیاء، چشم‌داشت به امکانات دشمن، رباخواری، عدم رعایت اصول و معیارهای تولید در جامعه اسلامی و...؛ ولی اسلام با اندیشیدن تدابیری به مبارزه با این موانع پرداخته و از به هدر رفتن سرمایه‌ها در راه‌های غیرتولیدی و زیان‌بار جلوگیری به عمل آورده است.

منابع


- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، ۱۳۷۳، *نظام اقتصاد اسلامی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پیمان، حبیب‌الله، ۱۳۵۷، *مالکیت، کار و سرمایه*، تهران، بی‌نا.
- جزائری، نعمت‌الله، ۱۴۲۷ق، *ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
- حجازی، عبدالرضا، ۱۳۵۷، *سیستم اقتصادی اسلام*، چ چهارم، تهران، بی‌نا.
- حجتی کرمانی، علی، ۱۳۵۰، *اقتصاد در مکتب اسلام*، تهران، جهان آرا.
- حرعاملی، محمدین حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حکیمی، محمد، ۱۳۷۶، *معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۰، *الحیة*، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خلیلیان، محمدجمال، ۱۳۹۰، *شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- خوش‌نویس، جعفر، ۱۳۵۹، *خطوط کلی اقتصاد در قرآن و روایات*، ترجمه مهدی انصاری، اصفهان، کتابخانه امام علی.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۳، *درآمدی بر اقتصاد اسلامی*، قم، مؤسسه در راه حق.
- _____، ۱۳۷۴، *مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران، سمت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۵۷، *اقتصادنا*، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، قم، انتشارات اسلامی.
- صدوق، محمدین علی، ۱۳۷۸، *عیون أخبار الرضا*، تهران، جهان.
- _____، ۱۳۸۵، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری.
- _____، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی بنایی، علی‌اکبر، ۱۴۱۲ق، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمدین یعقوب، ۱۴۰۷ق، *کافی*، چ چهارم، تهران، اسلامیه.
- گروه مطالعاتی مؤسسه قرآنی ندای ملکوت، ۱۳۹۱، *تولید ملی حمایت از کار و سرمایه ایرانی*، قم، یوسف زهرا.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدتقی، ۱۴۱۴ق، *لوامع صاحبقرانی*، قم، اسماعیلیان.
- محدث نوری، میرزااحسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۲، *توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث*، ترجمه سید ابوالقاسم حسینی، قم، دار الحدیث.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، تهران، صدرا.
- مظاهری، حسین، بی‌تا، *مقایسه‌ای بین سیستم‌های اقتصادی*، قم، مؤسسه در راه حق.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

- ابراهیمی، محمدحسین، ۱۳۷۵، *اقتصاد در قرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن ابی‌جمهور، محمدبن زین‌الدین، ۱۴۰۵ق، *عوالی النسالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، تحقیق مجتبی عراقی، قم، سیدالشهداء.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- احمدی میانجی، علی، ۱۴۱۹ق، *مکاتیب الرسول*، قم، دار الحدیث.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، ۱۴۱۳ق، *عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال*، تصحیح محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، قم، مؤسسه الامام المهدی.

نوع مقاله: ترویجی

بررسی مبانی نظری مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی با تأکید بر کلام امیر مؤمنان علیؑ

سیدحامد عنوانی / استادیار دانشکده علوم پزشکی اسدآباد همدان

h.onvani@asaums.ac.ir  orcid.org/0009-0000-6258-656X

mortazavi-m@um.ac.ir

fakhar@um.ac.ir

سیدمحمد مرتضوی / دانشیار گروه آموزشی معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

وحیده فخار نوغانی / دانشیار گروه آموزشی معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵

دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

چکیده

آخرین ترفند نظام سلطه برای به زانو درآوردن انقلاب اسلامی، جنگ اقتصادی است. مقام معظم رهبری برای خنثاسازی این حربه مؤلفه‌هایی را برای اقتصاد مقاومتی طراحی و ابلاغ کرده است. از آنجاکه الگوی عملی نظام اسلامی، حکومت علوی است و با فرض اینکه امام علیؑ در حکومت خویش با سیاستی الهی به تدبیر معیشت مردم زمان خویش پرداخته است؛ این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که مؤلفه‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی چگونه و تا چه اندازه در کلام و سیره امیر مؤمنانؑ تبیین یافته است؟ بررسی‌های انجام‌شده به روش استنادی - تحلیلی در نهج البلاغه نشان می‌دهد که مؤلفه‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، از قبیل: عدالت اجتماعی، تکیه بر ظرفیت داخلی، مبارزه با فساد اقتصادی، رویکرد جهادی، خودکفایی در نیازهای اولیه، مدیریت و اصلاح الگوی مصرف، به‌طور چشم‌گیری مورد اهتمام امام علیؑ بوده است. با ترسیم مبانی اعتقادی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی گام بلندی به سوی نهادینه‌شدن گفتمان علوی، با هدف فرهنگ‌سازی آن در بین آحاد مردم برداشته می‌شود؛ تا بدین طریق مسئولان اجرایی کشور به دلیل مسائل اقتصادی، خود را ناگزیر به دست‌کشیدن از اهداف ایدئولوژیک و انقلابی نپندارند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، امام علیؑ، عدالت اجتماعی، اصلاح الگوی مصرف، مبارزه با فساد اقتصادی.

مقدمه

انقلاب اسلامی منافع سلطه‌گران جهانی را به خطر انداخته و آنان برای به زانو درآوردن نظام اسلامی - که مظهر مقاومت اسلامی در برابر نظام سلطه است - روش‌های متعددی را به کار گرفته‌اند که آخرین اقدام آنان جنگ اقتصادی است. از مهم‌ترین ابعاد این نوع تقابل، اعمال تحریم‌های اقتصادی است. فرایند تحریم‌ها تا کنون تحریم‌های بازدارنده، گزنده و فلج‌کننده را طی کرده است که در آخرین مرحله تحریم‌های فلج‌کننده، تحریم اقلام مورد نیاز و ضروری کشور - مثل دارو و ادوات پزشکی - را نیز شامل شده است. مقام معظم رهبری برای خنثاسازی این حربه دشمن و بالطبع رشد و تعالی کشور «اقتصاد مقاومتی» را طراحی کرده است.

رهبر معظم انقلاب در شرح دیدگاه اقتصادی نظام اسلامی در موضوع اقتصاد مقاومتی و در راستای عملیاتی‌شدن هرچه سریع‌تر، دقیق‌تر و کامل‌تر این دیدگاه در مورخ ۹۲/۱۲/۲۰ در بیاناتی مهم و راه‌گشا، مهم‌ترین موارد و محورهای کلیدی در موضوع ویژگی‌های این دیدگاه را با عنوان «مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی» در حضور جمعی از مسئولان دستگاه‌های مختلف، فعالان اقتصادی، و مدیران مراکز علمی و رسانه‌ای و نظارتی تبیین کردند. منظور از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، ویژگی‌های الگوی اقتصاد مقاومتی و شاخص‌های نقشه راهی است که التزام به تحقق فراگیر و کلی آنها در کنار یکدیگر به تحقق عملی و عینی سیاست‌های چنین اقتصادی منتهی می‌شود. این ویژگی‌ها در بیان رهبر انقلاب شامل ده مؤلفه است؛ عدالت اجتماعی، توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا، تکیه بر ظرفیت داخلی، رویکرد جهادی، مردم‌محوری، امنیت اقلام راهبردی و اساسی، کاهش وابستگی به نفت، اصلاح الگوی مصرف، فسادستیزی و دانش‌محوری. البته موارد متعددی دیگری برای مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی ذکر شده است؛ همچون ایجاد تراز اقتصادی مثبت (مورخ ۹۳/۹/۶)، ریشه‌کنی فقر (مورخ ۹۳/۲/۲۳)، تکیه بر تولید ملی (مورخ ۹۳/۱/۱)، حاکمیت قانون (مورخ ۹۴/۶/۴)، مبارزه با رکود اقتصادی (مورخ ۹۴/۶/۴)، خصوصی‌سازی (مورخ ۹۴/۶/۴)، استحصال از معادن به دور از خام‌فروشی (مورخ ۹۴/۶/۴). اما به نظر می‌رسد این موارد مصادیقی از کلیات همان ده مؤلفه اصلی جلسه بهمن ۹۲ است و می‌توان در ذیل آن موارد ده‌گانه مطرح شوند.

امامین انقلاب، الگوی عملی نظام اسلامی را حکومت علوی

می‌دانند؛ امام خمینی^ع در این باره می‌فرمود:

تمسک به مقام ولایت آن بزرگوار به اینکه گرچه ما و بشر نمی‌تواند به تمام معنا آن عدالت اجتماعی و عدالت حقیقی را که حضرت امیر^ع قدرت بر پیاده‌کردنش داشت، نمی‌توانیم ماها و هیچ‌کس، قدرت نداریم که پیاده کنیم؛ لکن اگر آن الگو پیدا شده بود و حالا هم ما باید به یک مقدار کمی که قدرت داریم، تمسک کنیم (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸، ص ۱۵۳-۱۵۴).

رهبر معظم انقلاب نیز حکومت امیرمؤمنان^ع را پیشوای عینی جمهوری اسلامی و اقتصاد مقاومتی را یک الگوی بومی و علمی برآمده از فرهنگ اسلامی دانسته‌اند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۷۹/۱/۱ و ۹۲/۱۲/۲۰). علاوه بر این، ایشان دائماً بر لزوم اسلامی کردن علوم انسانی و تولید علم و فناوری با تکیه بر فرهنگ عمیق اسلامی تأکید دارند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۸۲/۸/۸).

با ابتناء نظام اسلامی بر الگوی حاکمیتی امام علی^ع، این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال برآمده است که مبانی نظری این مؤلفه‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی چگونه و تا چه اندازه به کلام امیرمؤمنان علی^ع قابل استناد است؟

بی‌شک یکی از ظرفیت‌های بالقوه فرهنگ اسلامی، سیره امیرمؤمنان^ع است که از بهترین راه‌های بررسی این سیره، رجوع به کتاب شریف نهج‌البلاغه است. از سوی دیگر معظم‌له، مأموریت تبیین اصطلاح اقتصاد مقاومتی را بر عهده دانشگاهیان نهادند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۱/۵/۱۶). با توجه به ضرورت انکارناپذیر معرفی بنیان‌های ایدئولوژیک اقتصاد مقاومتی، مهم‌ترین روش تبیین این نوع دیدگاه در جامعه اسلامی، مستند کردن مبانی نظری آن به سیره و سنت امیرمؤمنان^ع است.

فرض این مسئله آن است که در متون دینی بخصوص نهج‌البلاغه می‌توان شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی را ره‌گیری کرد؛ زیرا در زمانی که امام علی^ع در مسیر رهبری سیاسی و اجتماعی جامعه، سکان‌دار رهبری اقتصادی جامعه اسلامی نیز بوده است؛ برای مدیریت اقتصادی جامعه، سیاستی خاص را اعمال می‌کرده که می‌تواند منبع الهام سیاست اقتصاد مقاومتی تلقی شود. این مدیریت در قالب یک سخنرانی یا نامه و امثال آن با عنوان یا محتوایی به‌نام اقتصاد مقاومتی مطرح نشده است. اما در سخنان گهربار حضرت می‌توان اهتمام ایشان را برای نهادینه کردن نوعی از حیات بشری و سبکی از زندگی

۲. تبیین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در کلام

امیرمؤمنان علیؑ

۲-۱. عدالت اجتماعی

اجرای عدالت اجتماعی به معنای ایجاد برابری و توازن، یکی از مهم‌ترین عوامل تسهیل ارتباط انسان با خداست (جهانیان، ۱۳۸۹). بشر همواره مزیت‌هایی که خود را مستحق آن می‌داند، مطالبه می‌کند و در مقام اندیشه‌ورزی و تعاملات سیاسی، مفهوم عدالت را با مفهوم حق و اقامه آن پیوند می‌دهد (درخشه و فخاری، ۱۳۹۵). اهمیت عدالت اجتماعی به‌حدی است که خداوند تعال آن را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف رسالت انبیاء دانسته است (رک: حدید: ۲۵). رهبری این مقوله را به‌عنوان اولین شاخصه مطرح کرده است. ایشان در نظریه اقتصاد مقاومتی، رشد اقتصادی بالا را به‌تنهایی نشانه یک اقتصاد موفق نمی‌دانند؛ بلکه در کنار این عامل، نبود تبعیض و اختلاف طبقاتی را از ضروریات می‌دانند. رشد اقتصادی در جامعه باید به‌گونه‌ای باشد که همه طبقات نیز از این پیشرفت بهره‌مند شوند؛ چنانچه می‌فرماید: «یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۲/۱۲/۲۰).

امامؑ عدالت را موجب بقاء خلق، مترادف انصاف، مایه بقاء قوانین و ثبات حکومت‌ها، معیار ارزشمندی سیاست‌ها، فضیلت حاکمیت، نجات‌دهنده مردمان، برترین سیاست‌ها، وسیله جلب رحمت الهی، بالاترین مرتبه ایمان، غنی‌ترین ثروت، رفع‌کننده اختلاف و عامل همبستگی، برترین نشانه تعقل (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۹۹، ۳۳۱، ۳۳۹، ۳۴۰، ۴۴۶) رأس و بالاترین مرتبه ایمان (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲، ج ۶ ص ۸۱) و امثال آن معرفی می‌کند که نشان‌دهنده اهمیت و ارزش ذاتی عدالت برای برپایی یک حیات معقول بشری است. جایگاه عدالت به‌گونه‌ای است که امامؑ آن را در عرض جهاد، صبر و یقین از ستون‌های چهارگانه ایمان مطرح شده است (نهج‌البلاغه، ۴۱۴ق، ص ۴۷۳).

در مرام حضرت امیر یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق عدالت اجتماعی توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات در میان مردم است. این امر علاوه بر اینکه سبب دفاع از حق مظلوم می‌شود که از مقومات علل تشکیل حکومت دینی است (خطبه ۱۳۶، ص ۱۳۴)؛ باعث رونق تولید و

براساس نوعی اقتصاد مقاومتی مشاهده کرد. بستر چنین فرضیه‌ای از آنجاست که نظریه اقتصاد مقاومتی - به‌دلیل پیوند دین با همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان - با اقتصاد اسلامی پیوندی جدایی‌ناپذیر دارد. بدین سبب مبانی اقتصاد مقاومتی که توسط رهبری تبیین شده، لازم است در ظرف ادبیات اسلامی تبیین و تفسیر شود؛ چراکه ایشان در بیانات متعددی به‌ضرورت در نظر گرفتن مبانی و ارزش‌ها در علوم انسانی و ازجمله الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت تأکید دارند (رک: بیانات رهبر معظم انقلاب، ۷۴/۲/۲۸ و ۹۰/۶/۲).

در این پژوهش تلاش خواهد شد تا ضمن ارائه تعریفی از نظریه اقتصاد مقاومتی در بستر حکومت اسلامی، به تطبیق برخی از ضروری‌ترین مؤلفه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی با کلام نورانی حضرت امیر پرداخته شود.

شایان ذکر است هرچند در خصوص مستندسازی دینی نظریه اقتصاد مقاومتی تحقیقاتی همچون مقاله‌های «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» (ترابزاده چهارمی، ۱۳۹۲)؛ «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری» (میرمعزی، ۱۳۹۲) تألیف شده‌اند؛ ولی تاکنون اثری که در آن به‌طور اختصاصی نحوه ابتناء مؤلفه‌های این دیدگاه براساس الگوهای مطرح شده در **نهج‌البلاغه** مطرح شده باشد؛ مشاهده نشده است.

روش انجام تحقیق، روش تحلیل داده‌هاست که از آثار امیرمؤمنان علیؑ و با محوریت کتاب **نهج‌البلاغه** و با استناد به بیانات رهبر معظم انقلاب انجام می‌شود.

۱. تعریف اقتصاد مقاومتی

اصطلاح اقتصاد مقاومتی اولین بار توسط رهبر انقلاب اسلامی به‌عنوان راهکار مواجهه با تحریم اقتصادی دشمن به‌کار برده شد.

اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته

باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ

بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع

اقتصادی کشور و نظام اقتصادی طوری باشد که در برابر

ترندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های گوناگون خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند (بیانات رهبر

معظم انقلاب، ۹۱/۶/۲؛ ۹۱/۵/۸؛ ۹۳/۱/۱).

بزیند، و با گام برداشتن به پیش، شمشیر را به دشمن برسانید، و بدانید که در پیش روی خدا و پسر عمومی پیغمبر ﷺ قرار دارید؛ پی در پی حمله کنید» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۶۵ ص ۵۱).

۲-۳. تکیه بر ظرفیت‌های داخلی

ترویج مصرف کالاهای خارجی که ثمره‌اش کاهش تقاضای اجناس داخلی و بالطبع بیکاری گسترده در کشور است؛ ضمن وابستگی اقتصادی و فرهنگی، موجب می‌شود که افزون بر خروج سرمایه از کشور، تورم نیز ایجاد شود. مقام معظم رهبری با عنایت به اصل مهم استفاده از نیروهای داخلی می‌فرماید: «نکته سوم، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی است که در این سیاست‌ها دیده شده‌اند. نگاه ما، تکیه ما، اعتماد ما بیشتر بر روی مسائل داخلی است؛ تمرکز ما روی امکانات داخلی کشور و داشته‌های درونی کشور است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۲/۱۲/۲۰).

امیرمؤمنان ﷺ با توجه به اصل استقلال اقتصادی عنایت ویژه‌ای بر ظرفیت‌های داخلی مردم تحت حکومت خویش داشتند و استفاده از تولیدات بیگانگان را امری مذموم و عین ذلت و خواری می‌دانستند؛ «لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يُلبَسُوا لِیَاسَ الْعَجَمِ وَ یَطْعَمُوا أَطْعِمَةَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذِّلَّةِ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۴۱۰)؛ مادامی که این امت لباس بیگانه نپوشند و غذاهای آنان استفاده نکنند همواره در خیر خواهند بود و هنگامی که چنین کنند خداوند آنان را ذلیل خواهد کرد. راهکار ایشان در عنایت خاص به اقشار تولیدکننده داخلی عمدتاً در دو محور کشاورزی و صنعت قابل بررسی است.

الف. کشاورزی

در زمان امام ﷺ، اقتصاد جامعه در درجه اول بر زمین و محصولات آن استوار بود و کشاورزان بزرگ‌ترین، مؤثرترین طبقه و مرکز ثقل جامعه محسوب می‌شدند. براین اساس رفاه اقتصادی وابسته به این است که بهترین امکانات در اختیار کشاورزان قرار گیرد تا در نگهداری زمین، آماده کردن آن و برداشت بهتر و بیشتر، آنها را یاری دهد (شمس‌الدین، ۱۳۶۱، ص ۸۵-۸۶). امیرمؤمنان علی ﷺ توسعه کشاورزی و احیای زمین را مستند به قول خداوند می‌داند و می‌فرماید «خداوند می‌فرماید: اوست که شما را پدید آورد و به عمران و آبادی دعوت کرده است. خداوند متعال انسان‌ها را به

خارج کردن منابع از انحصار عده‌ای خاص و بهره‌وری بیشتر از اقشار مستعد کار جامعه است. از مصادیق عدالت اجتماعی این است که همه مردم بتوانند از امکانات و مواهب تشکیل حکومت در راستای تقویت بنیه اقتصادی و توسعه در معیشت خود بهره ببرند. بزرگ‌ترین عاملی که شیرازه جامعه را از هم می‌گسلد، روابط را بر ضوابط حاکم کردن و تبعیض قائل شدن در میان افراد است (قربانی، بی‌تا، ص ۱۱) از این رو امیرمؤمنان علی ﷺ به مالک اشتر تأکید می‌کند که «والی را نزدیکانی است و خویشاوندانی که خوی برتری جستن دارند و گردن‌فرازی کردن و در معاملات انصاف را کم‌تر به کار بستن. ریشه ستم اینان را با بریدن اسباب آن بر آر و به هیچ‌یک از اطرافیان و خویشاوندانت زمینی را به بخشش وامگذار» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳ ص ۳۳۸).

۲-۲. توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا

یکی از ابعاد مهم اقتصاد مقاومتی ایستادگی و مقاومت در برابر تهدیدات احتمالی دشمن است که با عنوان «توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا» بیان شده است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۲/۱۲/۲۰). البته جنگ اقتصادی در دوره کنونی از مصادیق و میادین عینی و مهم نبرد و تخصص جبهه حق و باطل است و چه‌بسا از جنگ نظامی تلفات و خسارات بیشتری دارد. آنچه از کلام حضرت امیر در باب تهییج بر جنگ و آمادگی بر آن ذکر می‌شود، به‌طریق اولی شامل حفظ آمادگی در برابر انواع تخصصات دشمن از جمله جنگ اقتصادی نیز می‌شود. حضرت در نامه نهم **نهج البلاغه** خطاب به معاویه، مقاومت خویش در برابر هجمه‌ها را با سابقه‌های همان زمان با رسالت پیامبر می‌داند که هرگز پای خود را از میدان استقامت عقب نکشیده است. حضرت خصوصاً در میدان کارزار اصحاب خویش را به مقاومت و آمادگی در برابر دشمن فرامی‌خواند فرامین نظامی ایشان در خطبه ۶۵ که در لیلۃ‌الهریر یا نخستین دیدار سپاهیان شام در جنگ صفین فرمودند گویای تهییج سربازان بر استقامت بر مسیر حق و عدالت است: «ای گروه مسلمانان، لباس زیرین را ترس خدا، و لباس رویین را آرامش و خون‌سردی قرار دهید؛ دندان‌ها را برهم بفشارید تا مقاومت شما برابر ضربات شمشیر دشمن بیشتر گردد؛ زره نبرد را کامل کنید؛ پیش از آنکه شمشیر را از غلاف بیرون کشید چند بار تکان دهید؛ با گوشه چشم به دشمن بنگرید و ضربت را از چپ و راست فرود آورید؛ و با تیزی شمشیر

است. ایشان شاخصه چهارم از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را این‌گونه متذکر شده‌اند: «نکته چهارم، رویکرد جهادی است... یک همت جهادی لازم است؛ تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای این کارها لازم است» بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۲/۱۲/۲۰.

ایشان ویژگی آن را اینچنین ذکر می‌کند: «مدیریت جهادی همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۰/۲۳/۱۳۹۲).

اهمیت تبیین مدیریت جهادی از دیدگاه حضرت علیؑ تا بدان حد است که در اندیشه ایشان هیچ خطری برای جامعه اسلامی، همچون خطر بر سر کار آمدن افراد فاقد اهلیت یا کم صلاحیت نیست. آن حضرت در نامه ای به مصریان چنین هشدار داده است: «من بیم آن دارم که نابخردان و نابکاران زمام امور این ملت را به دست آرند و مال خدا را دست به دست گردانند و بندگان او را بردگان خود گیرند و با صالحان به دشمنی برخیزند و فاسقان را حزب خود قرار دهند» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۶۲ ص ۳۴۷). برخی از معیارهای رهبری برای مدیران جهادی در سیستم مدیریتی علوی قابل پی‌گیری است که در ادامه به دو مورد از آنها اشاره خواهد شد.

الف. کار و تلاش همراه با نیت الهی

در هر برهه‌ای از زمان، نبرد مصداق و شکلی مخصوص به‌خود دارد. تحریم‌هایی که در مقابل اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود در دوران کنونی مصداق اتم و اکمل جنگی ظالمانه و ناعادلانه است. امامؑ در نبرد با دشمنان خویش ضمن دعوت به تلاش مخلصانه در مسیر مبارزه، خود نیز از کار و تلاش در مسیر تحقق آرمان‌های الهی و آبادانی جامعه دریغ نکرد (دستی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵-۲۷۴)؛ چنانچه حضرت می‌فرمودند: «فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالِاجْتِهَادِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۲۳۰، ص ۲۶۳)؛ بر شما باد کوشش و کوشیدن. محققان در موضوع تلاش در میدان مبارزه عبارت «بندها را محکم بندید» را معادل «فَشُدُّوا عَقَدَ الْمَأْرِرِ» (همان، خطبه ۲۴۱، ص ۲۶۹) ذکر کرده‌اند و آن را کنایه از آمادگی و مهیا کردن خود برای کار، تلاش و جهاد دانسته‌اند (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۳۲۱). از مصادیق مدیریت جهادی عمل صالح خالصانه در مسیر تحقق اهداف حاکمیت دینی است. روایاتی که از امامؑ درباره کار و تلاش نقل شده دربردارنده اهتمام حضرت بر نفی کسالت و رخوت از جامعه

عمران و آبادانی زمین امر کرده است، تا انسان‌ها به‌واسطه محصولات و زمین خارج می‌شود، از قبیل غلات، حبوبات، تأمین معاش کنند» (حرعاملی، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۹۵).

به‌نظر می‌رسد از همه صنوفی که حضرت امیرؑ از آنها نام می‌برد، قربت کشاورزان به زمین بیشتر باشد و کشاورزان بیشترین اهلیت را دارند که اهل زمین انگاشته شوند. از سویی دیگر در منظر امامؑ زبان نابسامانی کار کشاورزان هرگز در محدوده زندگی خود آنان نمی‌ماند، بلکه آثار خود را به همه پیکر جامعه می‌گستراند، سرانجام به ازهم‌پاشیدگی و نابودی می‌کشاند؛ بدین جهت حضرت می‌فرماید: «خَرَابُ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَازِ أَهْلِهَا» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، ص ۳۳۴)؛ همانا ویرانی زمین به‌جهت تنگدستی کشاورزان است» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۵۸۱).

ب. تجارت و صنعت

در نامه ۵۳ حضرت با برشمردن طبقات اجتماعی جامعه، از جمله نظامیان، کاتبان، قضات و... می‌فرماید: «أَلَا قَوْمَ لَهُمْ جَمِيعًا إِلَّا بِالْتَّجَارِ وَ دَوَى الصَّنَاعَاتِ»؛ کار این جمله استوار نگردد جز با بازرگانان و صنعت‌گران (نامه ۵۳، ص ۳۳۰). با تحلیل معنای «قوم» می‌توان گفت در دید علوی پایه‌های هستی‌بخش یک جامعه براساس این دو قشر انتظام می‌یابد (فیومی مقری، ۱۹۸۷، ص ۱۹۸؛ طریحی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۵۳۱؛ معلوف، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۹۳؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۶۵۸)؛ چراکه بی‌تردید تجارت مظهر فعالیت‌های اقتصادی در همه زمان‌هاست که در موجودیت جامعه سهم مهمی دارد. ازاین‌رو به مالک درباره آنها سفارش کرد: «سَوِّصْ بِالْتَّجَارِ وَ دَوَى الصَّنَاعَاتِ وَ أَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا... وَ تَقَفَّدْ أُمُورَهُمْ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، ص ۳۳۵)؛ نیکی به بازرگانان و صنعت‌گران را بر خود ببذیر و سفارش کردن به نیکویی درباره آنان را به عهده بگیر... و به کار آنان بنگر.

۲-۴. رویکرد جهادی

اتخاذ صرف برنامه‌ای اقتصادی بدون عزم لازم و روحیه بالای مدیران، قابل تحقق نیست. برای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز به مدیریتی صحیح و بایسته نیازمند است؛ زیرا عزم بالا و روحیه خودباوری مدیران در این زمینه بهترین ابزار کارآمدی آنان خواهد بود. برنامه مدیریتی مدنظر رهبری همانا مدیریت جهادی

برجسته، اسوه‌ای نیکوست؛ چنانچه ابن‌ابی‌الحدید معتزلی در وصف حضرت می‌نویسد: «فضلهم امیرالمؤمنین بانه كَانَ يَعْمَلُ بِيَدَيْهِ، وَ يَحْرُثُ الْأَرْضَ، وَ يَسْتَسْقِي الْمَاءَ، وَ يَغْرَسُ النَّخْلَ، كُلُّ ذَلِكَ يُبَاشِرُهُ بنفسه الشريفه» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳۷، ج ۱۵، ص ۱۴۷). ایشان حتی گاه با اجیر شدن برای پیرزنی، فقط کسب روزی حلال و مفید واقع شدن را مد نظر می‌گرفتند (اربلی، ۱۳۸۱ق، ص ۱۷۵).

ب. درایت

معیار ضروری دیگر در تحقق مدیریت جهادی، برخورداری مدیران از درایت است. در احادیث اسلامی همواره تأکید شده که در انتخاب افراد به صلاحیت علمی و توانایی آنها دقت و توجه بیشتری شود و هرگز کسانی را که از نظر علمی ضعیف‌اند و آگاهی‌های لازم را ندارند بر کاری نگمارند؛ زیرا که چنین کاری بزرگ‌ترین خیانت به جامعه اسلامی است. امیرمؤمنان علیؑ در نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۲ می‌فرماید: «إِيَّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ، وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ»؛ ای مردم همانا سزاوارترین مردم به این امر (خلافت و زمامداری) کسی است که تواناترین آنها بر اجرای امور و داناترین به فرمان خداوند در فهم مسائل باشد.

۲. حضور مردم

پرواضح است که نهادینه شدن اقتصاد مقاومتی در گرو پذیرش آن توسط توده‌های مردم و باطبع حضورشان در وسط میدان اقتصادی است. اهمیت مردمی‌سازی اقتصاد بدین خاطر است که تا مردم با درک حساسیت موضوع، خود را ملزم به اجرای سیاست‌ها و لوازم اقتصاد مقاومتی ندانند، هیچ طرحی به نتیجه نخواهد رسید. با حضور مردم، فقط قدرت حاکمه بر مردم نیست که در برابر فشارهایی همچون تحریم مقاومت می‌کند؛ بلکه مردم خود را شریک در پیشرفت و مقاومت حس کرده و با جهادی کردن سبک زندگی برای مقابله با تهدیدات بسیج می‌شوند.

رهبر معظم انقلاب با توجه به این مهم فرموده‌اند: «نکته پنجم، مردم‌محوری است که در این سیاست‌ها ملاحظه شده. تجربه هم به ما نشان می‌دهد، بیانات و معارف اسلامی هم تأکید می‌کند که هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. «يُدَّأَلُّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ»؛ هر جا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۲/۱۲/۲۰).

مسلمین و تحریض مردم برای فعالیت اقتصادی در هاله‌ای از تقوا با صبر و استقامت است؛ و «الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّهَايَةَ النَّهَايَةَ وَ الْاسْتِقَامَةَ الْاسْتِقَامَةَ ثُمَّ الصَّبْرَ الصَّبْرَ وَ الْوَرَعَ الْوَرَعَ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۷۶، ص ۱۸۳)؛ به کار بر خیزید، به کار بر خیزید؛ پس به پایان برسانید، به پایان برسانید؛ پایدار مانید، پایدار مانید؛ پس شکیبایی، پس شکیبایی؛ پس پارسایی، پارسایی. در این عبارت نیز شارحانی همچون حبیب‌الله خوئی (خوئی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۰۴) و ابن‌میثم بحرانی (ابن‌میثم بحرانی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۶۵۳) واژه «العمل» را «عمل صالح» تعریف کرده‌اند. البته در فرض چنین استنباطی که منظور امام صرفاً عمل صالح بوده باشد، تلاش برای دنیا نیز با نیت الهی مصداق عمل صالح است. چنانچه برخی مثل علامه جعفری آن را محدود و ناظر به عمل صالح برای عقبی ندانسته و کار و تلاش در بستر دنیوی را نیز اخذ کرده‌اند. ایشان در تبیین این کلام حضرت امیر می‌نویسد: «اگر کسی بخواهد ارزش و عظمت کار را به‌طور صحیح بفهمد، به زندگانی امیرمؤمنان و عشق او به کار مراجعه کند. ما در نهج‌البلاغه بیش از ۳۰۰ جمله درباره عظمت و ضرورت کار با کلماتی مانند (عمل) و (فعل)، (سعی)، (شغل)، (کدج)، (سبق) مشاهده می‌کنیم» (جعفری، ۱۳۸۹، ص ۱۶۱-۱۶۲).

حضرت علاوه بر اینکه در مقام نصیحت، مردم را به کار و تلاش فراخوانده‌اند (ر.ک: تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۵۱)، ارکان حکومت و استانداران خویش را نیز براساس آن قرار می‌دهد: «جِبَايَةَ خَرَايَهِ وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، ص ۳۲۵)؛ تا خراج آنها فراهم آورد و بیکار کردن با دشمنان و سامان دادن کار مردم و آباد کردن شهرهای آن. سیره حضرت امیر با کار و تلاش عجین شده است و در هر فرصتی به تلاش اقتصادی می‌پرداخت؛ به‌طوری که روایت شده است: «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ أَنَّهُ لَمَّا كَانَ يَفْرُغُ مِنَ الْجِهَادِ يَتَفَرَّغُ لِتَعْلِيمِ النَّاسِ وَ الْقَضَاءِ بَيْنَهُمْ فَإِذَا يَفْرُغُ مِنْ ذَلِكَ إِشْتَعَلَ فِي حَائِطٍ لَهُ يَعْمَلُ فِيهِ بِيَدَيْهِ وَ هُوَ مَعَ ذَلِكَ ذَاكِرٌ لِلَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ» (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۱۱)؛ امام علیؑ آنگاه که از جهاد فارغ می‌گشت، به تعلیم مردم و قضاوت بین آنها می‌پرداخت و هنگامی که از این کار آسوده می‌شد در باغچه‌ای که داشت با دست خود مشغول کار می‌شد و در همان حین انجام کار، مشغول ذکر نام خدا بود. روحیه عملی آن حضرت در موضوع کار و تلاش اقتصادی و نداشتن حساسیت منفی در انتخاب نوع کار با وجود موقعیت اجتماعی

کشور در هیچ شرایطی در زمینه تغذیه و در زمینه دارو دچار مشکل نشود؛ این یکی از مؤلفه‌های اساسی در این سیاست‌هایی است که ابلاغ شده. باید خودکفا باشیم؛ بایستی زمینه‌های کاملاً کفایت‌کننده مورد توجه قرار بگیرد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۲/۱۲/۲۰).

امیرمؤمنان علیؑ رسیدن به مرحله‌ای که مردم تحت امر حاکمیت خویش از بهره‌مندی اقلام اولیه بی‌نیاز شده‌اند را برای همگان متذکر می‌شود؛ شرایطی از تأمین معاش که حتی امروز هم حتی در جوامع صنعتی وجود ندارد؛ چنانچه می‌فرماید: «أصبح بالكوفة أحد إنا ناعما، إن أدناهم منزلة، ليأكل البر، و يجلس في الظل، و يشرب من ماء الفرات» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۹۹)؛ همه مردم کوفه اکنون دارای وضعیت خوبی هستند؛ حتی پایین‌ترین افراد، نان گندم می‌خورد، خانه دارد، و از آب آشامیدنی خوب استفاده می‌کند.

این مسیر با «راحت‌طلبی» و «تن‌پروری» سازگار نیست و سختی‌های فراوانی را در پی خواهد داشت. از یک سو جامعه باید تحمل فشارهای حاصل از قطع کالای وارداتی را تحمل کند؛ از سوی دیگر نیز باید در همه عرصه‌ها تلاشی همه‌جانبه داشته باشد و زندگی راحت و در آسایش را به‌خاطر نتیجه‌های بزرگ‌تر و والاتر به کناری وانهد. بدین ترتیب خودکفایی جز در سایه ارتقاء فرهنگ کار و تلاش مضاعف و ارتقاء وجدان کاری کارگر و کارمند و... میسر نخواهد شد. برای تحقق خودکفایی باید زمینه‌های اشتغال و کار در جامعه توسعه یابد و با مقوله بیکاری مبارزه کرد. از دیدگاه امام علیؑ، فقر اقتصادی، معلول پیوند فرهنگ کسالت، بی‌تحرکی، تنبلی و ناتوانی است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۱، ص ۵۱)؛ چنانچه فرمودند: «إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا ارْتَدَّجَتْ ارْتَدَّجَتِ الْكَسَلُ وَالْعَجْزُ فَتُنَجَّ مِنْهُمَا الْفَقْرُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲۰)؛ هنگامی که موجودات جفت گردیدند، تنبلی و ناتوانی با یکدیگر جفت شدند و فقر از آن دو به وجود آمد.

امیرمؤمنان علیؑ برای خودکفایی ارزش زیادی قائل می‌شدند و گاه در تشویق مردم به تجارت، اصل رهایی از وابستگی را مطرح می‌کردند: «تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَةِ فَإِنَّ فِيهَا لَكُمْ غَنًى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۹۳)؛ تجارت کنید و تا از آنچه در دست دیگران است بی‌نیاز شوید. در برخی بیانات حضرت، انگیزه فعالیت اقتصادی را نوعی انجام تکلیف می‌داند؛ زیرا با دادن مسئولیت به افراد برای رسیدگی به زیردستان، اعم از خانواده سببی و نسبی،

حضرت امیر برای آوردن مردم به میدان حضور، اولین قدم را ایجاد ارتباط صمیمی، پاسخ‌گویانه با مردم و پرهیز از هرگونه احتجاب می‌دانند. حضرت فرمودند: «إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أَحْتَجِرَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۰، ص ۳۲۳)؛ حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم. ایشان به مالک اشتر در این باره می‌نویسند: «فَلَا تُطَوَّلَنَّ اخْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّ اخْتِجَابَ الْوَلَاةِ عَنِ الرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنَ الضِّيقِ وَ قَلِيلَةٌ عَالِمٌ بِالْأُمُورِ» (همان، نامه ۵۳، ص ۳۲۷)؛ فراوان خود را از رعیت خویش پنهان مکن که پنهان‌شدن والیان از رعیت نمونه‌ای است از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در کارها. پیشنهاد حضرت هم‌نشینی هر صبح و شام با توده مردم است: «تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ وَ تَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًا» (همان، نامه ۵۳، ص ۳۳۶)؛ خود را برای کار آنان فارغ دار و در مجلسی عمومی بنشین. «وَ اجْلِسْ لَهُمْ الْعَصْرَيْنِ» (همان، نامه ۶۷، ص ۳۵۱-۳۵۲)؛ در بامداد و شامگاه در یک مجلس عمومی با مردم بنشین (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۶۰۹). حضرت امیر شخصاً حتی در دوران امارت‌شان در بین مردم حضور داشتند: «يَطُوفُ فِي جَمِيعِ الْأَسْوَاقِ اسْوَاقِ الْكُوفَةِ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَقْعُدُ لِلنَّاسِ» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۹۸)؛ در تمام بازارهای کوفه می‌گشت، سپس برمی‌گشت و برای [رسیدگی به کارهای] مردم می‌نشست.

۲-۶. امنیت اقلام کاربردی و اساسی

روشن است که تا وقتی مسلمانان دست نیاز به‌سوی غیر خود دراز کنند، اعتماد به نفس، نخواهند یافت و به استعدادها و قابلیت‌های فراوان خود واقف نخواهند شد. تا زمانی که کشورهای مسلمان همه نیازمندی‌های خود را از کشورهای دیگر طلب کنند، رنگ پیشرفت را نخواهند دید و در جازدن را تمرین خواهند کرد. اگر قرار باشد فقر از جامعه‌ای رخت برنهد و رشد اقتصادی به‌صورت فزاینده‌ای شکل گیرد، باید «خودکفایی» به معنای واقعی آن، صورت پذیرد. به‌بیان دیگر، اگر قرار باشد در کشوری «تحولی جهادی در زمینه مسایل اقتصادی» روی دهد، مسلماً بدون تلاش همه‌جانبه در زمینه «خودکفایی» امکان‌پذیر نخواهد بود. رهبری با عنایت به رهایی از وابستگی خصوصاً در تهیه اقلام ضروری جامعه می‌فرماید:

مسئله ششم امنیت اقلام راهبردی و اساسی است؛ در درجه اول غذا و دارو، باید تولید داخلی کشور طوری شکل بگیرد که

توجیه اقدامات اقتصادی را از صرف دنیاطلبی و کار برای کسب لذت و درآمد به سمت عبادی و الهی سوق می‌دهد: «مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا خَلَالًا؛ تَعَطُّفًا عَلَى وَالِدٍ أَوْ وَلَدٍ أَوْ زَوْجَةٍ، بَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَوَجْهَهُ عَلَى صُورَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ» (بغدادی، بی‌تا، ص ۲۲۸)؛ کسی که در دنیا طلب (روزی و مال) حلال کند، تا به واسطه آن بر پدر یا فرزند و یا همسر خود مهربانی کند، در روز قیامت چنان با خدای خود ملاقات می‌کند که رخساری چون ماه شب چهارده دارد.

کار و تلاش برای بقاء خانواده در بینش علوی مقدس‌تر از شمشیر زدن و جهاد است؛ چنانچه فرمود: «مَا غَدَوَةٌ أَحَدِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ مِنْ غَدَوْتِهِ يَطْلُبُ لَوْلِيهِ وَ عِيَالِهِ مَا يُصْلِحُهُمْ» (قاضی نعمان، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۹)؛ درآمدن شما - اول صبح - برای جهاد در راه خدا، از درآمدن آن کس که برای تأمین زندگی خانواده خود تلاش می‌کند بالاتر نیست (و ارزش و اجرش بیشتر نیست). بدین ترتیب نه تنها امام تلاش برای آبادی دنیا را مذموم نمی‌داند؛ بلکه تلاش مضاعف را برای ساختن دنیایی ایده‌آل مورد اهتمام قرار می‌دهند؛ آنچه مذموم است اشتغال به دنیا و غافل شدن از آخرت و تولای به آن است. حضرت می‌فرماید: «النَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَامِلَانُ عَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا قَدْ شَغَلَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، حکمت ۲۶۹، ص ۴۱۰)؛ مردم در دنیا دو دسته‌اند، یکی آن کس که در دنیا برای دنیا کار کرد، و دنیا او را از آخرتش بازداشت (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۶۹۵).

۲-۷. رهایی از وابستگی به منابع خاص

مشکلات حاصل از تحریم‌های ناعادلانه ضدجمهوری اسلامی ایران به‌روشنی ثابت کرد تا زمانی که وابستگی ایران به درآمد نفت و گاز وجود دارد، شمشیر تحریم بر سر اقتصاد ایران وجود خواهد داشت. رهبر معظم انقلاب نکته هفتم در اقتصاد مقاومتی را کاهش وابستگی به نفت می‌داند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۲۰/۱۲/۹۲). از مهم‌ترین راه‌کارهای کاهش وابستگی به نفت، کار و تلاش بیشتر برای استفاده بیشتر و بهینه از معادن و منابع طبیعی غیرنفتی است. با افزایش حجم استخراجات و اکتشافات، مقدمات افزایش تولید در قالب افزایش تولیدات بومی (در مقابل خام‌فروشی) و رشد ناخالص داخلی رقم خواهد خورد. مبنای علوی این سخن پذیرش این اصل است که انسان‌ها برای کسب روزی خود محتاج طبیعتی هستند که

خداوند آن را با آنچه انسان به آن محتاج است، سیراب کرده: «فَجَعَلَهَا لِيَخْلُقِ مِنْهَا وَأَوْسَطَهَا لِيُنشَأُ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۲۱۱، ص ۲۴۵)؛ پس آن را برای آفریدگان خویش همچون گهواره کرد و چون بستر برایشان گسترانید. و این انسان است که باید بتواند با آبادی سرزمین‌ها، از دل طبیعت نیازهای خویش را بیرون بکشند: «{خداوند متعال} بدان باران از زمین‌های نارویان، رستنی، و از کوه‌ها گیاه تر برون آورد... و این همه را خوراک مردمان کرد و روزی جانداران {قرار داد}... چون آدم ؑ توبه کرد، او را فرود آورد تا با فرزندان خود زمین را آبادان سازد» (همان، خطبه ۹۱، ص ۸۲). امیرمؤمنان علی ؑ به تدبیر خداوند در استخدام و تسخیر طبیعت و جهان ماده توسط انسان اشاره می‌فرماید: «أَمْرًا تَأْمَنَّا بِمَنَافِعِكُمْ فَأَطَاعَنَا وَأَقِيمْنَا عَلَى حُدُودِ مَصَالِحِكُمْ فَقَامَتَا» (همان، خطبه ۱۴۳، ص ۱۳۸)؛ آن دو - زمین و آسمان - به سود شما مأمور شدند و گردن نهادند، و برای مصلحت شما بر پاشان داشتند، و ایستادند. از این روست که حضرت کسانی که از کار و تولید باز مانده‌اند و نداشتن امکانات و محصور شدن به شرایطی خاص را بهانه کرده‌اند، سرزنش می‌کند و داشتن حداقل آب و خاک را برای رهایی از فقر و داشتن تولیدی که جامعه را از غیر بی‌نیاز کند کافی می‌داند: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۶).

تأمین منابع اقتصادی کشور بدون ایجاد وابستگی به منابع طبیعی تجدیدناپذیر می‌تواند به پایداری نظام اقتصادی کمک کند. از جمله مهم‌ترین منابعی که امام بر پایه آن منابع، چرخ اقتصاد حکومت خویش را به‌چرخش درمی‌آوردند، خراج و زکات بود. حضرت در مورد اخذ قانونی خراج - که امروزه می‌توان نام مالیات بر آن نهاد - در نامه ۵۳ به مالک اشتر اصلاح امور حکومت را در گردآوری کامل و دقیق خراج می‌داند (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، ص ۳۳۳؛ خوئی، ۱۳۵۶، ج ۵، ص ۴۵۲). اعزام مأموران زکات و تبیین وظایف آنها نشان می‌دهد دولت علوی جمع‌آوری و هزینه کردن زکات را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع تأمین مالی به‌شمار می‌آورد. ایشان در نامه خود به کارگزاران تأکید می‌کند زکات را به‌عنوان «حق الله» و خود را به‌عنوان نماینده خدا یا همان «خلیفه الله» معرفی کنند تا مردم زکات را به‌عنوان «واجب الهی» بدانند (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۲۵).

۲-۸. مدیریت و اصلاح الگوی مصرف

رهبر معظم انقلاب موضوع هشتم در تبیین شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی را مسئله اصلاح الگوی مصرف دانسته‌اند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). اصلاح الگوی مصرف عبارت است از نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور به‌قسمی که سبب ارتقای شاخص‌های زندگی مردم و کاهش هزینه‌ها شده و از این منظر زمینه‌ای برای گسترش عدالت عمومی فراهم آید. پرهیز از ریخت‌وپاش، پرهیز از اسراف، پرهیز از هزینه‌کردهای زائد، در وحله اول خطاب به مسئولان در زندگی شخصی و حوزه مأموریتی‌شان است، تا آنجا که این خصلت به مردم نیز سرایت کند.

مدیریت و اصلاح الگوی مصرف در سبک زندگی علوی در دو رفتار ظهور دارد.

الف. منع از اسراف، تبذیر و تجمل‌گرایی

اسراف در لغت تجاوز کردن از حد اعتدال معنا شده است (بستانی، بی تا، ج ۱، ص ۹۵۰)؛ تبذیر در لغت به معنای بذر پاشیدن است (همان، ص ۷۵). یک راهکار برای تاب‌آور شدن یک چرخه اقتصادی نسبت به فشارهای بیرونی تغییر نگاه از مصرف‌گرایی لجام‌گسیخته افراد آن جامعه به پرهیز از اسراف و تبذیر و توصیه به مصرف بهینه است. افزایش غیرمنطقی مصرف و روحیه مصرف‌زدگی پیامدی جز خارج کردن سیستم عرضه و تقاضا از روال عادی خود و افزایش وابستگی بیرونی و طبیعتاً نابودی ندارد. چنانچه حضرت فرمودند: «مَنْ لَمْ يُحْسِنِ الْاِقْتِصَادَ اَهْلَكَهُ الْاِسْرَافُ» (تمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۵۴)؛ هر کس میانه‌روی در مصرف را به‌خوبی رعایت نکند، اسراف او را از پای در خواهد آورد. حضرت امیر میانه‌روی را در مقابل اسراف قرار دادند و فرمودند: «از اسراف پرهیز، و میانه‌روی را برگزین؛ از امروز به فکر فردا باش و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهدار و زیادی را برای روز نیازمندیت در آخرت پیش فرست (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۵۰۱، نامه ۲۱). امام علیؑ بر صرفه‌جویی در هزینه‌های اداری بیت‌المال تأکید می‌ورزد و به کارگزاران خود حتی در نامه‌نگاری توصیه‌ها می‌کند. این مرام در حدی بود که حتی از چراغ بیت‌المال به هنگام گفت‌وگو در منافع شخصی افراد استفاده نمی‌کرد (مرعشی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۵۳۹). از دیگر معانی اسراف در کلام حضرت امیر، استفاده از چیزی در

غیرموضوعش است: «إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۲۶، ص ۱۲۴)؛ بخشیدن مال به کسی که مستحق آن نیست، با تبذیر، و اسراف یکی است. به‌خلاف اهل تقوا که حتی در لباس پوشیدن هم از حد اعتدال عبور نمی‌کنند: «مَلْبَسُهُمُ الْاِقْتِصَادُ» (همان، خطبه ۱۹۳، ص ۲۲۵)؛ پوشش آنان میانه‌روی است (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۴۰۳).

ب. قناعت

یکی از ارکان اساسی در اصلاح الگوی مصرف در فرهنگ علوی، پذیرش اکتفا به ضرورت‌ها و قناعت در نیازهاست. «قناعت» در لغت به معنای «فروکاستن» است، تا آنجا که فرد زندگی خود را با امکاناتی که در دست دارد، منطبق سازد که از مصادیق آن، رضایت دادن به چیزی است که به او می‌رسد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۳۲۷). کوبیدن بر طبل مصرف‌گرایی برای استفاده از انواع خوراک، پوشاک و وسایل رفاهی - تفریحی و تسلیم ذائقه‌آفرینی‌های رسانه‌ای شدن؛ حتی اگر به وابستگی خارجی هم نیانجامد؛ باعث می‌شود با رشد نیازهای کاذب، به‌دلیل جوابگو نبودن تولیدات داخلی، تورم افزایش یابد. با توجه به تأثیر قابل‌توجهی که شتاب‌زدگی در مدیریت مصرف بر وابستگی به بیگانگان دارد؛ باید کوشید تا با حاکم کردن روح قناعت در بین مردم و بالطبع کاهش هدررفت هزینه‌های مالی، افزایش قدرت مردم بر تدارک معاش براساس منابع موجود داخلی رقم بخورد. امام علیؑ توانگری را نه در کثرت ثروت، بلکه در استقلال و بی‌نیازی از مردم معرفی می‌کند: «الْعِنَى الْاَكْبَرُ الْاِيْسُ عَمَّا فِي اَيْدِي النَّاسِ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، حکمت ۴۲۲، ص ۳۴۲)؛ برترین بی‌نیازی و دارایی نومیدی است از آنچه در دست مردم است (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۷۱). حضرت در تفسیر آیه شریفه «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷)؛ حیات طیبه را در قناعت می‌داند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۵۴). از همین رو حضرت سیراب‌شدن چشم و قلب را ثمره قناعت می‌داند: «مَعَ قَنَاعَةٍ تَمَلُّهُ الْقُلُوبُ وَ الْعْيُونَ غَنَى» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۹۲، ص ۲۱۵)؛ با قناعتی که دل و چشم‌ها را از بی‌نیازی پر دارد.

۲-۹. مبارزه با فساد اقتصادی

یکی از دیگر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مبارزه با اخلال‌گران و

برهم‌زندگان جریان معیشت اقتصادی است. حضور مردم و سرمایه‌گذاران، رشد و توسعه، اشتغال سالم و مولد برای افزایش تولید ملی، نیاز به ثبات، امنیت و آرامش در بازار داد و ستد دارد و آرامش منوط به مبارزه بی‌امان با فساد اقتصادی است. فساد اقتصادی سبب کاهش سرمایه‌گذاری و کندی رشد اقتصادی و در نهایت باعث عدم تحقق اهداف توسعه اقتصادی در کشور می‌شود، درآمدهای مالیاتی کاهش می‌یابد و کیفیت زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات عمومی تنزل پیدا می‌کند. رهبر معظم انقلاب با لحاظ این مهم فرمودند: «نکته نهم، فسادستیزی است... باید صحنه اقتصادی امنیت داشته باشد؛ اگر امنیت را می‌خواهیم، بایستی دست مفسد و سوءاستفاده‌چی و دورزننده قانون و شکننده قانون بسته بشود» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۲/۱۲/۲۰).

برای مبارزه با فساد می‌توان از سیره مدیریتی امام علی^ع در چهار محور گویباری کرد.

الف. تنظیم بازار

تنظیم بازار، توسعه و امنیت سرمایه‌گذاری و اعتماد متقابل دولت و ملت، در گروه اعتماد کارفرما و کارگر و تمامی اقشار جامعه نسبت به یکدیگر و نیز مبارزه با فرصت‌طلبی‌ها، رانت‌ها و احتکار و غیره است (دری نجف‌آبادی، ۱۳۷۹). حضرت ضمن سفارش به رسیدگی به امور بازاریان، خواستار برخورد نیروهای اجرایی خویش با کسانی بود که با احتکار یا کم‌فروشی توازن سیستم عرضه و تقاضا را مختل می‌کنند؛ چنانچه می‌فرمود «میان بازرگانان بسیار کسانی که معاملات بد دارند، بخیل‌اند و در پی احتکارند، سود خود را می‌جویند و کالا را به هر بهای که خواهند می‌فروشند، و این سودجویی و گران‌فروشی زبانی است برای همگان، و عیب است بر والیان. پس باید تا از احتکار منع کرد که رسول خدا^ص از آن منع فرمود؛ و باید خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد.» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، ص ۳۳۵). حضرت با تمام مشغله‌های حکومت‌داری اکتفا به دستورات نمی‌کردند؛ بلکه شخصاً به تنظیم بازار کوفه اشراف داشتند. درباره ایشان گفته شده است که «همچون معلمی برای کودکان درحالی‌که تازیانه‌ای به‌دست می‌گرفت، در بازارها به‌راه می‌افتاد و توصیه می‌فرمود تقوای الهی را رعایت کنید و پیمانها را پر کنید (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۲).

ب. بازرسی

بازرسی مستقیم بر داد و ستد مردم و سیستم اقتصادی حاکم بر بازار از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی است؛ چراکه رشد اقتصادی در گروه نظارت دائمی بر کسب و کار مردم است. حضرت امیر^ع از این اصل غافل نشدند و بازرسی بر بازار را به‌جد پی‌گیری می‌کردند. «امیرمؤمنان^ع، هر صبح‌گاه در بازارهای کوفه، یکی‌یکی می‌گشت... در برابر اهالی بازارها می‌ایستاد و فریاد می‌کرد: ای بازرگانان... از سوگند، پرهیزید و از دروغ، کناره‌گیرید. از ستم‌دوری‌گریزید و داد ستم‌دیدگان بستانید. به رباخواری نزدیک نشوید و وزن و ترازو را تمام کنید. اموال مردم را کم ندهید و در زمین به فساد سر بر مدارید» (صدوق، ۱۴۰۰، ص ۴۹۷).

ج. مبارزه با ثروت‌های بادآورده

یکی از راه‌کارهای حضرت برای تقویت بنیه اقتصادی جامعه، مبارزه با ثروت کسانی است که از راه غیرمشروع کسب درآمد کرده‌اند. بازگرداندن ثروت‌ها به جریان عمومی اقتصادی جامعه مانع از بسط فقر و تضعیف اقشار کم‌درآمد می‌شود و ایجاد انگیزه برای فعالیت اقتصادی سالم را فراهم می‌آورد. حضرت دو روز پس از به حکومت رسیدن به سراغ اموالی رفتند که بدون دلیل شرعی در دوران عثمان به ملکیت عده‌ای خاص درآمده بود: «وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ، وَ مَلَكَ بِهِ الْإِمَاءَ، لَرَدَدْتُهُ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۵، ص ۱۶)؛ به‌خدا سوگند، {بیت‌المال تاراج شده را} هر کجا که ببایم به صاحبان اصلی آن بازمی‌گردانم؛ گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۵۹). این جدیت بدان سبب است که امام، وظیفه حکومت را رساندن حقوق و اموال مردم به دستشان می‌داند و این امر را تکلیفی الهی بر می‌شمارد: «لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا... إِصْدَارُ السُّهُمَانِ عَلَى أَهْلِهَا» (همان، خطبه ۱۰۵، ص ۹۸)؛ بر امام چیزی نیست جز... رساندن سهم‌های بیت‌المال به طبقات مردم» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۱۹۵).

د. مبارزه با مفاسد اداری

مبارزه با مفاسد اداری دولتمردان در نظر حضرت مقوله‌ای قابل اغماض و مسامحه نیست؛ چون اگر جامعه‌ای بدان مبتلا شود تمام طرح‌های اقتصادی‌اش در معرض نابودی قرار می‌گیرد. ایشان در این‌باره رعایت

(۳۷۳): ارزش هر کس به مقدار دانایی و تخصص اوست. همچنین می‌فرماید: «الْأَسُّ أَيْبَاءُ مَا يُحْسِنُونَ وَ قَدْرُ كُلِّ أَمْرٍ مَا يُحْسِنُ فَتَكَلَّمُوا فِي الْعِلْمِ تَبَيَّنَ أَقْدَارُكُمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۸)؛ مردم فرزندان کارهای نیکویی هستند که مرتکب می‌شوند و ارزش هر کس به اندازه کاری است که آن را نیکو انجام می‌دهد؛ پس آنگاه که عالمانه سخن می‌گویند منزلت شما مشخص می‌شود. این تعلیم سازنده حضرت، دلیل روشنی است بر ارزش «تخصص» و «کارشناسی» و اهمیت بدل ناپذیر آن (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۹۰).

نتیجه‌گیری

در حوزه مطالعات دینی، مقایسه دیدگاه رهبر معظم انقلاب در تدوین سیاست اقتصاد مقاومتی با آنچه از سیره علوی به یادگار مانده است، مبین این واقعیت است که مقوله اقتصاد مقاومتی الگویی امروزی از شیوه مدیریت و حکومت‌داری حضرت علیؑ در موضوع معیشت مردم و اقتصاد خرد و کلان جامعه است.

این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال برآمد که مبانی نظری مؤلفه‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی چگونه و تا چه اندازه در کلام امیرمؤمنان علیؑ تبیین یافته و به سیره آن حضرت قابل استناد است؟ رهبر معظم انقلاب، الگوی عملی نظام اسلامی را حکومت علوی می‌داند و اقتصاد مقاومتی را یک الگوی بومی و علمی برآمده از فرهنگ اسلامی دانسته‌اند. بی‌شک یکی از ظرفیت‌های بالقوه فرهنگ اسلامی، کلام امام علیؑ است. در این تحقیق مبانی نظری مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در سیره و سنت علوی بررسی شد. بررسی‌های انجام‌شده به روش استنادی - تحلیلی در بیانات حضرت امیر نشان داد مؤلفه‌هایی ابلاغی اقتصاد مقاومتی از قبیل: عدالت اجتماعی، تکیه بر ظرفیت داخلی، مبارزه با فساد اقتصادی، رویکرد جهادی، خودکفایی در نیازهای اولیه، مدیریت و اصلاح الگوی مصرف، به‌طور چشم‌گیری مورد اهتمام امام علیؑ بوده است. معرفت به چنین واقعیتی علاوه بر آنکه نشان می‌دهد نظریه اقتصاد مقاومتی در فرمایشات رهبری به تأسی از مجموعه اقداماتی است که حضرت علیؑ در طی دوران حکومت خویش در قلمروی حاکمیتی خود مدنظر داشته؛ می‌تواند در عمل دارای حداقل دو مزیت غیرقابل انکار باشد: اول اینکه احراز می‌شود اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری انقلاب، مقوله‌ای مستقل از پیش حضرت امیرؑ در

اصولی مثل نظارت و محاسبه، شایسته‌سالاری با تکیه بر اصل معنویت، توسعه سطح رفاه در بین نیروهای اجرایی را لازم می‌دانستند و می‌فرمود: «سپس در امور کارمندان بیندیش، و پس از آزمایش به کارشان بگمار... کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا، از خاندان‌های پاکیزه و باتقوا، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنان گرمی‌تر، و آبرویشان محفوظ‌تر، و طمع و روزی‌شان کمتر... سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند... سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راست‌گو و وفای‌شده بر آنان بگمار» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۵۷۹). امامؑ برای اینکه مانع رشوه‌خواری در نظام اداری‌اش شود، حتی گرفتن هدیه را نیز ممنوع کرد: «إِيْمًا وَال... أَخَذَ هَدِيَّةً كَانَ غُلُوًّا» (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۲۶۱)؛ هر والی... اگر هدیه قبول کند خیانت کرده است.

۱۰-۲. ارزش علم و معرفت در نظریه اقتصاد مقاومتی

«تکنه دهم از مؤلفه‌های سیاست‌های مقاومتی، مسئله دانش‌محوری است که این‌هم یک مشخصه بسیار مهمی است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۲/۱۲/۲۰). نقش علم و دانش در اقتصاد به دلیل ایجاد تخصص و بهبود بهره‌وری عوامل تولید از گذشته مورد توجه قرار گرفته و جایگاه فناوری و دانش به عنوان عوامل درون‌زا در رشد اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است. اقتصاد دانش‌بنیان بدین معناست که از توسعه و انباشت علم برای رفع مشکلات و رسیدن به شاخصه‌های توسعه اقتصادی استفاده شود؛ چراکه مبنای تولید ثروت در دنیا به تولید علم و فناوری و استفاده از آنها وابسته است (سنایی‌فر و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۱۰). امام علیؑ سفارش می‌کند که هر کاری (اعم از اقتصادی و غیره) باید با علم و مهارت لازم انجام گیرد: «فَإِنَّ الْعَامِلَ بغيرِ عِلْمٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا يَزِيدُهُ بَعْدَهُ عَنِ الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ إِلَّا بَعْدًا مِنْ حَاجَتِهِ وَالْعَامِلُ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۵۴، ص ۱۵۲)؛ آنکه نادانسته کاری کند، مانند کسی است که به بیراهه رود. هرچه در آن راه پیش راند، از مقصود خود دورتر ماند، و آنکه از روی دانش‌کننده کار است، همچون رونده در راه آشکار است. حضرت امیر درباره ارزش تخصص فرموده است: «قِيَمَةُ كُلِّ أَمْرٍ مَا يُحْسِنُهُ» (جزائری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۴۳؛ نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، حکمت ۸۱، ص

ص ۹۷-۱۳۳.

حرعاملی، محمدبن حسین، بی تا، *وسائل الشیعه*، تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، مکتبه الاسلامیه.

حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۰، *الحیة*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، *قرب الاسناد*، قم، مؤسسه آل البیت.

خوئی، حبیب‌الله، ۱۳۵۶، *منهاج البراعه*، قم، مکتبه الاسلامیه.

درخشه، جلال و مرتضی فخاری، ۱۳۹۵، «گسترده مفهوم عدالت در اندیشه امام خمینی»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال پنجم، ش ۲، ص ۱۸۱.

دری نجف‌آبادی، قربانعلی، ۱۳۷۹، «مبارزه با فساد در حکومت علوی»، *حکومت اسلامی*، سال پنجم، ش ۳، ص ۲۵۳-۲۹۲.

دشتی، محمد، ۱۳۹۰، *امام علی و اقتصاد اسلامی*، قم، امیرالمؤمنین.

دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۷۷، *چشمه خورشید*، تهران، خانه اندیشه جوان.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۷، *مفردات*، ترجمه حسین خداپرست، قم، نوید اسلام.

سینایی فر، اکبر و همکاران، ۱۳۹۲، *الزامات و ارکان اقتصاد مقاومتی*، اصفهان، ستارگان درخشان.

شمس‌الدین، محمدمهدی، ۱۳۶۱، *جستجویی در نهج البلاغه*، ترجمه محمود عابدی، تهران، بنیاد نهج البلاغه.

صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۰ق، *أمالی*، چ پنجم، بیروت، اعلمی.

—، ۱۴۰۴ق، *من لا یحضره الفقیه*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.

—، ۱۴۰۶ق، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، شریف الرضی.

طبرسی، رضی‌الدین، ۱۳۷۰، *مکارم الأخلاق*، چ چهارم، قم، شریف رضی.

طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۹ق، *مجمع البحرین*، تهران، بعثت.

فیض کاشانی ملامحسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تحقیق حسین اعلمی، چ دوم، تهران، صدر.

فیومی مقری، احمد، ۱۹۸۷م، *مصباح المنیر*، بیروت، مکتبه لبنان.

قاضی نعمان، ابوحنیفه، ۱۳۷۲، *دعائم الاسلام*، ترجمه عبدالله امینوار، کابل، اسماعیلیان.

قربانی، زین‌العابدین، بی تا، *عوامل همکاری و اعتماد بین مردم و حکومت در دیدگاه نهج البلاغه*، رشت، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۶۲، *میزان الحکمه*، قم، مکتب الاعلام اسلامی.

—، ۱۳۸۱، *سیاستنامه امام علی*، ترجمه مهدی مهریزی، چ سوم، قم، دارالحدیث.

مرعشی، قاضی نورالله، ۱۴۰۹ق، *احقاق الحق و ایزهات الباطل*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

معلوف، لوئیس، ۱۳۷۷، *المنجد*، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران، صبا.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق، *أمالی*، قم، کنگره شیخ مفید.

موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۵، *صحیفه امام*، چ چهارم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۹۲، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۴۷، ص ۴۹-۷۶.

مباحث اجتماعی و اقتصادی نیست؛ دوم آنکه به واسطه باورپذیرتر شدنش، زمینه برای تحقق و اجرای این اندیشه در فرهنگ عمومی جامعه بیش از پیش فراهم می‌شود؛ زیرا اقتصاد مقاومتی براساس این پیش‌فرض طراحی شده که کشور در تعارض دائمی با نظام سلطه است؛ لذا با نشان دادن مجهز بودن این ایده به اندیشه دینی علوی، راه برای نهادینه‌شدن آن مهیاتر خواهد شد. ثمره عینی تحقیقی این امر آن است که در فضای سیاسی کنونی کشورهای اسلامی و بخصوص دوران دولت انقلابی، مسئولان اجرایی به دلیل یا (به بهانه) مسائل معیشتی و اقتصادی مردم، خود را ناگزیر به دست کشیدن از اهداف ایدئولوژیک و انقلابی و نیز سلطه‌پذیری و وادادگی سیاسی ناشی از آن نمی‌پندارند.

منابع

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.

—، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.

ابن ابی‌الحدید معتزلی، عزالدین ابوحامد، ۱۳۳۷، *شرح نهج البلاغه*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول عن آل الرسول*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.

ابن‌شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی، ۱۳۷۹ق، *مناقب آل ابی‌طالب*، قم، علامه.

ابن‌فهد حلی، احمد، ۱۴۰۷ق، *عدة السداعی و نجاح الساعی*، تصحیح احمد موحدی قمی، بیروت، دارالکتب الاسلامی.

ابن‌میثم بحرانی، کمال‌الدین، ۱۴۱۷ق، *شرح نهج البلاغه*، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.

اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ق، *کشف الغمه فی معرفة الأئمة*، تبریز، بنی‌هاشمی.

برقی، احمدبن محمد، ۱۲۷۱ق، *المحاسن*، تصحیح جلال‌الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه.

بستانی، بطرس، بی تا، *محیط المحيط*، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.

بغدادی، عبدالعزیز بن اسحاق، بی تا، *مسند الامام زید*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

بیانات رهبر معظم انقلاب، در: khamenei.ir

ترابزاده جهرمی، محمداصداق، ۱۳۹۲، «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ش ۳۲، ص ۳۱-۴۶.

تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، تصحیح مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

جزائری، نعمت‌الله، ۱۴۰۸ق، *کشف الأسرار فی شرح الإستبصار*، قم، دارالکتب.

جعفری، محمدتقی، ۱۳۸۹، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، مشهد، آستان قدس رضوی.

جهانیان، ناصر، ۱۳۸۹، «نظریه جامع عدالت»، *فلسفه دین*، سال هفتم، ش ۶.

components for a resistance economy. Since the practical model of the Islamic system is the Alawite government and assuming that Imam Ali (PBUH) in his government managed the livelihood of the people of his time with a divine policy; This research seeks to answer the question, how and to what extent are the components of resistance economy explained in the words and life of Amir al-Mominan (PBUH)? Using a citation-analytical method in Nahj al-Balagha, the research shows that the communicated components of resistance economy, such as: social justice, relying on internal capacity, fighting economic corruption, jihadist approach, self-sufficiency in basic needs, management and reforming the consumption pattern, as Vision has been the concern of Imam Ali (PBUH). By drawing the religious foundations of the components of the resistance economy, a big step is taken towards the institutionalization of the Alawi discourse, with the aim of culturalizing it among the people; In this way, the country's executive officials do not feel compelled to give up their ideological and revolutionary goals due to economic issues.

Keywords: resistance economy, Imam Ali, social justice, consumption pattern reform, fight against economic corruption.

researches is how to deal with and solve this problem by the Islamic economic system. The purpose of this article is to examine the proposed variables of the Islamic economic system in the fair distribution of wealth and poverty relief. Analyzing and investigating the origin and position of poverty in the literature of conventional economics and Islamic economics, this research examines the parameters of the Islamic economic system in the field of equitable distribution of wealth and elimination of poverty. The present research has been done with the help of Islamic text analysis and rational method and using the desk-research technique. The findings of the research show that the proposed parameters of the Islamic system fall into three categories: establishment, reform and reserve parameters. Establishment parameters lead to increase in the income of the Islamic society and fair distribution of wealth, reserve parameters limit the concentration of wealth, and finally, correction parameters are used to correct the imbalance in the distribution of income and wealth and improve economic conditions. If these measures are applied, the problem of poverty and unfair distribution of wealth can be solved at the root.

Keywords: Islamic economy, Islamic system, poverty alleviation, fair distribution of wealth.

Obstacles to the Growth of Production from the Perspective of Islam

Sumayeh Yousefi / PhD in Quranic and Hadith Sciences, Meibod Ayatollah Haeri University usofi.sara@yahoo.com

Abstract

Islam demands the dignity and authority of Muslims in all fields, including the economic field, and work and production are the prelude to achieving this goal. Therefore, Islam attaches special importance to work and production and invites Muslims to it, and in a situation where the enemies of Islam are trying to bring them under their control by attacking the economy of Muslims with various tricks, Islam by enumerating the obstacles to the growth of production and relying on Various production activities invite them to face the enemies. Removing the obstacles to production and achieving the growth of production and self-sufficiency of Muslims and getting rid of the need from the lands of disbelief requires flawless methods and solutions that can only be extracted through a transcendental and divine school. Using the descriptive-analytical method and relying on the verses and sayings of the noble Imams, this research aims to introduce the obstacles to the growth of production in order to achieve the growth and economic authority of Muslims. According to the results, the obstacles to production are: polytheism, blasphemy, lack of necessary exploitation of natural capital, extravagance of production resources, sterile economic activities, wealth accumulation, concentration of wealth in the hands of the rich, lack of specialization in production, eyeing the enemy's facilities, usury, non-observance of production principles and standards in Islamic society.

Keywords: obstacles, production, Quran, Islam.

An Investigation into the Theoretical Foundations of Resistance Economy Components with an Emphasis on the Words of Amir al-Mominan Ali (PBUH)

✉ **Seyyed Hamed Unvani** / Ph.D. in theoretical foundations of Islam, Ferdowsi University, Mashhad

h.onvani@asaums.ac.ir

Seyed Mohammad Mortazavi / Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University, Mashhad

mortazavi-m@um.ac.ir

Vahideh Fakhhar Noghani / Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University, Mashhad

fakhhar@um.ac.ir

Abstract

The last trick of the domination system to bring the Islamic revolution to its knees is the economic war. To neutralize this tactic, the Supreme Leader has designed and announced

banking system and the existence of usury in banking operations without usury is due to the shortcomings of the current law, and by changing and amending the law, both problems will be solved. Using an analytical-descriptive method in this research, the second problem, that is, the existence of the suspicion of usury, has been investigated. The results show that several factors such as the shortcomings of the law of interest-free banking operations, the existence of problems in the content of executive statutes and circulars, problems related to the content of contracts, the unfavorable performance of bank managers and employees and customers, the complexity of combined contracts (used in usury-free banking) compared to usury loans, the inherent limitations of the bank institution as a basis for the realization of usury-free banking, each of them have been the basis of public mistrust. But what has been most effective is the fourth factor, which is the weak performance of the bank's operators and customers, which is due to the lack of necessary knowledge about the provisions of the contracts and also the lack of sufficient motivation towards its accurate implementation. It is suggested that the issue of training customers and bank operators and planning to promote the culture of compliance with the law and Sharia in banking contracts should be included in the text of the law and the central bank or another institution should be in charge of the training process in the country.

Keywords: usury-free banking, loan usury, elimination of usury, Islamic banking.

An Investigation into the Educational Effects of Zakat in Economic Ethics

Ya'qoub Jamali / Ph.D. in Economic Philosophy, IKI

ya.jamali@chmail.ir

Received: 2023/10/29 - **Accepted:** 2024/02/14

Abstract

The duty of zakat as one of the divine teachings has many effects in the field of economic ethics. One of these effects is educational consequences in economic ethics. The existence of moral anomalies in the context of society and the lack of recognition and analysis of the duty of zakat as an economic capacity to organize moral and educational issues is a problem that has been assigned to this research to investigate the educational effects of the duty of zakat in economic ethics. This research is done by desk-research and analytical method. The findings of the research show that the obligation of zakat as one of the economic issues raised in moral and educational affairs at the same time promotes social responsibility, creates intimacy and brotherhood, addresses the educational problems of working children, avoids ugly habits, strengthens faith and avoids disbelief, respect citizenship rights, strengthening social interaction, guaranteeing voluntary payment, improving people's motivations, educational justice, and strengthening social and personal relationships between people in the society.

Keywords: educational works, zakat, economic ethics, responsibility, citizenship rights, working children, social behavior.

Religion and Wealth: the Parameters of the Islamic Economic System in the Elimination of Poverty and the Fair Distribution and Production of Wealth

Saeed Mohammadbeigi / PhD in Islamic Economic Philosophy, IKI

Beigi.1992@gmail.com

Received: 2023/10/29 - **Accepted:** 2024/02/14

Abstract

The inequality of wealth distribution and production has been discussed in many researches; But the way of creating these inequalities and how to solve this problem has been investigated less in researches. In this context, one of the most important factors that has been less discussed in

choice in neoclassical economics, which is incompatible with the foundations and goals of Islamic economics. Using a descriptive-analytical method, this research divides the foundations of the theory of public choice in Islamic economy into two categories, theoretical and practical, and based on these foundations, considers the concept and function of the theory of public choice in Islamic economy to be different from its neoclassical approach. The theoretical and practical foundations of Islamic general choice theory show that the circle of personal benefit as the main motivation of human choice includes spiritual and otherworldly interests, which can be understood and followed only with developed rationality. The Islamic concept of public choice solves the main challenge of this theory, which is the conflict of personal interests with public interests and ultimately ignoring public interests, by expanding the scope of personal interests and provides the basis for reaching the economic goals of Islam, including social justice.

Keywords: theoretical foundations, practical foundations, public choice theory, Islamic economy, political economy.

The Role of Spirituality and Ethics in the Islamic Model of Economic Education

Mohammad Javad Tawakli/ Associate Professor, Department of Economics, IKI

tavakoli@iki.ac.ir

Received: 2023/10/29 - Accepted: 2024/02/14

Abstract

Many countries have tried to design a model of economic education and training to improve the level of economic knowledge of students before entering the university. In most models of economic education, the neoclassical model of rational economic behavior is promoted; A model that leads to the maximization of material profit. But the expansion of the logic of rational choice based on pleasure causes the marginalization of spirituality and ethics as two of the teachings of divine religions. This article seeks to compile the Islamic model of economic education in which spirituality and ethics play a pivotal role. Based on the findings of the research, the Islamic model of economic education seeks to strengthen moral/spiritual rationality in economic agents by using the rules and policies of Islamic economics. For example; Zakat institution is trying to cultivate the payers of this Islamic tax; This is while conventional taxes are compulsory and do not aim at spiritual and moral goals. In the model of Islamic economic education and training, paying attention to halal and good income is a strategy to strengthen spiritual rationality in economic agents. In this article, content standards are proposed for the model of Islamic economic education in which moral elements play an essential role.

Keywords: ethics, spirituality, economic education and training, Islamic economy.

An Analysis of the Causes of the Failure of the Banking System of the Islamic Republic of Iran in Gaining Public Trust Regarding the Elimination of Usury

Mahdi Khatibi / Assistant Professor, Department of Economics, IKI

m.khatibi@iki.ac.ir

Received: 2023/10/29 - Accepted: 2024/02/14

Abstract

Even though about forty years have passed since the approval of the usury-free banking operation law, many still doubt the success of the banking system in relation to the elimination of usury. Therefore, in addition to improving the efficiency of the banking system, some researchers have been looking for a review of the usury-free banking law for many years and have introduced the elimination of usury as one of their goals. It seems that they believe that the inefficiency of the

ABSTRACTS

The Pillars of Faith (Love)

Ayatollah Allameh Mohammad Taqi Mesbah Yazdi

Abstract

Knowledge is a necessary condition of faith; Faith cannot be obtained without knowledge. In addition to knowledge, faith requires love and inner tension. From the point of view of the Holy Qur'an, faith is a natural entity, and man cannot believe in God and submit to His commands and prohibitions with things that are incompatible with his nature. Therefore, faith cannot be achieved without love, and therefore believers have the greatest love for the Creator of existence. Faith has levels. The strongest grip of faith is that love, and hatred should be only for God and not for personal gain. This article is a commentary on the pillars of faith, especially love, by the late teacher Allameh Misbah Yazdi.

Shahid Sadr, Founder of Islamic Economy; Investigating the Position of Martyr Seyyed Mohammad Baqer Sadr in the History of Islamic Economic Thought

Mohammad Javad Tawakli / Associate Professor, Department of Economics, IKI

tavakoli@iki.ac.ir

Received: 2023/10/29 - Accepted: 2024/02/14

Abstract

In recent decades, discussions have been raised about the foundation of Islamic economy. Some thinkers such as Abul Ali Maududi (1979-1903) have been introduced as the father of Islamic economics. Using an analytical-historical method, this paper examines such claims. According to the hypothesis of the article, Martyr Seyyed Mohammad Baqer Sadr (1935-1980) deserves the title of founder of Islamic economy due to the systematic design of Islamic economic thought. The findings of the article show that Shahid Sadr was among the first thinkers who introduced Islamic economic system against capitalist, socialist and mixed economic systems. While criticizing the philosophical foundations of the socialist and capitalist economic system, he criticizes their central ideas and introduces an alternative view of the Islamic economic system. He was one of the first researchers who compiled the operational model of banking without usury. Also, by introducing the discovery method, he improved the study area of Islamic economics philosophy and methodology.

Keywords: Islamic economy, Seyyed Mohammad Baqer Sadr, father of Islamic economy.

The Foundations of Public Choice Theory in Islamic Economics

Mohammad Bidar Parchin Ulya / Assistant Professor, Department of Economics, IKI

Bidar.Mohamad@yahoo.com

Nasrullah Ansari / PhD in Economic Sciences, Islamic Humanities Higher Education Complex

nasransari@yahoo.com

Received: 2023/10/29 - Accepted: 2024/02/14

Abstract

One of the basic challenges in the public spheres, which has become an important issue in the new political economy, is the pursuit of material personal gain by individuals and ignoring public interests. This issue has led to the emergence of the theory of public

In the name of Allah

MARIFAT

Scientific monthly in the field of humanities

Vol. 32, N. 10, Special of Economic, Jan 2024

A Publication by Imam Khomeini Educational and Research Institute

Editor in Chief: Seyed Ahmad Rahnamaei

Editor: Abolfazl Sajedi

Secretary of Economic Department: Mahdi Khatibi

Coordinator: Ruhollah Farisabadi

Print Supervisor: Hamid Khani

Print: Zamzam

Editorial Board: (In alphabetical order of the group name)

Hoj. Dr. Sayyid Akbar Hosseini (Religious) - the IKI - Associate

Dr. Mohsen Khandan "Alviri" (History) - Baqerul Uloom University - Professor

Ayatollah Professor Mahmoud Rajabi (Quranic Interpretation and Sciences) - the IKI - Professor

Hoj. Dr. Muhammad Fooladi (Sociology) - the IKI - Associate

Dr. AbbasAli Kadkhodaei (Law) - University of Tehran - Professor

Dr. Mohammad Karim Khodapanahi (Psychology) - Shahid Beheshti University - Professor

Hoj. Dr. Alireza Kermani (Erfan) - the IKI - Associate

Hoj. Dr. Abbas Ali Shamli (Educational Sciences) - Al-Mustafa International University - Associate

Dr. Mohammad Fanaei Askeviri (Philosophy) - the IKI - Professor

Hoj. Dr. Abolfazl Sajedi (Theology) - the IKI - Professor

Articles in this publication are available in sid.ir; isc.gov.ir; magiran.com; noormags.ir.

Address: Qom - Amin Boulevard, Islamic Republic Boulevard - IKI, Fourth Floor - No. 33.

S. C: 186-37165 / **Phone:** (Editorial) 32113468 - (Subscribers) 32113474 - Fax: 32934483 (025).

Email: marifat@qabas.net

Internet: www.nashriyat.ir

Website: nashriyat.ir/SendArticle

Marifat (Online): 2980-8383